

گسترده‌تر باشد و اگر هنگام جنگ در میدان و پشت مرکب باشد. مَزدا از آنان یاری خواست برای نگهبانی آفرینشی که از سویش توسط شپنثامینو انجام پذیرفته بود، برای نگاهبانی آسمان، آب، زمین و گیاه و ستوران...
"کرده ۳"

آنان در دوستی استوار و نیک کردارند و در یاری برای آنان که طالب باشند و بخوانندشان شتاب کنند. آنان بر سپاه دشمنان از بالا با نیرومندی فرود آیند و هرچند هم نیرومند و قوی باشند، نابودشان گردانند. آنان نسبت به دوستان و راستان وفا دارند و دلیراند و درمان بخش‌اند و آنقدر که سطح فراخ زمین برای‌شان کوچک و درازنای رودها برای‌شان تنگ و در بلندی از خورشید فراتر... (کرده ۴ تا ۷)

دو گروه به هنگام جنگ، آن که دنبال می‌کند و آن که می‌گریزد، هر دو فَرَوَشیان را ستایش کرده و به یاری می‌طلبند. اَمَا فَرَوَشیان به یاری آن سپاهی خواهند آمد که به راستی ایمن داشته باشند و فدیهای شایسته داده باشند و پارسایان از آنان خشنود باشند.

هنگامی که خُشتاوی‌های xaštāvi دلیر با دانوهای dānū تورانی می‌جنگیدند، این فَرَوَشیان توانای پاک بودند که مسلح و با درفش‌های افراشته به یاری خُشتاوی‌ها رسیدند و بر اثر آن دانوها شکست یافته و منهزم شدند، چنانکه به همین ترتیب و یاری فَرَوَشیان بود که کَرَشَنزها نیز پیروزی یافتند. آنان به تعقیب دشمن کسانی که از پیروان راستی‌اند و یاری خواسته‌اند پرداخته و دو سوی صف‌های چپ و راست سپاه را درهم شکسته و با چالاکی آنان را درهم می‌کوبند. "کرده ۱۰ - ۸"

به هنگام چون از آنان درخواست شود، به دشمن حمله کنند، چون آسایش و نعمت از آنان طلب شود، برکت و ستایش بخشند، که دارای جلال و شکوه و درخشندگی پیکر و رستگاری روان می‌باشند.

هر آن کس که چون زرتشت، آنان را از روی راستی و آیین بستاید، کامیاب خواهد شد، چنان که زرتشت کامیابی یافت به هنگامی که در سختی و خطر قرار داشت. چون از آنان درخواست یاری شود، به تندی

آن‌که اندیشه‌ای بر آدمی بگذرد، از بالا به یاری آن‌که خواستار یاری است می‌شتابند. در فضا، ستاره ستَوَیْسه satavaasa را برمی‌انگیزند که باران بیارد تا گیاهان برویند برای تغذیه چهارپایان و آسایش انسان و نگاهداری سرزمین‌های ایران. "کرده ۱۱"

فَرَوَهْرهای سودبخش نیرومند پاکان را می‌ستاییم که در هَمَش پَت مَیْدیه hamaspaθmaedaya از جایگاه خود بیرون می‌آیند و ده شبانه‌روز برای کمک در این جا به سر می‌برند و آگاهی به دست می‌آورند [و این چنین می‌گویند]:

"چه کسی ما را می‌ستاید؟ چه کسی نیایش به جا می‌آورد؟ چه کسی سرودهای دینی می‌سراید؟ چه کسی نماز به جا می‌آورد؟ چه کسی پذیرا می‌شود؟ با درد دست داشتن خوراک و داشتن پوشاک. با نماز راستی افزا. نام کدام یک از ما را در این جا خواهد خواند؟ روان کدام یک از ما را خواهد ستود؟ برای کدام یک از ما او دهش خواهد کرد از آن چه هست خوراک گوارای تازه برای همیشه و جاودان."

آن‌گاه کسی که او از روی راستی ستایش به جا می‌آورد با درد دست داشتن خوراک و داشتن پوشاک، با نماز راستی افزا، فَرَوَهْرهای ناآزرده نرنجیده توانای پاکان، با خشنودی برای او نیایش به جا می‌آورند:

"باشد در این خانه زندگی با گروه دلاوران. باشد اسب تندرو و گردونه استوار. باشد هر آینه نیرومند سرور انجمن که ما را از روی راستی بستاید با درد دست داشتن خوراک و داشتن پوشاک، با نماز راستی افزا." "کرده ۱۳"

فَرَوَهْرهای نیرومند پاکان را می‌ستاییم که آبها را که پس از آفرینش ساکن بودند، روان کردند به سوی سرزمین‌های مزدا آفریده تا خشنود گردانند آهورامزدا و امشاسپندان را. که راه نمودند گیاهان را که پس از آفرینش در جای خود بی‌حاصل بودند در سرزمین‌هایی که حاصل‌خیز بودند، که به حرکت و گردش درآوردند ستارگان و ماه و خورشید را که پس از آفرینش به موجب ستیزه و دشمنی دیوها در جای خود بی‌جنبش بودند. "کرده ۱۴-۱۶"

فَرَوَهْرهای نیرومندِ پاکان را می‌ستاییم که ۹۹۹۹۹ هزار آنان به نگاهبانی دریای "فَرَاخْکَزْت" گماشته‌اند و به‌همین طریق از ستاره هفت‌وزنگ، پیکر کرشاسپ و نطفه زرتشت نگاهبانی می‌کنند. "کرده ۲۰-۱۷"

هر سردار و فرماندهی در میدان نبرد، هرگاه پیرو راستی باشد و فَرَوَشیان از وی راضی باشند، آن‌گاه فَرَوَهْرها در کنارش بر ضد دشمن خواهند جنگید. آنان مظهر خیر و برکت و درمان‌بخشی و نیرومندی می‌باشند و هر جایی که نذور و فدیة برای‌شان اهدا شود، ده‌ها هزار فرود می‌آیند. چون آب مرزا آفریده از دریای "وُوروگَشته" روان شود، آنان مترصدند تا سهم آب را برای خانه و روستا و شهر خود ببرند. آوا سر می‌دهند که سرزمین‌های ما باید سیراب و پُر محصول باشد. آنان هر یک از خانه و سرزمین خود، در لباس وصف جنگ آماده مدافعه و نبردند. هرگاه سردار فرمانروای شهر مورد تهاجم دشمن واقع شود، آن فَرَوَهْرهای توانای پاکان را به یاری فرا می‌خواند و هرگاه آن پاکان پارسا، از وی راضی و خشنود باشند، از بالا چون پرنده‌گانی برای یاری به سویش پرواز خواهند کرد و با شتاب به دشمن حمله خواهند برد و به آنان هیچ جنگ ابزاری هرچند خوب ساخته شده و مؤثر هم باشد، کارگر نشود... "کرده ۲۲-۲۰"


از بند ۷۴ ستایش فَرَوَهْرانی آغاز می‌شود به شکل مقدمه، تا از فَرَوَشی "آهورامزدا و فَرَوَشی امشاسپندان ستایش می‌شود. از بند ۷۴ تا ۷۹ فَرَوَشی سوشیانت‌ها، یعنی نه فَرَوَشی، بلکه دین‌شان (= دَئِنا، وجدان، نیروی مینوی و روحانی) ستوده می‌شود. آن‌گاه روان چهارپایان و روان جانوران بری، بحری، پرنده‌گان، چرنده‌گان و خزندگان ستوده می‌شود. در بند ۷۵ فَرَوَشی دلیران، چابک‌ها، و زورمندان ستوده می‌شود. ارج و کارکرد و مؤثر بودنشان در نگاهداری آفرینش بسیار جالب توجه است. بندهای ۷۶ تا ۷۸ از مؤثر بودن این فَرَوَشی‌ها سخن است در نگاهداشت آفرینش:

فَرَوَهْرهای توانای پاک و کوشا در میان آفریده‌های دو مینو

نیرومندترین هستند. هنگامی که دو مینو به آفرینش پرداختند، مینوی بد بر آفرینش **وَهوآئنه** چیره شد. پس در این میان **وَهومَنه** و آتش درآمدند و دشمنی مینوی بد را درهم شکستند که آب‌ها را از جریان نتواند بازدارند و گیاهان را از رویدن و بالیدن نتواند بازداشت. پس آب‌های بسیار تند و روان آفریننده توانا، اهورامزدايِ فرمانروا جاری شدند و گیاهان شکوفا شدند. همه آب‌ها و گیاه‌ها و **فَرَوَهَر**های پاک و نیرومند را می‌ستاییم. در میان همه فروهرها، **فَرَوَشی** بزرگتر، نیرومندتر، زیباتر، درخشان‌تر و کارسازتر **آهورامزدا** را می‌ستاییم، که روان روشن و درخشان، کلام مقدس است که به جلوه‌های **آمشاسپندان** ظاهر می‌شود. "کرده ۲۲"

فَرَوَشیهای آن فرمانروایان تیزبین و نیرومند و جاودانی و اهورایی **آمشاسپندان** را می‌ستاییم. آن پاکان که هر هفت در اندیشه، گفتار و کردار یکسان عمل کنند و هر هفت را یک بزرگ و پدر است که **اهورامزدا** می‌باشد. آنان به پیکر اثری یکدیگر را دیدن توانند کرد و این پیکر اثری جز به اندیشه و گفتار و کردار نیک نیندیشد. "کرده ۲۳"

۵. بهرام یشت / وِرِئَرَعَنَه

وِرِئَرَعَنَه یا بهرام ایزد جنگ و پیروزی است. یکی از خدایان عالی‌جناب  عصر اوستایی / ودایی به‌شمار می‌رود که اساطیری را به‌شکل کهن در ضمن سرود به همراه دارد. در شمار یشت‌ها، یشت چهاردهم موسوم به بهرام یشت در رثا و ستایش این خداوندگار روزگار و روزگار عصر هندو ایرانی است که در ریگ‌ودا نیز درباره‌ی وی مطالبی وارد است. در این یشت و سرود خدایگانی بهرام، مؤلفان و نویسندگان زرتشتی اوستا، نیز با افزودن شروحي، **وِرِئَرَعَنَه** را لباس زرتشتی پوشانیدند و او را آفریده **آهورامزدا** معرفی کردند. اما در این یشت، بسیاری از باورها، مراسم آیینی و یادگارهای حماسی و شه‌سواری عصر آریایی مقدم قابل مطالعه و دارای اشارات و مضامینی شایان توجه است. جهت آگاهی‌های

پژوهشی و تطبیقی و اساطیری، نگاه کنید به مدخل وَرْتَرَعْتَه / بهرام در دانشنامه ایران باستان. اینک به خلاصه‌ای از بهرام یشت به نقل از اوستا، کهن‌ترین گنجینه ایران باستان توجه کنیم:

بهرام اهورا آفریده را می‌ستاییم.

زرتشت از آهورامزدا پرسید: ای اهورامزدا، ای مینوی پاک، ای آفریننده این جهان مادی، ای بخشنده‌ترین از میان مینوی ایزدان، کدامین جنگ‌افزار نیرومندتر و پیروزمندترین است؟ الهام شد از اهورامزدا به زرتشت اسپتتمان که: آن پیروزمندترین ایزد، بهرام اهورا آفریده می‌باشد. آن‌گاه برای نخستین بار، بهرام اهورا آفریده در کالبد باد تندوزان زیبای مزدا آفریده نمودار شد به سوی زرتشت و فرّ نیک مزدا آفریده را بیاورد که درمان‌بخش است و نیروزا.

پس بهرام دلیر و نیرومند گفت: در پیروزی پیروزمندترین هستم. در فرّ و شکوه فرهمندترین و شکوهمندترین هستم. در بخشش بخشنده‌ترین هستم. در سود سودمندترین هستم و در درمان‌بخشی درمان‌بخش‌ترین می‌باشم. و در هم خواهم شکست همه بدی‌ها را، همه آسیب‌های دشمنان و زشت‌کاران و جادوان و بی‌دادگران و ظلم‌گوی‌ها و گزین‌ها را. می‌ستاییم بهرام مزدا آفریده را که فروغمند است و با فرّ و شکوه. می‌ستاییم بهرام اهورا آفریده را به آیین نیک دین مَزَدَیْسَنی: با زور، با هوم به شیر آمیخته، با بَرَسَم، با زبان از خرد توشه یافته، با سخن ایزدی، با گفتار و کردار نیک.

آن‌گاه برای دوم بار، بهرام اهورا آفریده در کالبد گاو نر زیبایی نمودار شد؛ زرین گوش و طلایی شاخ که به بالای شاخ‌های او، ایزد آمه نیک آفریده و بسیار زیبا نشسته بود. این چنین بهرام اهورا آفریده نمودار شد و فرّ نیک مزدا آفریده را آورد.

پس برای سوم بار، بهرام اهورا آفریده در کالبد اسب سپید زیبایی نمودار شد، زرینه گوش و با زین افزار طلایی که بر پیشانی او آمه، ایزد نیک آفریده شده و بسیار زیبا آشکار بود. این چنین بهرام اهورا آفریده نمودار

شد.

آن‌گاه برای بار چهارم، بهرام اهورا آفریده در کالبد شتری نیرومند و رام و آموخته و راهوار و چالاک و تیز تک و باربر نمودار شد.

شتری که میان همه نران جفت‌جو، زورآورتر و نیرومندترین است. که باهوش است و به‌خوبی و شایستگی ماده شترانی را که در پناه اویند نگاهبانی و محافظت می‌کند. شتری که بارکش است و پاهای بلند و نیرومند دارد و قوی کوهان و هوشیار و تیزبین و دورنگر است در تیره شبان، که بر پاهای نیرومند خویش باشکوه ایستاده و کف سپیدرنگ می‌باشد و چون شهریاری مقتدر، مطمئن به اطراف می‌نگرد.

پس برای پنجمین بار، بهرام اهورا آفریده در کالبد گرازی تیزدندان و دلیر و جسور و مهاجم و تیزچنگ نمودار شد که به یک ضربت بکشد، و خشم‌آگین و غرش‌کنان، صف دشمن را درهم شکنند که بس تنومند و دلیر و زورآور است.

آن‌گاه برای ششمین بار، بهرام اهورا آفریده در کالبد جوان پانزده ساله زیبای درخشان پوست و روشن چشم نمودار شد با پاشنه‌هایی کوچک که چُستی و چالاک‌ی را بیانگر است.

پس برای هفتم بار، بهرام اهورا آفریده در کالبد مرغ شاهین با پرهای کشیده (مرغ بال‌زن) نمودار شد؛ آنکه میان مرغان تند پروازتر و چالاک‌ترین است و دورپروازترین، که با چنگال‌های قوی و نیرومند از پایین شکاری را به دام اندازد و با منقاری استوار و محکم از بالا، آن را بدرد و پاره کند.

تنها شاهین پرکش و تیز پر است از میان همه جانداران که سریع‌تر از تیر پزان پرواز می‌کند و هیچ‌گاه تیری به او نمی‌رسد. در آغازین آغاز سپیده‌دمان، نه هنگام‌های تیره‌شبان، راست و استوار به پرواز درمی‌آید به دورها تا خورشید و مترصد و جویای یابیش خوراک در قلّه کوه‌ها، در صخره‌ها و تنگه‌ها و ژرفای دره‌ها و فرازین شاخ درختان با گوش‌هایی شنوا و حسّاس.

آن‌گاه برای هشتمین بار، بهرام اهورا آفریده در کالبد میش دشتی بسیار زیبای پیچیده شاخ نمودار شد.

پس برای نهمین بار، بهرام اهورا آفریده در کالبد بز جنگی زیبایی درآمد با شاخ‌هایی سر تیز و بزّان.

آن‌گاه برای دهمین بار، بهرام اهورا آفریده در کالبد پهلوانی دلیر و کامیار و زیبای مزدا آفریده نمودار شد در حالی که دشنه‌ی زرّینه با دستینه نقش‌دار و مزین در دست داشت با پوشش‌هایی آراسته.

می‌ستاییم بهرام اهورا آفریده را که توانایی و زورمندی بخشید، که مرگ و تباهی آرد، که کامیاب کند صلح‌پیشگان و آشتی‌گرایان را.

زرتشت پاک بستود او را برای پیروزی در اندیشه و برای پیروزی در گفتار و برای پیروزی در کردار و برای کامیابی در امر رسالت خویش و برای موفقیت در اعلام برنامه‌های دین.

آن‌گاه بهرام اهورا آفریده به او داد بهترین راستی و نیرومندی و قوت در بازوان و کارکردی زورمندانه در همه اندام‌ها و آن‌چنان تیزبینی و دورنگری که ماهی کَر دارد، که کوچک‌ترین موجی را از ژرفای آب به اندازه هزار بلندی پیکر آدمی می‌بیند در آب رَنگ‌های دور کرانه. آن‌چنان بینایی که یک اسب نر دارد، که به شبان تیره و تاریک می‌شناسد یک موی اسب را بر زمین که از یال است یا از آن دُم. آن‌چنان بینایی که کرکس زرّین رنگ دارد که می‌بیند از بلندی و فرازنا‌ی فراز، به فاصله‌ی که نه بخش زمین دارد، پاره گوستی را به اندازه یک مشت آدمی و بسا کوچکتر هرگاه سر سوزنی باشد.

می‌ستاییم بهرام اهورا آفریده را که فروغمند است و با فرّ و شکوه. می‌ستاییم بهرام مزدا آفریده را به آیین نیک دین مَزْدَیَسَنَی: با زور، با هوم به شیر آمیخته، با بَرَسَم، با زبان از خرد توشه یافته، با سخن ایزدی، با گفتار و کردار نیک.

می‌ستاییم بهرام اهورا آفریده را؛ چون کسی بستاید وی را و راه آیین نگاه دارد، نیرومندی و زور بخشاید، آن‌چنان‌که از نیروی نهفته در وی،

دشمنان همه به واهمه و هراس درآیند. نیرویی که امیران و بزرگان و بزرگ‌زادگان در آرزو و خواست آن بودند، که کی کاووس در آرزوی آن بود، آرزوی نیرویی که اسبی نر، شتری باربر و آب تند روان در بردارد که کشتی بتواند در آن راه پیماید.

آن نیرویی که فریدون دلیر نهفته در خود داشت که به موجب آن شکست داد و به بند درآورد آزدی‌دهاک سه پوزه سه کله شش چشم را که دارای هزار نیرنگ بود و بسیار زورمند و استوار قامت، که پلید بود و زیان‌آور و گمراه‌کننده مردمان، که فریفته راه اهریمنی بود و بر آن که جهان پاک اهورایی را تباہ و ویران سازد.

می‌ستاییم بهرام اهورا آفریده را. باشد که فرّ و پیروزی بهرام این جهان نیک آفریده شده را ببوشاند، هم‌چنان که مرغ سینه saona با بال‌های گسترده خود و ابرهای وسیع باران‌زا با سایه‌های خود کوه‌ها را می‌پوشانند.

پرسید زرتشت از اهورامزدا: ای اهورامزدا می‌نوی، ای پاک، ای بخشنده‌ترین، ای آفریننده جهان هستی، در کجا بهرام اهورا آفریده را شایسته است ستایش کردن و فراخواندن برای یاری؟

پس پیام رسید از اورمزد که: ای زرتشت هنگامی که دو سپاه آراسته و آرایش پیکار گرفته در برابر هم قرار گیرند، رزم‌آوران و دلاوران هیچ یک از دو سپاه به پیروزی نهایی یا شکست قطعی دست نمی‌یابند. پیروزی از آن کسانی است که ایزدان؛ آمه نیک آفریده شده و بهرام اهورا آفریده را بستانند و رسم نیایش بگزارند.

ستایش و هم‌چنین درود و آفرین به ایزدان آمه نیک آفریده شده و بهرام اهورا آفریده که نگاهبان و یاور پاکان و دوستان خود هستند، که یاران را پناه می‌دهند، که دشمنان را می‌پراکنند و نابود می‌کنند و به هر سو می‌رانند.

بهرام میان صف‌های آراسته سپاهیان درآمد با مهر (ایزد پیمان) و رشن (ایزد دادگری) و به بانگ می‌گوید: چه کس پیمان‌شکنی پیشه داشته، چه کس راه دادگری نپیموده؟ پیمان‌شکنان و بی‌دادگران را براندازم با نیرومندی، و پریشان و درمانده سازم.

اهورامزدا گفت: هرگاه مردم به شایستگی رسم ستایش و نیایش را برای بهرام به جا آورند که از روی ایمان و صفا و راستی باشد و آیین را نگاه دارند، به سوی کشورهای آریایی دشمن درنیاید، بیماری و سختی و قطعی روی نکند و بلای جنگ درنگیرد.

پرسید زرتشت از اهورامزدا که: شایسته ترین و برازنده ترین ستایش و رسم نیایش که از روی راستی باشد، برای بهرام چگونه است؟
پیام رسید از اهورامزدا: ای زرتشت، برای او مردمان آریایی زوز فراهم کنند، بزسم بگسترانند و گوسپندی قربانی کنند به رنگ سپید یا هر رنگ زیبایی دیگر که به یک رنگ باشد.

اما از این نذور به راهزنان، زنان بدکاره، برهمزنان نظم و قانون، تباه کنندگان طبیعت و آفرینش نیک؛ و آنان که به دین اهورایی زرتشتی در نیامده اند نباید داده شود؛ چون هرگاه نذور بهرام ایزد به چنین کسان داده شود، بهبودی و پیروزی و فراخی نعمت از میان مردم برود و به کشورهای آریایی آفت ها و آسیب های فراوان برسد.

اما مردم تباهکار و دیوپرست، آیین ها و رسم های بد و ناشایسته انجام می دهند. اهورامزدا آنگاه همی ندا در داد: آیا بهرام و گشوش اوزون gauš-ūrvan شایسته ستایش و برازنده نیایش نیستند؟! مردم تباهکار و یامبوزه vyāmhuza و پیروان دیویشنی در راه و رسم انجام مراسم دین، خون روان می کنند و قربانی های بسیار با شکنجه می گزارند و آتش را با نهادن سوختنی های بدبو و پردود آلوده می کنند و چارپایان قربانی را کمر در هم می شکنند و اندام هایش را سخت می آزارند و دیگر زشتی های فراوان مرتکب می شوند.

می ستاییم بهرام اهورا آفریده را. به دست می گیرم شاخه های هوم را، می آشامم فشرده هوم را که نگاهبانی می کند چیزهای خوب را، که نگاهبانی می کند و محافظت از بدی، که پشتیبانی می کند دوستان را، که در جنگ سبب پیروزی بر دشمن و چیرگی می شود. که سپاه ستیزه گر شکست می یابد و تقدیس کننده هوم کامیاب می گردد.

خواستارم نیرو برای همه دامان. درود می‌گویم همه دامان را. گفتار و کردار نیک آرزومندم برای دامان رعایت شود، خواهانم که خوراک برای‌شان فراوان باشد و خوب پرورده شوند. باشد که بتوانیم با کوشش شمارشان را زیاده گردانیم، چون که دامان خوراک ما را تأمین می‌کنند.

می‌ستاییم بهرام اهورا آفریده را، که صف‌های آراسته دشمن را می‌پراکند و از هم می‌پاشد و منهزم و نابود می‌کند. می‌ستاییم بهرام اهورا آفریده را که بر ضد دیویسنی‌ها و نیرنگ‌کاران و جادوان و پری‌ها و کوی‌ها و کزین‌هاست، اوست که صفوف منظم سپاهیان سرزمین‌هایی را که یگانه شده و دروغ و پیمان‌شکنی شعار و پیشه ساخته‌اند، درهم شکند، دست‌هاشان را از کار بیندازد و بینایی از چشم‌هاشان فرو گیرد و گوش‌هاشان را از شنوایی بازدارد که بیش نتوانند مقاومت کنند و تباهی بیافرینند.

می‌ستاییم بهرام مزدا آفریده را که فروغمند است و با فرّ و شکوه. می‌ستاییم بهرام اهورا آفریده را به آیین نیک دین مزدیسنی با زور، با هوم به شیر آمیخته، با بَرَسَم، با زبان از خرد توشه یافته، با سخن ایزدی؛ با گفتار و کردار نیک.

۶. آرت یشت

یشت هفدهم، سرودی است در ستایش و رثا و توصیف ایزدبانو آرت Art یا آشی و نگوهی Aši.vanguhi. مضامین این سرود بسیار کهن روزگار است تا جایی که دوران باورهایی را دربارهٔ مناسبات خانوادگی میان ایزدکده آریایی باستان بیان می‌کند. در این جمع خانوادگی، آهورامزدا پدر و سپندارمذ مادر آرتّه (در کتیبه‌های هخامنشی آرتّه، در سانسکریت زیتا و در اوستایی آشه) معرفی می‌شوند و سروش / سَرَاشه و زشنو و میترا پسران آهورامزدا و برادران آشی و دژنا خواهرش می‌باشد.



در اُرت یشت به توصیف نوعی زندگی پرتجمل و رفاه عصر آریاییِ مقدّم و اشاراتی درباره‌ی بازرگانی و اخلاق و مناسبات جنسی و اخلاقی در خانواده و اجتماع برمی‌خوریم که برای محققان بسیار شایان توجه است. اینک به نقل فشرده و مختصری از این سرود توجه کنیم:

می‌ستاییم اشی و نگوهی را که زیبا اندام است و گردونه‌اش به استواری روان است، که بخشنده‌ی ثروت و برکت است و درمان‌بخش و نیرومند و بسیار هوشمند *پرتو.ویتر* pereθū-vira.

از مزداست هم‌چنان که امشاسپندان از اویند. داننده است هم‌چون سوشیانت‌ها، و چون خوب ستایش شود، به ستایشگر دانایی و شناسندگی بخشد، خواه این آیین‌گزاری از سرزمین‌های دور باشد یا نزدیک، و هر که بستاید وی را، چونان است که مهر را ستوده باشد.

ای اُرت زیبا و فروغمند و درخشان و شادی‌افزا، در هر خانه‌ای که از روی راستی و نیکی ستوده شوی، بدان فرود آیی و به مردان آن خانه فرّ و شکوه‌بخشی و نیکی‌هایت را بهره‌شان سازی و آن خانه از خوشی و آسایش سرشار شود. در سرزمین‌هایی که با آیین‌گزاری و از روی نیکی ستوده شوی، مردانش با شهریاری بر خود زیست کنند با خوراک فراوان، آسایش سرشار از شکوه و ثروت و نعمت و برکت فراوان، خانه‌های زیبا و استوار و دام‌ها و ستورهای انبوه. در چنین خانه‌هایی، همسران زیبایشان با آرایش و زینت‌های گران‌بها در انتظار شوی که چه هنگام به‌درآیند و از آسایش و لذت سرشار شوند. دختران‌شان نیز به‌نهایت زیبایی و با زینت و افزارهای گران‌بها آراسته گردند، آن‌چنان که هر بیننده را سرشار از لذت کنند، و تو ای اشی نیک حامی و نگهبان آنان هستی. اسب‌های تندتاز و تیزتک و پرهیبت‌شان، گردونه‌ها را با هیجان به حرکت درآورند و ستایشگران تو بر آن گردونه‌ها، بانیزه‌های بلند و پیکان‌های برّان به دشمن حمله برند و تعقیب‌شان کنند و پیروز شوند. شترهای پرهیبت و جسورشان، با کوهان‌های بلند برهم بتازند و پیشی گیرند و بر پشت‌شان، کاروان‌هایی از کالاها و سیم و زر حمل شود از سرزمین‌های دور که همراه

با کاروانیان و خدمت‌کاران در چنین سراهایی فرود آیند. هر که را که تو یار باشی و پشتیبان، ای اَشی نیک، این چنین برخوردار باشد از نعمت و برکت و نیرومندی و شکوه و آسایش.

از بند پانزدهم تا بند بیست و دوم که پایان کرده‌دوم است، سخنان زرتشت خطاب به اَشی و نگوهی می‌باشد:

نظر خود را معطوف به من نما و بخشایش خود را به من مرحمت نما ای اَشی بزرگوار و زیبا. تو را پدر آهورامزداست و مادر سَپینتا آزمتی تی. برادران تو سروش پاک و رَشنوی بزرگوار و مهر دارنده دشت‌های فراخ هستند و دَینای مَزَدَیَسنا تو را چونان خواهری است.

اشی نیک و بزرگوار چون این سخنان را بشنود، گردونه خود را متوقف کرده و گفت: کیستی که از من سخن می‌گویی؟ - ای کسی که کلامت برای من بسیار گوش‌نواز است.

زرتشت گفت: من هستم سَپی تامه زرتشت. نخستین کسی که نماز آشه وَهیشته (اَشیم وُهو) را برخواند. نخستین کسی که آهورامزدا و آمشاسپندان را ستایش کرد. کسی که به گاه زایشش، آبها روان شدند و گیاهان به خرمی نمو کردند. کسی که به گاه تولدش، انگره مینو بگریخت از این زمین گسترده بسیار فراخ و بانگ زد که همه ایزدان نتوانستند مرا برانند، اما زرتشت مرا براند. وی نماز آهونه و تیریه (یتا آهو و تیریو) را برخواند و مرا بسوزانید چنان‌که با فلز گداخته بسوزانند. و چنانم کرد که بهتر توانستم بگریزم از این زمین.

چون سخن زرتشت را اَشی نیک بشنود، گفت: به گردونه من اندر آی، ای زرتشتِ درست کردار و بر آن تکیه کن. زرتشت چنین کرد (اشی او را در حمایت بگرفت) و اَشی گفت: ای زرتشت، تو نیکوکاری و درست آفریده‌ای با پاهای خوب و بازوان بلند و پیکر درخشانده از فرّ و روانی که در خود خوشبختی جاودانه دارد و این‌ها را به راستی به تو می‌گویم.

موضوع چهارم در یشت هفدهم درخواست هفت تن از شهریاران نامدار است که برای کامیابی، اَشی و نگوهی را ستودند و بر

درخواست‌هاشان کامیاب شدند. در هفت کرده - هر کرده‌یی شرح خواهش و کامیابی یکی از این نامداران است، چنانکه در یشت‌های دیگر همانند و مشابه آنها گذشت.

ابتدا "هوشنگ پیشدادی" در بلندی کوه هَرا، وی را ستوده و درخواست می‌کند که به همه دیوان چیره شود، و کامیاب می‌شود. دومین شهریار "جمشید" است که وی نیز در بلندی کوه هَرا، ایزد را می‌ستاید و می‌خواهد تا برای مردمان، دام‌ها و چراگاه‌های خوب فراهم کند و بر مرگ و بیماری غلبه یابد و زندگی خوشی را برای آفریدگان آهورامزدا روی زمین بگسترده و ایزد وی را کامیاب می‌کند. آن‌گاه "فریدون" در مملکت چهارگوشه ورنه وی را می‌ستاید تا بر "دَهاک" (ضحاک) پیروز شود و شهرناز و آژنواز arenavak را از بند وی آزاد سازد، و فریدون نیز در آرزوی کامیاب می‌شود.

هوم پارسا نیز ایزد را ستایش کرده و درخواست می‌کند که بتواند افراسیاب را دستگیر کرده و به گی خسرو تحویل دهد و این مرد پارسا نیز قرین کامیابی می‌شود. گی خسرو نیز مراسم ستایش به جای آورده و می‌خواهد تا در آرزوی پیروزی بر افراسیاب است، برای کین خواهی آفریزت "آخَرِیْرَه" ayraereθa و سیاوش syavaršna پیروز شود و ایزد وی را نیز کامیاب می‌کند.

زرتشت در ایرانویج، کنار رود دای تیا، آشی را می‌ستاید و می‌خواهد تا در تبلیغ هوتَه‌اَسا Hutaosâ، همسر کوی ویشناسپ به آیین نیک مزدایی توفیق یابد و موفق می‌شود.

آخرین درخواست‌کننده گی گشتاسپ است که وی نیز در ایرانویج، کنار رود دای تیا ایزد را ستوده و می‌خواهد تا بر رقیب نیرومندش، آشته آئوزوئنت ašta-aurvant غلبه کند و ارجاسپ تورانی را براندازد و بر عده‌ای دیگر از دیویسنان تورانی پیروز شود، و در همه آرزوهایش چون دیگران موفق می‌شود. "کرده ۹-۳"


آشی ونگومی گفت: از آب زوری که برای من نیاز می‌شود نباید

بیاشامند، نه مردانی که عقیم هستند و نه زنان هرزه‌ای که دشتان نمی‌شوند و نه کودکانی که به سن تمیز نرسیده‌اند و نه دخترانی که هنوز شوهر نکرده‌اند.

بندهای پنجاه و پنج و پنجاه و شش اشاره است به نبردهایی که میان نوذریان و تورانیان درگیر می‌شود. آشی نیک می‌گوید من خواستم به آنان یاری دهم، اما نتوانستند از یاری من برخوردار گردند.

از بند پنجاه و هفت تا پایان یشت، ایزدبانو آشی و نگوهی به گله و شکایت می‌پردازد از کسانی که اعمالی ناشایسته انجام می‌دهند و وی را آزرده می‌کنند. زبان شعر در این بخش نیز هم‌چنان زیبایی و لطافت خود را حفظ کرده است. این مطالب تنفر ایرانیان را از بی‌ترتیبی‌های جنسی و هرج و مرج نشان می‌دهد و گویای آن است که این مردم تا چه اندازه چنین شیوه‌ای را نکوهیده می‌دانستند: ایزد آشی نیک گله و شکایت می‌کند از زن بدی که فرزند نزاید. می‌گوید: به خانه چنین زنی داخل مشوید و در بستر او نیارامید. شکایت می‌کند از زنی که کودکی از مردی جز شوهر خود به دنیا آورد. شکایت می‌کند از مردانی که بدون ازدواج با دختری، وی را آبستن می‌کنند و می‌گوید: این نارواترین کاری است که مردی ظالم انجام دهد. و سرانجام، یشت هفدهم با ستایش و درود برای ایزد آشی پایان می‌یابد.

۷. زامیاد یشت / یشت فرکیانی

یکی دیگر از نخله‌های اعتقادی و باوری در ایران باستان و عصر  آریایی مقدم، باور و اعتقاد به خورته / خوره یا قر بوده است. نیرویی نادیدنی و مینوی و به‌گونه‌ی بارقه‌ای آهورایی یا مرموز و جادویی که هرکس یا هرچیز و شیء که از آن برخوردار می‌شد، صاحب شکوه، قدرت، رایومندی و فرهنگندی و نیرو و توانایی ویژه‌ای می‌شد که دیگر کسان از آن محروم بودند.

دارندهٔ فرّ، در پهلوانی و زورمندی و شکست‌ناپذیری هرگاه سلحشور و جنگاور و پهلوان بود، از همگنان برتر شده و تا هنگامی که از شاهراه راستی و درستی و طریق آشایی و پارسایی و دین‌باوری منحرف نمی‌شد، این نیروی جادویی با وی همراه بود. شاهان و فرمانروایان نیز تا هنگامی که دین‌باور و سالک در شاهراه حقیقت، عدالت و حکمت و رأفت بودند، همواره در کار خود پیروزمند بودند. عارفان، دانایان و حکیمانی نیز که در سلوک طریق راستی و درستی بودند نیز هم‌چنین. فرّ یا خورنه / خَرّه به هرکسی که به‌خواست آهورامزدا تعلق می‌یافت، به‌شکلی هاله مانند از نور، چهرهٔ وی را درخشان و نورانی می‌کرد و به‌گرد سرش چون هاله و چرخه‌ای از نور می‌تافت، چنان‌که زرتشت، جمشید، کاووس، کی‌خسرو، فریدون و.... بودند، به‌ویژه پیغمبر زرتشت که حتا هنگامی که متولد نشده بود، به‌موجب برخورداری از فرّ، دُغدو doyduye مادرش، از فاصلهٔ بعیدی، نور و روشنایی وی دیده می‌شد. اما هنگامی که هر فرّ‌مندی از راه درست و طریق آشایی و راستی و دین‌باوری و حکمت منحرف می‌شد، این نیروی الهی و توانایی نیز از وی منقطع شده و به‌خواری و مذلت دچار می‌شد.

یشت نوزدهم هرچند موسوم است به زامیاد یشت یعنی سرود ستایش زمین، اما دربارهٔ این اسطورهٔ کهن روزگار ایرانی است، یعنی پرستش خورنه و شرح این نیروی جادویی و کسانی که از آن بهره‌مند بودند و کسانی که به‌موجب کجراهی و خطا، فرّ آنان را ترک می‌کرد. فرّگاه به‌صورت قوچ یا پرنده و یا صور دیگر، ترکیب جسمانی می‌پذیرفت. یشت نوزدهم به کیان یشت، یا یشت شاهان نیز شناخته می‌شود و گوئیم. خورنو kavaem.xvareno یعنی فرّ یا خَرّه شاهی. یشت نوزدهم که مختصری از آن بیش باقی نمانده است، موسوم است به اَشناد یشت که در آن از فرّه یا خَرّه ایران یا فرّ ایرانی یاد شده با ترکیب اوستایی آئیرینم. خورنو Airyanem.Xvareno. این جا سخن از فرّی است که به سرزمین ایران یا آریا "آئیریه / آئیرینه" متعلق است و این سرزمین به‌موجب برخورداری از این نیروی الهی و مرموز، از دیگر سرزمین‌ها مشهورتر، نیرومندتر و باشکوه است. اما

به موجب کجراهی‌ها و فسادها و رواج بی‌دینی و سستی باورها و عقاید دینی مردم، گاه به شکست و ادبار و خواری دچار می‌شود که دوران‌های شکست و غلبهٔ آنیران و دشمنان بر آن، نشان‌چنین دوران‌هایی است. برای آگاهی دربارهٔ پژوهش‌هایی مستند و اساطیر مربوط به خورنه و دارندگان آن و قدیم‌ترین اسطوره‌های شه‌سواری در این مورد و چگونگی آیین‌های خورنه و شکل و ساختار دین‌باورانهٔ آن در دوران آریایی مقدم، نگاه کنید به مدخل گوتیم. خورنو در دانشنامهٔ ایران باستان. این فشرده و ترجمهٔ روان‌بخشی از این یشت که دربارهٔ فرّ کیانی است:

فرّ کیانی نیرومند را می‌ستاییم که مزدا آفریده است، کارآمد و چالاک است و سرآمد همه آفریدگان محسوب می‌شود. زیبا و بسیار درخشنده است، که آهورامزدا بدان سوشیانت و همراهانش را پدید آورد، فرّی که از آن خداوند می‌باشد، و آن را بر آن سوشیانت و همراهان گماشت تا آنان جهانی نو بنیان کنند، جهانی همیشه تازه و جوان که پیری و بیماری و فساد را در آن راه نباشد و همیشه جاودان باقی ماند، پس از آن که مردگان رستاخیز کنند و زندگان بی‌مرگ شوند و چون آن سوشیانت به پیدایی ظهور آید آرمان خویش روا و جهانی نو بنیان کند.

در چنین جهانی که براساس آشه استوار است، جاودانگی قائم شود، و دروغ دیگر باره به همان جایی رانده شود که از آن جا برای آسیب رسانیدن به راستی و گروندگان آن قیام کرده بود و نیست و نابود گردد. برای شکوه و جلالش، آن فرّ کیانی مزدا آفریده را با آوای بلند می‌ستایم، با زور و هوم به شیر آمیخته و با برسم نیز برسم، اوستایی برشمن Baresman و کلام مقدس. "کرده ۱"

فرّ کیانی نیرومند را می‌ستاییم... که از آن امشاسپندان است، آن فرمانروایان بسیار دلیر و چابک، که اهورایی هستند، که جاودانی و بی‌مرگ هستند. که هر هفت امشاسپند، در اندیشه و گفتار و کردار یکسانند، که همه را یک امیر و یک پدر است و آن آهورامزدا می‌باشد. آنان به راه روشنی که از زائر تا به گزنامه کشیده شده، به طیران درمی‌آیند. اینان جهانی نو بنیان

می‌کنند. جهانی همیشه تازه و جوان که پیری و بیماری و فساد را در آن راه نباشد... "کرده ۲"
 فر کیانی نیرومند را می‌ستاییم... که از آن ایزدان مینوی و ایزدان جهان
 زنده (جهان مادی) است. فری که از آن سوشیانت‌های زاده شده zāta
 می‌باشد، فری که از آن سوشیانت‌هایی است که هنوز به دنیا نیامده‌اند
 a-zāta. اینان جهانی نو بنیان می‌کنند. جهانی همیشه تازه و جوان که پیری و
 بیماری و فساد را در آن راه نباشد... "کرده ۳"

فر زمانی دراز به هوشنگ پیشدادی متعلق بود و وی بر اثر آن با کامیابی
 به هفت کشور فرمانروایی کرد. فر مدت زمانی از آن تهمورث بوده و او به
 هفت کشور فرمان راند و همه شریان را بر انداخت. "کرده ۴-۵"

فر کیانی مرزا آفریده به جم (جمشید) پیوست. جمشید خوب رمه
 دیر زمانی به هر هفت کشور پادشاهی کرد: بر دیوان، مردمان، جادوان،
 پریان، کوی‌ها و کزپن‌ها چیره شد. از دیوان هم خواسته هم سود را، هم
 چراگاه و هم گله را، هم خشنودی و آوازه را برگرفت.

به گاه شاهی او، جانوران و مردمان هر دو بی‌مرگ و بی‌زحمت بودند.
 خورش و آشام زوال‌ناپذیر بود. آب‌ها و گیاهان فراوان و تمام نشدنی
 بود.

به هنگام شاهی او، نه سرما بود و نه گرما، نه پیری بود نه مرگ؛ و نه
 رشک دیو آفریده [تا زمانی که جم خوب رمه پسر ویونگهان شاه بود، پدر و
 پسر چونان که برنایان پانزده ساله، هر دو با هم می‌گشتند] این چنین بود تا
 این که او در فرجام، دروغ را به دل خود راه داد، چون او دروغ را به دل خود
 راه داد، فر آشکارا به پیکر مرغی از او بگسست. پس جمشید خوب رمه
 ناکام و بی‌آرام همی‌گشت، او باژگون به جهت دل بداندیش خود، از پی
 نهانگاهی در جهان همی‌گشت. نخستین بار، فری که از آن جمشید بود،
 به شکل مرغ وارغنه از جم پسر ویونگهان بگسست و مهر دارنده
 چراگاه‌های فراخ آن را برگرفت. دومین بار فری که از آن جمشید بود،
 به شکل مرغ وارغنه از جم بگسست و فریدون یل آن را برگرفت که
 پیروزمندترین مردمان شد جز از زرتشت، که اژی‌دهاک سه پوزه سه کله

شش چشم دارنده هزار چالاکي را شکست داد و این دروغ بسیار نیرومند دیوانه پلید و فریفتار جهان را که قیام کرده بود برای برانداختن جهان راستی برانداخت.

سومین بار فری که از آن جمشید بود به شکل مرغ وارخته از جم بگسست. این فر را گرشاسپ نریمان برگرفت که بدان میان همه دلیران، دلیرترین شد جز از زرتشت. بدان فر، نیرو و جسارتی مردانه بدو پیوست که: ازدهای شاخدار را به کشت که اسبان و مردان را، می او بارید (می بلعید). ازدهای زهرآگین زردگون، که از او زهر بر هوا می پاشید، زهری به بلندی یک ارش. که بر پشت او گرشاسپ به نیمروز، خورشت خود را در دیگی آهنین می پخت. آن زیانکار از گرما تفته از زیر دیگ برجست. آب جوشان فرو ریخت. گرشاسپ نریمان هراسیده خود را به کنار کشید. او گندروی زرین پاشنه gandarewa را بکشت که با دهان گشاده برای نابودی جهان آستومند برخاسته بود. او نه پسر پشته paθana را بکشت و پسران نیویگه nivika و نیز پسران داشته یانی را. او هیتاسپه زرین تاج را بکشت و ورشه وه varešava از دودمان دانی را. او پی ته آئه pitaona را بکشت که سخت دوستار پریان "پری دوست" بود. او آرزوشمنه arezōšmana را که دلیری مردانه ای داشت بکشت که از بهر ایستادگی آماده و افزارمند بود. او شناویذ که ی شاخدار snāviḍka را بکشت که دست هایی سنگین داشت، که در انجمن چنین گفته بود: «من هنوز نابرنایم نه برنا. چون برنا شوم، زمین را چرخ می خواهم ساخت و از آسمان گردونه ای خواهم ساخت، سپنت مینو را از گزومان روشن به زیر خواهم کشید، و اهریمن را از دوزخ تاریک بیرون خواهم کشید. این دو، سپنت مینو و اهریمن گردونه مرا خواهند کشید، چنین خواهم کرد اگر گرشاسپ نریمان مرا نکشد.» گرشاسپ نریمان او را کشت و نیروی زندگی را تباه ساخت. "کرده ۶"

فر نیرومند مزدا آفریده را می ستاییم که دست نیافتنی است. برای به دست آوردن آن، سپنته مینو و انگزه مینو تلاش کردند. سپنته مینو از برای دست یافتن بدان، هومتته و آشه وهیشته و آذر آهورامزدا را گسیل داشت. و

آنگره‌مینو، آکه‌منه و آیشمه و آزدی‌دهاک و شبی‌تیوزه spityura را فرستاد که جمشید را گرفته و به دو نیم کرده بود.

پس آذر آهورامزدا به پیش شتافت و گفت: این فر دست‌نایافتنی را من از آن خود خواهم کرد. آن‌گاه آزدی‌دهاک درآمد و گفت: کنار ران، هرگاه تو آن را به دست آوری، به یک زنش تو را تباه خواهم کرد که دیگر نتوانی به روی این زمین آهورا آفریده روشنایی بخشی. پس آذر بترسید و واپس شد. آزدی‌دهاک به پیش رفت تا فر را از آن خود سازد. دگر باره آذر آهورامزدا به پیش راند و گفت: هرگاه تو آن را به دست آوری، بدان که از بنیادت خواهم سوزاند، آن‌چنان که دیگر به روی این زمین آهورا آفریده نتوانی تباهی کرد. آزدی‌دهاک بترسید و واپس رفت.

پس فر، به دریای وُئوروگَشه اندر شد. در پی، آپم‌تپات تندتاز (ایزد آب) زود این را دریافت و گفت: این فر دست‌نایافتنی را از ژرفای دریا گرفته و ویژه خود خواهم کرد... "کردهٔ ۷"

افراسیاب تورانی که آرزوی به دست آوردن فر را داشت، آن فری که به ایرانیان حال و آینده و به زرتشت پاک متعلق است. کنار دریای وُئوروگَشه برهنه شده و به آب زد و شناکنان به سوی فر شتافت. فر که چنان دید، به سرعت به در رفت و از دریای وُئوروگَشه، به شکل رودی منشعب شد.

پس افراسیاب، ناسزاگویان از دریا بیرون شد و گفت: من این فر را که متعلق به ایرانیان و زرتشت پاک است نتوانستم گرفت. اینک چنان به هر چه خوب و زیباست از آفریده‌های آهورامزدا، حمله بزم که وی به زحمت اندر شود. آن‌گاه برای دومین بار برهنه شده و به آب زد و شناکنان به سوی فر شتافت. فر که چنان دید، به سرعت به در رفت و از دریای وُئوروگَشه، به شکل دریاچهٔ وُنگ‌هَزدا vāghazdā منشعب شد. پس افراسیاب تورانی، ناسزاگویان از دریا بیرون شد... آن‌گاه برای سومین بار شناکنان به سوی فر شتافت. فر که چنان دید به سرعت به در رفت و از دریای وُئوروگَشه، به شکل رود آوُزدان‌ون awzdānvan منشعب شد. پس افراسیاب از دریای وُئوروگَشه، ناسزاگویان به درآمد. وی نتوانست به فر دست یابد، فری که از

آن ایرانیان و زرتشت پاک است. "کرده ۸"

فَرّ نیرومندِ مزدا آفریده را می ستاییم... که متعلق به کسی است که نیرو و شکوه وی از آن حدودی است که رود هیرمند به دریاچه کَسَه‌آیه می‌ریزد. آن حدودی که کوه اوشیدَم ušidam بر آن محاط است و از اطراف آن رودهای بسیاری سرازیر می‌شود و همه این رودها به دریاچه هامون فرو می‌ریزد که از آن میان، هیرمند باشکوه و فرهمند است با امواج سپیدگون و کف‌آلود و طغیان‌های بسیار که نیروی اسب را داراست، نیروی شتری را داراست، نیروی مردی دلیر و زورمند را داراست. دارنده فَرّ کیانی است، آن چنان فَرّی ای زرتشت پاک، که تواند همه سرزمین‌ها و اقوام غیرایرانی را غرق نماید. و بدان هنگام که سرزمین‌ها و اقوام غیرایرانی در زحمت گرسنگی و تشنگی و سرما و گرمایند، این فَرّ کیانی پناه و پشتیبان سرزمین‌ها و تیره‌های ایرانی است. "کرده ۹"

فَرّ کیانی نیرومند را می ستاییم که از آن گوی. گَوَاتَه kavi-kavâta بود، از آن گوی آپوه kavi-aipi-vanghu از آن گوی اوسَدَن kavi-usadân، از آن گوی اَرَشَن kavi-aršan، از آن گوی پی‌سینه kavi-pisina، گوی بُیَزَشَن kavi-byaršan، از آن گوی سیاوَرَشْتَه (سیاوش) بود، آن چنان که آنان همه از پهلوانان و پرهیزکاران و بلندآوازه و کامیاب بودن. "کرده ۱۰"

فَرّ کیانی نیرومند را می ستاییم... که به گوی هَتوشَرَوَه kavi-haūsrah که متعلق داشت، چون از نیرویی درست، از پیروزی‌هایی بسیار، از داد و قانون به جا و فائق آمدن بر دشمنانش برخوردار بود. بر اثر برخورداری از فَرّ بود که: نیرویی پرتوان داشت و از تندرستی بسیار برخوردار بود و دارای فرزندان هوشمند، نیرومند، روشن چشم و سخنور بود. که از زندگی بسیار خوب بهره داشت و آگاه از آینده بود. دوران شهریاریش درخشان و زندگی‌اش دراز و برخوردار از همه کامیابی‌ها بود. در میدان‌های جنگ همیشه پیروزی داشت. هیچ‌گاه به دام دشمن در نمی‌شد، چنان‌که سرانجام به انتقام خون پدرش سیاوش دلیر، آن افراسیاب بز هکار و کَرَسِیَوَز kersavazda کِرَسَوَزَد را به بند درکشید. "کرده ۱۱"

فَرّ کیانی نیرومند و مزدا آفریده را می ستاییم... که پیوسته با زرتشت بود. کسی که برابر دَئِنا اندیشید، برابر دَئِنا سخن گفت و رفتار کرد. به همین جهت در جهان زنده از بهترین راستی و شکوه و نیرو و پیروزی برخوردار بود. زمانی پیش از وی، به گستاخی دیوها هر آنچه می خواستند مطابق با میل خودشان رفتار می کردند و بر اثر کردارشان مردم در رنج و فغان بودند. پس زرتشت به آوایی بلند و آهنگین، چهار بار نماز آهونه وئیریه را تلاوت کرد آن گاه همه آن دیوهایی که دروغین بودند و شایسته ستایش و نماز نبودند پراکنده و پنهان گشتند.

افراسیاب تورانی در پی تصاحب فَرّی بود که به زرتشت تعلق داشت. وی هفت کشور را جست و جو نمود و چون آن را پیدا کرد، نتوانست بدان دست یابد و فَرّ به آن کس پیوست که شایسته بود، و این خواست و اراده من، آهورامزدا و دَئِنا می مَزْدَئِسنا بود. "کرده ۱۲"

فَرّ کیانی نیرومند و مزدا آفریده را می ستاییم... که پیوسته به گوی و یشناسپ بود. کسی که برابر دین زرتشت اندیشید و برابر آن سخن گفت و رفتار کرد. از آن پشتیبانی نمود و آن را از آسیب دیویسنان درامان نگاه داشت و آن را به خوبی منتشر کرد، کسی که چون بازویی توانا برای این دین اهورایی زرتشتی بود و دشمنان آن را که کسانی چون تائزیه وئنت *tāθryavant* بدمنش و پشته *pešana* هم چنین دیویسنان و اَرْجاسپ دُزَوَند و دیگر تورانیان (خَوَته آئه، *xvayaona* خویون) زیانکار و بدسرشت بودند برانداخت. "کرده ۱۳"

کرده چهاردهم همانند بخشی از کرده اول، بندهای یازده و دوازده می باشد.

فَرّ کیانی نیرومند مزدا آفریده را می ستاییم... هنگامی که آشتوئث - اِرته *astvat-ereta* پدید می آید، از آب دریای کسه آئه، فرستاده مَزدا آهورا، فرزند و یشپه تئوز وئیری، گرز شکننده ایستادگی در گردش، گُرسی که تَرِئِئوئه زورمند آن را برداشت هنگامی که آزدی دهاکه کشته شد، گُرسی که افراسیاب تورانی داشت، هنگامی که زئی نی گوی دُز گَوَند (دروغ گو) کشته شد، گُرسی که کی خسرو داشت، هنگامی که افراسیاب تورانی کشته شد،

گریزی که کوی ویشناسپ داشت تا کین آشه (راستی، نظم کیهانی) را از سپاه دشمن بگیرد، با آن گرز خواهد توانست دروغ (بی‌نظمی، هرج و مرج) را براند از هستی‌های زنده آشه با چشم‌های خرد او خواهد نگریست، به دقت بر همه آفرینش خواهد نگریست دروغ زشت را... از تخمه زشت، از همه چیز که در جهان مادی است، با چشمان کوشنده و جوینده خواهد نگریست، با پرستاری و باتوجه، او ماندگار خواهد کرد همه آن چه که در جهان مادی نیکو است. دوستان او پیش خواهند آمد دوستان آشتوت‌ارته ایستادگی شکن (ورث‌رغنه، پیروزمند، شکننده مقاومت، ایستادگی شکن) با اندیشه نیکو، با سخن نیکو، کار نیکو، دُئنا نیکو، بی‌آن که سخنی به دروغ بگویند با زبان خودشان. از پیش آنان آئشمه دور خواهد شد، آن که با گرز خونین به ضد خورنه می‌باشد. جهان آشه بر جهان دروغ پیروز خواهد شد، از تخمه بد، خانواده تاریکی. او بر آکه‌منه پیروز خواهد شد، و هومنه بر آکه‌منه پیروز خواهد شد، او بر دروغ‌گویی چیره خواهد شد، سخن راست بر دروغ‌گویی چیره خواهد شد، هئوروات و امیرتات پیروز خواهند شد. بر هر دو گرسنگی و تشنگی، هئوروات و امیرتات پیروز خواهند شد بر گرسنگی و تشنگی بد. از این جا به دور خواهد شد بدکاره، انگره‌مینو نیروی بدش ربوده خواهد شد...!

"کرده ۱۵"

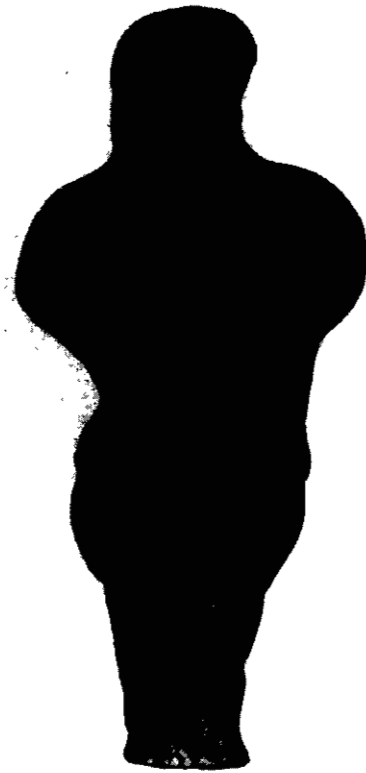
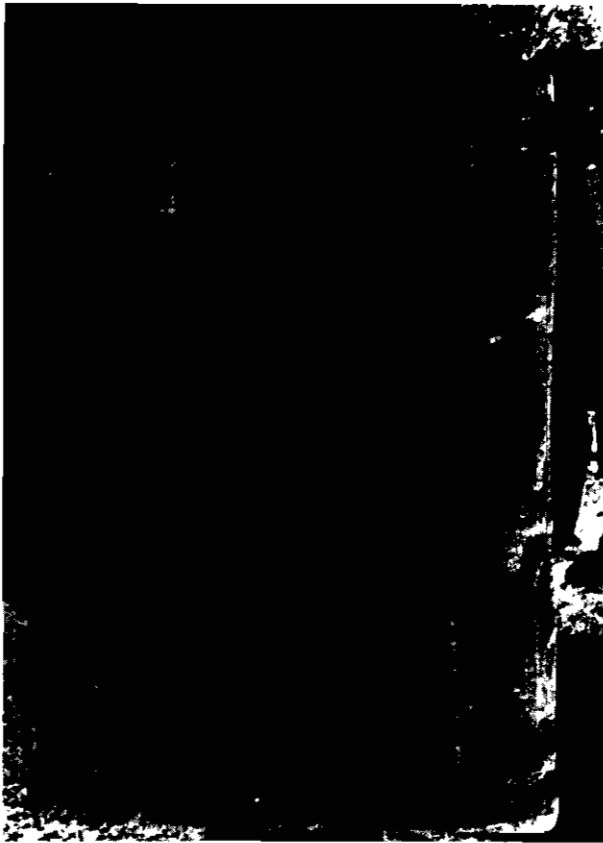
۸. سرودی برای مهر در اوستا، ترجمه مهر یشت،

شناخت میترای اوستایی

قسمت اعظم این یشت منظوم است و شکل کهن آن، به ویژه در بندهای اولیه به صورت شایسته‌یی باقی مانده است. پس از یشت سیزدهم، بلندترین یشت‌هاست که در ۱۴۶ بند و ۳۵ گرده تدوین شده. از نظرگاه موضوعی به ترتیب بندها نمی‌شود آن را مدون ساخت، بلکه بایستی به گونه‌یی پراکنده



تصاویری که ملاحظه می‌شود، از کتاب طلوع و غروب زرتشتی‌گری اثر
A.C.Zaehner زینر، چاپ سال ۱۹۶۱، لندن برداشته شده است.









در سراسر یشت، موضوعات را دسته بندی نمود و اغلب یشت‌ها چنین‌اند. در صفحات بعدی فشرده‌یی از آن به ترتیب بندها نقل می‌شود. شماره‌ها اشاره است به شماره بندهای یشت.

در مقدمه، مهر، دارنده دشت‌های فراخ "وَنور و گَوِیثوئی تی Vouru-Gaoyaoiti" ستوده شده و این مقدمه زرتشتی یشت است. بند یکم نیز سرآغازی است زرتشتی که در آغاز تمام یشت‌ها با تغییر و تبدیلاتی به مقتضای چگونگی یشت آمده است. اما حتا در همین سرآغاز زرتشتی، قدرت و اهمیت این ایزد جالب توجه را در می‌یابیم. اهورامزدا به زرتشت می‌گوید که مهر آفریده من است و من او را در مقام و سزاوار بودن به عبادت، هم‌شأن و مقام خود قرار داده‌ام. آنگاه بند دوم شروع می‌شود که تا بند ۴۸ از بازمانده‌های قدیم یشت است:

میثَر کسانِ را که به او دروغ گویند، به نامش پیمانی بندند که بدان وفا نکنند، در سراسر قلمرو مملکت، هر جایی که باشند، تعقیب کرده و به کیفر می‌رساند. پیمانی که بسته می‌شود محترم است، چه پیمان با یک مزدپرست باشد و چه پیمان با یک دیوپرست [۲] - اما در عوض مهر به مهر پیمان‌ها، یعنی به جا آورندگان عهد و پیمان اسب‌های تیز تک می‌بخشاید، ایزد آذر همواره کسانی را که پیمان دار باشند یاوری می‌کند و فرّوشیان به وی فرزندان دلیر و پارسا می‌دهند [۳] میثَر را ستایش می‌کنیم که دارنده دشت‌های فراخ است، نگهبان ممالک آریایی (= ایرانی) است و در این ممالک آرامش و تنعم به وجود می‌آورد و کارهای دشوار را چاره‌گری کرده، سعادت و پیروزی برای مردمان ارمغان می‌کند، چون اوست دلیر و کسی که در همه جا هست و همواره درخور ستایش و بزرگداشت است [۴ - ۵] میثَر میان همه ایزدان نیرومندترین و بزرگ‌ترین است، او را با زائَر Zaoθra [آب زور، آبزور مقدس که در مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرد] با هئومه [Haoma = هوم] یا برِشمن [Baresman] و با زبانی آکنده از سرود ستایش، عبادت می‌کنیم [۶] میثَر، دارنده دشت‌های فراخ از تمیز اعمالی که مردم انجام می‌دهند به خوبی آگاه است. هزارگوش برای شنیدن و ده هزار

چشم برای دیدن دارد و از فراز نای آسمان، همواره بیدار و ناظر اعمالِ مردمان است [V] مهر تنها ایزد روشنایی و پیمان نیست، بلکه ایزد جنگ و پیروزی است. چون در آوردگاه، دو صفِ پیکاری رو به روی هم بایستند، مهر به آن گروهی یاری می‌کند که از روی خلوص و زودتر به فراخواندن وی اقدام کنند و از روی خلوص و راستی او را نیایش کنند، آنگاه است که وی به همراهی ایزد واته [Vāta، ایزد باد] و ایزد داموئیش اویمته [Dâmoiš-upamana] برای یاری به سوی آن جنگاوران روی می‌آورد [۹-۸] میتر ایزد جنگ است و به همین جهت جنگاوران حتا روی زمین اسب، وی را می‌ستایند و کامیابی می‌خواهند تا مرکوب‌شان استواری نشان دهد و بتوانند از دور دشمن را تشخیص داده و پیروز شوند [۱۱-۱۰]

میتر برخلاف آنچه که می‌پنداریم، در هیأت ایزد خورشید نمایان نمی‌شود، بلکه وی روشنایی و انوار زرین خورشید است. پیش از آنکه خورشید از پس کوه هرا / البرز [Harâ] سربرکشد، وی با جامه زرین و زینت‌هایش از آن بلندی کوه به نگرش همه کشورهای آریایی [ایرانی] می‌پردازد، و در مطلبی که گذشت شرح بندهای ۱۳ و ۱۴ نقل شد که از کشورهای آریایی سخن می‌رود. در بند ۱۵- از هفت کشور یاد می‌شود [نگاه کنید به عنوان هپته کَرشوَر Hapta.karšvar در دانشنامه ایران باستان] که مهر با آن همه دیدگانش نگران آن جاهایی است که سراسر پوشیده از چراگاه‌های سرشار و ستوران فراوان است. این ایزد نیرومند، بزرگی و شکوه می‌بخشاید، شهریاری و سلطنت و پیروزی می‌بخشاید در همه کشورهای آن کسانی که از روی خلوص و مطابق با رسوم دینی و تشریفات آن وی را بستایند و مراسم اهدای فدیة و نثار به جا آورند [۱۶].

میتر، در این جا، نموداری از خُلق و خوی ایرانی مزدایی را نشان می‌دهد. وی دشمن بی‌امان دروغ و دروغگویان است. هیچ کس اعم از رئیس خانواده، کدخدا و شاه نسبت به وی دروغ نتواند گفت، چون مهر از دروغ بیش از هر چیز و هر خلاقی آزرده می‌شود، به همین جهت هر جایی که دروغ باشد و پیمان شکنی

یا "مهر دروجی" Miθro.druj و دروغگویی، وی به تندی بدان سو فرود می‌آید و دروغگویان را به سختی کیفر می‌دهد. همان سان که جنگاوران با ایمان را یاری می‌دهد، جنگاورانی که نسبت به وی بی‌ایمان باشند، هیچ‌گاه روی پیروزی را نمی‌بینند - در پیکارگاه اسبان‌شان از قدرت تاخت باز می‌مانند، نیزه‌هاشان در پرتاب به واپس برمی‌گردند و هرگاه به سوی رقیب نیز روان شود، کارگر نمی‌افتد [۲۱ - ۱۷] اما کسانی که پیرو راستی باشند، مهر، ایزد راستی را همواره در نظر داشته باشند و تا پای جان پیمان را محترم شمارند، هرگاه که نیاز به یاری داشته باشند، میثَر به یاریشان می‌شتابد:

ای میثَر، تو ما را یار باش، ای میثَر به تو دروغ نتوان گفت، دشمنان ما را به بیم و هراس در افکن، چون تویی که می‌توانی نیروهاشان را بازستانی و درمانده‌شان سازی. چون کسی از روی خلوص نیت، مهر را بستاید، در پیکارگاه از گزند سلاح دشمن هر چند که چابک باشد در امان بماند [۲۲-۲۴].

میثَر قابل ستایش است که سخن‌ها را به راستی هدایت می‌کند، او را می‌ستاییم که بخشنده سود و ثروت است و پیکرش تجسم کلام مقدس "تنومانثَر" Tanu.Manθra می‌باشد، دلیر و جنگاور است، ناراست‌گرایان را برمی‌اندازد و زبانه‌خشمش گناهکاران پیمان‌شکن را از بُن برمی‌اندازد، و در عوض به کسانی که پاسش دارند، در کشور نظام و قدرت و پیروزی پدید می‌آورد، اما باز هم نیروی انتقامش دشمنان را تعقیب می‌کند و هر چه هم که نیرومند باشند، پیروزی هیچ‌گاه به سراغشان نخواهد آمد [۲۵-۲۷].

میثَر ایزدی است که شکوه و حشمت می‌بخشاید، نعمت و ثروت می‌بخشاید، خانه و خانواده را سرشار از سرور و شادی می‌کند - و در عوض - خان و مان دشمنان و بی‌مهران را ویران می‌سازد. اوست که به مؤمنانش پاداش می‌بخشاید و به مخالفان کیفر می‌دهد. از توجه اوست که نظام روستا و خانواده برقرار است، در روستا و خانواده، زنانِ زیبای بلندبالا، فرزندان دلیر، اسبان

تیز تک و گردونه‌های عالی و بناهای باشکوه و بسترهای لطیف و معطر برقرار است. و به همین جهت است که گروه پیروان، همواره و به هنگام در مراسم ستایش وی حاضر می‌شوند. در این مراسم گروه ستاینندگان به همسرایی و خواندن سرود می‌پردازند:

ای میتر، این سرودهای ما را بشنو، ستایش و عبادت ما را بپذیر، کام ما را روا کن، فدیة و نیازمان را بپذیر و میان این جمع دوستار فرود آی. چون پیمانت برای شادی پیروان استوار است، اینک کامهایمان را بر آر. آنچه خواستاریم: پیروزی، کامرانی، نعمت، نیک نامی، آسایش وجدان و درک علم و معرفت و تمیز کامل است در حقایق، تا در سایه این بخشایش‌ها و نیروها بر دشمنانمان پیروز شویم، تا که آنان را برافکنیم، تا که دیویستان را و جادوان را و پری‌ها "پئیریکا" pairikā را نابود سازیم [۲۸-۳۴].

مهر، دارنده دشت‌های فراخ را می‌ستاییم که سخن را به راستی هدایت می‌کند، نیرومند است و دارنده شهریاری و هزارچُستی است. کسی که برانگیزاننده جنگ است و به جنگ نیرو بخشاید، با استواری و دلیری صفوف دشمنان را درهم شکند، دو جناح سپاه را بپراکند و بر قلب سپاه دشمن از وی بیم و هراس مستولی شود. اوست که جمع فشرده و انبوه دشمن را با شرار ترس می‌پراکند، حمله می‌برد و سرکسانی را که به او دروغ گویند از تن دور می‌کند. تا دور دست‌ها تعقیب‌شان می‌کند، خانه‌ها و شهرهاشان را ویران می‌سازد، چون مهر ناراضی باشد، سلاح دشمنان از کار می‌ایستد و هر چند که چالاک و نیرومند باشند، جنگ ابزارهاشان به هدف نمی‌رسد. ایزد رَشنو Rašnu و سروش پاک / سَرَأَشَه Sraošā در میدان جنگ، به یاری او، میان سپاه دشمن نفاق و شکست پدید می‌آورند، و خود مهر، چون خشمگین و آزرده خاطر است هزاران هزار از دشمنان را بی‌امان به خاک هلاک در می‌افکند [۳۵-۴۳].

جایگاه مهر، به وسعت سراسر زمین است، پناهگاهی روشن و تابنده و بیرون از نیازمندی هر احتیاجی است. هشت ایزد که از یاران او هستند، فرازین

گاه هشت بلندی، ناظر بر اعمال مردمان هستند تا هرگاه پیمان شکنی به عمل پرداخت و یا کسانی پیمان شکنان و دروغگویان را پناه دادند، بدانان حمله کنند و براندازندشان. مهر خود نیز همواره باده هزار دیده بانش مراقب است و مهریاوران را از هر خطری محافظت می کند [۴۶-۴۴].

میان دو سپاه جنگجو، ناگهان مهر ظاهر شود. آنگاه میان صفوف بنگرد، به روی مرکب به تکاپو در آید. بازوان و چشم های جنگاورانی را که به مهر دروغ گویند، از کار بازدارد. گوش هایشان را ناشنوا سازد و پاهایشان را بی استقامت، تا بدون مقاومت در چنگ رقیب اسیر شوند [۴۷-۴۸].

آهورامزدا از برای میثر، بر آن قله بلند و درخشان هَرمی تی بِرِز [Haraiti-Bareza] یعنی البرزکوه زیباترین جایگاهها را ساخته است، در آن جایی که میثر ناظر و نگران مردمان است، در آن مأوای درخشانی که نه گرما و نه سرما، نه روز و نه شب وجود دارد و هیچ گاه بر آن مه نمی نشیند، و این جایگاه آسمانی را به فرمان اهورامزدا، آمشاسپندان و خورشید فراهم کردند. سراسر جهان خاکی را مهر از آن فرازین گاه آسمانی زیر نظر دارد؛ و هرگاه مردی بدکنش برخلاف راستی و آیین پیمانداری عملی انجام دهد، مهر به اتفاق سروش و ایزد نَیرِیوسَنگَه Nairyô-Sangha گردونه خود را به حرکت در آورده و پیمان شکن "مهر دروج" را هر کجا که باشد به کیفر رساند [۴۸-۵۲].

کرده [کرته = Karetā = فصل] ۱۲ و ۱۳ - یعنی بندهای ۴۹ تا ۵۹ از الحاقات زرتشتی بر این یشت هستند. کرده دوازده گذشت، و اینک کرده سیزده که جالب توجه است و اُفول قدرتی که در اصلاحات مزدایی صورت گرفته به نظر می رسد. ایزد میثر دستها را به سوی اهورامزدا برای گله برمی آرد، و در این جا همان گله های ایزد تیشتریه Tištrya را می شنویم:

من نگهبان همه آفریدگان نیک توام ای آهورامزدا، اما مردمان چنانکه بایستی در مراسم ستایش، مرا چون دیگر ایزدان نمی ستایند. هر گاه گروه مؤمنان مرا نیز چون دیگر ایزدان بستایند، هر آینه من باتمام نیرو به هنگام

نیازمندی بر آنان فرود آیم - آنگاه قطعه‌یی در مراسم نیایش ایزد می‌آید.

از بند ۶۰ تا ۷۲ باز هم به قسمت‌هایی از سروده قدیم درباره مهر برمی‌خوریم: ستایش شایسته مهر است که دارنده دشت‌های فراخ است، تیزبین است و هیچ‌گاه فریفته نمی‌شود، چون دارای ده هزار دیده‌بان است. اوست سرپرست روستاها و شهرها که همیشه آماده یاری به مؤمنان است، به هنگام باران می‌باراند و از ریزش باران است که زمین‌ها سرسبز می‌شود و گیاه می‌روید... [۶۳ - ۶۱]

میتر از برای گسترش دین بهی به هر جا فرود می‌آید و فروغ و فزش به روی هفت کشور منتشر است. نیرومند و چالاک و سریع است، بخشنده همه نعمت‌هاست و اوست که گله‌ها و رمه‌ها را سلامت نگاه می‌دارد، بزرگی و شکوه می‌بخشاید، فرزندان برومند در خانواده‌ها پدید می‌آورد و ایزدانی چون: آرت، پارندی، قزکیانی، و داموئیش اوپته و فزوشیان از یارانش به‌شمار می‌روند [۶۶ - ۶۴].

وی با گردونه سریع و زیبایش از کشور آرزهی Arezahi به کشور خونیرث Xvaniraθa می‌شتابد، در حالی که مشحون از قزمزدا آفریده می‌باشد. راننده گردونه‌اش ایزد ارت Art است، و در حالی که اسبان گردونه‌اش در فضای بی‌پایان می‌تازند، داموئیش اوپته راهش را آماده می‌سازد و همه دیوان ورنه [Varena = گیلان] به هراس می‌افتند [۶۹ - ۶۷].

پیشاپیش مهر، ورنرغنه [VereθraYna = بهرام] به صورت گراز / وراز Varāza آماده حمله‌یی با دندان‌های تیز و چنگ ضربت زننده‌یی حرکت می‌کند، تا دشمن و بی‌ایمانان به مهر را در حال تاخت گرفتار سازد و با یک ضربت چنانشان در هم کوبد که نیروی زندگی‌شان از میان برود [۷۰ - ۷۲].

میتر ایزدی است که وظایف بسیاری دیگر از ایزدان را به تنهایی عهده‌دار است. وی ایزد جنگ است، ایزد روشنی و فروغ است، ایزد پیمان و نگهبان عهد و میثاق است، ایزد حافظ خانواده و شهر و کشور است، ایزد بخشنده ثروت و نعمت است، ایزد پیروزی است، ایزد شهر یاری و قدرت و تسلط است، ایزد داور اعمال در روز واپسین است، ایزد راستی و سخن و کلام راست و زیباست، ایزدی

است که همه از: شهریار، فرماندار، کدخدا، سرور خانواده و افراد عادی خلق بدو پناه می‌جویند. هرگاه دو نفر در جایی عهد و پیمانی ببندند، دست‌ها را جلو رو نگاه داشته و از او یاری می‌خواهند. هرگاه ناله شکایت و گله‌مندی مهر آیینی بلند شود، این صدا همه جا پیچیده و به گوش مهر می‌رسد. هرگاه چارپایی (گاوی) از گله خود جدا ماند، هرگاه چارپایی از گله ربوده شود، ناله‌اش به مهر می‌رسد، مهر به سرعت فرارسیده و چارپا را به جمع خود ملحق می‌سازد، و این چنین است یاری مهر نسبت به کسانی که در آیین او خلوص داشته باشند [۸۷-۸۳].

هئومه [Haoma = هوم] آن سرور نیرومند و درمانگر، با چشمان زرین در فرازین‌گاه کوه هژئی تی تریز که هوگژیته Hukairya خوانده می‌شود، از بزسم و زائزو بهترین سرودهای پاک نیاز داد، و آن چنان مراسم ستایشی با شکوه از برای میتر انجام داد که در طی یشت‌ها کمتر به همانند آن برمی‌خوریم... آنگاه است که ملاحظه می‌کنیم **آهورامزدا** در برابر امشاسپندان، سروری و نگاهبانی مردم را به او می‌سپارد تا هم در این جهان و هم در جهان پسین، این بزرگ‌ترین ایزدان، فرمانروا باشد [۹۴-۸۸].

میتر به هنگام ناپدید شدن خورشید، از آن جایگاه آسمانش، سراسر زمین را می‌نگرد، بر همه جا محاط می‌شود تا آنچه را که در زمین و آسمان است بنگرد. به همین جهت وی هم ایزد روز و روشنایی، و هم ایزد نگهبان و حافظ شب است در برابر زیانکاری دیوان و زیانکاران. گریزی به دست دارد، سدگره و سد تیغه که سراسر از زر خالص بوده و رنگی شفاف دارد و بدان مردان [پیمان شکنان] را برمی‌افکند، و آن سلاحی است میان همه سلاح‌ها محکم‌ترین و پیروزترین یعنی گرز ایزد مهر. از هیبت و شدت قهر او، اهریمن تبه‌کار به لرزه آید، آئشمه [Aêšma دیو خشم] آن دیو بدکار به ترس اندر شود، و بذاتو [Viðâtu "ویدتو" Vidôtu] آن دیو ملعون از کار درافتد [بند ۹۳] و بوشیانسته Bušyânsta دیو خواب، آن دراز دست، درغو-گَو [DareYô Gava=] ملعون به لرزه گرفتار شود و همه دروغ‌پرستان ورنه [Varena = گیلان] به ترس و بیم دچار شوند [۹۸-۹۵].

میتر، دارنده دشت‌های فراخ، از سوی راست زمین، در حالی که برگردونه‌اش سوار است، پدیدار می‌شود. ایزد شَرَّاشَه / سروش در سوی راستش و ایزد زَشَنو [= زَشَن] در سوی چپش اسب می‌تازند و سایر ایزدان و امشاسپندان و فرَوَشیان نیز سواره‌گردِ وی را فرا گرفته‌اند. به این گروه یاوران بهترین سلاح‌ها را می‌بخشاید، تیرهای پَران که با پرهای عقاب تزیین شده‌اند. چون با سرعت به سپاه‌کشوری که پیمان شکنی کرده و به او دورغ گفته فرارسد، ناگهان به راکب و مرکوب فرو کوبد، چنانکه هر دو در یک لحظه بر زمین در غلتند [۱۰۱-۹۹].

میتر تنها ایزد جنگ نیست، بلکه خود جنگاور بی بدیلی است. بازوان توانا و بلندش، پیمان شکن را در هر کجا که باشد، اگر در هند شرقی و یا در هند غربی نیز باشد گرفتار کرده و کیفر می‌دهد. بازوان نیرومند و بلندش آنگونه دروغ‌منشانی را که می‌پندارند اعمال‌شان از نظر مهر پنهان می‌ماند، در میان خود خُرد و مضمحل می‌سازد [۱۰۵-۱۰۴]. میتر سپری از سیم و زرهی زرین دارد. گردونه‌اش را با سرعت می‌راند. همه راه‌هایی را که به کشورهای تحت توجه او منتهی می‌شود، روشنی فرا گرفته است، گذرگاهش از دشت‌هایی گسترده است با بیشه‌زارهای فراوان که در آن زمین‌ها، چارپایان نیرومند و مردان آزاد زندگی می‌کنند. میتر - آهورَ Miθro. Ahura، آن دو جاودانی همواره به یاری در ماندگان می‌رسند. میتر شتابان با گردونه، بر سر کسانی که از روی نارضایی فدیة داده‌اند فرود آمده و زار و نزار بر خاکشان در می‌کشد [۱۱۴-۱۱۲].

در فصل سی‌ام، از مراسم ستایش و فدیة برای مهر گفت و گو شده. از ندای آهورامزدا می‌شنویم به زرتشت که مهر را بستای و مردمان را طریق اهدای فدیة بیاموز که مزدانیان از برای نثار فدیة، برایش پرندگان زیبا بیاورند، چون مهر نگاهبان و یاور همه مَزَدِیَسنان می‌باشد. در مراسم دینی، بایستی زَوَتَر [Zaotar، پیشوای دینی "زوت"] شیرۀ هوم و زَأَتَر [Zaoθra "آب مقدس، آبزور"] را نیاز کند و مؤمنان می‌توانند از آن نوشابه‌های نیاز شده بنوشند. این مراسم بایستی کاملاً از روی دقت و درست انجام شود، تا آنکه مهر راضی و خشنود گردد. آنگاه

زرتشت از آهورامزدا می‌پرسد که این مراسم چگونه انجام گیرد که مهر را رضایت حاصل شود، و پاسخ می‌شود. بند ۱۲۲ از کرده‌سی، دارای اهمیت بسیاری است، چون درباره غسل و شست و شوی مهر آیینان، با صراحت مطالبی در آن آمده است و چنانکه خواهیم دید، در آیین جهانی مهر، غسل و "شست‌وشو" دارای اهمیت و اعتباری اصلی است.

ابتدا این مهر آیین‌ها، جهت انجام فرایض دینی و شرکت در مراسم مذهبی، لازم بود تا مدت سه شب و سه روز به تناوب شست و شو و غسل می‌کردند و سی ضربه تازیانه به خود می‌زدند و این هر دو برای پاک شدن از آلودگی‌ها و گناهان گذشته انجام می‌شد. آنگاه برای بار دوم لازم بود تادو شب و دو روز مراسم شست‌وشو و غسل به جا آورده و بیست ضربه تازیانه متحمل می‌شدند. آنگاه به صورت شایسته‌یی قادر می‌شدند تا در مراسم سرایش ادعیه دینی: سنه. آئه. پسنینه *Staota Yēsnya* و -ویسپنه رتو^۱ *Vispa Jratavō* و یسپرد *Visparad* موفق شوند. [← تاریخ آیین دازآمیز میترا، بخش شست و شو و غسل].

بی‌گمان مراسم شست و شو و تطهیر و تحمل ضربات شلاق / "آشتر *Aštra*" و هم چنین توانایی سرایش سرودهای دینی، اصلی بسیار کهن است از آداب مهرپرستی. اما به جای ادعیه ویژه، مؤلفان زرتشتی، نام ویسپرد و -سنه آئه پسنینه [= بخش‌هایی از یسننا] را آورده‌اند که اولی بخشی از اوستاست و دومی برخی از یسنناهایی است که به هنگام انجام عبادت و مراسم دینی خوانده می‌شد. تحمل شداید و ریاضت‌هایی در سلسله مراتب ورود به جرگه مهر آیین‌ها، اصلی اساسی بوده است که نگارنده در کتاب تاریخ آیین دازآمیز میترا، به طور مشروح و مستند درباره آن پژوهش‌هایی ارائه کرده است.

نفوذ و قدرت بعدی میترا، پس از اصلاحات زرتشتی دوباره بازگشت. این ایزدی است که آهورامزدا در گز -نمانه [*Garô-nmâna* = عرش اَعلا، بهشت برین] او را ستود. برای نگاهداری و یاری مهر آیین‌ها، بازوان بلند مهر از همان گز -نمانه سرازیر می‌گردد. وی دارای گردونه‌یی است بسیار زیبا با زینت‌های فراوان و

زرین. این گردونه را چهار اسب سپید رنگ زیبا که تغذیه‌ای معنوی می‌شوند بر بسیط سپهر می‌کشند. سُم‌های پیشین‌شان از زر و سُم‌های پسین از سیم است. در جانب راست وی ایزد زَشنو و در جانب چپش ایزد چیستا Cistâ قرار دارند.

پیشاپیش وی، داموئیش اوپَمته به صورت یک گراز [«وِرثَرغنه / بهرام] می‌تازد، با دندان‌های تیز و پنجه‌های بُرنده آماده ضربت زدن؛ و ایزد آذر به همراه مهر، در پس وی می‌تازند. در گردونه مهر، هزار کمان وجود دارد. کمان‌هایی ممتاز با زه‌هایی محکم که با آنها، چون تیرهاشان پرتاب شود، با سرعتی فوق تصور به سوی هدف روان می‌شوند، دیوان بسیاری هلاک می‌شوند [در روایات اندرباب میترا - کمان و کمانکشی مهر نقشی عمده دارد و نقاشی‌ها و نقش برجسته‌های فراوانی در این باب به دست آمده که در کتاب مورد اشاره در فوق، درباره‌اش شرحی هست] تیرهایی بسیار محکم که با پر عقاب تزیین شده‌اند، و از آنها ممتازتر نتوان شناخت، که در کنار کمان‌ها در گردونه مهر می‌باشد، و اینها همه بر تن دیوان و دیویستان می‌نشینند. برای پیکار با دیوان، در این گردونه جنگ ابزارهای بسیار دیگری نیز موجود است: یک هزار شمشیر دو لبه برنده [ذوالفقار] از پولاد، یک هزار خنجر دودم بسیار محکم، یک هزار گرز آهنین که هر یک دارای هفت گره (قَبه) می‌باشد، و سرانجام گرز ایزد مهر، یک گرز که ایزد آن را به دست دارد، این دارای گرز سد تیغه و سد گره است که محکم‌ترین و پیروزمندترین جنگ ابزارهاست^۱. میترا با این سلاح‌ها دیوان را، دروغگویان به مهر، میثُز-دروج / مهر دروج (Miθrō-drudj) را نابود می‌سازد. آنگاه پس از کشتن دیوان، وی با گردونه‌اش، از فراز هفت کشور می‌گذرد [۱۲۳ - ۱۳۵].

در کرده بیست و سوم، دگر باره اشاره‌یی به مراسم نیایش یا همخوانی ادعیه میتراپی شده است. اما این بار مراسم تحت تأثیر دین زرتشتی است. با همان گردونه‌یی که توصیف شد، مهر شربت‌های مقدس نیاز شده را به منزلگاه آسمانیش می‌بَرَد. مسرور و شاد. او مردِ روحانی (زَئوتَر، زوت) آداب دان و آگاه به انجام مراسم و ورزیده‌ای را برای برپا داشتن مراسم ستایش و یَزِشَن مهر

Yazešn فرا می‌خواند. آن روحانی مراسم را برگزار می‌کند و مهر به سرعت، خودش به خانه این مرد فرود می‌آید و در کام‌های مورد درخواست، کامیابش می‌سازد. اما هرگاه مرد روحانی، ورزیده نباشد، هر چند که فدی‌های فراوان نثار کند و شربت مقدس به مقادیر فراوانی بر سفره نهد، آهورامزدا را خوش نمی‌آید، مهر به یاریش نمی‌شتابد و ایزدانی چون ژشنو و آژشتات Arštāt و امشاسپندان از وی روی می‌گردانند [۱۳۶-۱۳۹].

میترا نخستین ایزد آسمانی است، نیرومندترین و دلیرترین ایزدان است، ایزدی است جنگاور که در ضمن عطف و مهربانی بسیاری دارد از برای مؤمنان. پیمان‌شکنان و دروغگویان به او را هیچ راهی برای نجات نیست، چون ضربت‌گرزش در روشنی و تاریکی، در پنهانی و آشکاری، هر کجایی که باشند، نابودشان می‌سازد. ایزد ترسالی و ریزش و بارش باران است هنگامی که بندگان از بی‌آبی و خشک‌سالی جهت یاری از وی دست به درخواست و دعا بلند می‌کنند. او کسی است که ایزد روشنایی و فروغ است. سحرگهان به پیکار تاریکی اهریمنی برمی‌خیزد. بامدادان بر جهان ظاهر می‌شود و همه آفریده‌های نیک را روشن می‌سازد که پیش از آن در حجاب ظلمت نادیدنی بودند. هم‌چنین ایزد شب است، چنانکه در روز نگاهبان جهان روشنایی و بندگان است، شب هنگام با همیشه بیداری و هوشیاریش، دیوان و زیانکاران شب‌رو را از بدکاری و آسیب رسانیدن به آفرینش نیک باز می‌دارد. چهره‌اش چون تیشتریه Tištrya درخشان است. گردونه‌اش روان و زیبا و ستاره نشان است... و سرانجام باز هم در واپسین یادی که از وی می‌شود: میفرماید - آهوراست که ستوده می‌شود و درباره این ترکیب، در تأیید مقام مهر شرحی کافی و پژوهشی مستند در کتاب تاریخ آیین رازآمیز میتراپی آمده است. بدان مأخذ نگاه کنید.



۹. جای وندیداد در اوستای ساسانی

و شرایع و احکام بومیان ایرانی

اوستای زمان ساسانیان را مغان به بیست و یک تنک یا کتاب تقسیم کرده بودند. در کتاب گنجینه اوستا از این تقسیم و نام‌های بیست و یک کتاب اوستا و مطالب آنها که به موجب کتاب دینکرد در زمان عباسیان و به ویژه تا دوران خلافت مأمون توسط دانشمندی به نام آذرفرئیغ تدوین شد مطالب کافی آمده است.

اما آن چه که مورد نظر است آن که بیست و یک کتاب را به سه موضوع تقسیم کردند که هر موضوع شامل هفت کتاب می‌شد. نخست بهره‌گاسانیک Gāsānik یا ادبیات و سرودهای مینوی.

دوم بهره‌هاتک‌مانشریک Hātak-mānsarik شامل سرودهایی درباره اذکار و ادعیه. سوم بهره‌داتیک Dātik شامل قوانین و احکام.

وندیداد در همین بخش اخیر، یعنی بهره، داتیک جای داشت و نسک نوزدهم در اوستای تدوین شده در زمان ساسانیان به شمار می‌رفت.

چنان‌که اشاره شد، این تنها نسک اوستای ساسانی است که بسیار مورد علاقه مغان بود و تا اندازه‌ای برخی از بخش‌های آن با کم‌وکاست‌هایی به ما رسیده است. هم متن اوستایی آن و هم ترجمه و تفسیر پهلوی‌اش.

کتاب وندیداد "وی + دژو + داته + *vi + daevo + dāta*" به معنی "قانون یا شریعت ضد دیو" می‌باشد. کاربرد آن را در اوستای نوین، در بندهای گذشته ملاحظه کردیم. دارای بیست و دو فزگزژد - یا برگرد است، یعنی بیست و دو فصل یا بخش.


از آن جایی که بخش عمده‌ای از این کتاب راجع است به مغایر پیش از زمان زرتشت و از سویی دیگر اقوام و مردم بومی ایران زمین و آریایی‌های مقدم بر زمان زرتشت، خلاصه‌ای از این کتاب از نظر می‌گذرد تا با آن چه که این بخش از یشت‌ها و در بخش‌های دیگر نقل شد، مجموعه‌ای باشد برای شناخت و دریافت قسمتی از باورها و مذاهب اعصار پیش از پیغمبر.

فرگرد اول

دارای بیست و یک بند است. در این بخش که راجع است به جغرافیای  شرق ایران، از شانزده کشور یا شهر سخن در میان است که آهورامزدا آفرید "فَرْتَوَیس" Fra.θwares و اهریمن برای مقابله و معارضه با آفرینش نیک آهورامزدا، در هر شهری که آفریده می‌شد، بلا، گناه و یا آسیبی پدید می‌آورد، یعنی می‌آفرید "فَرْتَوَی کِرَنت" Fra.kerent آفرینش آهورامزدا بدان جهت است که می‌گوید هر آینه اگر من شهرهای دیگر را که امن و پرآسایش و با نعمت و برکت باشد نمی‌آفریدم، مردم همه جهان به آئیزتیم وَئِجَو Airyanem vaedjo روی می‌آوردند و زندگی در آنجا مختل و غیرممکن می‌شد "مقایسه کنید با فرگرد دوم، که داستان جمشید است و چون در سرزمین زیر فرمان وی، مردم و ستوران و آثار زندگی وسعت زیاد یافت، جمشید به فرمان آهورامزدا به سوی جنوب پیش رفت و مردم را در سرزمین‌های دیگر سکونت داد".

به همین جهت آهورامزدا می‌گوید هر آینه تنها به آفرینش ایران و بیخ اکتفا می‌شد، همه مردم در آنجا تجمع می‌کردند و زندگی سخت می‌شد. در هر کشور، کار اهریمن ضد آفرینش بود، یعنی آفرینش منفی که واژه آن به صورت فَرْتَوَی کِرَنت Frakaret = "ضد آفرینش نیک، آفرینش اهریمنی" آمده در مقابل آفرینش ایزدی و آهورایی، فَرْتَوَی کِرَنت Fraθwares.


فرگرد دوم

دارای چهل و سه بند است. موضوع این فصل گفت‌وگوی زرتشت و  آهورامزداست. زرتشت می‌پرسد و آهورامزدا پاسخ می‌دهد. خداوند از جمشید می‌خواهد که پیامبر او باشد و جمشید قبول نمی‌کند. پس جمشید قانع می‌شود که تنها آفریدگان خداوند را نگاهبانی کرده و فراوان سازد. جمعیت آنقدر انبوه می‌شود که جمشید سه بار با فرمان آهورامزدا به سوی جنوب کوچ می‌کند و مردم را در سرزمین‌های دیگر سکنا می‌دهد.


آن‌گاه آهورامزدا به جمشید خبر می‌دهد که به زودی توفانی از سرمای سخت فرامی‌رسد و برف به آن بلندی می‌بارد که بلندترین کوه‌ها را با پست‌ترین دره‌ها می‌پوشاند و از جمشید می‌خواهد پناهگاهی ساخته و همه وسایل زندگی و از همه جانداران و انسان و روییدنی‌ها در آن پناهگاه گرد آورَد تا پس از مدتی دراز، سرما و برف نسل همه گیاهان و جانداران و انسان را تباه نسازد. گفت‌وگوی آهورامزدا و جمشید و راهنمایی‌های خداوند درباره چگونگی غار "وَرُ Var" یا در اصطلاح زرتشتیان "باغ جمشید" پناهگاه طولانی است و داستان سرانجام ناتمام رها شده.

در پایان جمشید می‌پرسد: ای آهورامزدا، در این غار فرمانروا و سردار کیست؟ و پاسخ می‌شنود که اوژوتت‌نَر Urvatat-nara و توای زرتشت - البته این مسأله بسیار بعید است و اغتشاش در متن و تداخل ادوار را نشان می‌دهد، چون میان جمشید و زرتشت بُعد زمان زیادی فاصله است.

فرگرد سوم

این فصل در چهل و دو بند می‌باشد. از دو مطلب تشکیل شده: نخست از  نیکویی‌ها و فواید زراعت و کشاورزی گفت‌وگو است و لحن شاعرانه و تقریباً لطیفی که در تدوین و ندیداد بسیار اندک است در انشاء آن به نظر می‌رسد. مطلب دوم که یکی از رسوم مغان درباره رفتار با مردگان است دنبال شده و کیفر اعدام و حد تازیانه برای کسانی که به دفن مرده در خاک پیردازند تعیین می‌شود و مجازات‌های دیگر نیز شرح می‌شود. به‌طور کلی یکی از بهترین اعمال و پیشه‌ها، زراعت و کشت گندم و غله است و یکی از بدترین گناهانی که بی‌توبه است و بخشش ندارد، دفن مردگان. مرده را با روش ویژه‌ی که بنا به دستور باید در بیرون آبادی و بالای بلندی قرار داد تا طعمه جانوران و پرنندگان لاشه‌خوار شود.

فرگرد چهارم

این فصل با پنجاه و پنج بند درباره قوانین و احکام عهد و پیمان "میثر"  "Miθra" و انواع آن، و کیفر و مجازات‌های پیمان‌شکنی "میثرُ دروج" Miθro.druj، مهر دروجی" است. در آغاز از شش نوع عهد و پیمان سخن می‌رود. هرگاه کسی پیمانی را بشکند، مکافات و مجازات آن دامن‌گیر نزدیکان وی خواهد شد. در مواردی مجازات تازیانه و شلاق زدن به عنوان حد شرعی تعیین

شده است. صلابت، شدت، سختی و خشونت مجازات‌ها در هر مرتبه بیشتر می‌شود.

گناه پیمان‌شکنی یا مهر دروجی دامن‌گیر اعقاب پیمان‌شکن تا پشت‌های بسیار و اقربا و خویشاوندان فراوان می‌شود در صورتی که پیمان‌شکنی فرار کند یا بمیرد و یا به شکلی دسترسی به وی حاصل نشود. وسواس در تعیین چگونگی جرم و یا مکافات پیمان‌شکنی، درجه به درجه بیشتر و شدیدتر می‌شود، تا جایی که مجازات‌ها در عمل غیرممکن به نظر می‌رسد.

از بند ۴۵ به بعد دربارهٔ مسایلی دیگر، چون آموزش علم و اوقات تحصیل و نیکویی و احسان و برتری افراد متأهل بر بی‌زن و عزب و مال‌دار و ثروتمند بر بی‌مال و آن‌که صاحب فرزندان و خانواده است بر بی‌فرزند و بی‌خانواده می‌باشد و در اواخر همین فصل است که از روزه و روزه‌داری به عنوان گناه یاد شده.

فرگرد پنجم

این فصل دارای شصت و دو بند می‌باشد و دربارهٔ آداب و رسوم و روش پاد یابی یا تطهیر کسانی است که ناپاک و آلوده شده‌اند، ناپاک و نجس به وسیلهٔ دیوان مختلف. بیشتر این ناپاکی‌ها در اثر تماس با جسد مردگان به وجود می‌آید. لاشهٔ مردگان زمین را نیز ناپاک می‌کند و هرچیز دیگری را که با آن در تماس باشد، چون زمین. دیگر دربارهٔ اینکه آیا آب و آتش موجب مرگ می‌شوند یا نه سخن است. آب و آتش موجب مرگ نمی‌شوند بلکه این *آشتوویڈنو* یا *Asto-viđotu* یا دیو مرگ است که در آب و آتش آدمی را به دست خدای مرگ *ویو* *vayu* می‌سپارد.

پس از این دو بند، دوباره مطلب برمی‌گردد به روش‌های گوناگون تطهیر که از *میت میت* حادث می‌شود. روش نگاهداری مردگان در فصل زمستان و جای نگاهداری و شیوه‌های آن. پس دربارهٔ دریای *پوئی تیکه* *poitika* و *ئوروکته* و

خواص آب‌ها و چگونگی تطهیر به وسیله آب مطالبی می‌آید. از نیکویی قانون ضد دیو زرتشتی "وی - دژئو - داته = وندیداد" بحث می‌شود که بر همه قانون‌ها و کیش‌ها سرآمد است.

درباره مغان که مردم باید هنگامی که گناهی از آنان سرزد، نزدشان رفته و اعتراف کنند تا مغ مقداری از گناه را ببخشد. دوباره مطلب باز می‌گردد به ناپاکی که از تماس مرده، من غیر قصد روی دهد. سگ هم مقام با انسان است و همان مکافات و مجازات و آلودگی و تطهیر و قوانینی که برای آدمی موجود است هنگام تماس با جسد مرده، همانها در اثر تماس با جسد سگ نیز وجود دارد.

درباره زنی که بچه مرده بزاید که گناه بزرگی مرتکب شده و سخت ناپاک گشته، خود و محیط اطرافش باید تطهیر شود. آنقدر این آداب و روش سخت و خشن است و پر طول و تفصیل که کمتر نظایری دارد. البته در خود وندیداد نظایر سخت‌تر از آن نیز هست. باری، یکی از موارد آن است که چنین زنی چون دیو در رجمش وارد شده، باید مایعی ضد جادو و آزار دیو، از شاش گاو و خاکستر در رجمش، در چندین نوبت و به اندازه‌های معین بریزند. آب چون مقدس است و این زن آلوده، تا پایان مراسم که طولانی است از نوشیدن آب منع شده است و از تماس با مردم و مجاورت آب و آبادانی محروم می‌شود.

در جایی محقر و دور از آب و آبادانی باید با محدودیتی بسیار در خوراک و پوشاک به سر بزند. این محدودیت‌ها حدود دوازده شب و روز طول می‌کشد و آنگاه چندین موبد که هر کدام وظیفه و کاری دارند، پس از غسل دادن وی با شاش گاو "گومیز"، او را اجازه می‌دهند که زندگی عادی از سرگیرد.

فرگرد ششم

این فصل با پنجاه و یک بند درباره حدود شرعی و کیفر تازیانه است برای کسانی که در زمین جسد مرده‌ای را دفن کنند. یا در زمینی که مرده



دفن شده پیش از انقضای موعده مقرر و مراسم تطهیر زراعت کنند. و این که جسد مردگان را به چه طریق و در چه ارتفاعاتی باید قرار داد تا طعمه درندگان لاشه‌خوار و پرندگان شود؛ و چگونگی آستودان، یعنی نگاهداری استخوان‌ها. به هر روش و در هر جایی که باشد، این مسأله پیش کشیده می‌شود. بزرگترین و مهم‌ترین موردی که در وندیداد، باتوجه به تکرار، بدان توجه شده و حساسیت نشان داده می‌شود، همین مورد است.

در زمینی که سگ یا انسانی بمیرد و یا دفن شود، به مدت یک سال از کشت و کار و تردد به روی آن منع شده است. هرگاه کسی برخلاف این رفتار کند، مستوجب چهارصد ضربه تازیانه می‌شود.

در مطالب بعدی، درباره جرایمی است که به موجب آن، فرد، استخوان مرده‌ای از سگ یا انسان را که به اندازه یک بند انگشت باشد به روی زمین اندازد، مجازات چیست؟ پاسخ شصت ضربه تازیانه می‌باشد. این مراتب به همین ترتیب تکرار می‌شود و هرچه استخوان بزرگتر شود، مجازات بیشتر می‌شود تا به دو هزار ضربه شلاق می‌رسد.

موردی دیگر در این فصل، روش تطهیر آبی است که جسد مرده‌یی در آن افتاده باشد. هم‌چنین است هنگامی که جسد مرده‌یی در برف یا یخ افتاده باشد و روش تطهیر برف و یخ شرح می‌شود و در واپسین بندهای این فصل، از چگونگی و قوانین رفتار با مردگان و دخمه و آستودان کردن سخن در میان است.

فرگرد هفتم

فرگردهای بعدی، با تفصیل بسیار هم‌چنان درباره نسا، یا لاشه مرده،
 طریقه دخمه کردن، دیوتسو Nasu و شیوه‌های تطهیر و روش‌ها و مراسم
 در این باب است. هر فردی که مُرد، بلافاصله دیوتسو، به شکل یک مگس بسیار
 زشت در بدن مرده وارد می‌شود، مأمّن دیوان در شمال قرار دارد. دیو تا هنگامی



که جسد به وسیله سگان و لاشه‌خواران دریده و خورده نشوند، در لاشه باقی می‌ماند و پس از آن دوباره به طرف شمال پرواز می‌کند.

یکی از ویژگی‌های وندیداد، چون سایر بخش‌های اوستای نوین که به وسیله و با نظارت مستقیم مغان تدوین شد، یک دست نبودن مطلب است در هر بخشی - و یک ویژگی دیگر تکرارهای خسته کننده و خشک و ملال آور مطالب می‌باشد. گاه یک موضوع عیناً در چند بخش تکرار می‌شود. در فرگرد هفتم، مطالبی درباره ناپاک شدن زندگان و افرادی که در یک محفل و مجمع گرد هستند و میان‌شان کسی می‌میرد و چگونگی آلوده شدن آن جمع و طُرُق تطهیرشان آمده است. البسه و متعلقات به مرده نیز آلوده و در معرض تماس با دیو لاشه است که باید تطهیر شود و این تطهیر با شاش گاو و خاک و آب در مراحل مختلف و زمانی دراز انجام می‌شود. متعلقات مرده از البسه و چیزهایی این قبیل، به مغان تعلق می‌گیرد. اگر کسی روی جسد مرده چیزی از پارچه هرچه که کم و بی‌ارزش باشد بیندازد گناه نابخشودنی مرتکب شده است. کسانی که از گوشت مرده انسان یا سگ تغذیه کنند نیز گناه نابخشودنی مرتکب شده‌اند. هر چیزی که با مرده در تماس باشد نجس و آلوده می‌شود. روش تطهیر تابوت و هر چیزی که مرده را به وسیله آن حمل کرده‌اند. روش تطهیر علوفه که با مرده تماس پیدا کرده باشد و روش تطهیر غله شرح شده است.

قسمت دوم از فرگرد هفتم درباره دستوره‌های پزشکی و قوانین کار اطباء می‌باشد. برای به دست آوردن پروانه پزشکی، یک طبیب لازم بود دوره آزمایشی خود را میان دیوپرستان بگذراند. هرگاه می‌توانست سه دیوپرست را معالجه کرده و سلامتی دهد، می‌توانست میان مزداپرستان به طبابت پردازد. هرگاه نمی‌توانست چنین کند برای همیشه از طبابت میان مزداپرستان محروم می‌شد.

یک جراح "گر تو. بیشرز یا کارد پزشک Kareto. Baešaza نیز لازم بود تا حذاقت خود را میان دیوپرستان بیازماید که در صورت موفقیت می‌توانست کار

خود را در جامعهٔ مزدپرستان شروع کند. اگر جراحی یک مزدپرست را جراحی کرده و نمی‌توانست وی را درمان کند، مجرم اعلام شده و کیفرش آن بود که به عمد کسی را مجروح کرده باشد.

دستمزد پزشکان از جمله مسایلی است که در این فرگرد از بند چهل و یک به بعد آمده است. دستمزد با وضع بیماران که از چه طبقه بوده و مرفه یا ثروتمند بودند یا نه تفاوت می‌کرد. دستمزد به دام و چارپا و جنس پرداخت می‌شد. این دیرینگی این قوانین و مطالب و جامعه را می‌رساند. از پول آگاهی و نشانی نیست. معالجهٔ رئیس خانواده یک گاو نامرغوب، برای رئیس ناحیه یک گاو متوسط، برای رئیس بخش یا شهر یک گاو مرغوب تعیین شده.

برای درمان همسر رئیس خانواده یک الاغ مادهٔ شیرده، همسر رئیس برزن استر و رئیس شهر یک شتر می‌باشد. این مراتب هم چنین برای مردم مختلف در درجات اجتماعی تفاوت پیدا می‌کند. دامپزشکان نیز حقوقی معین و به جنس داشته‌اند. پزشکان به سه گروه تقسیم می‌شدند. پزشکی که به وسیلهٔ کارد درمان می‌کرد، یعنی جراح، "کَرْتُو-بَیْشَز-kareto-baešaza" و پزشکی که به وسیلهٔ دارو به درمان می‌پرداخت، یعنی به وسیلهٔ گیاهان داروئی - اوزوژ - بَیْشَز-urvaro-baešaza و پزشکی که به وسیلهٔ ادعیه و کلام ایزدی به درمان اقدام می‌کرد - مائَنَز-بَیْشَز-Manθro-baešaza. پس از این مطالب، یک باره در مورد لاشهٔ مرده و آلودگی‌های حاصله از آن و روش‌های سخت و مراسم پراز و رمز تطهیر مسایلی مطرح می‌شود. در مورد اینکه جسد در چه مدت پس از آن که به سوی خورشید، بالای برج قرار داده شد پاک می‌شود، یا زمینی که مرده به روی آن بوده است چه هنگامی تطهیر خواهد شد. مطلب بعدی در فرگرد هفتم که دارای ۷۹ بند است راجع است به دیوها، پری‌ها و شیاطین. آشکار می‌شود که با مطالب بند ۵۶ - دفن اموات امری بسیار رایج و شایع بوده است. دیوها در قبرها و گورستان‌ها مقام دارند و از گوشت و خون مردگان می‌خورند و عفونت و گند و بیماری به وجود می‌آورند. در این قبرستان‌ها، از آغاز شب دیوان و پیروان آنان گرد می‌آیند.

در فرگرد پنجم مطلبی هست که به موجب آن هرگاه زنی فرزند مرده بزاید، چه مجازات‌ها و عقوباتی دارد. و در این جا، یعنی فرگرد هفتم اشاره شده که هرگاه چنین زنی بر اثر تب و بیماری، تشنه شده و به آب نیازمند باشد، لازم است یک مغ با شرایطی بسیار پیچیده به وی اندکی آب دهد. اما اگر مغ ویژه نباشد و آن زن خود آب بنوشد، مستحق مجازات بوده و دو بست ضربه تازیانه باید به وی زده شود و ناظران بر نوشیدن آب نیز گناهکارند.

در پایان این فصل از تطهیر ظروف مسی، آهنی، طلائی، نقره‌یی، فولادی، سنگی، سفالی و گلی که به وسیله لاشه انسان یا سنگ نجس شده باشد، مسایلی نقل شده است و احکام شرعی درباره تطهیر آن.

فرگرد هشتم

یکی از فصول بلند و ندیداد، فرگرد هشتم است با سد و شش بند. باز هم تاکید و سنگینی مطالب درباره مراسم و آدابی است مربوط به مردگان و روش‌های دشوار تطهیر و غسل مس میت و مراسم سگداید و کیفر کسی که روی جنازه را حتا با کمترین چیزی بپوشاند.

بخش دوم از مطالب راجع به تحسین از دین نیکوی مزداپرستی مغان و ستایش از قانون ضد دیو " و ندیداد " مطالبی درباره مبارزه با دیوان و شیاطین نیز هست که هرگاه ادعیه مقدسه تلاوت شود، دیوان و شیاطین می‌گریزند. مجازات اعدام برای کسی که جسد مرده را بسوزاند و فواید و ثواب برای کسانی که آتش مقدس را تطهیر کرده و با آداب ویژه به آتشکده و آتشگاه حمل کنند.

بسیاری از قوانین و احکام و اشارات درباره زندگی چادرنشینی و کلبه‌هایی که از پوست یا نمند و یا حصیر است و ظروفی که از سنگ و سفال می‌باشد و عدم رواج و شناخت پول و معاملات و دادوستد جنس به جنس و بسا اشارات دیگر، محیط و ندیداد را که یک محیط متعلق به تیره‌هایی است که زندگی بسیار ابتدایی و

چادر نشینی را می‌گذرانند تصویر می‌نماید. به همین جهت است که گاه میان این احکام، تضاد به نظر می‌رسد، و گاه اصطلاحات دربارهٔ یک مسأله وسیعاً تغییر پیدا می‌کند و گاه مقیاسات اندازه‌ها و مقادیر متفاوت می‌شوند.

هرگاه سگ یا انسانی در کلبه‌ای که سقف آن از چوب و گیاه یا نمد "نمَتُو nemato" باشد بمیرد تکلیف چیست؟ البته هنگامی که موقتاً شرایط در هوای آزاد قرار دادن موجود نباشد. پس شرایط دفن موقت و احکام آن درج شده و این که آن کلبه را با چوب‌ها و گیاهان خوشبو بخور دهند، چون: "اورواشته urvâsna دارای بوی تند" و "وُهوگئونه vohu-gaona نوع و جنس خوب" وُهوکرته "vohu-kereta = دارای شفا و ذات خوب" هذا یتیتته haðâ-naepata همیشه سبز و تازه".

آن‌گاه دستورهایی بسیار است راجع به این که اگر هوا نامساعد بود با جسد چه کنند و چگونه امانت نهند و موقتاً تحت چه شرایط ویژه‌یی دفن کنند. شرایط غسل مت میت با شاش گاو نیز بسیار پیچیده است. هرگاه محظوراتی از لحاظ شاش گاو و گوسفند برای غسل مرده کشان "نسا سالار = مرده کش" پیدا شد با ادرار زنان و مردانی که خیتوک‌دس کرده باشند نیز مرده کشان می‌توانند غسل کنند.


از بند شانزدهم به بعد دربارهٔ مراسم سگدید است. از راهی که می‌خواهند مردهٔ انسان یا سگی را عبور دهند، باید سه بار سگ زرد چهار چشم و یا سگ سفید زردگوشی را عبور دهند تا دیو نسو که به شکل یک مگس کثیف در کمین است به سوی شمال فرار کند و مطالبی دیگر در این زمینه است که نقل شده.

مجازات‌هایی برای افکندن پارچه و لباس به روی میت که تا دو هزار ضربه تازیانه کیفر دارد و مجازات‌هایی برای لواط "وئیتیه Vaepaya" تا جایی که حتا این گناه بی‌توبه خواهد بود. اما وندیداد در واقع "کتاب مردگان" است. چون هرگاه مسایل و احکامی دیگر مطرح می‌شود، بلافاصله مسایل برمی‌گردد به قوانین و احکام مردگان. در این جا نیز دوباره چنین مسایلی مطرح می‌شود: اگر جسد مرده‌یی که یک سال از مرگش بگذرد لمس شود، چه مجازات‌هایی دارد و چگونه آدمی تطهیر می‌شود. قابل ذکر است که احکام و قوانین دربارهٔ لاشهٔ مردهٔ سگ و

انسان یک سان است. مایع اصلی پادیاب و تطهیر "شاش گاو" است و گاه آب با شرایط ویژه. دنباله این فصل چون بسیاری از موارد، آن قدر ملال انگیز است که حدی بر آن متصور نیست.

از بند ۷۳ به بعد درباره سوزاندن مردگان است و اینکه اگر مزدپرستان و پیروان مغان با چنین آتشی که مرده را بدان سوزانده اند مواجه شدند چه باید بکنند و روش عودت آتش به آتشگاه و تطهیر آتش و دوباره فراهم کردن آن چگونه است. این فصل با مطالبی دگر باره درباره شرایط تطهیر کسانی که به وسیله تماس با جسد مرده سگ و انسان آلوده شده اند شرح می دهد.

فرگرد نهم

فصل نهم با پنجاه و هفت بند درباره مراسم بسیار پیچیده تطهیر یا برش نوم  Berešnum است. مراسم پادیابی باید فقط به وسیله مرد آشه = narem-ašavanem انجام پذیرد. آشه "Aša / آژته" تنها به معنی لغوی و وجه صفتی آن به معنی پارسا یا مقدس منظور نیست. کاربرد این اصطلاح در وندیداد، مغانی هستند که متخصص در چنین امور پیچیده بی می باشند و در مقابل دستمزدهایی که تعیین شده، عهده دار مباشرت این مراسم می شوند و جز به وسیله آنان، چنین مراسمی پذیرفته نشده و قبول نمی شود.

هرگاه فردی بخواهد تن خود را از آلودگی به وسیله مس میت یا تماس و لمس جسدی تطهیر نماید، به چنین کسی مراجعه می کند. این متخصص، زمینی ویژه را به اندازه هایی معین و دقیق از همه لحاظ آمده می کند. زمین به شکل یک مستطیل که اضلاع بلند آن به سوی شمال و جنوب و اضلاع کوتاه اش به سوی خاور و باختر باشد به وسیله شیار در زمین معهود احداث می شود. البته لازم به یادآوری است که در این جا چنان که برخی اشاره می کنند این مراسم نوعی گندزدایی است جهت دفع میکروبها و جلوگیری از سرایت بیماری و جز آن،

چنین نیست؛ چون به صراحت اشاره می‌شود که این نوع ناپاکی‌ها، نجاستِ درونی است، ناپاکی و آلودگی‌یی که تا اعماق اندرونی‌ترین اعضای آدمی و تا بُنِ ناخن را فرامی‌گیرد و عامل آن دیوتسو یا دیو موت است و یوزداتزگر *yuždātθragar* یا موبدکاردانِ مراسمِ برِشَنوم، با این اعمالِ جادویی و درازمدت، دیوتسو یا دیوها و جن‌هایی را که از بدنِ مرده به بدنِ زنده سرایت کرده‌اند، با این مراسم تسخیر و بیرون می‌کند تا به سوی شمال که مسکن دیوها و دروازهٔ دوزخ است بگریزند.

باری، به فاصلهٔ معینی، سه مستطیل دیگر داخل اولی با شیار مشخص می‌شود. در سمت مغرب، داخل مستطیل، به شکلی که نیمی از مستطیل اولیه را شامل شود، با شیار یک مستطیل دیگر و داخل آن با شیار دو مستطیل دیگر احداث می‌شود. داخل این نیمهٔ مستطیل دوم، دو مربع که هر یک دارای سه شیار می‌باشد به وجود می‌آید. داخل هر مربع سه سوراخ با عمقی معین که در فصول مختلف فرق می‌کند، کنده می‌شود. در نیمهٔ دیگر نیز با حساب زوایا و عمق معین سه سوراخ به وجود می‌آید. اندازه‌ها، عمق‌ها و زوایا همه باید مطابق حساب باشد و با آلات و ادوات مخصوص ایجاد شود و ادعیه و اذکار گوناگون در مواقع مختلف خوانده شود. [شش صفحه تصویر دربارهٔ مراسم برِشَنوم را میان صفحات ۳۹۸ - ۳۹۳ ببینید]

در چنین جایی است که مراسم تطهیر "برِشَنوم" توسط مغ و ویژه انجام می‌شود، البته در فواصل سوراخ‌ها و شیارها لازم است با سنگ‌های ویژه فرش شود. مرد آلوده و دیوزده داخل شده و با راهنمایی مغ، مشغول انجام مراسم می‌شود. ادعیه‌ای که مغ می‌خواند مرد تطهیر شونده نیز باید تلاوت کند. در هر گام و هر قدمی که داخل این مستطیل‌ها و مربع‌ها و سوراخ‌ها برمی‌دارد، و ادعیه و اورادی که خوانده می‌شود، با ظرفی ویژه که از آهن یا سرب باشد و دستهٔ چوبی داشته باشد از چوب یا نیِ بُند یا نُه گره، مغ باید شاش گاو نر را درحالی که خود بیرون از محوطه و تطهیرگاه است به مرد آلوده بریزد. هر بار مرد آلوده موضعی از بدن خود را با این ادرار گاو که آن‌هم با طُرُقی ویژه تحصیل می‌شود "نیرنگ"، می‌شوید - و هر موضعی که چنین تغسیل شود، طاهر شده و دیوتسو = "دروچ‌تسو" یا

دیو ویژه لاشه مرده از آن موضع گریخته و به موضع راست، گوش چپ، شانه راست، شانه چپ، زیر بغل راست، زیر بغل چپ، سینه، پشت، سینه راست، سینه چپ... می‌گریزد.

و هم چنین با همین تشریفات طولانی و ملال آور، هر عضوی از چپ یا راست، باید سه بار با شاش گاو شست و شو شود. دیو لاشه هر بار از عضوی که بدین طریق تطهیر می‌شود، به عضوی دیگر می‌گریزد.

ادعیه و اوراد نیز بسیار است. تشریفات که باید با مراعات فواصل و طول و عرض انجام شود، محاسبه اش پردردسر است. آلات و ادوات کار فراوان است. برای مرد و زن، چون مراسم تطهیر به میان بدن رسد تفاوت می‌کند. سرانجام پس از ده‌ها بار شست و شو و صرف اوقاتی بسیار طولانی، دیو تسویا دیو مرده به کف پاها پناه می‌برد که در این جا نیز مراسم تطهیر بسی ملال‌انگیز است. هرگاه مراسم درست و بادقت و از روی دستورها انجام شود، سرانجام دیو لاشه مردگان از زیر انگشت شست پا به سوی شمال می‌گریزد، به صورت مگسی بسیار زشت و کثیف. اما درحالی که گمان می‌رود مراسم تطهیر انجام شده و مرد آلوده از نجاست و دیوزدگی یا تسخیر دیو و جن زدگی رهایی یافته، متوجه می‌شود که تازه میانه راه نیز نرسیده و از نه سوراخی "Maya مقه" که داخل مستطیل‌ها و مربع‌ها تعبیه شده، با مراسمی، یک یک باید بگذرد. میان ردیف سوراخ‌ها بنشیند و سراسر بدن خود را با خاک بمالد. این کار، یعنی شست و شوی خشک با خاک، پانزده بار باید تکرار شود. آنگاه در سه سوراخ آخری، نزدیک هر سوراخ سه بار خود را با آب بشوید. پس تن خود را با گیاهان ویژه که نام برده شده بخور دهد.

اینک آیا مراسم تطهیر به پایان رسیده؟! - نه، چنین مردی، یا زنی به جایگاهی ویژه می‌رود. تماس با اعضای خانواده و هرکسی دیگر برای وی ممنوع است. فقط مغ اجراکننده مراسم، از دور با وی تماس می‌گیرد. با یک قاشق یا ملاقه دسته بلند، که سر آن از سرب یا آهن و دسته اش از شاخه‌ای از نی نه‌گره باشد به وی غذای ساده و ویژه‌ی می‌رساند. به آب و آتش، خاک و گاو

”چارپایان، دام“، گیاه، مرد آشه و زن و مرد و کودک نزدیک نمی‌شود و تماس نمی‌گیرد. چون سه شب سپری شد. باید تن و پوشاک خود را با آدابی ویژه با شاش گاو تطهیر نماید.

دور دوم قرنطینه شش شب است که همه مراسم آن چون دور اول باید اجرا شود و در پایان دوباره مراسم تطهیر تن و پوشاک با شاش گاو انجام گردد. دور سوم قرنطینه، نه شب است که با همان تفصیل چون انجام یافت و مغ ناظر بر آن صحت گذاشت، از آلودگی پاک شده و می‌تواند زندگی عادی را از سرگیرد.

زمینی که شرح آن گذشت و در آن آیین طهارت = ”برش‌نوم Barešnum“ انجام می‌شود، و سوراخ‌هایی که نیز یاد شده و در آن زمین احداث می‌شود، هر دو مَعَه Maya نامیده می‌شود و این توضیح دارای اهمیت بسیاری است، به معنی جایگاه تطهیر و پاک شدن از آلودگی. اصطلاحی که در گاتاها از آن به قرینه نشانی داریم و در بندهای گشته بدان اشاره شد مَگه maga می‌باشد. اساس آیین مغان، پادیابی و طهارت است. در اوستا، جاهایی بسیار محدود از پَی تیاپه paityāpa که در پهلوی پات یاپ pātyap و در فارسی جدید پادیاب شده است یاد شده که با چند اصطلاح ویژه مغان همراه است ”تسنا ۶۵، بند ۶“ و شرح آن گذشت. انجمن و گردهم آیی‌های مغان، این شورانگیزان سودا زده در مراسم تطهیر = ”مَعَه“ بوده است. وندیداد و آیین‌های آن که شرحی بسیار فشرده و مختصر از یکی از جمله مراسم تطهیر آنان به وسیله و افزار مَعَه گذشت، دلیلی روشن و آشکار بر این است که کاربرد مَگه در گاتاها و مَعَه در وندیداد بسیار متفاوت است و تنها شباهتی در تلفظ و املا دارد.

دنباله فرگرد نهم درباره دست‌مزد اجرا کنندگان مراسم تطهیر می‌باشد. هرگاه یک مغ که آلوده شده است به وسیله مغی دیگر که از جمله اجرا کنندگان این‌گونه مراسم است تطهیر شود دست‌مزد وی تنها دعای خیر از طرف مرد آشه می‌باشد که مراسم پادیابی درباره وی انجام شده. اما برای دیگران، دست‌مزد و اجرت کار مطابق شئون و مقام و منصب اجتماعی و حرفه و پیشه‌شان تفاوت می‌کند.

دست مزد از یک شتر، یا گاو نر مرغوب، یک اسب راهوار، یک گاو آهن یا بارکش و... تفاوت می‌کند. هرگاه کسی این‌گونه مواشی و ستوران را نتواند بدهد، لازم است به جای آنها از اشیاء و چیزهای گران‌بها آن‌قدر بدهد که آن مغ راضی و خشنود شود. هرگاه مرد روحانی ناراضی باشد، دیو تسویا دیو لاشه مرده که تسخیر و بیرون رانده شده دوباره بازگشته و از راه بینی، چشم، زبان، دهان و آلت تناسلی و سوراخ پشت فرد تطهیر شده دوباره وارد تنش می‌شود و برای همیشه وی را ناپاک و در تسخیر خود نگاه می‌دارد. در بخش آخر این فرگرد، از کسی یاد شده که آشنا و متخصص در امر تسخیر دیو نباشد و به این کار اقدام کند. مجازات وی آن است که مزدپرستان وی را به بندکشند از دست‌ها و پاها. برهنه‌اش کنند و سرش را ببرند و بدنش را طعمه لاشه‌خواران کنند. به موجب کتاب روایات داراب هرمزیدار چنین کسی را به بیابان برده و به چهار میخ می‌کشند و زنده‌زنده پوستش را می‌کنند، آنگاه سرش را می‌برند. این مجازات سخت همان مجازاتی است که از سوی گزتیر Kartir، درباره مانی به مورد اجرا گذاشته شد.

از دیدگاه مغان، کسی که مراسم پادیابی و تطهیر را درست انجام ندهد و در این کار به درجه تخصص نرسیده باشد، برهم زن نظام آشائی است. در بند ۵۲ از همین فرگرد نهم وی آشه متئوغه Ašemaoya نامیده شده، با صفت ناپاک آتسَو Anašava چنان‌که اشاره شد، در این جا، در وندیداد، آشه - به معنی "راستی و پارسایی" نیست. مرد آشه به معنی "روحانی" است که به احکام اجرایی و آداب تطهیر و احکام مغانه به درستی و دقت آگاه باشد. نظام آشایی در این جا، آن نظام اشایی در گاتاها نیست.

کسی که احکام و قوانین اجرایی و دقیق تطهیر و پادیابی را نداند یک آشه متئوغه می‌باشد، یعنی برهم‌زننده نظام آشه و واجب‌القتل است. ناپاک است و با آن روش فجیع باید کشته شود. در پهلوی آشموک - آشموغ ašmuk-ašmuy آمده است. در هر جای اوستای نوین که این واژه و صفت آمده، کاملاً از لحاظ بیان مطلب، سبک انشاء و بیان و اصطلاحات ویژه، همان سبک و بیان و اصطلاحات

وندیداد را می‌رساند، از جمله در: یسنای ۶۱/۴، ۶۵/۸، ۶۸/۸، هرمزدیشت، بند ۱۰ و بخش پازند "نیرنگ کشتی بستن".

فرگرد دهم و یازدهم

این فصل دارای بیست بند است و فرگرد یازدهم نیز به همین سان بیست بند می‌باشد. مطالب این دو فصل درباره چگونگی مقابله و مبارزه با دیوان و شیاطین است. پیش از یادکرد فشرده رئوس دو فرگرد یاد شده، توضیحی درباره صفت مرکبی که در وندیداد برای آهورامزدا آمده است لازم می‌باشد. در بندهای گذشته یادآوری شد که به موجب عقاید ویژه مغان، کار تکوین و آفرینش جهان از سه راه و سه طریق انجام شده است. این کاملاً مغایر با مسئله تکوین در گاتاها یا سرودهای زرتشت است. سه شیوه آفرینش به موجب وندیداد عبارت است از عناصری که به رأی و اراده خود قائمند و خود آفریده می‌باشند "خوَذاتَه" *xvaôata* که روشنی بی‌پایان، تاریکی بی‌پایان، آسمان بزرگ، برخی ستارگان و موارد دیگر از آن جمله‌اند. دوم آنچه که مخلوق و آفریده دیو و اهریمن است "دئوَذاتَه" *daevôata* و سوم آنچه که به وسیله مزدا - یا آهورامزدا آفریده شده و به رأی و اراده وی قائمند "مزذاتَه" *mazdaôata*. به همین جهت است که آهورامزدا از دیدگاه مسئله تکوینی و آفرینش در فلسفه و باور مغان در وندیداد، آفریننده جهان جسمانی، یا دادارگیتی مادی - آستومند "داتَر - گئیَه نام - آشتوئی تی نام" *dâtâre-gaeθanâm astvaitinâm* توصیف می‌شود. به همین جهت است که هر جا آهورامزدا به وسیله زرتشت مورد سؤال و پرسش واقع می‌شود، به عنوان آفریننده جهان مادی یا آستومند می‌باشد.

در آغاز فصل دهم، زرتشت می‌پرسد که راه راندن و دور کردن دیو مرگ که از لاشه مرده به زنده حمله می‌کند چگونه است؟ پاسخ می‌شود که باید به وسیله ادعیه‌ای که معین شده و تلاوت آنها، دیو نسو و سایر دیوها را دور کنی. ادعیه از

فصول مختلف یسنا انتخاب شده. برخی از ادعیه باید دوبار خوانده شود = "بیشامروته Bišāmruta" برخی از ادعیه باید سه بار تلاوت شود = "نریشامروته 0rišāmruta" و بعضی از ادعیه است که باید چهار بار خوانده شود = "تقروشامروته ta0rušāmruta". این سرودهای گائایی، باید به آواز بلند تلاوت شود. آنهایی که دو بار یا سه بار یا چهار بار باید خوانده شود مشخص شده است و بر اثر تلاوت این آیات است که دیوان دور می‌شوند و از تسلط بر جسم و روح آدمی محروم می‌مانند. خواننده ادعیه، پس از تلاوت آیات ویژه و تعیین شده، باید عباراتی به تقریب چنین بگوید که ای دیو فلان، من تو را از این خان و مان، از این ایل و تیره، از این شهر و سرزمین و از تن خود و... بیرون می‌کنم. از دیوهایی که یاد شده به ترتیب عبارتند از: ایندزه andra ستورو sauru، ناونگه‌ایته nāwanghai0ya، تورو tauru، زئیری zairi، آئشمه aešma = "خشم خونین سلاح"، آگه‌تسه akataša، ورنیه varenya "دیو ورنیه. به نظر می‌رسد که منظور دیوهای گیلان و دیلم در شمال نمی‌باشد". واته vāta "دیو بادبد یا وای و تر، بدتر".

درباره این دیوها که از ذئوه‌ها یا خدایان طبیعت میان آریایی‌های باستان بودند، پیش از این سخن گفته شد. در پایان فصل دهم آمده که این‌ها دیوان گمراه‌کننده و دیوانی هستند که از لاشه مرده به درآمده و زندگان را مورد حمله قرار داده و ناپاک و نجس می‌کنند.

فرگرد یازدهم روش تطهیر آن چیزهای ناپاک شده‌ای است که آفریده آهورامزدا است. درباره این‌گونه آفرینش، در سطور گذشته و بندهای پیشین توضیح داده شد. هرچند به روشنی گفته و بیان نمی‌شود که چه چیزی موجب ناپاکی و نجس شدن خانه، آب، آتش، زمین، مواسی یا دام‌ها، گیاه و درخت، زن و مرد آشه، ستارگان، ماه، خورشید و موجودات نیک مزدا آفریده می‌شود، اما باتوجه به فصول گذشته، مطلب روشن می‌شود. این دیوان هستند که در پایان فرگرد دهم اشاره شد که گمراه‌کننده بوده و در لاشه مردگان حلول کرده و هرچه را که نزدیک و در اطراف آنها باشد ناپاک و نجس می‌کنند.

روش تطهیر، چون فصل گذشته تلاوت دعای تطهیر است. مهم‌ترین دعا یا نماز آهونه‌وئیریه *ahura-vairyā* می‌باشد که با *Yaθā.ahu.vairyu* آغاز می‌شود. آنگاه آیاتی از یسنه، فصول مختلف یاد می‌شود که چند بار به تناوب و با آواز بلند تلاوت شود.

از بند ۹ تا ۱۲، نام و فهرست درخور توجهی از دیوان در این فصل مندرج است. هنگامی که برای تطهیر ادعیه توصیه شده تلاوت می‌شود، فرد تطهیر شونده می‌گوید: من فلان دیو را برمی‌اندازم، بیرون می‌رانم، نابود می‌کنم = "پِرینه" *perene*. این دیوان که قبلاً در بندهای گذشته تحلیلی از آنها شده، چنین‌اند:

aešma	دیو خشم.	آئشمه
nasu	دیو میت، دیو لاشه‌مرده، یکی از نسو خطرناک‌ترین دیوان.	نسو
ham-raeθwa	ناپاکی و نجاست مستقیم. "با بعدی، دو اصطلاح فقهی درباره‌نوعی ناپاکی است."	هام‌زئئوه
Paiti-raeθwa	ناپاکی و نجاست غیرمستقیم.	پتی‌تی‌زئئوه
khru	دیوی که درباره‌اش آگاهی نداریم.	خرو
khrvignu	از این دیو نیز اطلاعی نداریم.	خزوینگنو
buidi	برای آگاهی درباره‌ این دیو، نگاه کنید ذیل همین نام دانشنامه ایران باستان.	بوییدی
buidiža	درباره‌ این دیو قبلاً در بندهای گذشته شرحی هست ← دانشنامه ایران باستان.	بوییدیژه
kunde-kundi	درباره‌ این دیو قبلاً در بندهای گذشته شرحی هست.	کونده - کوندی
kundiža	درباره‌ این دیو قبلاً در بندهای گذشته شرحی هست.	کوندیژه
bušyansta	دیو خواب و خلسه، به همین مدخل در دانشنامه ایران باستان نگاه کنید.	بوش یئشته

بخش ششم - شرایع و احکام دینی □ ۳۶۷

با صفت درازدست. از این دیو که در جاهایی دیگر از اوستای متأخر و نوین یاد شده، دوبار، اول با صفت ضعیف و ناتوان و دوم درازدست یاد شده.	bušyansta-dareyo gava	بوش بُشَنته دَرِ غَوگو
از این دیو نیز اطلاعی در دست نیست.	muiōi	مونیذی
از این دیو نیز آگاهی و شناختی نداریم.	kapasti	کپستی
درباره این دیو که به غلط به پری، ساحره و جادو شناخته شده در بخش یَشت‌ها و وندیداد تحقیق شده است ← دانشنامه.	pairikā	پیریکا/پری

پس از یادکرد این دیوان است که دگر باره فهرستی از ادعیه که باید تلاوت شود یاد می‌شود و بدین وسیله مورد تطهیر عملی شده و دیوان متواری و فراری می‌شوند.

فرگرد دوازدهم

فصل دوازدهم با چهارده بند درباره مدت و زمان سوگواری و تعزیت نزدیکان و خویشاوندان است. این فصل و مطالب آن تضادهایی را از سوی با معتقدات خود مغان و از سویی دیگر با معتقدات زرتشتی و آریایی نشان می‌دهد. به موجب کتیبه‌های هخامنشی، آهورامزدا شادی را برای آدمی آفرید. به موجب بند نهم از فرگرد نخست وندیداد، سوگواری و شیون و گریه و زاری آفریده اهریمن است. در بند نهم آمده:

"ششمین سرزمین که اهورامزدا آفرید، هرات "هَرَثیَوَه haraiva" است، که در آن ترک کردن خانه‌ها "به‌هنگام مرگ" رواج دارد. آفتی که اهریمن پُرمرگ در این سرزمین آفرید سرشک " = سرسکه saraska" و شیون و زاری " = دری‌ویکه driwilka" بود."

در هرات رسم بر آن جاری بود که چون در خانه‌ای کسی می‌مرد، سرنشینان و خویشان آن خانه را ترک می‌کردند. شاید از ترس مرده یا دیو نَسو، یعنی دیو لاشهٔ مردگان و یا ایداء روح مرده و برای مردگان خود به‌غایت و گزاف سوگواری و شیون و مویه می‌کردند. از دیدگاه و معتقدات مغان: سوگواری و گریه و شیون و زاری عمل و کرداری اهریمنی است. مغان این اعتقاد را در اوستای متأخر نیز به‌وضوح وارد کردند، چنان‌که در یسنا ۷۱ بند ۱۷ شیون و مویه، کرداری اهریمنی معرفی شده که در مقابل آن باید مقاومت کرد.

در اوستای بزرگ زمان ساسانی نیز که تدوین شدهٔ مغان بود با شرحی که گذشت، به‌موجب کتاب نهم دینکرد، در سوئکرَنسک که نخستین نَسک از بیست و یک نَسک اوستا بود، در فرگرد یازدهم دربارهٔ عدم شیون و زاری و سوگواری و منع این رفتار مطالبی وجود داشته است. هم‌چنین در گزارش آژداویراف از جهان پسین، به‌موجب فصل شانزدهم، رودی سهمگین در دوزخ جاری است که گناهکارانی در آن غوطه‌ور بوده و عذاب می‌بینند. توضیح داده می‌شود که این رود از اشک چشم و بر اثر مویه و شیون و سوگ کسانی به‌وجود آمده که در پس مردگان خود به سوگواری و گریه پرداخته‌اند و اینک به عذاب در این جایگاه به سر می‌برند. در رسالهٔ مینوی خرد فرگرد ۴۳ بند ۲۹ نیز با نکوهش گریه و سوگواری مواجه می‌شویم. در مجموعهٔ سد در نثر بند ۹۶ نیز مطالب سوئکرَنسک آمده است. در جلد اول از روایات داراب هرمزدیار صفحهٔ ۱۴۶ و ۱۶۴ و جاهای دیگر این نکوهیدگی و اهریمنی بودن را در گریه و مویه و سوگواری ملاحظه می‌کنیم. "نگاه کنید مدخل "اوپه‌مان" در دانشنامهٔ ایران باستان".

شاید به همین ملاحظات است که "گلدنر" Geldner در فقه اللغة ایرانی جلد دوم صفحهٔ پنجم بر آن است که فرگرد ۱۲ از وندیداد موجود با فهرستی از وندیداد دورهٔ ساسانی که در کتاب هشتم دینکرد، آمده است نشان می‌دهد که فصل دوازدهم اصلی در سدهٔ نهم میلادی از بین رفته بود و فرگرد ۱۲ فعلی بازبان سست خود به‌خوبی تشخیص داده می‌شود که مجعول و بسیار جدید است.

در هر حال، این موضوع با باور و اعتقاد مغان در تضاد است. مطالب آن نیز از لحاظ مدت و طول زمان سوگواری برای کسان متفاوت چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. از دیگر سو چنان‌که مستنداً اشاره شد، بسیاری از مراسم و آداب و شرایع و معتقدات دین‌ها و مذاهب و اقوام گوناگون در ایران بزرگ درهم آمیخته و زیر عنوان و به نام دین زرتشتی شناخته شده است. موضوع شیون و زاری و گریستن مغان بر مرگ سیاوش شناخته‌تر از آن است که بدان اشاره شود.

در حینی که فصل دوازدهم، مدت زمان سوگواری را برای خویشاوندان دور و نزدیک تعیین می‌کند، دربارهٔ تطهیر خانه یا جایی نیز که کسی در آن فوت کرده است دستور می‌دهد. اساس هر شریعت و هر رسم و هر اتفاق و رویداد به تطهیر می‌انجامد. جهت تطهیر، باید سه بار تن شسته شود، سه بار پوشاک شسته شود، برای آب مقدس نذر داده شود " = آژورور / زائثر Zaoθra" - و در این صورت است که آن خانه یا جایگاه پاک شده و می‌توانند در آن فرشتگان داخل شوند.


مدت سوگواری " = اوپه‌مانه upamāna برای فرد پارسا و نیکوکار یک ماه، برای فرد گناهکار دو ماه. همین مدت برای پسر و دختر از سوی پدر و مادر - و همین مدت برای خواهر و برادر جهت سوگواری تعیین شده است. یعنی هرگاه نیکوکار و پارسا باشند یک ماه و هرگاه گناهکار و بد باشند دو ماه. برای رئیس و بزرگ خانواده و همسر وی، شش ماه در صورت ثواب کاربودن و یک سال در مورد گناهکاربودن. و این تعیین مدت‌ها، هم‌چنان برای نواده‌های آنان تغییر می‌کند و همیشه سوگواری برای گناهکار، دو برابر ثواب کار اعلام می‌شود. جهت شرح و آگاهی از اصطلاحات، به متن و یادداشت‌های فرگرد ۱۲ و نندیداد "ترجمه و شرح و نندیداد" مجلد سوم نگاه کنید.

مسألهٔ جالب توجه در سه بند آخر این فرگرد، که در بندهای ۳۸ تا ۳۶ فرگرد پنجم نیز هست، اینکه از آهورامزدا پرسیده می‌شود هرگاه شخصی فوت کند که به دین دیگر باشد " = کافر، گمراه، آشه‌مئوغه ašemaoya" چه اندازه از پیرامون خود و پیرامونیان را ناپاک می‌کند. پاسخ این است:

"همان قدر که یک وزع مرده که یک سال از مرگش گذشته باشد و زهرش خشکیده باشد - چون نجس و آلوده نمی‌کند، مرده بی‌دین و گمراه نیز کسی و جایی را از آفریدگان اهورامزدا آلوده و نجس نمی‌نماید، چون چنین آشموغ و گمراه و بی‌دینی، فقط در زمان حیات می‌تواند آفریده‌های اهورامزدا را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم آلوده و نجس نماید."

به همین جهت است که از دیدگاه مغان، هر که کافر باشد و بر دین آنان باور نداشته باشد، نجس است و در زمان حیات، بر اثر تماس مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند آفریده‌ها و مخلوقات اهورامزدا را نجس و ناپاک نماید. اما دیوتسو، دیو خطرناک لاشه‌مردگان و سایر دیوان، فقط مردگانِ مُغ دینان "مجوس" را آلوده کرده و مورد تسخیر و حمله قرار می‌دهد و لاجرم آلوده و نجس می‌سازد و به مردگان غیرمغان صدمه‌ای نمی‌رسانند. از همین رهگذر است که در روایات و نوشته‌های پهلوی و فارسی جدید چون سد در نثر و روایات داراب هرمزیداد و بسیاری دیگر از آثاری این‌گونه، مطالبی پیرامون ناپاک بودن و ایجاد نجاست مستقیم و غیرمستقیم از سوی جُددینان "جدادینان، کافران" تأکید شده است.

فرگرد سیزدهم

این فرگرد را می‌توان "سگ‌نامه" عنوان کرد. مطالب آن با ۵۶ بند دربارهٔ  کیفر و مجازات قتل انواع سگ‌ها و ایداء و آزار آنهاست. به موجب اخبار یونان قدیم و مورخان و کسانی چون "استرابو" و "هرودوت" و دیگران، میان کاسپی‌ها سگ از احترام و تقدس فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و مقام حقوقی چون انسان داشته است. اینان در آغاز از اقوام غیرآریایی بودند. از منبعی پیش از مادها "۱۱۷۱-۱۲۴۶ پیش از میلاد" از سلسله‌شان در بابل آگاهی داریم. از اسامی و نام خدایان و اصطلاحاتی که به موجب یکی دو لوحهٔ گلی از آنان به‌دست است عناصر آریایی نیز میان‌شان ملاحظه می‌شود. اینان در زمان

مادها دیگر قدرتی چندان نداشتند. زیر نفوذ مادها چون اقوامی دیگر - بدین گونه ترکیبی نژادی، با آریایی‌ها زندگی می‌کردند. این گونه قبایل و تیره‌های غیر آریایی تحت رهبری و نظام آریایی‌ها و قوانین مدنی و سیاسی‌شان زندگی می‌کردند. اما نفوذ معتقدات آنان قابل توجه است. درباره اقوامی دیگر میان مادها و توجه مغان به نفوذ دینی / سیاسی میان این اقوام و جهت جلب توجه آنان پذیرش برخی از معتقدات‌شان - در بندهای گذشته گفت و گو شد.

کیفر قتل سگ و انسان در یک ردیف است. وندیداد در فرگردهای دیگر نیز درباره قوانین راجع به سگ مطالبی ارائه می‌دهد. در وندیداد کیفر قتل سگ و مردآشه "مغ و به احتمال، پیروان صدیق مغان" در یک حد است. سگ نیز از روح برخوردار است. لاشه سگ و مردآشه به یک سان موجب نجاست می‌شود و مراسم و قواعد تطهیر برای هر دو یکسان است.

در بخش نخست از این فرگرد، بیان می‌شود که از میان آفریده‌های آهورامزدا، سگ بسیار محترم است، چون از سپیده کاذب تا فجر صادق با اهریمن مقابله می‌کند و پاسبان آفرینش نیک است.

این نوعی سگ است که **وَنگَه‌پَر** *vanghâpara* نام دارد و با توصیف "شپانه. ویژدز. اوزوی سَرَم *spâna viždra urvisara*" نامیده شده به معنی سگ خاردار سر پهن. آن‌گاه توضیح داده می‌شود که **وَنگَه‌پَر** *vanghâpar* نامیده می‌شود و مردم بدزبان آن را **دوژَکَه** *dužaka* می‌نامند. اولی به معنی "خوب سرشت" و دومی به معنای "بد سرشت" می‌باشد.

این کاملاً با گزارش "پلوتارک" و "تئوپومپ" از دین مغان و معتقدات آنان برابر است:

"مغان پاره‌ای از گیاهان را از آن خدای نیک‌انگارند و پاره‌ای دیگر را از آن دیو بد. از جانوران گروهی مانند سگ و مرغان و خارپشت متعلق به نیروی نیک هستند و موش آبی وابسته به نیروی بد، از این رو کسی را خجسته می‌دانند که از آن خرفسَتران بیشتر بکشد."

درباره آگاهی و پژوهش‌هایی مستند در این مورد، نگاه کنید به دانشنامه ایران باستان، مدخل *خَرْفَشْتَر* Xrafstra، یعنی زیانکاران.

شاید به گمان برخی، از نوع سگ فوق، خارپشت منظور باشد. اما به نظر می‌رسد که نوعی از انواع سگ مورد نظر بوده است. در جای خود، اشاره شد که همه هستی از دیدگاه مغان به دو بخش ایزدی و اهریمنی تقسیم شده، و این شامل واژه‌ها و کلمات نیز می‌شود. مغان این سگ را *وَنگَه‌اَپَر* می‌نامند و دیوپرستان *دوژکَه*.

قتل چنین سگی، روح قاتل را معذب و سرگردان تا نه پشت نگاه می‌دارد و روح وی از پل چینود *Cinvad* "پل صراط" نتواند گذشت مگر آن‌که کفاره گناه داده باشد و مجازات این گناه در حدود شرعی مغان دو هزار ضربه تازیانه است. در برابر و ضد سگ فوق‌الذکر یا *وَنگَه‌اَپَر* - که آفریده و محافظ آفرینش *آهورامزدا* است، دیو *زئیریم ینگور* *zairimyangura* قرار دارد که از صبح کاذب تا فجر صادق با آفریده‌های نیک *آهورامزدا* مقابله و معارضه کرده و بر آنان زیان وارد می‌کند و مردم بدزبان " = *دوژوچَنگَه* *dužvačangha* آن را *زئیزی میاکه* *zairimyāka* می‌نامند. اولی به معنی "گیاه خوار" و دومی "خرامنده در سبزه زار" ترجمه می‌شود. در متن "پلوتارک"، از تنها جانوری که از جمله *خَرْفَشْتَران* در دیدگاه مغان بد و موزدی است یاد شده، جانوری است که مترجمان آن را به موش دریایی *mus marinus* برگردانده‌اند. در متن "پلوتارک" *endros mus* آمده و معلوم نیست چه جانوری است. "پلینی" در آثار خود به نوعی لاک‌پشت اشاره کرده که موش دریایی یا آبی نیز نامیده می‌شود. به همین جهت است که این جانور را موش صحرایی و برخی لاک‌پشت دانسته‌اند، اما معنی لغوی واژه، سبزه خوار است. به موجب حکم و نداد، هرگاه فردی یکی از این جانوران را بکشد، از تمام گناهان پاک شده و در شمار یک فرد پاک و توبه کننده تلقی می‌شود.

از بند هشتم به بعد درباره مجازات برای کشتگان و آزار رسانندگان به انواع سگ‌ها می‌باشد. در و نداد، چنان‌که در فرگرد پنجم نیز آمده - حقوق سگ برابر

با انسان و گاه برتر و بالاتر از انسان نیز شمرده و تعیین شده است. هرگاه کسی سگ گله، سگ پاسبان خانه، سگ ولگرد یا بی صاحب " = وُهوَنَزْگَه vohunazga " سگ شکاری یا سگ دست آموز را بکشد، در جهان دیگر آن سگ به دادخواهی پرداخته و ناله و خروش خواهد کرد. چنین کسی در جهان دیگر از هر نوع یاری محروم خواهد شد و دو سگ که پاسبان پل چینوت پل " صراط " هستند یعنی دو سگِ پشوپانه pešupāna نیز یاریش نمی‌کنند.

احکامی از این پس دربارهٔ حدود شرعی برای کسانی که انواع سگ‌ها را آزار دهند یا مجروح کنند در پی است. هرگاه کسی به سگی غذای نامطبوع بدهد، در حکم آن است که همین بی‌حرمتی و سهل‌انگاری را دربارهٔ رئیس خانواده یا دهخدا و رئیس و سالار شهر کرده باشد. آن‌گاه مسایلی می‌آید که دربارهٔ رعایت حدود شرعی دربارهٔ سگان است. سگ دارای روح است و چنان‌که اشاره شد هم مقام انسان و گاه حقوقش بالاتر از آدمی است. هرگاه سگی از وظایف خود عدول نماید، فردی را بی‌سبب بگزد و دندان زُند و یا در وظایفش که پاسبانی است، قصور ورزد، برایش مجازات‌هایی تعیین شده است، از جمله بریدن یک یا دو گوش، گردنش را در بند چوبی و سنگین نهادن و بریدن دم است.

این احکام آن‌طور در جزئیات وارد می‌شود که نهایت دقت و حرمت را می‌رساند. هرگاه سگی به هاری برسد و یا حس شامه را از دست دهد، باید درباره‌اش همان کارهایی را کرد که دربارهٔ مؤمنان و دینداران می‌کنند. آن‌گاه احکامی هست که اگر سگی از ماده‌گرگی زاده شود یا برعکس، آیا احکام همان است یا تغییر می‌کند. پس در بند ۴۵ اشاره می‌شود که سگ کاملاً دارای همان صفات در مقام یک مرد روحانی است. چنان است که از این پس برای سگ مدیحه‌سرایی می‌شود که چون یک برزگر است و چون یک هنرمند آواز می‌خواند. و سرانجام دربارهٔ روان سگ پس از مرگ مطالبی آمده و از بهشت سگان و نعمات و زاد و ولد فراوانشان در جهان پسین.




فرگرد چهاردهم

این فصل با چهارده بند، یکی از سخت‌ترین مجازات‌ها را مطرح می‌کند.  این مجازات درباره کسی است که سگ آبی "اودز Udra" را بکشد. این جانور از جهت آن‌که با آب بستگی دارد، بسیار مقدس است. کیفر چنین کسی در آغاز ده هزار تازیانه اسب و ده هزار تازیانه تسمه‌ای است. پس برای توبه و بازخرید گناه خود باید برای معابد و مردان دینی بسیاری هدایا پیشکش کند. آن‌گاه لازم است، از جانوران موذی چون مار، ماری که به شکل سگ است یا لاک پشت، وزغی که در خشکی زندگی می‌کند، وزغ آبی، مورچه دانه کش، یعنی نوعی که دانه‌های غله را می‌برد، مورچه‌گزنده و بد، کرمی که در کثافت زندگی می‌کند و مگس ناخوشایند و کثیف - هر یک ده هزار بکشد و ده هزار سوراخ و لانه جانوران موذی را ویران و پُر کند. پس از این تومار، یک فهرست از چیزهایی چون زمین مزرعه و خانه و چیزهایی دیگر به روحانیان پیشکش بدهد و بسا کارهایی دیگر باید انجام دهد.

در این فرگرد تنها درباره همین مورد بحث شده و هیچ اشاره دیگری به امور دیگر نمی‌شود و این در روش وندیداد، نادر است.

فرگرد پانزدهم

این فصل دارای پنجاه و یک بند است و در آن از گناهان بی توبه یا 

معاصی کبیره بحث می‌شود، یعنی پشوتنه pešotana "واژه به معنی سزاوار به حدّ شرعی و مجازات". بخشی از این گناهان درباره انسان و سگ است که هرگاه کسی مرتکب شود، بی توبه خواهد ماند از جمله: اغوای مرد آشه به بی دینی و کفر.

کسی که به سگ گله و یا سگ نگهبان خانه خوراک نامناسب دهد. کسی که به سگ آبستن آسیب رساند هرچند که آسیبی بسیار ناچیز باشد. کسی که با زن دشتان "در حال حیض" نزدیکی کند. کسی که با زنی که آثار آبستنی در وی پدید آمده نزدیکی نماید.

پس از یادکرد این پنج گناه بی توبه، به بر شمردن یک سلسله گناهان پرداخته می‌شود. اما اشاره‌ای نیست که آیا این گناهان نیز بی توبه و از شمار معاصی کبیره است یا نه. این گناهان جنبه جنسی دارد.

سقط جنین گناهی بزرگ معرفی شده و در پی، مقرراتی است از برای کسانی که در این امر مباشرت داشته‌اند. دخترانی که اغفال شده و آبستن می‌شوند و اغفال‌کنندگان و پدران و مادران در این زمینه وظایفی دارند.

از بند بیست و یکم به بعد درباره وظایف پیروان آیین مغان است در قبال نگاهداری از سگ‌ها، به ویژه سگ‌های آبستن و این که هرکس در هر کجا، سگی آبستن را بداند که باید پرستاری کرد تا بزاید و تولد هایش را نگاهداری کند و در این کار اهمال و سستی کند، در درجات مختلف چه نوع و چه مقدار گناه کرده و مستوجب چه کیفرهایی می‌شود.

فرگرد شانزدهم

فصل شانزدهم با هجده بند درباره قوانین و احکام درباره دشتان " = حیض / دَخْشْتَه daxšta" است. در فصل پانزدهم نیز راجع به این مسأله اشاراتی شده است. دَخْشْتَه در اوستایی به معنی نشانه و داغ یا نشانه اهریمنی



است. هر زنی که به دشتان دچار شود، اهریمن یا دیوی در تن او حلول کرده و موجب ناپاکی و مطرودی او از جامعه می‌شود و تا هنگامی که از این لکه و داغ دیوی مبرا و پاک نشود، در شرایطی بسیار سخت و دشوار باید به تنهایی زندگی کند.* به موجب این احکام هرگاه زنی نشانه حیض یا دشتان ببیند، باید جایی دور از خانه مسکن گزیند که حداقل از آتش و آب و برسم سی‌گام و از مرد آشه، سی‌گام دور باشد و نتواند آتش و روشنایی خانه را ببیند. باید فاصله محل مسکونی وی را تا جایگاه توقف برای تطهیر، با شن نرم یا خاک خشک، راهی آماده کنند که از آن بگذرد. در آن جا باید وی تا مدتی که مطمئن شود پاک شده است، تنها به سر برد. کسی که برای او خوراک می‌برد باید از فاصله سه قدمی به وی نزدیک‌تر نشود. ظرف خوراک و نوشاک باید آهنی یا سربی باشد. خوراک فقط باید به وزن

*. قطره‌ای یا نشت اندکی از دشتان به دیگر جاها موجب ویرانی و بدبختی و شکست و فلاکت می‌شود. زامبیکه Sambike دختر قباد، هنگامی که پدرش در زندان بود، زندانبان به وی فریفته شد و تقاضای تن کامگی از دختر شاه کرد تا او را اجازه ورود دهد. جنب زندان، زامبیکه به روی فرشی که گسترده بود تن به این تقاضا داد. شب هنگام زامبیکه نزد قباد ماند و فردا برای فرار قباد، شاه را به لای فرش که پنهان کرده بود نهاد تا غلامی وی را بیرون ببرد. زندانبان مظنون شد و خواست تا محموله را باز کرده و ببیند. اما زامبیکه گفت که این فرش دوشین است و هنگام تن کامگی به دشتان آلوده شده و آن را می‌برد تا تطهیر کند. زندانبان از شامت آن ناپاکی دشتان ترسید و بدون انجام وظیفه و با بدگمانی که داشت اجازه خروج داد تا از عواقب نزدیکی با دشتان در امان ماند (وندیداد، جلد سوم، ص ۵۳۴ و بعد. نیز جلد دوم، یادداشت ۱۰۵) جز این گزارش تبری، گزارشی دیگر در این مورد هست آن هم از تبری که زینر zaehner آن را در کتاب زروان یک معمای زدنستی‌گری در فصل دوم نقل کرده است که شامت و قدرت زیانکاری و تخریب دشتان را نشان می‌دهد، نیز چگونگی کاربرد جادوی سیاه را در عصر ساسانیان:

”چون شاپور قلعه دیزان daizân را در محاصره گرفت، دختر فرمانده قلعه بر روی دیوارهای قلعه ظاهر شد، و آن‌ها بی‌درنگ شیفته یک دیگر شدند. دختر از او پرسید به او چه خواهد داد اگر وی راه فتح دژ را نشان دهد و پدرش را بکشد. شاپور پاسخ داد که دختر را ملکه خویش خواهد ساخت. این پاسخ دختر را خشنود کرد، و آن‌گاه راز را به وی بگفت. دختر گفت:

کبوتری را بگیر که طوق سبز در گردن داشته باشد و به وسیله خون دشتان دختری چشم آبی چیزی را برپای آن کبوتر بنویس. پس آن را رها کن. کبوتر بر دیوارهای قلعه خواهد نشست و آن دیوارها همه فرو خواهد ریخت، و این‌گونه نیز شد.”

دو دَتر danar از گوشت و یک دَتر "وزنی که درست نمی‌دانیم چه مقدار بوده است" از نان و یا غله باشد.

هرگاه زن حیض پس از شش شب باز هم پاک نشود، باید تا شب هشتم نیز در قرنطینه و جدا از دیگران به سر بَرَد! اما هرگاه نُه شب بگذرد و پاک نشود، معلوم است که دیوها در وی حلول کرده و می‌خواهند او را از خود کنند. در این هنگام باید وی را از جایی که از گیاه و درخت دور باشد عبور داده و در سر راه وی سه گودال حفر کنند. در گودال اول و دوم وی را با شاش گاو شست‌وشو و تطهیر کرده و در گودال سوم با آب تطهیر و غسل دهند. آن‌گاه برای اتمام تطهیر باید در فصل گرما دویست مور دانه کش و در فصل سرما دویست غُرْفُشْتَر khrafstra = حشرهٔ موذی" را بکشند. کیفر کسی که جریان خون حیض را بر زنی که حیض شده، قطع نماید یا زایل سازد، چهارصد ضربه تازیانه می‌باشد. کیفر کسانی که به زن دشتان هنگام دشتان نزدیک شوند و یا وی را لمس نمایند، در درجات مختلف، ضربات تازیانه است. اما کسی که با زن دشتان نزدیکی کند، گناه بی‌توبه از وی سر زده و چنان است که لاشه و مردهٔ پسر تنی خود را به آتش بسوزاند و بدین وسیله آتش را ناپاک کند. همهٔ این‌گونه کسان، و کسانی که به دین و داوران نافرمان باشند، دیو دروج در تن‌شان حلول کرده است و به همین جهت نجس و مطرودند و این کسان نه دین دارند و نه قانون.

فرگرد هفدهم


فصل هفدهم، کوتاه‌ترین فرگرد از کتاب شرایع مغان است در یازده بند. موضوع آن دربارهٔ سر تراشیدن و گرفتن ناخن است و این‌که با چه آدابی لازم است این زائده‌ها را دفن کرد و هرگاه این احکام را چنان‌که مغان در کتاب قانون ضد دیو آورده‌اند انجام نشود دیوان، چه زیان‌هایی وارد می‌کنند.



بیان می‌شود که کدام عمل و کردار است که مردم به وسیله آن، مرگ را که آفریده دیو است رواج می‌دهند؟ پاسخ آن است که هرگاه مردم موهای زائد و ناخن خود را تراشیده و گرفته و رعایت احکام دفن و پنهان کردن آن را نکنند - که به موجب آن، زمینی که این‌گونه زائده‌ها در آن ریخته شده نجس می‌شود، دیوان در آن جاگرد می‌آیند. شپش و سایر جانوران موزی پیدا می‌شود و کشت زارها و غلات و پوشاک و صحت مردم را مورد تجاوز و انهدام قرار می‌دهند.

مردان آشه باید، زمانی که ناخن می‌گیرند یا سر می‌تراشند، بریده‌های ناخن و تراشیده یا بریده‌های مو را با ذکر ادعیه و اورادی سحرآمیز در خاک پنهان سازند و سپس با یک افزار فلزی " «*خُشْفَر. وَتیرَه* Xšaθra.Vairya" سه یا شش یا نه بارگرد آن شیارهایی ترسیم کنند و در همان حال سه یا شش یا نه بار دعای آهونه و تیریه را بر زبان جاری سازند. بریده‌های ناخن را باید وقف پرنده محبوب آشو - *زوشته ašō-zušta* = "دوست دارنده آشو یا پارسا" به موجب روایاتی سنتی در این باب، آشوزوشته، پرنده‌ای است آفریده آهورامزدا و به نام مرغ بهمن نیز نامیده می‌شود [کرد تا آنها را به صورت نیزه، کارد، کمان، پیکان آراسته به پر عقاب و سنگ فلاخن علیه دیوان مازانی به کار برد. هرگاه این تدابیر اتخاذ نشود، بریده‌های ناخن در دست دیوان مازانی به صورت سلاح‌های فوق‌الذکر درخواهد آمد.

فرگرد هجدهم

این فصل با هشتادوشش بند، مطالب گوناگون و متنوعی را  دربردارد. بسیاری از احکام و وظایف روحانیان و مؤمنین در آن مطرح می‌شود. نشانه‌هایی از تصوف را ارائه می‌کند. درباره بسی از شایست ناشایست‌ها در گفت‌وگوست و از خروس، پرنده مقدس و وظایفش سخن می‌رود.

اما آن چه که در آغاز این فصل مهم است، اعتراض مغان می‌باشد

به روحانیان وفادار به دین زرتشتی، یا سایر مذاهبی که در ایران پدید آمده بود. همهٔ اموری که در بندهای اولیه به عنوان اساس و رئوس دینی شمرده می‌شود، ویژهٔ مغان مَزَدَیَسَنی یا موبدان و دین است و در دین اصیل، یا آنها رد شده و یا درباره‌شان هیچ اشاره‌ای نیست.

از دیدگاه مغان یک روحانی خوب، کسی است که کاملاً به اجرای آداب و رسوم دقیق تطهیر، تسخیر جن و پری و دیو، کشتن حشرات و جانوران موزی، پاک کردن وجود آدمی از تسلط دیو، بستن پنم به روی بینی و دهان، خواندن اوراد و افسون‌های مغانه بر ضد دیوان، آداب و روش فراهم کردن پراهوم یا شیرۀ مخدر و مُسکر هوم، بستن و درست نگاه داشتن شاخه‌های بَرَسُم، آداب صحیح قربانی و زدن درست شرعی و به قاعدهٔ شلاق و تازیانهٔ گناهکاران وارد و آگاه و بی‌گذشت و بی‌اشتباه باشد.

زرتشت قربانی کردن، اهدای نذور و فدیة به خدایان و ایزدان طبیعت، تقدیس آتش و یا هر عنصر دیگری را در حدّ پرستش، آداب و رسوم و شعایر دست‌وپاگیر را که مغان و گوی‌ها و گزّین‌ها و سایر کاهنان و دشمنان فرض می‌دانستند و بدان وسیله مردم را در تنگنا و مضیقه قرار داده و از حقیقت دین دور کرده و باز می‌داشتند با صراحت مخالفت کرد و گفت آگاه باشید که آموزگاران و روحانیان یا کاهنان بد، شما را نفرینند.

روحانیان معتقد و راستین زرتشتی از نفوذ مغان در حدّ مقدور جلوگیری می‌کردند و همیشه سدّ راه‌شان می‌شدند. نشانه‌های تعارض آنان در زمان ساسانیان و به‌هنگام تدوین اوستای جعلی با مشارکت مغان - شاهان، کاملاً روشن است. در فرگرد هجدهم و از همان آغاز بند نخست سخت به آثرون‌ها یا موبدانی که در اجرای دقیق مراسم دینی اهمال کرده یا ناآگاهند اعتراض می‌شود:

آهوراقزدا به زرتشت می‌گوید: تو نباید مردمی را که به احکام بستن پنم "در اوستای پی‌تی دانه paitidāna، نقاب و پرده‌ای که مغان هنگام ستایش و عبادت آتش مقابل بینی و دهان می‌بستند تا نفس و آب دهان آتش را آلوده نکند" آگاه نیستند

و ابزار جانورکُش " = خَرَفَشْتَرَهَنَه "Xrafstrayna را از روی قاعده به دست نمی گیرند و آموزش های ویژه اجرای مراسم را ندیده اند، و آداب صحیح کمر بند مقدس "کُشتی یا بند دین" آئویاوانگهته "Aiwyavanghana را نمی دانند، و روش دینی درست به دست گرفتن گیاه مقدس برسم را نمی دانند، و شلاق را آگاه نیستند که چگونه و به قاعده به دست گیرند و... آثرَوَن Aθravan و روحانی به نامی.

در پایان فرگردهای شانزدهم و هفدهم گذشت که در تن همه مردمی که از آیین مغان، یعنی قانون ضد دیو پیروی نکنند یا بدان شک بیاورند، دیو دروج حلول کرده و ناپاک شان می کند. این کسان مغان و احکام شان را به حقیقت و راستی باور ندارند و همه چنین کسانی، نجس و دیوزده و لاجرم مستحق مرگ و مهدورالدم می باشند و براساس چنین فتوا و حکمی از سوی مغان مغ یا مس مغان ها در دوران ساسانیان بسیاری از مردم و پیروان دین های دیگر قتل عام می شدند.

به هر حال، این تعارض مغان نسبت به زرتشتیان در آغاز این فرگرد به روشنی قابل لمس است و درباره مناصب و اصطلاحات ویژه روحانیان مغ و زرتشتی در بندهای گذشته، شرح کافی گذشت.

آن گاه به شرایط یک مرد روحانی می پردازد که باید شب زنده دار باشد و صوفیانه بکوشد تا راه گذر از پل چیئوت "Cinvat-pereto" = پل صراط" و رسیدن به بهشت را برای خود بازگشاید. بهترین چیزها دینداری است و هرگاه کسی سه فصل بهار بگذرد و مراسم دین را انجام ندهد، پس آن گاه چنین کسی مورد یاری و کمک واقع شود، یاری کننده چنان است که کسی را به قتل رسانده باشد. به مردم بی دین و گمراه "آشموغ" نباید هیچ یاری و کمکی نمود و از نذور و قربانی و فدیة داد "در یتشت های جدید و یا اضافات یتشت های قدیم نیز این گونه مطالب نقل شده است".

آن گاه زرتشت از آهورامزدا درباره مرغ پَرَدَرَش parodarš می پرسد که نزد مردم بد زبان کَهَرکَتاس kahrkatās نامیده می شود و یار فرمانبردار سروش است که تنش

تجسم کلام ایزدی "تنو.مانثر Tanu.Mânṭra" است و دارای سلاخی کاری است. " = خروس، که پرنده‌ای اهورایی است " این مرغ سحرگهان، و از طلوع فجر به وسیله آواز خود مردم را بیدار می‌کند که: هان، ای مؤمنان برخیزید و دیو خواب "دیو بوش‌تَنشته bušyansta" را دور کنید. آتش و ایزد آتش نیز شب هنگام به سه بار با کمک و یاری سروش و خروس می‌کوشند تا حمله دیوان را که در تاریکی شب امکانات بیشتری دارند تقویت کنند، چون تاریکی آفریده دیو و اهریمن است. با همت و همیاری این فرشتگان و خروس است که سرانجام مردم بر دیوهای دیگر غلبه کرده و پس از بیدار شدن، به انجام نماز و اجرای دست‌شو "وضو" مراسم دینی می‌پردازند.

آن‌گاه درباره یک قلم از صدقاتی که باید به مغان داد، یعنی به یک مرد آشه تقدیم کرد سخن است که اگر کسی یک جفت مرغ پَزْدُوش - یعنی یک مرغ و یک خروس به مرد پارسایی، یک مغ صدقه بدهد، چنان است که یک کاخ بزرگ به وی بخشیده باشد - یعنی همان مقدار ثواب دارد و یا هرگاه به اندازه وزن یک خروس، گوشت صدقه به مغی اهداء کند، من که آهورامزدا هستم از وی چیزی نمی‌پرسم و یکسر به بهشت وارد خواهد شد.

از بند سی به بعد، سروش ایزد از ماده دیو دروج پرسش‌هایی می‌کند که آیا درست است که تو بدون نزدیکی با یک دیو نر آبستن می‌شوی؟ ماده دیو دروج می‌گوید ای سروش پاک و زیبا، چنین نیست، بلکه چهار کس از مردم بددین هستند که مرا باردار می‌کنند. نخست مردی است که مورد تقاضا و درخواست یک مرد آشه " = روحانی، مغ " را نپذیرد، هر چند هم که این مرد فقیر باشد، لازم است چیز مورد درخواست را بدهد. دوم مردی است که ایستاده بشاشد. سوم مردی که در خواب مُختَلِم شود. چهارم کسی است که پس از پانزده سالگی کشتی " = در اوستا آئیویاَوَنگَهَنه aiwyāwanghana از آئیوی - به معنی "بر و بالا"، یاَوَنگَهَنه به معنی "کمر بند" - در پهلوی کُشتیک kostik کمر بند ویژه و مقدس که ضمن تشریفات دینی، در پانزده سالگی به وسیله مغان به کمر بسته می‌شود و بند دین نیز

نامیده می‌شود "نبندد و بی‌کشتی" = "آنه‌ئو یا سته anaiwyāsta" باشد، و سیدره اوستایی آن‌داته Anabdāta بدون سدره = "در پهلوی شپیک shapik پیراهن مقدسی که از نخ و سپیدرنگ و نازک است و در پانزده سالگی همراه مراسم کشتی به تن نوجوانان می‌پوشانند" نبوشد، یعنی بی‌سدره = "آن‌داته anazdāta" بماند.

این‌گونه مردان هستند که دیوها را آبستن می‌کنند. پس از چهار قدم، مازبان و نیروی پارسایی‌شان را تباه می‌کنیم تا آنان با خشنودی و کوشش جهان مادی را به ویرانی کشند.

به موجب اشاراتی که در بند ۶۲ به بعد آمده، ازدواج میان مَزْدَیَسْتان و مُجْدِیْنان حرام است. یعنی میان مجوسان و کافران، یعنی جز خودشان مکروه و بلکه حرام است. این یکی از رسوم و آیین‌های ویژه مغان "موبدان" بود که ازدواج خودی را فقط جایز می‌دانستند و هرچه که پیوند ازدواج نزدیک تر بود، پسندیده تر به شمار می‌رفت، چنان‌که در بندهای گذشته شرح شد و موارد مستند ارائه شد. "نگاه کنید به ترجمه و شرح وندیداد، جلد دوم، فرگرد ۸، بند ۱۳، یادداشت ۱۰۵، ص ۹۲۵ و بعد". کسانی نیز که واسطه ازدواج میان مؤمنان به آیین مغان و کافران می‌شدند، گناه و جرم‌شان چون ازدواج‌کنندگان محسوب می‌شد. حضور این کسان و نگاه‌شان در هر جایی، موجب می‌شد تا یک سوم از آفریده‌های آهورامزدا و یک سوم از مردان پارسا و مقدس را کم کند، اینان از مار و گرگ و وزغ آبی = "جانوران زیانکار که به دستور مغان باید هزارهزار کشته شوند" نیز خطرناک ترند.

در پایان این فرگرد، از زنی سخن رفته و حدود شرعی وی که در هنگام دَشْتان = "دَشْتَه daxšta" با مردی هم‌بستر شود، در صورتی که هر دو به حال واقف و آگاه باشند. تطهیر برای چنین کسانی "در متن برای مردی که مرتکب این گناه شده" آن است که یک هزار چارپای کوچک، چون گوسپند یا بز قربانی کرده و قسمت‌های مختلف قربانی را همراه با نذور دیگر برای آتش و آب مقدس و موبدان به صدقه، هدیه نماید.

در این‌جا نیز تذکر این نکته به جاست. قربانی اصولاً به روشنی و صراحت در

گانها و از دیدگاه زرتشت مذموم و نکوهیده است. مراسم نوشیدن شیرۀ هوم و شرابِ مُسکر هوم که آن نیز بسیار مخدر و تند و سُکر آور است، نکوهیده شده. اما مغان در رسم قربانی افراط را روا می‌داشتند. برای خدایان یا ایزدانی چون آب و آتش و زمین و هوم و... قربانی کرده و هر قطعه از جثۀ قربانی، ویژه ایزدی و یژگی داشت، چنان‌که در بند هفتاد آمده پشت قربانی یا اعضایی دیگر باید به ایزد آتش تقدیم شود و شانه‌ها برای ایزد آب اهدا شود. در هوم یشت، یسنا، هات ۱۱-۹ یسنا، فصل یازدهم، آهورامزدا برای ایزد هوم قربانی کرده و آرواره "هنگوهرته hanguharena" و زبان "هیزو hizu" و چشم "دئیره doiθra" چپ قربانی را تقدیم کرد. هوم یشت ساخته و پرداختۀ مغان است که با بخشی از اساطیر ایران شرقی، از یشت‌ها در هم آمیخته و سراسر مشحون از لغات، واژه‌ها و اصطلاحات ویژه مغان و وندیداد است.

در دستبردی که مغان به یشت‌های کهن زدند، مراسم قربانی و اهدای نذور را جهت ایزدان یشت‌ها، با عدد هزار گنجانده‌اند. در کتاب "شایست ناشایست، بخش ۱۱ بند ۴" که در بردارندۀ اوامر و نواهی مغان است آمده که همه اعضای قربانی باید به امشاسپندان، ایزدان و فرّوهرهای پاکان اهداء شود و شرح داده شده که برای یک‌یک از امشاسپندان و ایزدان و فرّوهرهای نامداران، چه عضوی باید اهداء شود. بخش‌های بریده شده را روی گیاه برسم یا گیاه مقدّس دیگری چون شبدر قرار می‌دادند. مغان ادعیه لازم را تلاوت می‌کردند و آنگاه قربانی تقسیم می‌شد. این همان است که در وندیداد و کتبی چون شایست ناشایست و بند چهارم از یسنای یازدهم آمده است. در این‌گونه آیین‌های قربانی و اهدای نذور، به‌موجب مراسم و اعتقادات مغان، مردم علیل و یازشت و یا ناقص‌العضو و... حق شرکت نداشتند. این نیز با همان سبک و روش و انشاء و کلمات و اصطلاحات ویژه وندیداد منعکس است.

آن‌گاه لازم بود که از چند نوع هیزم خشک و خوب سوز، از هر یک هزار شاخه تقدیم آتشکده کند. هزار برسم دسته شده و آماده، و شیرۀ یا عصارۀ هوم و

شیر پاک و درست صافی شده و... به ایزدان در آتشکده یا معابد اهداء نماید. یک پل از سی تیر چوبی روی گذرگاه آبی بنا کند. یک هزار ضربه تازیانه تسمه‌ای به‌وی زده شود. یک هزار مار که به روی شکم می‌خزد و دوهزار مار از نوع دیگر، یک هزار وزغ زمینی و دوهزار وزغ آبی، یک هزار مور دانه کش و دوهزار مورچه از نوع دیگر را بکشد.

همین عمل مغان است که موجب اشمزاز و کراهت مردم واقع می‌شد. مردم در زمان ساسانیان نمی‌توانستند آن را بپذیرند و این‌گونه احکام و شرایع و قوانین، با آن همه کیفرهای جزایی و حدزنی‌های سنگین پذیرش نمی‌یافت. درست بر اثر همین احکام است که شاعر بزرگ و حماسه‌سرای ما را به شکوه واداشته که: میازار موری که دانه کش است که جان‌دارد و جان‌شیرین‌خوش است*

فرگرد نوزدهم

فصل نوزدهم دارای چهل و هفت بند است. مطالب از بند یک تا نُه پیرامون ستیزه زرتشت و اهریمن است. اهریمن از سوی شمال حمله کرده و دیو دروج که به نام دیو بوئی تی و مژشئونه buiti-maršaona = "دیو تباهی و فریب و مرگ" نیز خوانده می‌شود را مأمور هلاک زرتشت قرار می‌دهد. زرتشت دعای آهونه و تیریه را تلاوت می‌کند و دیو می‌گریزد. یشت هفدهم نیز که قسمت‌های الحاقی در آن مشخص است در بندهای ۱۸ تا ۲۰ همین داستان را ارائه می‌دهد.

دیو دروج به اهریمن می‌گوید که از هلاک کردن زرتشت ناتوان است، چون وی دارای قری بسیار نیرومند "سرشار از قری pouru xvarenangho پُورو

* در اصطلاح وندیداد نیز درست مؤنثی - دأنوگژشه maoiri dāno karša مور دانه کش آمده است. نگاه کنید به همین مدخل در "دانشنامه ایران باستان".

خَوَرْتَنگَهو" است. پس دیوان درصدد چاره برمی آیند. زرتشت به فرمان خداوند، سنگی به بزرگی یک گته" = به معنی اتاق" را سردست آورده و به دیو حمله می کند و می گوید من آفرینش دیو آفریده را، دیو نسو و پری خناتئی تی xnânθaiti را تباه می کنم تا هنگامی که سوشیانت / سئوشیتته saoshyanta موعود آخر زمان" از آبهای گتسه آیه kasaoya = دریاچه هامون" زاده شود.

اهریمن در پاسخ می گوید: ای زرتشت، تو آفرینش مرا تباه مساز و از آیین مزدپرستی روگردان تا از من پاداش بیایی، چنان که وَزَغْتَه "Vazayna" = "نام دیگر ضحاک یا آزی دهاک" پاداش یافت. به موجب فصل ۵۶ مینوی خرد بند ۲۵ و ۲۶- اهریمن به زرتشت گفت که اگر از این بهدین مَزْدَیَسَنان باز ایستی، تو را هزار سال سلطنت گیتی دهم - هم چنان که به وَزَغان، فرمانروا، ضحاک دادم - و "باید توجه داشت که هزاره سازی و اعتقاد به هزاره ها نیز از ویژگی های آیین مغان - زروانی می باشد" چنین پاداشی دریافت کرد. اما زرتشت گفت تا پای جان چنین نخواهم کرد. اهریمن گفت با چه مرا و آفرینش مرا تباه می کنی؟ زرتشت پاسخ داد: هاوَن، تَشْت و هوم و کلام ایزدی سلاح های من هستند و دعای آهونه و تیریه را تلاوت" = یَتا آهو و تیریه" کرد.

بخش بعدی این فرگرد، در مورد مکالمه زرتشت با آهورامزدا می باشد. روش مکالمه، شیوه مطلوب مغان در ابداع مضامین دینی است. این روش را در اوستای متأخر، با سبک و انشاء و اصطلاحات و اندیشه ویژه مغانه به روشنی می توان شناخت.

محل این ملاقات و گفت و گو، کنار رود دَرَجِه daredja، خانه زادگاه زرتشت است. آهورامزدا را امشاسپندان اردیبهشت، شهرپور و سپندارمذ همراهی می کنند. در این جا مغان اساس اندیشه ها و معتقدات خود را جهت ضمانت اجرایی و رسمیت بخشیدن بدانها، در این مکالمه گنجانیده اند که به روشنی دریافت می شود. زرتشت می پرسد: چگونه مؤمنان را از دیو، از اهریمن، از نجاست، از نسو" = نسا، لاشه، مرده، دیومرده" در امان نگاه دارم و مرد و زن پارسا

را چه گونه تطهیر کنم. پاسخ، روش تطهیر است که در پایان با اهدای صدقات به مغان تمام می شود. موبدان در گرفتن صدقات بس حریص هستند. هرکس داشته باشد یا نداشته باشد باید از مال خود به مغان و معابد بدهد و از فرایض است، چیزی و کاری که زرتشت با آن مخالفت می کرد.

پرسش بعدی آن است که چه گونه مرده ای که به وسیله دیو نسو نجس شده است باید تطهیر شود. مراسم طولانی است و نمونه ای از آن در فرگردهای گذشته [هشتم و نهم] شرح شد. اساس تطهیر چندین بار غسل درست با شاش گاو نر می باشد، گاوی که باید مشخصات و تربیت و پرورش ویژه داشته باشد و ادعیه ای فراوان و روزان و شبانی دراز که این مراسم به طول می انجامد.

پرسش های بعدی درباره تبلیغ دین و جهان پسین و سرنوشت روح است. آیا اعمال نیک مردم و کردار بد آنها در زندگی زمینی به کجا می رود؟ پاسخ می شنود که پس از شب سوم از درگذشت، چون سپیده بدمد و ایزدمهر نمایان شود و آفتاب بدرخشد، دیو ویزرِشه vizareša روان گناهکاران را از جاده ساخته زمان در بند کرده و بسته تا به پل چینوت می بزد و آنجا مورد بازخواست قرار می گیرد. اما کردار نیک پارسایان به شکل دوشیزه ای زیبا "نائیریکا Nâirikâ" ظاهر شده و چون فرشته نگاهبانی روح نیکوکار را به آسانی از پل چینوت عبور می دهد تا در عرش اعلا به نزد آهورامزدا برسد که همه پارسایان در آن جایند و ایزد تئیریوسنگه nairyō-sangha پیک آهورامزدا وی را خوش آمد می گوید.

از این پس ستایش عناصر طبیعت و ایزدان و سرودهای گانایی در پی است. پس به نام های دیوان و زیانکاران می رسیم. اما پیش از آن اشاره به آتش وازیشته vâzišta = "برق آسمانی" می رسد که دیو شپن جعفر Spendjāyra را نابود می سازد. اشاره به سروش پاک می شود که مورد ستایش قرار گیرد تا دیو کونده kunda را نابود سازد. ماهی گز که در ژرفای دریا زندگی می کند ستایش می شود. میرزی merezi = "کلهکشان" که خود آفریده و قدیم است و سرور همه آفرینش مجرد است و صورت هفت اورنگ که درخشان است و زیبا مورد ستایش واقع می شود.

در بند ۴۳ با نام‌هایی برمی‌خوریم که برخی‌شان را در فرگرد ۱۱، بندهای ۹-۱۲ و فرگرد بیستم، بند ۳ ملاحظه کردیم. در بند ۴۳ آمده که دیوها بدون وقفه در حال تحرک و جنب و جوشند. این دیوان عبارتند از:

انگرتمین یو پتورو مهرکو - دیو	angro-mainyu-pouru- mahrko-daeua	اهریمن پرمگ، دیو دیوان
ایندز	indra	از خدایان بزرگ هند و ایرانی بود.
دیو سثورو	saurua	در فرگرد یازدهم درباره‌اش توضیح داده شد.
دیو ناؤنگ هتیب ته	nâwanghaiθya	نیز از خدایان بزرگ آریایی است.
دیو تئوروی	taurvi	
زئیرته	zairita	
آئشمه	aešma	دارای سلاح کشنده است، دیو خشم.
آکه تشه	akataša	"بدی آفرین، سازنده بدی" که سرمای "دیو داده" (= زیام - دئیو دایم zyâm daevo dâtem از اوست).
مرشئونته	maršaona	فرتوتی و ناتوانی و بیشتر دیو مرگ = نسو
زئوروا	zaurvâ	نادانی و تباهی ایجاد می‌کند.
دیو بوئی تی	buiti	دیو کهولت و پیری که همراه با آفت مرگ، مرشئونته نیز آمده است "وندیداد ۹/۴۳".
دیو ذریوی	drivi	"به نظر نیبرگ: لک مادرزاد، لک".
دیو دئیوی	daivi	"ترکیب مؤنث دیو - در یسنای دهم بند یکسم نیز یک بار به این ترکیب برمی‌خوریم".
دیو کشوی	kasvi	یا گشویش - ناتوانی.
دیو پئی تیشه	paitiša	"مرد ناهنجار".

این دیوها و اهریمن همه در برابر زرتشت برای صدمه رساندن و نابود کردنش ناتوان و بی چاره می مانند. اهریمن که سخت ناامید و خشمگین شده از این که دیوان نتوانستند به زرتشت صدمه رسانند، می گوید ای دیوان پست و ناتوان، اینک چگونه به دهانه کوه آرزوزه arezura می روید، در حالی که کسی را که می خواستید ببرید همراه ندارید. گردنه یا قله یا دهانه آرزوزه - محل پناه و اجتماع دیوان و به اشاره بندگان مدخل دوزخ است که به وسیله سوراخ ژرفی از قله، به دوزخ که پایگاه دیوان است راه دارد و پل چیتوت "صراط" در بالای آن کوه واقع است که زمین را به آسمان برین مربوط می سازد. از دهانه این کوه است که دیوان بیرون آمده و آفرینش نیک را مورد حمله قرار می دهند.

و به این ترتیب، دیوان به آه و فغان، از این که زرتشت از آنان صدمت نمی یابد، به دهانه دوزخ گریختند تا چاره ای سازند.

فرگرد بیستم

این فصل با پانزده بند درباره پزشکی و بیماری هاست. نام بعضی از بیماری ها در این فصل مندرج است. در فصل بعدی نیز از نام چند بیماری دیگر آگاه می شویم. زرتشت از آهورامزدا می پرسد که نخستین پزشک به معنی واقعی کلمه که بیماری ها را در بند کرد و از مرگ بی هنگام جلوگیری کرد کیست؟ پاسخ می شنود که ئریته θrita می باشد "به موجب هوم یشت، نیکوکاری از خاندان سام می باشد" وی جهت درمان دردها از خشتزوتیره، که همان امشاسپند شهریور و سرپرست فلزات می باشد یاری خواست تا در برابر دردها و بیماری ها مجهز باشد. منظور از این جملات آن است که ابزار و کارد جراحی دریافت کرد تا بیماری را از طریق درمان کارد پزشکی "جراحی" انجام دهد، و یا فقط از طریق درمان و پزشکی و نام های برخی از بیماری ها آمده است که در متن ترجمه از نظر خواهد گذشت. در بندهای بعدی، اشاره به گیاهان دارویی که درمان بخش هستند

شده است و درمان را از طریق دارو شرح داده و این که گیاهان دارویی هزارها و ده هزارها در اطراف گنوکِرَنه gao kerena به وسیله خداوند رویانده شده است. به موجب اشاره کتاب "بندھش فصل ۱۸ بند ۳-۱" گنوکِرَنه همان گیاه هوم سفید است که در ژرفای دریای فراخکرت یا وُتوروکشہ می روید و از این گیاه، زندگی تازه و نوین و حیات جاودان حاصل می شود. از سوی اهریمن یک وزغ بزرگ برای تباهی این گیاه درمان بخش آفریده شد و آهورامزدا نیز دو ماهی گتر برای مقابله و نگاهبانی خلق کرد. به نظر می رسد گنوکِرَنه همان است که در فارسی کوکنار شده و افیون از آن حاصل شود که پادزهر هر بیماری و مسکن دردها و به اندازه درست، شفا دهنده دردهاست. اما در دوران ساسانی، نام این گیاه با افسانه و قصه ها آمیخت و جایش در عمق دریای وُتوروکشہ تعیین شد و مقابله و تعارض یزدان و اهریمن درباره آن که از اساس اندیشه های مغان است ابداع شد.

نوع سوم درمان، علاج بیماری با ادعیه و افسون و اوراد می باشد و در پس هر شکل از درمان و علاج، نام یک سلسله از بیماری ها آورده شده است که اغلب آنها برای ماهنوز ناشناخته مانده. در یشت سوم "اردیبهشت یشت" نیز به همین مطالب در درمان های سه گانه: درمان با کارد یا جزاحی، درمان با گیاهان دارویی، و درمان با ادعیه و کلام مقدس یاد شده است. نام های برخی از بیماری ها و ادعیه شفا بخش نیز در این یشت ثبت و ضبط است چنان که در خرداد یشت نیز از دیوان و مطالب وندیدادی بسیار آمده و این دو یشت با وندیداد و روش فکری و مطالب و یادکرد و اصطلاحات و نام های دیوان و بیماری ها در یک ردیف است.

در پایان از ادعیه شفا بخش که چون تلاوت شود، دیوها، بیماری ها، پری ها، جادوها، جن ها برافتاده و رانده خواهند شد یاد گشته است که در متن ترجمه به چگونگی آنها و نام ها در متن اشاره می شود. فهرست نام بیماری ها چنین است:

درد، بیماری.	yaska	یشکَه
مرگ نابهنگام، سکنه.	mahrka	مهرکَه

سوزاننده، سوختن.	dāžhu	داژو
تب.	tafnu	تَفَنُو
سردرد.	sârana	سازنه
تب لرز.	sârastya	سارشتیه
	ažana	آژنه
	ažahva	آژَهَوَه
بیماری بدو پلید. شاید جذام و زخم‌های چرک آگین.	kuruya	کوروغه
	aživâka	آزی‌واکه
	duruka	دوروکه
	astairya	آشته ئیزیه
چشم بد. نظر بد "در ادبیهشت بُشت، بند هشتم از دوژدئیشتر duždoiθra مرد بد چشم، نظر بد یاد شده است.	ayaši	آغشی
فساد و گندیدگی.	puiti	پوئی تی
آلودگی، کثافت.	âhiti	آهی تی
	išire	ای شیره
	ayuirî	آغوئیری
	ayrâ	آغرا
	uyra	اوغز

فرگرد بیست و یکم

این فصل دارای بیست و یک بند است. بند اول ستایش زمین "یا گاو" می‌باشد. زمینی که پرخیر و برکت است و سرچشمه زاینده روزی برای مردمان - زمینی که مردم بدکار و مرتد و گمراه آن را تباه می‌کنند. بند دوم در طلب باران و دعا برای فرو ریختن دانه‌های فراوان باران است. باران مانع بروز و شیوع بیماری‌هایی چون مرگ نابهنگام می‌شود و برای دردهایی که



منشأ آن جن است چون سکتته و بیماری گدّه gaḍa و بیماری آبه گدّه apagaḍa بسیار سودمند است.

باران بیماری‌ها را درمان می‌کند. زمین را سبز و خرم و گیاهان را می‌رویاند و گیاهان درمان‌بخش فراوان می‌شود. مطالب درباره آب و باران و عناصر دیگر و ستایش آنها و ادعیه‌ای که باید تلاوت شود و موجب فراوانی ارزاق و نعمت و آسایش می‌شود، ادامه پیدا می‌کند. بندها اغلب تکرار می‌شود و هرگاه تکرارها حذف شود یک سوم بیشتر مطلب از این فرگرد حاصل نمی‌شود. در بند هفدهم از چند بیماری یاد می‌شود که عناصری، چون باران و خورشید در دفع آن سودمندند، چون: "گخوژی، جهی kaxuži / djahi زن بدکاره، روسپی، زن بد" که جادو = "yātu یا تو" در اختیار دارد و یا در اختیار جادوست و آبه‌ته ayahya. به نظر می‌رسد که این‌ها نه بیماری باشند و نه در شمار دیوان، بلکه بیشتر ضعف مردان و زنانی باشد که بدکار و بدکردارند. جهی زن بدکار است که جادو در اختیار دارد، یا در اختیار جادوست. در بند نهم از اردیبهشت یشت نیز، جهی جادو که از مخلوقات اهریمنی است، در کنار زن بدکار گخوردّه kaxvareḍa یاد شده است و از هر دو، صفتی بد و منفی برای زنان اراده می‌باشد.

فرگرد بیست و دوم

و سرانجام واپسین فرگرد دارای بیست و دو بند می‌باشد. موضوع این فصل پرسش و پاسخ‌هایی است میان زرتشت و آهورامزدا، و آهورامزدا با ایزدان. آهورامزدا به زرتشت می‌گوید که: "من این جهان را بسیار زیبا و روشن و بی‌بدی و بیماری آفریدم. اما اهریمن پرمرگ، به صورت و منظر ماری، بر آفرینش من نگریست و هزاران بیماری و بدی پدید آورد. و من اراده کردم در آغاز، که کلام ایزدی مقدس = "مانئرشپنته mānəro-spenta" این بیماری‌ها را جهت درمان مؤثر و چاره‌ساز باشد."



آنگاه خطاب اهورامزدا است به "کلام مقدس ایزدی" / مانثرُ سَپِنتَه که در عوض مقابله و درمان این بیماری‌ها، یک هزار اسب تیز تک و نیرومند، یک هزار شتر نیرومند و کوهان‌دار، یک هزار گاو جوان و بی‌عیب و از هر نوع رمة کوچک یک هزار خواهم بخشید، و تو را با دعا و آفرین نیک و خوب برکت می‌دهم: دعایی که درمان‌کننده و نیازمندی‌ها را برآورده سازد. کلام مقدس ایزدی می‌پرسد که چه گونه نود و نه هزار و نه صد و نود و نه بیماری را از آفرینش وی "اهورامزدا" دور کند؟

اهورامزدا، به پیک خود که تغییر یوسنگه nairyosangha می‌باشد، دستور داد که با شتاب به خانه آئیزیمه airyama "ایزد شفا و درمان" برو و بگو که اهریمن پرم‌رگ بر ضد آفرینش من، هزاران بیماری پدید آورده، تو می‌توانی با آنها مقابله کرده و درمان‌بخش باشی. آئیزیمه چون پیغام اهورامزدا را شنید، با سرعت مهیّا شده و به سوی کوه شتافت و به جنگل رفت و چون خوب آماده و نیرومند شد، سه نوع اسب نر، نه نوع گاو نر، نه نوع گوسفند نر و نه شاخه گیاه ویژه برد. نه خط و شیار رسم کرد، آنگاه ادعیه‌ای را که برای برانداختن بیماری‌ها بود تلاوت کرد تا آنها را براند و بگریزاند.

در بند چهارم نیز از خردادیشت که با اردیبهشت یشت بر سبک و روال وندیداد به وسیله مغان تدوین و نوشته شده و مطالبی پیرامون مقابله با دیوان و شیاطین و جتیان و بیماری‌ها ارائه شده و آمده که مرد پارسا و نیک به‌هنگام بیماری و جن‌زدگی، باید به‌گردش شیارها و خط‌هایی کشیده شود و ادعیه ویژه تلاوت شود تا شفا یابد.

جهت آگاهی‌های گسترده و هم‌چنین شکل و ضبط دقیق نام‌ها و شروح کافی، به کتاب ترجمه و شرح وندیداد، جلد چهارم، فرگرد بیست و دوم و شروح آن نگاه کنید.



تصاویر مراسم پرشوم که ملاحظه می شود و مراحل مختلف این آیین دینی
مزدیشتیان زرتشتی را نمایانگر است، از کتاب:

Parsism The Religion Of Zoroaster

نوشته Sven. S. Hartman برداشت شده است. چاپ لیدن ۱۹۸۰













کتاب نامه

بخش اول

۱. هاشم رضی: تاریخ تحلیلی ادیان و مذاهب، کتاب اول ۱۰ - ۲۳.
2. Darmesteter, James: *Zend - Avesta*. II Vendidad 1962.
Niberg, h. s. : *Die Religionen des alten Iran*. PP 337. 1938
3. Ghirshman. R: *Iran Des origines A L'islam*. 2-3.
۴. عیسا بهنام: صنایع و تمدن مردم فلات ایران پیش از تاریخ.
علی سامی: گزارش های باستان شناسی: جلدهای اول، دوم، چهارم.
5. Herodote: *Histoires*. Livre III "Thali".
Strabo: *Geographie*. Livre VIII.
6. De Morgan. J: *Mission Scientifique en perse*. 1896.
7. Schmidt. E. F: *Excavations at Tepe Hissar Damghan* 1937.
8. Donald e Mac Cown: *The Material Culture of Early Iran*. (1924). 242 ff.
George Cameron: *History of Early Iran* (1936).
9. Ghirshman: *Une Tablette Proto élamite du Plateau Iranien*. XXXI. 115 ff.
(1934).
10. Field Henry: *Contributions of the Anthropology of Iran* (1939).
11. Woolley, C Leonard: *The Sumerians*, Oxford (1928).
۱۲. تاریخ تحلیلی ادیان و مذاهب در جهان، جلد هفتم "بین التهرین".

13. Herodote: *Histoires*. Livre I *clio* (196).
14. Frazer Sir James: *The Golden Bough*. (1930).
Frazer Sir James: *Adonis, Attis, Osiris*. (1907).
۱۵. تاریخ تحلیلی ادیان و مذاهب، کتاب دوم "می‌تولوژی" افسانه‌ها و اساطیر "۱۳۴۲".
16. Ghirshman, R: *Scientific American*. January (1961).
Ghirshman, Roman: *Fouilles de Sialk*.
Ghirshman, Roman: *Iran Des Origns A L'islam*.
۱۷. هاشم رضی: سیر تاریخی روح.
تاریخ ادیان، کتاب دوم - "می‌تولوژی"، افسانه‌ها و اساطیر "۱۳۴۲".
18. Durant Will: *The Life of Greece V-I*.
۱۹. اصول روان‌کاوی. تهران ۱۳۴۲.
۲۰. کریستن سن: ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی.
۲۱. مراد اورنگ: همبستگی در اوستا. تهران ۱۳۴۲.
22. Keith. A. B: *Indian Mythology*. p 68.
23. Windischmann: *Zoroastrische Studien*, p. 215.
- نیز نگاه کنید به مدخل "شَوَیْت وَ ذَّئِه" دانشنامه ایران باستان نیز ترجمه و شرح و ندیداد، فرگرد هشتم، جلد دوم، یادداشت ۱۰۵.
۲۴. تاریخ تحلیلی ادیان و مذاهب، جلد دوم، "می‌تولوژی" افسانه‌ها و اساطیر.
25. Darmesteter, James: *Zend - Avesta*. Part 1 (1962) Paris.
Niberg, H, S: *Die Religionen des alten Iran*. pp. 337 (1938).
26. Herodote: *Histoires*. Livre III. 92-93.
Herodote: *Histoires*. Livre VII, 86-67.
Strabo: *Geography*. Livre XI, 11-6.
PLINY: *Natural History*. LVI, 45.
27. Lombroso: *L'homme Griminel*.
28. Freud, Sigmund: *Toteme et Tabou*.
۲۹. اصول روان‌کاوی - بخش سیزدهم.

۳۰. وندیداد - فرگرد سوم - بند ۱۹ - ۲۰.

نیز جهت مستندی دقیق‌تر، ترجمه و شرح وندیداد، از نگارنده، چهار مجلد، جلد اول فرگرد سوم

Windischman: *Zoroastrische Studien perausgegeben* Von Spiegel.

۳۱. وندیداد - فرگرد ۱۰ - بند ۹؛ فرگرد ۱۹ - بند ۴۳.

۳۲. وندیداد - فرگرد ۲۰ - بندهای ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰.

۳۳. وندیداد - فرگرد ۱۹ - بند ۴۰.

۳۴. وندیداد - فرگرد ۱۹ - بند ۴۱.

۳۵. وندیداد - فرگرد ۱۱ - بند ۹.

۳۶. وندیداد - فرگرد ۷

به همان ترجمه یاد شده از نگارنده در مجلدات چهارگانه نگاه کنید.

37. Herodote: *Histoires*. Livre I - 140.

۳۸. وندیداد - فرگرد ۳ - بند ۲۲ - ۱۰؛ فرگرد ۵ - بند ۱۰.

۳۹. وندیداد - فرگرد ۹ - بند ۱۱؛ فرگرد ۱۹ - بند ۲۴.

تاریخ تحلیلی ادیان و مذاهب - جلد دوم "می‌تولوژی" افسانه‌ها و اساطیر.

محمود نجم‌آبادی: تاریخ طب ایران - جلد اول.

۴۰. تاریخ ادیان، کتاب دوم، بخش یازدهم.

۴۱. یشت‌ها: هوم یشت.

۴۲. وندیداد - فرگرد ۲۰ - بند ۱ - ۲ - ۳.

۴۳. وندیداد - فرگرد ۱۹ - بند ۲۴ تا ۴۷.

۴۴. وندیداد - فرگرد ۶ - بند ۴۵ - ۴۶.

Herodote: *Histoires*. Livre I - 140

بخش دوم

1. Woolley. Sir Leonard: *A Forgotten Kingdom* p 35.
2. Ghirshman Roman: *Iran des origine A L'islam*. p 32.
3. Meyer. Eeward: *Geschichte des Altertums*. 1909.

4. Hrozný, B: Histoire de L'Asie Antérieure. 210. Paris (1947).
5. Oppenheim: *Tel Halaf* (trad Française). 1939.
Winternits, M: *History of Indian Literature*. 304. (1927).
6. Contenau. G: *La Civilisation des Hittites et des Hurrîtes du Mittani* 1948.
7. Dhorme, E. Dussaud: *Les Religions de Babylonie et d'assyrie, les religions des Hittites et des Hourrites, des Pheniciens et des Syriens*. 1949.
8. Huart.C.Delaporte. L: *L'iran antique, Elam et perse et la Civilisation iranienne*. 1925.
Ghirshman. Roman: *Iran des origines A L'islam* - Paris 1951.

بخش سوم

۱. علی سامی: تمدن هخامنشی - جلد اول - ۱۳۴۱.

2. Ghirshman, Roman: *Iran des origines A L'islam*. paris 1951.
3. Linton. Ralph: *Tree of Culture*. 1955.
4. Delafosse, M: *The Negroes of Africa*. 1931.
5. Childe. V. G: *The Aryans: A Study of Indo - European origins* 1926.
6. Pendlebury, J. D. S: *The Archeology of Crete*. 1939.
7. Gour, Sir Hari Sing: *The Shirit of Buddhisme*. 524 (1929).
8. Smith. V. A: *Oxford History of India*. 14 (1923).
9. Davids Rhys: *Dialogues of the Buddha*.
10. Monier. Sir Williams: *Indian Wisdom*. 227 (1893).
11. Macdonell. A. A: *India's Paste*. 39 (1927).
12. Winternitz: *History of Indian Literature*. Vol I-64.
۱۳. امیرعلی شیرنوازی: مجالس المؤمنین.
دیوان جامی: قسمت مقدمه، ویراسته هاشم رضی، تهران ۱۳۴۰.
14. Winternitz: *History of Indian Literature*. VOL I. 212.
15. Dutt R. C: *The Ramayana and Mahabharata*. 231.

16. Arrian: *Anabasis of Alexander, and Indica*. 1893.
17. Venkates Wara. S. V: *Indian Culture through the Ages* 66.
۱۸. حسن قائمیان: نظر بازی
ترجمه و شرح وندیداد، چهار مجلد، هاشم رضی. ذیل عنوان *وِیْتِه* با توجه به فهرست در
آغاز مجلد اول، تهران ۱۳۷۶. دانشنامه ایران باستان، ذیل مدخل *"وِیْتِه"*، جلد چهارم.
19. Sidhanta - N. K: *The Heroic Age of India*. 149.
۲۰. اصول روان‌کاوی. تهران ۱۳۳۹.
- Freud. Sigmund: *Toteme et tabou*.
21. Dutt. R. C: *The Ramayana and Mahabharata*.
22. Radakrishnan: *The Hindu View of Life*.
- Eliot, Sir Charles: *Hinduism and Buddhism*. 1921.
۲۳. تاریخ ادیان، کتاب دوم، اساطیر، افسانه‌ها "می‌تولوژی" بخش هفدهم.
24. Macdonell: *India's Past*. 32.
۲۵. ابوالمعالی: بیان الادیان - ویراسته هاشم رضی، ۱۳۴۲.
26. Eliot. Sir Charles: *Hinduism and Buddhism*. 3 vol. I - 59.
27. Radakrishnan: *The Hindu View of Life*. 105.
۲۸. تاریخ ادیان، پیدایش فلسفه، کتاب سوم، بخش هجدهم.
اوبانی شادها: "سراکبر" ترجمه: شاهزاده محمد داراشکوه - ویراسته دکتر تارا چند،
جلالی نائینی.
29. Eliot Sir Charles: *Hinduism and Buddhism I* -
30. Herodote: *Histoires*. Livre I - *Clio* - 131.
- ابوالمعالی: بیان الادیان - ویراسته هاشم رضی، ۱۳۴۲.
31. Frazer. R, W: *A Literary History of India*. 234.
- Brifault. Robert: *The Mothers*. vol I - 346.
32. Dutt: *The Ramayana and Mahabharata*. 318.
33. Freud. Sigmund: *Toteme et Tabou*.
- اصول روان‌کاوی، بخش توتم و تابو.

34. Jochelson - W: *The Peoples of Asiatic Russia*.
 Childe V. G: *The Aryans: A Study of Indo - European origins*.
35. Winternitz. M: *History of Indian Literature*.
 Contenau. G: *La Civilisation des Hittites et des Hurrtes du Mittani*. 1948.
36. Gray: *Foundations of Iranian Religion*. p 15.
 ۳۷. تمدن ایرانی: با همکاری جمعی از خاورشناسان، ترجمه عیسا بهنام. تهران - ۱۳۳۷.
38. Dumezil, George: *Les Dieux des Indo - Europeens* Paris, 1952.
 ۳۹. تاریخ ادیان، کتاب دوم، می تولوژی، اساطیر و افسانه‌ها، بخش هفدهم.
40. Carnoy. J Allert: *Iranian Mythology*. 1916.
 ۴۱. هاشم رضی: تاریخ ادیان، کتاب دوم - می تولوژی، اساطیر و افسانه‌ها.
 Grimal Pierre: *Dictionnaire de la Mythologie Grecque et Romains*.
42. Darmesteter. James: *Le Zend - Avesta*. Vol II. p 441.
43. Bartolomae. Chrisian: *Altiranisches Wörterbuch*. (1904).
44. Yusti: *Geschishte des alten Persiens*. 92.
 نگاه کنید به ترجمه و شرح وندیداد، جلد اول، فرگرد چهارم، نیز: دانشنامه ایران باستان، مدخل "میتر / میترا".
 ۴۵. محمد معین: شماره هفت و هفت پیکر نظامی.
 ۴۶. تاریخ ادیان، کتاب دوم می تولوژی، افسانه‌ها و اساطیر.
 ابوالمعالی: بیان الادیان، ویراسته هاشم رضی.
 پور داوود: پشت‌ها، جلد دوم.
47. Keith. A. B: *Indian Mythology*.
 و برای آگاهی‌های بیشتری از این افسانه‌ها:
 Breal'M: "*Hercul et Cacus*" Dans "*Mélanges de Mythologie et de Linguistique*"
 Breal, M: *Mythology of all Races*.
 تاریخ ادیان، کتاب دوم، می تولوژی، افسانه‌ها و اساطیر.
48. Olmstead. A. T: *The History of The Persian Empire*. 1943.
49. Spiegel: *Avesta die Heiligen Scheriften der Parsen üdersetzt*. 3 Bande.

Spiegel. F: *Commentar üder des Avesta*. 2 Bande.

۵۰. پورداوود: یشت‌ها - یشت هشتم - جلد اول. نیز "آیین پردمز و راز میتراپی، فرانتس کومن، ترجمه نگارنده، تهران ۱۳۸۰ و تاریخ آیین رازآمیز میتراپی، دو مجلد، تهران ۱۳۸۱.

۵۱. یشت هشتم "تیریشْت" بند ۲۴ - ۲۳.

۵۲. یشت هشتم - بند ۲۹.

۵۳. تاریخ ادیان - کتاب دوم، بخش هفدهم.

54. Chantepie. P. D: *de la Saussaye Religion of The Teutons*.

۵۵. پورداوود: یشت‌ها - جلد اول - ۲۱۰.

56. West. E. W: *Transtation of Bundhish*. I - III.

West. E. W: *Selections of Zat Sparam*. I - II.

West. E. W: *The Sacred Books of The East*. Vol V - I - 19 - 156 - 163.

۵۷. بندهش - ۹.

۵۸. گزیده‌های زاد اسپرم: - ۸.

۵۹. اورنگ - مراد: ترجمه اوستا - جلد ۲ - یسنای ۹ - بند ۱۷.

۶۰. اورنگ - مراد: ترجمه اوستا - جلد ۲ - یسنای ۹ - بند ۲۰ - ۲۲ - ۲۳.

61. Darmesteter. James: *Le Zend - Avesta*.

۶۲. تاریخ ادیان، کتاب دوم، بخش هفدهم.

63. Macdonell. A. A. : *Vedic Mythology*. P. III.

64. Jastrow. M: *Religion of Babylonia and Assiria*. 520.

۶۵. برهان قاطع: جلد دوم، ویراسته دکتر محمد معین - ۹۱۷.

66. Fick. August: *Vergleichendes Vörterbuch der Indoger Manische Spranchen*. 1

Band 3 Umgearbeitete Auflage - Göttingen. 1874.

Lommel: *Die Yasht's des Avesta*, S. 131.

Darmesteter: *Le Zend Avesta*. II. P 556.

Carnoy. Albert: *Iranian Mythology*.

67. Dumezil: *Massiance d'archanges*.

۶۸. اصول روان‌کاوی - بخش سیزدهم.

فروید: آینده یک پندار - ترجمه هاشم رضی.
۶۹. تاریخ ادیان، کتاب اول، بخش اول و دوم.

Montesquieu: *Sprit des Lois*

۷۰. کریستن سن: ایران در زمان ساسانیان - ترجمه رشید یاسمی، ص ۴۵.

71. Niberg: *Die Religionen des alten Iran*. 1937.

72. Christensen: *Quelques notices Sur les plus Anciennes Périodes du Zoroastrisme*.

۷۳. ابوالمعالی: بیان الادیان - ویراسته هاشم رضی.

74. Messina: *Der Urshrung der Magier*, Roma 1930.

75. Herodot: *I clio* - 101.

۷۶. تاریخ ادیان، کتاب اول - بخش ششم، هفتم و - آینده یک پندار.

77. Gray: *Foundations of the Iranian Religion*. 93...

78. Windishmam. Friedrich: *Mithra*.

Cumont: *Les Mystères de Mithra*.

کتاب فوق توسط نگارنده با عنوان راز و رمزهای آیین میتراپی ترجمه و منتشر شده است.

79. Herzfeld: *Archaeological of Iran*. pp. 15 - 16 - 33.

۸۰. ویل دورانت: تاریخ تمدن، کتاب چهارم.

تاریخ ادیان - کتاب دوم، می تولوزی، افسانه‌ها و اساطیر.

بخش چهارم

1. Olmstead. A. T: *The History of The Persian Empire*. P 22. 1943.

۲. یوردادود - گاتاها - یسنا ۳۱ - بند ۱۸.

نیز: اوستا، کهن‌ترین گنجینه ایران باستان، تهران ۱۳۷۹، بخش ترجمه گاتاها.

۳. یسنا ۲۳ - بند ۱. نیز مرجع یاد شده.

یسنا ۳۳ - بند ۴. مرجع یاد شده.

Kent. R. G: *Cattle - tending and Agriculture in the Avesta*.

4. Moulton. J. H: *Early Zoroastrianism*. 1913. P - 117.

کتاب نامہ □ ۲۰۷

Niberg: Die Religion des alten Iran. P. 56. 1937.

5. Christensen: *Quelques notices Sur les plus Anciennes périodes du Zoroastrisme.*

6. Herodote. I - 96.

7. Herodote. III - 75; VII - II.

Herzfels. E: Arcäologische Mitteilungen aus Iran. II - 118 - 1930.

8. Ghirshman. Roman: *Iran des origines A L'islam.*

9. Herodote: I - 96 - 130.

10. Herzfeld - E: *Arcaeological History of Iran.* P 40. 1935.

۱۱. محمد جواد مشکور: تاریخ مردم اورارتو، تهران - ۱۳۳۲.

12. Smith: *Babylonian Historical Texts.* P 98. I - 1924.

Olmstead. A. T: *The History of the Persian Empier.*

Herodote - I - 98, 110. 153.

Strabon. XI - 13: 7-8; 14: 9.

حسن پیرنیا: ایران باستان. کتاب اول - تاریخ مشرق قدیم.

13. Ghirshman: *Trésor de Sakkez, les déluts de L'art méde et les Bronzes du Luristan, Artibus asiae.* 1950.

14. Schmidt. Erich: *Flights over Ancient Cities of Iran.* 1940.

بخش پنجم

1. Rawlinson: *Five Great Monarchies of the Ancient World.* II - 316 -7.

2. Huart. Clement: *Ancient Persian an Iranian Civilization.* 27-1927.

3. Herodotus - I - 119.

4. Strassmair. J. P: *Inschriften von Cyrus.* Nos - 199 - 270 - 325 - 364 (1900).

5. Herodotus. III - 62.

6. Durant. Will: *our oriental Heritage.* I - 1935.

7. Herodotus - III - 139 - I - 209.

8. Oimestead: *The History of The Persian Empire.* P. 121.

9. Sayce. A. H: *The Cuneiform Inscription of van de cinphered and Translated.*
377-732 (1882).
Ghirshman: *Iran des origines A L'islam.*
10. Rawlinson: *Five Great Monarchies of The Ancient World.*
Grote. G: *History of Greece.* V - 319 - 22.
Strabo: *Geogrephy* - IX. 4 - 12 - 16.
Athenaeus: *The Life of Greece.* 1939.
11. Parker. R. A. And Dubberstein: *Babylonian Chronology, 626 B. C. A. D. 45. p*
15 (1942).
12. Plato: *Gorgias.*
Aristotle: *Constitution.*
Plutarque: *Les vies des Hommes Illustres.*
Glottz: *The Greek City* - 1929.
Durant. Will: *The Life of Greece.* 1939
13. Kent: *old Persian Grammar, Texts, Lexicon* (1950).
Ghirshman: *L'iran des Origines A L'islam'* Paris (1951).
۱۴. علی سامی: تمدن هخامنشی، شیراز ۱۳۴۱ - ۱۷۰...
15. Sarre And Herzfeld. E: *Iranische Felsreliefs.* P 174 (1910).
Herzfeld. E: *Archäologische Mitteilungen aus Iran.* 1 (1929).
Herzfeld. E; *Iran in the Ancient East* (1941).
16. Olmstead: *History of Assyria* (1923).
Hubberstein. W. H: *Assyrian - Babylonian Chronology.* (1944).
Olmstead: *The History of the Persian Empire.*
۱۷. گزارش های باستان شناسی.
۱۸. ملک زاده بیانی: تاریخ سکه - جلد اول، ۱۳۳۷.
Childe Gordon: *Le Mouvement de L'histoire.* Paris. 1955
19. King. L. W And Thompson. R. C: *The Sculpture and Inscription of Dariuse the*

- Great on the Rock of Behistun in Persia*. London. 1907.
- Weisbach. F. H: *Die Keilinschriften. der Achameniden*. Leipzig 1911.
- Herzfeld. E: *Altpersische Inschriften*. Berlin. 1908.
۲۰. مجله هوخت - سال ۴۲ - شماره اول و دوم (اشتباهات دانشمندان... هاشم رضی).
جهت آگاهی‌های گسترده نگاه کنید به ترجمه کامل نگارنده از وندیداد: شرح و شرح
وندیداد، چهار مجلد، تهران ۱۳۷۶.
- ابوالمعالی: بیان الادیان - ویراسته: هاشم رضی.
- Benveniste. E: *Les Mages dans L'ancien Iran*. 1938
۲۱. تاریخ ادیان، کتاب اول - فصول ۷-۶-۵
22. Olmstead: *The History of The Persian Empire*. 1948.
- Lommel. H: *Die Religion Zarathustras*. 1930.
- Niberg: *Die Religionen Alten Iran*.
- Lommel. H: *Die Religion Zarathustras nach dem Avesta dargestellt*. 1930.
- Christensen: *Quelques notices sur les plus anciennes Périodes du zoroastrisme*.
- محمدعلی شوشتری: ایران نامه - جلد سوم.
موسا جوان: تاریخ اجتماعی ایران باستان.
علی سامی: تمدن هخامنشی.
23. Christensen. Arthur: *L'emprie des Sassanides*. § XXV.
۲۴. تاریخ ادیان، کتاب اول - بخش پنجم و ششم.
25. Olmstead: *The History of The Persian Empire*. P 202 § XV. 1948.
26. Herodotus - I § 131-140.
۲۷. تاریخ ادیان، کتاب دوم - بخش چهاردهم.
۲۸. مجله هوخت - سال ۴۲ شماره‌های ۹ - ۱۰ - مقاله درباره وندیداد.
- Darmesteter. J: *Le Zend Avesta*. vol II *Vandidad*. Paris 1960.
- Jurnal of the K. R. Cama oriental Institute* No III. p. 1-28.
- وندیداد: ترجمه و شرح وندیداد، تهران ۱۳۷۶.
29. Sutodoren - I - 140

30. Herodotus - I - 131
31. Herzfeld. E: *Iran in the Ancient East*. P. 230 (1941).
32. Schmidt. F. Erich: *The Treasury of Perspolis*. PP 98 (1939).
33. Dieulafoy: *L'acropole le Suse*. PP 390 (1893).
34. Windischmann. Friedrich: *Mithra* 1875.
35. Klug. Theodor: *Mithrakult*. 1911
Cumont: *Les Mysteres de Mithra* 1923.
36. Darmesteter. J: *Le Zend Avesta*. Vol I - 348 - 9.
De Lafont, C: *Le Mazdaisme L'avesta*. Paris. 1895.
37. Windischmann. F: *Pers Anahita oder Anaitis*. S 4-5.
۳۸. شوشتری - محمدعلی: ایران نامه - جلد سوم - ۴۳۸.
- 39, 40. Weissbach: *Die Keilinschriften der Achämeniden* S 21.
41. Justi: *Geschicht des Alten Persiens* S 92-95.
Carnoy. Albert, J - *Iranian Mythology*. p 23-25. 1917.
۴۲. و نندیداد: VII 16- II22.
۴۳. تاریخ ادیان، کتاب دوم، بخش هفدهم.
۴۴. خرده اوستا: نیایش چهارم "آبان نیایش".
۴۵. یسنا: هات ۶۹ تا ۶۳.
46. Herodotus - VII - 35.
47. Herodotus - I - 132 - 138.
48. Strabon - XV - P. 1066.
49. Rawlinson: *parthia*, P. 59. 1893.
۵۰. حسن پیرنیا: ایران باستان - جلد چهارم.
- Justi. Ferdinand: *Geschichte des Alten persiens*. S. 135-8. 1878
۵۱. کتاب آموس - فصل دوم - آیه ۷.
- Sumner And Keller: *Science of Society*. Vol II. P. 1273. (1928)

52. Linton. Ralph: *Tree of Culture*. XVIV (1955) New York.
53. Ghirshmn, R: *L'iran des origines a L'islam*. Paris. 1951.
54. Christensen. A: *Etudes Sur le Zoroastrisme de la Pers Antique*. 1928.
۵۵. مجله هوخ. سال چهل و دو - شماره ۱۲ تا ۹ - مقاله نگارنده "درباره وندیداد".
56. Smith. J: *Transactions of Biblical Arcaeology*. II P. 146. 1873
Weissbach: *Die Keilinschriften der Achämeniden* PP. 8-9. 1911.
57. Maspero. G: *Passing of the Empires*. P. 656-668. 71. London (1900).
Gautier.: *LE Livre des rois d'Egypte* IV. No-1-123 (1915).
Posener, G: *La Première domination Perse en Egypte* (1936).
58. Herodotus - III. 27.
59. Olmestead: *The History of the Persian Empire*. 1948.
علی سامی: تمدن هخامنشی، جلد اول، ۲۱۳، شیراز، ۱۳۴۱.
60. Couyal. J. - And. Montet. P: *Les Inscriptions du ouadit*.
Hammamt. Nos. 14, 18, 90, 134, 137, 190, 193 (1912).
61. Winlock. H, E: *The Tomple of Hilis in el Khargeh oasis*. I. (1941).
62. Christensen. A: *Etudes Sur le Zoroastrisme de la perse Antique*.
63. Csheftelowitz: *Die Altpersische Religion und das Judentum*. S. 132. 1920.
۶۴. اصول روان‌کاوی، ۱۳۴۲ - ۹ - ۱۷۸.
- Sophocles: *Oeudipus*. Paris 1912.
- Sophocles: *Tragedies*. Tr. Plumpter. London. 1879.
سوفوکل: سه نمایش‌نامه، ترجمه محمد سعیدی.
65. Windischmann: *Persische Anahita oder Anaitis*. (1856)
66. Brifault Robert: *The Mothers*. Vol III. 1927. III. 220
Jastrow, M: *The Civilization of Babylonia and Assyria*. 1915. P. 309.
Maspero. G: *The Passing of the Empires*. London. 1900. 738-40.
67. Herodotus - I - 199.
Strabon - XVI - 20.

68. Brifault - Robert: *The Mothers*. Vol III. P. 203.

Frazer. Sir. J: *Adonis, Attis, osiris* London 1907. P. 50-4.

۶۹. اصول روان‌کاوی، بخش نهم.

بخش ششم

۱. در جای خود برخی تصاویر مربوطه در صفحات منعکس است.

2. De Harlez: *Avesta, Livre Sacré du Zoroastrisme*. P. LXXI-LXXVIII.

۳. برای استفاده بهتر، نگاه کنید به دو تحقیق شایسته لومل و گیشویچ که مورد استفاده نگارنده بوده است. کتاب یشت‌های اوستا از لومل، ترجمه یشت دهم میان صفحات ۸۵-۶۷ این برگردان آلمانی است. هر چند ترجمه‌ای قدیم است، اما هنوز کاری بسیار خوب در ترجمه یشت‌هاست:

Herman Lommel: *die Yäšt's des Avesta Übersetzt und Eingeleitet*. Göttingen, 1927.

ایلیا گیشویچ، سرود اوستایی مهریشت را با مقدمه‌ای خوب و دقت نظر تحقیق و ترجمه کرده است. وی عقیده‌ای به ارتباط میان مطالب مهریشت و ایزدان پیرامون وی با میتراپرستی اروپایی ندارد. کار وی مورد انتقادهایی قرار گرفته که از جمله زیر آن را کاری ناشیانه و بدون محتوا می‌داند. ۷۲ صفحه مقدمه کتاب در چارچوب معین شده تحقیقی که در نظر گرفته شده، خوب است. میان صفحات ۱۴۷ - ۷۴، متن (آوانوشت) و ترجمه و تا صفحه ۳۰۰ واژه نامی کتاب است:

Ilya Gershevitch: *The Avestan Hymn to Mithra*, Cambridge, 1967.

دو جلد ادبیات مزدیسنا که ترجمه و مقدمه و شرح یشت‌ها از شادروان استاد پورداوود است، نیز ترجمه اوستا، بخش یشت‌ها از نگارنده مورد استفاده بوده است. نگارنده در کتاب "تاریخ آیین رازآمیز میتراپی" در شرق و غرب از آغاز تا امروز به طوری مشروح و همراه با مستندات و ترجمه‌هایی از متن اوستایی و ترجمه‌های یاد شده از مترجمان اروپایی به این کار پرداخته است. جهت آگاهی‌های موردنظر، باتوجه به فهرست توصیفی در آغاز مجلد اول و فهرست راهنمای دقیق در پایان مجلد دوم، نیز ترجمه سرودهایی از ریگ‌وِدا درباره میترا و میترا/وارونا، هم‌چنین

آهورَ / میتَرَ - و میترا / اهورا به کتاب یاد شده نگاه کنید. نیز جهت دریافت‌هایی بیشتر، در کتاب یاد شده بسیاری از تصاویر میتراپی با توجه به شمایل‌نگاری و شمایل‌خوانی به چاپ رسیده است. تهران، دو مجلد ۱۳۸۱.

هم‌چنین نگارنده کتاب "راز آیین میترا" *Les Mystères de Mithra* اثر فرانس کومن را با عنوان آیین پررمز و راز میتراپی ترجمه و منتشر کرده است که جهت محققان و دستداران مورد استفاده می‌باشد. تهران ۱۳۸۰.

4. Windischmann.F: *Über Mithra*. 68 Seq.

5. Darmesteter: *Le Zend Avesta*.I.2,232.

۶. ترجمه آزادی که از این یشت با توضیح در متن آمده، با توجه به اوستای دارمستر و شپگل و استاد پورداوود است، هم‌چنین قطعاتی که ترجمه آن را گیکرد در کتاب خود تمدن ایرانیان خاوری آورده است و گهگاه به ترجمه‌های دیگری رجوع شده است. اگر اختلاف‌های کوچکی در یک موضوع که چند بار به تکرار به صورت پراکنده آمده به نظر رسد، حاصل اختلاف در اصل ترجمه‌هاست، چون توصیف‌گرز دربار اول که از دارمستر و پورداوود استفاده شده و همین توصیف دربار دوم از گیکرد و شپگل نقل شده است.

فهرست مطالب

بخش اول:

زندگی و فرهنگ اولیه

۱. چگونگی وضع طبیعی ۱۱-۱۷

نکات مبهم در تاریخ ابتدایی، منظور از این مقدمه، دیانت و ارتباط آن با شتون فرهنگی و تمدن زندگی در ایران کهن، سرشت و کار مردم، قوانین و دیانت، شکل فلات ایران، حدود جغرافیایی، منطقه‌ی حساس، اهمیت تاریخی، رشته جبال کوه‌های زاگروس، مناطق و تقسیمات آن، لرستان، سلسله جبال البرز، وضع مناطق مختلف، دره‌ها و وضع طبیعی آن‌ها، کویر، دشت خوزستان، محصولات و کانه‌ها.

۲. زندگی پیش از تاریخ ۱۸-۲۴

آغاز زندگی در فلات، پایان عهد بارانی، پیدایی خشکی‌ها، وندیداد و زندگی اولیه، مراکز زندگی ماقبل تاریخی در ایران، زندگی غارنشینان، سلوک و هنر آنان، کار زنان و مردان، نخستین سازمان‌های مادرشاهی، کار و مقام زنان، عقاید دینی، گورها و دفن مردگان، زندگانی آینده، اشتراک زندگان و مردگان، چگونگی دفن دسته‌جمعی مردگان، آغاز زندگی در دشت، هزاره پنجم آغاز زندگی، زراعت، خانه‌سازی، ابزار و آلات، هنرها و تکامل کوزه‌گری.

۳. تکامل کوزه‌گری و خانه‌سازی ۲۵-۳۰

مبارزه برای زندگانی بهتر، تحولاتی در بهبود خانه‌سازی، ساختن آجرهای مستطیل شکل، روش خانه‌سازی، تزئینات داخلی و خارجی، در و پنجره، کف‌سازی، رنگ و نقاشی، وضع درونی خانه‌ها، تحولاتی در کوزه‌گری، اختراع چرخ و کوره، نقاشی و روش‌های نو و کهنه، روح و احساس هنری، توجه به مشاهدات و طبیعت‌گرایی، شکل ساخته‌ها و نقش آنها،

تحوّلاتی در کوزه‌گری.

۴. فلزکاری، آرایش و تجارت ۳۵-۳۲

آغاز استفاده از فلزات، مس و طرق استفاده از آن، استفاده‌های بدوی، ذوب مس و ریخته‌گری، اشیاء مسین، تأثیر در بهبود لوازم آرایش، آیین‌سازی از صفحه‌های مسین، زیورآلات، جواهرات و سنگ‌های تزئینی، جواهرسازی و پیشرفت این صنعت، وضع تجارت و مبادله، جویبات، صادرات و واردات، مهرکالاهای تجارتنی.

۵. خانواده و زندگی اجتماعی ۳۸-۳۵

تحوّل و تکاملی مداوم در فلات، موانع طبیعی و عدم انتقال به عهد تاریخی، دیرکرد وضع شهرنشینی در ایران، عدم ارتباط مراکز، خانواده، خانواده و سازمان سیاسی و شورای شیوخ و ریش سفیدان، عدم جنگ و عتّ آن، نژاد بومیان، دراز سران و نژاد مدیترانه‌یی، پراکندگی عظیم در آسیای غربی، منشأ و اصل سومریها، قدمت شگفت تمدن ایرانی.

۶. دیانت و پرستش در ایلام ۴۹-۳۸

آغاز دوره تاریخی ایلام، موقعیت طبیعی و جغرافیایی، شهرهای بزرگ ایلام، درکشاکش با بین‌النهرین، پیروزی و شکست، خرابی‌های سارگون، کارهای پسرش، در زمان نرم‌سین، انقلاب و طغیان برای آزادی، آزادگی و حمله به بابل، اثرات حمله به بابل، کشف یک شهر ایلامی بازیگورات عظیم آن، ساختمان زیگورات، چگونگی مذهب ایلامیان، کهتر خدایان و مهتر خدایان، زیگورات چیست. روش پرستش عوام و خواص، قربانی و قربان‌گاه‌ها، ندور و پیش‌کش‌ها، وضع کلی دیانت.

۷. دیانت و پرستش پیش از تاریخ ۵۵-۴۹

پیش آهنگ و نندیداد، زندگی و دیانت در وندیداد، احاله به بخشی دیگر، اعتقاد به روح، وضع دفن، اشتراک زندگی ارواح و مردمان، وضع دفن مردگان، آغاز ترس از مردگان، گریز از اموات، یافته‌هایی از مقابر، رنگ کردن مردگان، رسم‌های مختلف در گور نهادن، حالت منحنی و خمیده، نقش و نگار باگل آخر بر بدن مردگان، وضع کلی دیانت، آثار کشف فلزات، قلّت مدارک درباره دین پیش از تاریخ، ایزد بانوان و مبنای نفوق زن، آغاز بحث درباره ازدواج با محارم، منشأ و علل آن.

۸. توفان در روایت و نندیداد ۶۱-۵۵

پژوهشی کوتاه درباره وندیداد، سرزمین حاصلخیز فلات، وفور و فراوانی، کوشش و

مردانگی، وصف زمین و محصول، اساطیر و افسانه‌ها، توفان کهنه‌ترین داستان بشری، روایت و نندیداد، گفت‌وگوی زرتشت و اهورامزدا، داستان جمشید، سلطنت او و داستان گشادگی زمین، ملاقات جمشید و اهورامزدا، آغاز توفان، جمشید و ساختن غار، جمع نژادها در غار، نتیجه.

۹. ترجمه کهن ترین داستان توفان بنا بر فرگرد دوم و نندیداد ۶۸-۶۱

۱۰. رسوم و آداب در و نندیداد ۷۸-۶۸

جریان زندگی مردم این کتاب، نشانه‌های ماقبل تاریخی، درباره سگ، شادمانه گی در زندگی، جنبه‌هایی دیگر، خرافات و اوهام، درباره خوش‌بختی زمین، تجزیه و تحلیل اصول عقاید، اهمیت کشاورزی، پرورش احشام، بدترین زمین‌ها، طبقه بندی آنها، رسم بیرون گذاشتن مردگان، ملاحظاتی در این باره، تجزیه و تحلیل روانی، علل این رسم، رفتار با گناه کاران و پیران، جنبه‌های خشونت بار در این آیین، خدایان و دیوان، درباره دیوان و کار آنها، اهریمن، پزشکی عملی، پزشکی و کهنات، خلاصه و نتیجه.

بخش دوم:

ورود عناصر هند و اروپایی و فرهنگ و تمدن آنان

۱. هیتی و میتانی ۸۴-۸۱

جریان‌های مهاجرت، اقوام هند و اروپایی و ورود آنان، منشأ و جایگاه اصلی عنصر هند و اروپایی، دو گروه از هند و اروپاییان، گروه غربی، آمیزش با اقوام آسیایی، تشکیل پادشاهی هیتی، گروه شرقی و آمیزش آنها با هوریان از اقوام آسیایی، مناطق نفوذ هیتی‌ها، عظمت و افول تمدن و قدرت‌شان، تأثیر عنصر هند و اروپایی.

۲. دیانت میتانی ۸۶-۸۴

درباره اصطلاح هزار خدا، تفسیر روشی در تساهل مذهبی، قبول خدایان ملل و اقوام مغلوب در پرستش و مذهب، اوهام و خرافات، سرنوشت و تقدیر، سازش و اعتقاد به عناصر فوق طبیعی، سحر و جادو، قربانی و هدایا، خدایان اصلی، عالی جناب خدای توفان و بیخ بانوی همسر، تأثیر عنصر هند و اروپایی، نفوذ خدایان آریایی، تفسیری از دو خدای اصلی.

۳. دیانت و پرستش هیتیان ۹۱-۸۶

بیچیدگی دیانت این مردم، اسناد مکشوفه در نغازکوی، اصالت و جنبه‌های وسیع دیانت،

شهرهای فتح شده و اعتقاد به خدایان آن شهرها، علل موهوم این روش، دو خدای بزرگ، خدای شهرها توشا و همسر او الاله خورشید، نفوذ و کار این خدایان، ریشه کهن گاوپرستی، روش عبادت و عبادت گاه‌ها، خدایان پرستی در شهرهای دیگر، خورشید آسمان یغ بانوی بزرگ، روش عبادت و قربانی و هدایا، کاهنان و روحانیان، کار و روش آن‌ها، سحر و جادو، تفال و غیب‌گویی، سرنوشت‌گرایی، اساطیر و افسانه‌ها.

۴. جریان‌هایی دیگر تا آغاز ورود ایرانیان ۱۰۰-۹۲

حرکت و تمدن گروهی دیگر از هند و اروپاییان، تأثیر مداوم عنصر هند و اروپایی، استقرار شعبه شرقی در هند، درباره کاسی‌ها، محل و مکان و نژادشان، مناطق فرمانروایی، آمیزش با هند و اروپاییان، تسلط طولانی در بابل، دیانت و خدایان، برافکنندگی و سقوط، ایلامی‌ها، دوران طلایی، شاهان بزرگ، بازگشت فرهنگ و تمدن ملی، فتح بابل، عظمت شاهنشاهی، دوران سقوط به وسیله بابلی‌ها.

بخش سوم:

ورود ایرانیان به فلات

۱. ورود ایرانیان ۱۰۵-۱۰۱

اصل و منشأ، مسکن نخستین، نژاد هند و اروپایی، علل مهاجرت، فرهنگ اولیه، ایرانیان و هندوان، آغاز نفوذ ایرانیان، دو عامل مهم در این دوران، هجوم هند و اروپاییان، استعمال فراوان آهن، چگونگی نفوذ ایرانیان، به سوی قلب فلات، موجبات توقف، غلبه بر بومیان، وضع تهاجم و زندگی، کار اولیه در فلات، موجبات پیروزی بر بومیان.

۲. آریاها و روش اقتصاد گاوداری ۱۰۹-۱۰۵

تأثیر تمدن و فرهنگ آسیای جنوب غربی، وضع استپ‌های میان آسیا و اروپا، آماده نبودن استپ‌ها برای کشاورزی، مراتعی بسیار و گرایش به گاوداری و تأثیر آن در زندگانی، طبقات اجتماعی، اشراف و تنزل موقعیت، آثار باقی‌مانده از آریاها، مقابر، روش گاوداری، حماسه‌ها و سرودها، ارزش حماسه‌ها، راه تحقیق عمومی در زندگی آریاها.

۳. نظام گروهی آریایی ۱۱۴-۱۰۹

درباره کشاورزی و گله‌داری، بازسپری کشاورزی به بردگان و مغلوبان، توجه به گله‌داری چارباغان اهلی، اسب، وضع خانه و خانه‌سازی، پوشاک و لباس، استعمال انواع فلزات، توجه

- به آهن، انواع جنگ‌افزارها، زرگری و صنعت فلزکاری، آریایی‌ها و زندگی بیابانگردی، پیروزی و شکست، مضامین حماسه‌ها، وضع اجتماعی و طبقاتی بردگان و اسیران.
۴. نظام خانوادگی و طبقات اجتماعی ۱۲۰-۱۱۴
- روش پدرشاهی، محدودیت این روش، اهمیت آزادی انفرادی، آزادی پسران در سن بلوغ، وضع و سازمان خانوادگی، خویشاوندان پدري و مادری، آزادی در پیوستگی فرزندان، سازمان قبیله‌ها، یک خانواده بزرگ و سازمان آن، وضع مالکیت و زمین، انتخاب رئیس، امتیازات رئیس کل، ریاست نهایی، محل زندگی هر خانواده، وضع این خانه‌ها، خانه‌سازی میان ملل مغلوب، شور و هیجان در خانواده، تفریحات و سرگرمی‌ها، طبقات اجتماعی، سازش طبقاتی، ازدواج و مسایل جنسی، مقام زنان، حدود کار زنان، تساهل در مسایل جنسی.
۵. آریایی‌های هند ۱۲۵-۱۲۰
- هجوم آریاها به هند، اقوام بومی در شبه‌قاره، فرهنگ و تمدن‌شان، چگونگی تسلط آریاها، کلمه آریا و ریشه آن، روش زندگی و سلوک، کارهایی در هند، پس از تسلط، روش ازدواج، وضع طبقاتی، از جنگ و غارت ناکشاورزی، مساوات طبقات و افراد، مالکیت و زمین، تجارت و بازرگانی، وضع حمل و نقل، اخلاق جنسی، و موقعیت زن.
۶. دیانت هندوایرانی ۱۳۱-۱۲۵
- دیانت ناگ‌ها ساکنان بومی هند، خدایان آن‌ها، پیدایش خدایان جدید، کثرت ارواح و خدایان، لزوم طبقه جادوان و ساحران، خدایان ودایی و ایزدان اوستایی، خدایان عمده ودایی، مطابقت با آیین ایرانیان، هوم و سوما، خدای سوما، اصلاحات زرتشت، آگنی خدای بزرگ آتش، ایندرا و خدایان بزرگ دیگر، خدایای بعدی، سیر تحول و تکامل مذهب در وداها، اخلاق خدایان، وارونا خدای بزرگ ابده‌آلی، روح و جهانی دیگر، قربانی و ندور.
۷. دیانت و پرستش ابتدایی ۱۳۵-۱۳۱
- فقدان مدارک و علل پراکندگی موضوع، روش طبیعت پرستی، عدم روش‌ها و تشریفات ویژه مذهبی، رییس خانواده در هیأت و کار روحانی و کاهن، پیچیده شدن آداب و تشریفات متخصصان مذهبی در هیأت خدمتکاران خانوادگی، روش پرستش ابتدایی، ایزدان نورانی، خدای آسمان، نورانیان دیگر و ازدواج‌شان، عدم ویژگی خدایان، قابلیت انطباق خدایان در جوامع دیگر، تقدیر و سرنوشت، اشرافیت و آریستوکراسی.
۸. آیین قدیم آریایی از دیدگاه اوستا ۱۴۷-۱۳۵

مسأله جدایی هند و ایرانی‌ها، مبدأ مشترک آیین برهمنی و مزدیسنا، دیانت پیش از زرتشت در اوستا، چگونگی دیانت ایرانی‌ها هنگام ورود به فلات، طبیعت پرستی و زندگی چادرنشینی، خدایان نیک طبیعت، عناصر شر و بدی، عدم عبادت عناصر بدوی و نبرد با آن‌ها، خصیصه دیانت ایرانی، رثوس و اساس مذهب مزدیسنا، خدای بزرگ و ایزدان، مسأله خدایان، هوم خدای شراب، مهر یا میترا، عالم نور و جهان تاریکی، اساس کلی روش مذهبی، مذهب و دیانتی که زرتشت اصلاح کرد.

۹. خدایای بزرگ: خدای آسمان ۱۴۷-۱۴۹

کهن‌ترین خدای آریایی، خدای آسمان پاک و بزرگ، باستانی‌ترین شکل نام آسمان، در ریگ‌ودا، تحوّل این نام و وجوهی دیگر، اقتباس یونانیان، اساطیری درباره خدای آسمان، آریاها و خدایان گوناگون، بزرگ‌ترین خدا، خدای آفریننده، صفات معنوی، پاداش و کیفر، بزرگ‌ترین گناهان، صور طبیعی و معنوی جنبه‌های سلطنتی، خالق بزرگ.

۱۰. میترا/ مهر ۱۴۹-۱۵۲

خدای کهن آریایی‌ها، مهر پیش از زرتشت، مهر در اوستا، قدیم‌ترین یادکرد از مهر، معنای نام میترا یا مهر، مهر در سانسکریت، مهرایزد روشنایی، میترا در ودا، پیوستگی میترا و وارونه، علت و تفسیر این اتحاد، ارباب انواع دیگر گرد مهر و وارونه مظاهر مهر، مهر مظهر و نماد دوستی و پیمان.

۱۱. ابرهای باران‌زا ۱۵۲-۱۵۴

اساس ثنویت آریایی، ثنویت و دوگانگی در طبیعت و همه‌جا، عناصر خیر و عناصر شر، مظاهر نیروهای خیر، اثرات اهریمنان، مبارزه میان عناصر خیر و شر، تمثیل و تفسیر ضدین، صحنه نبرد، تشبیهات شاعرانه، آسمان مرتع و ابرهای گله، دیوان پلید ربایندگان گاوان.

۱۲. اسطوره تَشْتَر و آبه‌اوشه ۱۵۴-۱۵۹

افسانه‌های باران، نشان‌هایی در اساطیر و افسانه‌های ملل دیگر، در بابل، در اساطیر هندو ایرانی افسانه‌هایی گرد ایندرا، نبرد سخت او در آسمان و جریان بارش باران، مبارزه‌ی دیگر در اساطیر هندی، چگونگی این مبارزه و پیروزی خدای باران. وجه عالی‌ترین افسانه‌ها در اساطیر ایرانی، تیشتره خدای باران و مبارزه با ابه‌اوشه دیو خشکی، جریان مبارزه، شکست و پیروزی تیشتر.

۱۳. ترجمه تَشْتَر یست ۱۵۹-۱۶۳

۱۴. هَنومه، گیاه مقدس ۱۶۳-۱۶۹
- داستان دل‌نشین هوم گیاه مقدس، روش مطلوب آریاها در پرستش، اهمیت زندگی و کار، عدم توجه به زندگی پسین، اخلاق و کردار مذهبی، روابط صمیمی خدایان و انسان‌ها، اخلاق خدایان، فلسفه فدیة و هدایا و قربانی، شیره گیاه هوم هدیه خدایان و قهرمانان، هوم پیش از زرتشت، داستان پیدایش هوم، هوم در هیأت یک خدای برجسته، مظاهر و صفات عالی هوم، اهمیت و ارزش آریاها و پرستش آنان، کرامات هوم، توجه به زندگی مادی، حاصل و نتیجه.
۱۵. ترجمه هوم یشت، یسنای نهم ۱۶۹-۱۷۴
۱۶. هوم یشت، یسنای دهم ۱۷۴-۱۷۷
۱۷. هوم یشت، یسنای یازدهم ۱۷۷-۱۷۹
۱۸. نکات اساسی آیین آریایی ۱۷۹-۱۸۴
- نکاتی اصلی درباره دیانت آریایی‌ها، درباره طبیعت پرستی، خدایان بزرگ هند و ایرانی، خدایان عمده آریایی‌های ایرانی، دیوان در اوستا گروه خدایان آریایی می‌باشند، میتراپرستی، مزداپرستی پیش از زرتشت، درباره وارونه خدای بزرگ آریایی، علت توجه به خدایی واحد، زن خدایان و مرد خدایان، خانواده اساس و الگوی طبقات خدایان، عناصر شر و نیروهای نیک، روش کلی پرستش، اخلاق کلی و اساسی آریایی.
۱۹. چگونگی آیین مهر پیش از زرتشت ۱۸۴-۱۹۰
- مجملی از معتقدات آریایی‌ها هنگام ورود به فلات، نفوذ معتقدات بومی در اعتقادات آریایی‌ها، عقیده کریستن‌سن درباره دیانت آریایی، دو شاخه مهم این دیانت، گروه خدایانی به سرپرستی ایندرا، گروه اسوراها یا اهورا، تقسیم کلی، پرستندگان میترا، پرستندگان مزدا، تعریف و توضیح نیبرگ، روش پرستش مهر، وظایف و کارهای مهر، طبقه مغان، کار این طبقه در طول پرستش‌ها، گسترش و نفوذ میتراپرستی، اصلاحات.
۲۰. تحوّل در گورسازی و هنر ۱۹۰-۱۹۵
- وضع گورسازی و تحوّل در آن، نشان جابه‌جا شدن اقوام، انتقال گور از خانه به گورستان، جا و محل گورستان عمومی، اشیایی که به همراه متوفّا به گور می‌نهادند، تنوع اشیاء و لوازم، نقطه مشترکی در مذاهب ابتدایی، زندگی بعدی روح، هنر فلزکاری، سلاح‌های جنگی، جواهرسازی و زرگری، کوزه‌گری و نقاشی، پیشرفت و تحوّل در نقاشی و رنگ‌ها، انواع

نقش‌ها، قدمت تصاویر آدمی، موضوع کلاسیک نقاشی ایرانی.

۲۱. **زندگانی طبقاتی اجتماع** ۱۹۵-۱۹۹

اجتماع و وضع طبقاتی، شهرسازی، پیشرفت در این فن، ابداعات دفاعی، درون شهر، کارگران بناساز، دو طبقه اصلی، طبقه سوم یا بومیان برده، دهکده ماقبل تاریخی سیلک و اقوام مهاجم، تمدن و فرهنگ، طبقه خواص، مالیات و تأمین درآمد، روستائیان و دهقانان، بیگاری مردم برای حاکم، غنایم جنگی و کمبود بودجه تقسیم کلی طبقاتی، طلیعه اختلافات طبقاتی.

۲۲. **بازرگانی و اقتصاد** ۱۹۹-۲۰۴

آغاز قدرت، انحطاط ملل بزرگ سامی، تفوق آریاها، کشورهای کوچک توسعه می‌یابند، وضع روستائیان در ایران نسبت به مراکز قدرت، سیستم خرده مالکی، روش اقتصاد آینده، استخراج فلزات، غنای ایران، کشوری صادرکننده، جنگ اقتصادی در داخل و خارج، توجه بازرگانی به موازات اقتصاد فلاحتی، روش بازرگانی، اهمیت اقتصاد فلاحتی، رواج استفاده از آهن، پیشرفت سریع اقتصاد، ایران در کنار قدرت‌های بزرگ اقتصادی.

بخش چهارم:

طلوع و افول مادها

۱. **مادها و پارس‌ها** ۲۰۵-۲۰۷

نخستین یادکرد از مادها و پارس‌ها، شلمانسر سوم و پارس‌ها، برخورد او با مادها، شمش اداد پنجم و پارس‌ها، برخورد پارسیان و مادیان با تیگلات پیلسر سوم، چگونگی زندگی مادها و پارس‌ها، ملوک الطوایفی، رونق کار مادها، تمدن گائایی، طبقات اجتماعی و تقسیمات منطقه‌یی، هخامنش، دیاکو، پسران و نوادگان هخامنش.

۲. **شاهنشاهی مادی** ۲۰۷-۲۰۹

ورود قوم‌های جدید به فلات، کیمری‌ها و سکاها، تأسیس شاهنشاهی ماد، شاهان بزرگ، دیاکو مؤسس سلسله مادی، چگونگی تأسیس شاهنشاهی، خشریته پسر دیاکو، جنگ با آشور و کشته شدن او، هوخشر شاه بزرگ و نامی ماد، جنگ‌های او، اوج عظمت ماد، ترقی و قدرت یافتن پارس‌ها، آستیاگس پسر هوخشر، زمان انقراض ماد.

۳. **فرهنگ و تمدن** ۲۰۹-۲۱۴

عدم آگاهی درباره فرهنگ و تمدن مادی، سازمان‌های لشکری و اداری و نفوذ آشور، علت دیرکرد اتحاد و طلوع شاهنشاهی در ایران، علل این رویداد، ماد در برابر دو راهی اسارت و استقلال، راه استقلال، تسلط بر آشور، سرزمین‌های مادی، فرهنگ و تمدن، هنر و بقایای هنری، چهره و اندام، لباس و جنگ ابزارها، عدم کاوش در همدان، ناآگاهی درباره دوره مادی.

بخش پنجم:

شاهنشاهی هخامنشی

۱. ظهور کوروش ۲۱۵-۲۱۹

آزدهاک و اسپین شاه ماد، بی‌لیافتی و عدم کفایت او، استبداد و خشونت‌اش، عشرت‌طلبی و عیش و نوش، چگونه ملتی جنگ‌جو بر اثر غفلت می‌میرد، وضع ماد و انحطاط مادیان، غلبه کوروش، کوروش شاهنشاهی بی‌نظیر، صفات و بزرگی او، فتح کشورهای بزرگ، بازگشودن شهرهای یونانی، تسلط بر بابل، شورش در سرحدات شرقی، کشته شدن کوروش.

۲. کمبوجیه ۲۱۹-۲۲۰

کمبوجیه پسر کوروش، پادشاه بابل، سفر کوروش برای جنگ با اقوام بدوی، رسم پارسیان و جانسپین کردن، مرگ کوروش، کمبوجیه شاه می‌شود، سفر جنگی به مصر، فتح مصر و علل سقوط آن، عدم اجرای نقشه‌های کمبوجیه، کشتن بردیا برادرش راه اغتشاش در ایران و شاه شدن گئومات مغ، بازگشت کمبوجیه و مرگ او.

۳. داریوش ۲۲۰-۲۲۳

عصیان و غائله گئومات مغ، عل این عصیان، شورش مذهبی، رهبران شورش، نقش روحانیان و مجوسان، پیشرفت محدود، آغاز اقدام داریوش، هفت نجیب‌زاده پارسی، اعدام گئومات، تشنج و اغتشاش در شاهنشاهی، دو سال جنگ و شورش در قلمرو بزرگ، توفیق نهایی داریوش، عظمت و اوج قدرت شاهنشاهی در زمان داریوش، آغاز انحطاط.

۴. خشایارشا ۲۲۳-۲۲۷

آغاز سلطنت پس از شاهی در بابل، شدت عمل در مصر و بابل، طبع و خوی شاه، علل جنگ با یونان، مقدمات سفر جنگی، به سوی یونان، اولین برخورد و پیروزی، انهدام و حریق کشتی‌های ایرانیان، علل بازگشت شاه، اقدامات ماردینوس، جنگ مجدد، پیروزی و

- به آتش کشیدن آتن، حمله یونان و کشته شدن ماردینوس، حریق مجدد جهازات ایرانی، شکست نهایی ایرانیان، اوضاع پایتخت، وضع شاه، کشته شدن او.
۵. اردشیر اول، داریوش دوم ۲۲۷-۲۲۸
- اردشیر اول، ضعف و سستی او، سیاست طلا با سپاه و سربازمقابله می‌کند، تحریکاتی برای اختلاف میان آتن و اسپارت، شورش‌ها، آرامشی قبل از توفان، داریوش دوم شاه می‌شود، تعقیب سیاست پدر، سیل طلای ایران به جانب آتن و اسپارت، شورش در سارد، وضع منحط داخل و خارج، فساد و توطئه در اندرون، مرگ داریوش دوم.
۶. اردشیر دوم، اردشیر سوم ۲۲۸-۲۳۷
- آغاز سلطنت و مدعی قوی، برادر بر ضد برادر، سوء قصد، بخشش و روانه کردن کوروش به ماوریت، اقدام و شورش مجدد کوروش، جنگ در بابل، کشته شدن و سرانجام کوروش، سیاست اردشیر دوم، روابط با آتن و اسپارت، شورش و تجزیه سریع شاهنشاهی، اردشیر سوم امیدی برای تجدید قدرت، خوی و اخلاق، کشتن خواهران و برادران، قدرت و شدت عمل، ویران کردن صیدون و مصر، طلوع دولت مقدونی، مرگ شاه.
۷. هنر هخامنشی ۲۳۷-۲۴۴
- گزارش داریوش، چگونگی ساختن کاخ شوش، در تخت جمشید، سازندگان و مهندسان مختلف، کتیبه داریوش، عظمت هنر معماری، خصایص هنر در زمان هخامنشی، عدم توجه به واقع‌گرایی، هنر در خدمت قدرت، جنبه واقع‌گرایی و نقش دوجانبه آن، تفسیری از دو جنبه نقش خراج‌گزاران، زمان داریوش، هنر در زمان خشایارشا، خصایص هنری این عصر، عهد اردشیر اول، دوران‌های بعدی، سرانجام هنر هخامنشی.
۸. زندگانی اجتماعی و اقتصادی ۲۴۴-۲۴۹
- توسعه تجارت و بازرگانی، مقایسه‌ی میان بازرگانی مشرق قدیم و عهد هخامنشی، علل تکامل و پیشرفت، سیاست مقتدر مرکزی و توسعه قلمرو، نقش رواج سکه در بهبود تجارت و اقتصاد جهان پیرامون، اقتصاد برجسته در بابل، اکتشافات و پیدایی راه‌های زمینی دریایی، کالاهای مورد نیاز زندگی روزمره به جای اجناس زمینی و تجملتی، بانک‌ها، کارگران و پرداخت دستمزد، اقداماتی در بالا بردن سطح کشاورزی، وضع آب و احداث کاریزها، شهرسازی، فلزات و کانی‌ها، وضع زمین و دهقانان.
۹. دین در زمان هخامنشی ۲۴۹-۲۵۲

پژوهشی بی‌انجام، دربارهٔ دین هخامنشیان، آیا زرتشت در زمان هخامنشیان می‌زیسته، اقوال مورخان یونانی، سستی این اقوال، قرن هشتم پیش از میلاد تاریخ ظهور پیامبر، هخامنشیان زرتشتی بودند، انحطاط تدریجی دین زرتشتی، نقش مغان، مجوسیان برافکنندهٔ قدرت مادی و معنوی ایرانیان، منظور از این بحث.

۱۰. وضع عمومی دیانت ۲۵۵-۲۵۲

شکل زرتشتی در شاهنشاهی هخامنشی، آغازی از برای انحطاط، داریوش و اهورامزدا، چگونه توحید به شرک مبتدل می‌شود، زرتشت و یکتاپرستی او، صفات خدای یکتا، روش و برخورد سخت با دیوان آریایی، داریوش و مردم زمان، اهورامزدا خدای بزرگی است، سایر خدایان، میترا و آناهیتا، خدای مورد پرستش پارس‌ها، از آیین بومیان فلات تا مردم عصر هخامنشی، توجهی به اقوال پدر تاریخ.

۱۱. رسوم و آیین پارس‌ها ۲۵۸-۲۵۵

توجهی به شرح هرودوت، آیین و دیانت پارس‌ها مطابق با گفته‌های هرودوت، شیوهٔ سادهٔ پرستش، عدم برپا کردن معابد و بت‌ها و قربان‌گاه، نظر پارس‌ها نسبت به کسانی که به این روش‌ها آیین دارند، خدای بزرگ، خدایان بزرگ پارس‌ها، آیین میتراپی و خاستگاه آن، مراسم مذهبی قربانی، سادگی این مراسم، نقش مغان، ترنم سرود، عدم تشریفات در مراسم قربانی، دربارهٔ مردگان، رسم مغان و افکندن اجساد نزد درندگان، رسم پارس‌ها و تدفین، روش مغان دربارهٔ کشتن حیوانات.

۱۲. آداب و رسوم پارسی ۲۶۲-۲۵۸

رسوم و آدابی دربارهٔ جشن تولد، ذبح چه حیواناتی رواج داشت، چگونگی خوراک و غذا، رسم‌هایی دربارهٔ مشاوره و اخذ رأی در حال مستی و هشیاری، نسبت احترام و علائق خانوادگی، نسبت علائق و فاصلهٔ مکانی دربارهٔ همسایگان، اخذ رسوم و تمدن خارجی، شواهدی در این باره، روش تربیت کودکان، ازدیاد نسل، کیفی و چگونگی تصمیم دربارهٔ گناهکاران، دقت در این امر.

۱۳. علل تجدید حیات مهرپرستی ۲۶۶-۲۶۲

روش مذهبی هخامنشیان، مقام اهورامزدا، چگونگی عبادت، قدیم‌ترین معابد هخامنشی، شکل آتش‌گاه‌ها، عبادت در فضای باز، موقعیت و جای قربان‌گاه‌ها، زمان هخامنشی و آغاز انحراف از دین زرتشت، اهورامزدا و بغان دیگر، زرتشت و مهر، تجدید حیات میتراپرستی،

علل این تجدید حیات، ایزدمهر و صفات و کردارش، رواج کامل مهرپرستی، مقام بزرگ مهر در ادبیات اوستایی، آناهیتا یک بغ بانوی ارجمند.

۱۴. **بغ بانو آناهیتا** ۲۶۶-۲۷۱

روایات مورخان قدیم درباره انتشار پرستش آناهیتا، اردشیر دوم پرستشگر این ایزدبانو یا ایزد اوستایی، کتیبه‌های او و ستایش ناهید، از زمره ایزدان آریایی، در ریگ‌ودا، تجدید حیات ناهیدگرایی در زمان هخامنشی، چگونگی این ایزدبانو، معنای لفظی، تقدس عناصر چهارگانه نزد ایرانیان، ایزدآب در اوستا، گفته استرابو و قربانی برای آب، قدیم‌ترین معابد ناهید، معبد همدان و داستان آسپاسیا، معبد شوش، معابد دیگر، انتشار و موقعیت ناهیدپرستی.

۱۵. **آناهیتا از روی یشت پنجم** ۲۷۱-۲۷۶

آگاهی ما درباره آناهیتا، تحلیلی از یشت پنجم، اهورامزدا و تقرب بسیار آناهیتا، وصف زورمندی و وسعت قلمرو او، آناهیتا ایزدبانوی مزدا آفریده، توصیف پیکر مادی‌اش، نیایش‌ها و فدی‌ها، قربانی‌های بسیار برای ایزدبانو، یاری خواستن جمشید و فریدون، حمایت‌گر آریاها و دشمن دیویسان، درباره قربانی، داستان پا اوزو و یاری ایزدبانو، داستان ویسته اووو و شباهت با روایت مذهبی یهودیان، داستان یواشته یا او دیوس ایرانی، تحلیل و تفسیری از ناهیدگرایی.

۱۶. **ترجمه آبان یشت** ۲۷۶-۲۸۲

۱۷. **رواج و انحطاط ناهیدگرایی** ۲۸۲-۲۸۸

نفوذ آناهیتا در خارج از ایران، چگونگی و شکل این نفوذ، در ارمنستان، اعمال گره‌گوری مبلغ مسیحی در ارمنستان، نفوذ عجیب و بسیار آناهیتا در ارمنستان، تیردادشاه این کشور و گراینده ایزدبانو، آغاز مسیحی شدن ارمنستان و تبدیل معابد ناهید به کلیسا، تغییر و دیگرگونی آیین ناهید، زنای مقدس در بابل، هرج و مرج فحشای مذهبی در پاره‌یی نقاط، نفوذ این امر در آیین ناهید، معبد ناهید در شهر آکی‌لی‌زن، پایان و نتیجه.

۱۸. **آغاز آیین هخامنشی** ۲۸۸-۲۹۱

وجود مبانی اصیل زرتشتی در آغاز دوره هخامنشی، ثنویت، انگره‌مینو - یا "دروگ" - علاقه به کشاورزی و زراعت، داریوش و توسعه اقتصادی از راه کشت، تفاوت اوستای قدیم و جدید، اختلاف مزدیسنا شرق و غرب، مبانی شرقی و غربی، تأثیر مذهبی شرق در غرب، مغ‌ها روحانیان مزدیسنا می‌شوند، انتقال قدرت از ماد به پارس.

- ۱۹- کوروش و برخورد با مذهب ۲۹۵-۲۹۱
 هخامنشیان و سیاست مذهبی، کوروش و خوی انسانی و آزاده‌اش، کوروش در بابل، سیاست وی در شهرهای مفتوحه، پرستش خدایان ملل و اقوام گوناگون، ساختن معابد ویران بابلی‌ها، احترام به آداب و رسوم، مفاهیم کتیبه‌های وی، برخورد با یهودیان، کوروش یا موعود قوم یهود، برگرداندن یهودیان با کمک‌های بسیار به ارض موعود، انگیزه بشردوستی، کوروش چنان‌که از کتیبه‌ها برمی‌آید، مقام انسانی او.
۲۰. انحطاط مذهبی ۲۹۵-۳۰۲
 کمبوجیه و روش سیاست مذهبی او، اشتباهاتی ناروا درباره‌ی این شاه، روش مدارای کوروش منشانه او، داریوش و سیاستی روشن، شورش یهودیان و مدارای مجدد، اتمام ساختمان معبد، در مصر، داریوش پیرو صدیق زرتشت، نبرد درونی و بیرونی، عقاید پاک درونی، سیاست مذهبی برونی، معبدسازی در مصر، توجه به اصول مذهبی مصریان، نمونه‌هایی از سیاست مذهبی او، خشایارشا و آغاز انحطاط، نفوذ مغان و برجیده شدن سیاست پیشین.

بخش ششم:

- جایگاه یشت‌ها در دین قدیم ایرانی ۳۰۳
 پیش از عصر اوستایی
۱. یشت‌هایی درباره‌ی خدایان بزرگ عصر آریایی و مقدم بر عصر زرتشت، شرعیات و فرایض دینی مربوط به دوران پیش از زرتشت، فهرستی کوتاه درباره‌ی آثار دینی پیش از زرتشت در اوستای نوین، ترجمه‌ی یشت‌های قدیم عصر آریایی.
۲. خرداد یشت ۳۰۴-۳۰۵
 ۳. آزدیبهشت یشت ۳۰۵-۳۰۸
 ۴. فروردین یشت ۳۰۸-۳۱۴
 عصر زرتشت ارواح نیاکان، قدرت فرّوشی‌ها، ارواح پهلوانان و شاهان و پارسایان یاور اهورامزدا در امر آفرینش و نگاهبانی آن، ترجمه‌ی فرّوشی یشت.
۵. بهرام یشت / ورفرّونه ۳۱۴-۳۲۰
 بهرام ایزد جنگ و پیروزی بهرام یکی از خدایان بزرگ عصر ودایی، بهرام در ریگ‌ودا و

- اوستا، چگونه خدایان بزرگ عصر هندو ایرانی به صورت ایزدان اوستایی درمی آیند، ترجمه بهرام یشت.
۶. آرت یشت / ایزدبانو آشی و نکوهی ۳۲۰-۳۲۴
توصیف ایزدبانو آشی، آرت دختر اهورامزدا، آرت یشت و ساختار خانواده اهورامزدا، وصف زندگی در خانواده و شوکت و تجمل، چگونگی اوضاع اقتصادی، ترجمه آرت یشت.
۷. زامیاد یشت / یشت فرکیانی ۳۲۴-۳۳۲
فرکیانی و فرز ایرانی، خورنه یا نیرو و قدرت الاهی، چگونگی برخورداری از خورنه یا بارقه ممتاز یزدانی، حماسه ها و اسطوره های دارندگان فر، کیان یشت از کهن ترین سرودهای عصر آریایی پیش از زرتشت.
۸. سرودی برای مهر در اوستا، ترجمه مهر یشت، ۳۳۲-۳۴۸
شناخت میترای اوستایی
۹. جای وندیداد در اوستای ساسانی ۳۴۸
وندیداد کتاب شریعت و احکام عملیه و عبادی مغان، بخش هایی که مربوط به ساکنان بومی ایران است، وندیداد کتاب مردگان و دیوان و پریان، مختصر بیست و دو فرگرد وندیداد.
- فرگرد اول ۳۴۹
- فرگرد دوم ۳۵۰
- فرگرد سوم ۳۵۱
- فرگرد چهارم ۳۵۱
- فرگرد پنجم ۳۵۲
- فرگرد ششم ۳۵۳
- فرگرد هفتم ۳۵۴
- فرگرد هشتم ۳۵۷
- فرگرد نهم ۳۵۹
- فرگرد دهم و یازدهم ۳۶۴
- فرگرد دوازدهم ۳۶۷
- فرگرد سیزدهم ۳۷۰
- فرگرد چهاردهم ۳۷۴

فهرست مطالب □ ۴۲۹

۳۷۴	فرگرد پانزدهم
۳۷۵	فرگرد شانزدهم
۳۷۷	فرگرد هفدهم
۳۷۸	فرگرد هجدهم
۳۸۴	فرگرد نوزدهم
۳۸۸	فرگرد بیستم
۳۹۰	فرگرد بیست و یکم
۳۹۱	فرگرد بیست و دوم
۳۹۹-۴۱۳	کتاب نامه
۴۱۵-۴۲۹		فهرست مطالب
۴۳۱-۴۹۱		فهرست راهنما

فهرست راهنما

ت

- مردآشه، ۳۶۱، ۳۶۲
 آب و باران، ۳۹۱
 آب و گیاه، ۱۷۰
 آب و یا خاک مقدس، ۷۸
 آب‌ها، ۱۳۸، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۱، ۳۰۹، ۳۵۳
 آب‌های آسمانی، ۱۵۳
 آب‌های مقدس، ۱۵۴
 آب یاری، ۷۰، ۷۱
 آبادانا، ۲۳۸، ۲۶۷
 آپیس - اوزیریس، ۲۹۶
 آتر، ۲۵۵، ۲۵۶
 آئربان، ۱۷۸، ۲۸۱
 آتش، ۲۰، ۵۶، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۵۲، ۱۶۹، ۱۸۰، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۸، ۳۱۴، ۳۱۹، ۳۵۹، ۳۶۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳
 آتش ایزدی، ۱۵۵، ۱۵۶
 آتش زمینی، ۱۵۶
 آتش سرخ، ۵۹
 آتشکده، ۱۶۹، ۳۵۷، ۳۸۳، ۳۸۴
 آتشکده‌ها، ۲۶۹
 آتش‌گاه، ۱۴۲، ۳۵۷، ۳۵۹
- آب، ۵۶، ۶۵، ۱۲۶، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۸۰، ۲۵۶، ۲۵۵، ۲۶۸، ۲۶۱، ۲۶۹، ۳۵۵، ۳۵۷
 آبان یشت، ۱۶۴، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲
 آبتین، ۱۶۸
 آب در آداب و رسوم، ۱۶
 آب دریای کتسه‌آیه، ۳۳۱
 آب زنگ‌های دور کرانه، ۳۱۷
 آب روان، ۵۶
 آب زور، ۱۴۶، ۳۲۳، ۳۳۷
 آبزور، ۳۴۴، ۳۶۹
 آبزور مقدس، ۳۳۷
 آبستن، ۱۴۶
 آب مزدا آفریده، ۳۱۳
 آب مقدس، ۳۴۴، ۳۶۹، ۳۸۲
 آب‌نوس، ۱۲۳
 آب‌نوس، ۲۴۰
 آب و آتش، ۳۵۲
 آب و آتش، خاک و گاو "چارپایان، دام"، گیاه،

۴۳۲ □ دین و فرهنگ ایرانی

آدریو، ۱۲۸	آتشگاه عبادت، ۲۶۳
آدی‌تیا، ۱۵۱	آتش‌گاه‌ها، ۲۶۲، ۲۶۳
آذر، ۱۵۲، ۳۲۹	آتش مقدس، ۲۶۳، ۳۵۷
آذر - آتر: ۱۲۸	آتش و آب، ۱۴۰
آذر آهورامزدا، ۳۲۸، ۳۲۹	آتش و آب و برسم، ۳۷۶
آذربان، ۱۲۸	آتش وازیشته، ۳۸۶
آذربایجان، ۱۴، ۱۹	آتش‌های سرخ سوزان، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۶
آذربایجان ایران، ۱۴	آتن، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۶، ۲۳۷
آذر پسر آهورامزدا، ۱۴۸	آتوسا، ۲۱۹
آذرخش، ۱۵۵، ۱۵۶	آتیس، ۴۴
آذرفرنبغ، ۳۴۸	آتی‌کا، ۲۲۴، ۲۲۵
آراخوزیا، ۲۱۸	آثاراودا، ۱۶۶
آزارات، ۱۰۳	آثرون، ۱۲۸
آرامگاه درگستره فرهنگ ایرانی، ۲۲	آثرون‌ها، ۳۷۹، ۳۸۰
آرایش موها، ۷۵	آثیایی، ۳۷
آرتمیس، ۲۶۶، ۲۸۷	آجر، ۲۳، ۲۵، ۴۰
آرد کردن غلات، ۲۷	آجر خام، ۱۹۵، ۲۳۸
آرش، ۱۵۹	آجر سازی، ۲۷، ۴۱
آرشام، ۲۳۹	آجرها، ۲۶
آرمنی‌تی، ۲۵۳	آجرهای قصر، ۲۴۰
آرواره، ۳۸۳	آجرهای مستطیل شکل، ۲۵
آریا، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۲۱، ۳۲۵	آداب تطهیر، ۳۶۳
آریارامن، ۲۰۷	آداب صحیح قربانی، ۳۷۹
آریا و ریشه آن، ۱۲۰	آداب قربانی، ۱۳۰
آریاها، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۳۸	آداب مهرپرستی، ۳۴۵
آریاهای ایرانی، ۱۳۵	آداب و آیین پارس‌ها، ۲۵۴
آریاهای باستان، ۱۵۲	آذربان، ۱۲۸
آریاهای هندی، ۱۳۵	آذروان، ۱۲۷
آریایی، ۴۹، ۷۴، ۷۷، ۸۲، ۱۰۲، ۱۱۳، ۱۱۵	آذری، ۱۲۸
۱۲۱، ۱۲۶، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۹، ۱۶۲، ۱۶۳	آذربان، ۲۶۳

- آسمان پاک، ۱۳۸، ۱۴۸
 آسمان پدر، ۱۳۸
 آسمان دیدنی، ۱۴۷
 آسمان نورانی، ۱۵۱
 آسمان و آب و زمین و ستوران، ۳۱۰
 آسمان و خورشید، ۱۵۱
 آسمان و زمین، ۱۴۰
 آسیا، ۱۲، ۳۴، ۴۷، ۵۴، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۳۵، ۱۸۹،
 ۲۳۶، ۲۴۷، ۲۸۷
 آسیانی، ۸۲، ۸۳، ۸۹، ۱۰۱، ۱۰۳
 آسیانی‌ها، ۱۰۲، ۲۱۰
 آسیای جنوب غربی، ۱۰۵، ۱۱۰
 آسیای صغیر، ۸۲، ۱۴۱، ۲۱۷، ۲۲۸، ۲۸۵
 آسیای غربی، ۱۲، ۳۷، ۴۴، ۱۰۲
 آسیای کوچک، ۱۲، ۱۶، ۴۴، ۸۲، ۱۳۶، ۱۸۹،
 ۲۴۷، ۲۶۴، ۲۸۷
 آسیای کوچک و روسیه، ۲۸۹
 آسیای مرکزی، ۱۲، ۶۹، ۷۲، ۷۴، ۱۰۱، ۲۰۲،
 ۲۱۸، ۲۰۷
 آسیای میانه، ۱۴، ۱۵
 آسیایی، ۳۷، ۱۰۵
 آشموغ، ۳۸۰
 آشور، ۸۳، ۹۶، ۹۷، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۰۸،
 ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۷
 آشوریانی‌پال، ۳۹، ۴۰، ۴۸
 آشوری، ۳۹، ۴۸، ۱۹۷، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۱،
 ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۸۶
 آشوریان، ۳۹، ۴۳، ۴۸، ۹۴، ۹۶، ۱۰۳، ۲۰۰،
 ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۵، ۲۳۸، ۲۴۱
 آشوری - بابلی، ۴۵
- ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۷،
 ۲۵۵، ۲۶۷، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۹۰، ۳۳۷، ۳۳۸،
 ۳۶۷، ۳۷۰
 آریاییان، ۲۱، ۴۹، ۱۰۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۳۳،
 ۱۳۴، ۱۶۳
 آریایی‌ها، ۸۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰،
 ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲،
 ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵،
 ۱۳۶، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۳، ۱۸۱،
 ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۲،
 ۱۹۹، ۲۵۶، ۲۸۷، ۳۷۱
 آریایی‌ها و خدایان گوناگون، ۱۴۷
 آریایی‌های اولیه، ۱۳۲
 آریایی‌های ایرانی، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۳۲،
 ۱۸۰
 آریایی‌های ایرانی و هندی، ۱۲۱
 آریایی‌های باستان، ۱۶۴، ۲۶۸، ۳۶۵
 آریایی‌های هندی، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۷،
 ۱۸۰
 آریین، ۱۰۱، ۱۲۱
 آری‌نا، ۸۷
 آریین‌ها، ۱۲۰، ۱۲۱
 آزادی‌های جنسی، ۱۱۸
 آزادی یهودیان، ۲۹۲
 آسیاسیا، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۸۷
 استیاگس، ۲۰۹، ۲۱۵
 آسمان، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۶۹،
 ۱۸۰، ۲۳۹، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۴، ۳۰۹، ۳۸۱
 آسمان، آب، زمین و گیاه و ستوران، ۳۱۱
 آسمان بزرگ، ۳۶۴

۴۴۴ □ دین و فرهنگ ایرانی

آلی تات، ۲۵۶	آشوری‌ها، ۲۱۰، ۲۳۹، ۲۵۶
آمریکا، ۱۱۷	آشومِذها، ۱۳۰
آمودریا، ۲۱۸، ۹۳	آغاز انحطاط هخامنشیان، ۳۰۰
آمون، ۲۹۹	آفتاب، ۱۵۳، ۱۸۱، ۳۸۶
آناتی تیس، ۲۸۳، ۲۶۷، ۱۴۱	آفرو دیت، ۲۸۶
آناتولی، ۸۸، ۸۷	آفرو دیت اورانیا، ۲۵۶
آنتونیوس، ۲۷۰	آفرو دیت، ۱۵۰، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۸۵
آندروف‌اگ‌ها، ۷۳	آفریده‌های دومینو، ۳۱۳
آندر‌ه‌ژید، ۱۲۴	آفریده اهریمن، ۳۶۷
آن کسی که گائاهانمی خواند، ۱۶۲	آفریده اهورامزدا، ۳۶۵، ۳۷۸
آنی میسم، ۱۲۵، ۱۳۴	آفریده دیو، ۳۷۸
آهن، ۱۷، ۲۴، ۴۸، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۹۱، ۱۹۲	آفریقا، ۲۸۶
آهنگری، ۱۹۲	آفریقای جنوبی، ۱۰۷
آهی تی، ۳۹۰	آفریقای، ۲۲
آیا آب و آتش موجب مرگ می‌شوند، ۳۵۲	آفرینش اهریمنی، ۳۴۹
آیین آریاها، ۱۲۷	آفرینش اهورامزدا، ۳۷۲
آیین آریاهای اَزلیه، ۵۴	آفرینش ایزدی و اهورایی، ۳۴۹
آیین آریایی، ۲۷۳	آفرینش دیو آفریده، ۳۸۵
آیین آریایی قدیم، ۱۸۷	آفرینش نیک، ۳۸۸
آیین آریایی‌ها، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۷۹، ۲۵۵	آفرینش نیک اهورامزدا، ۳۴۹
آیین آریایی‌های هندی، ۱۶۶	آفریننده جهان جسمانی، ۳۶۴
آیین اورمَزْدِپرستی، ۲۵۱	آفریننده جهان مادی یا اُستومند، ۳۶۴
آیین اهورایی، ۲۷۶	آفرین نیک، ۳۹۲
آیین ایرانی، ۱۲۷، ۱۳۹	آکروبولیس، ۲۲۴
آیین ایرانی باستان، ۱۴۹	آکی‌لی‌زن، ۲۸۲، ۲۸۳
آیین بومیان ایرانی، ۷۴	آگانانگوس، مورخ ارمنی مسیحی، ۲۸۳
آیین برهمنی، ۱۳۵، ۱۳۷	آگاده، ۳۹
آیین برهمنی، ۱۵۱	آگنی، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۵۶، ۱۸۱
آیین بهی، ۲۹۶	آگنی خدای بزرگ آتش، ۱۲۵
	آگنی و ایندرا، ۱۲۸

- آیین های پارسی ها، ۲۵۵
 آیین پردمز و راز میتراپی، ۱۸۹
 آیین پیش از زرتشت، ۱۲۶
 آیین جهانی مهر، ۳۴۵
 آیین شَمَنی، ۷۴
 آیین طهارت، ۳۶۲
 آیین قدیم ایرانی، ۴۹
 آیین مجوسی، ۷۴
 آیین مزداپرستی، ۳۸۵
 آیین مَزَدَیَسَنَا، ۱۳۹، ۱۶۸
 آیین مَزَدَیَسَنی، ۱۲۷
 آیین مَزَدَیَسَنی زرتشتی، ۱۵۱
 آیین مسیحیت، ۱۵۱
 آیین مغان، ۳۸۰، ۳۷۵، ۷۶، ۳۸۲
 آیین مغان، پژوهشی دربارهٔ دین های ایرانی،
 ۱۸۷، ۲۵۱
 آیین مغان - زروانی، ۳۸۵
 آیین مهر، ۱۵۱
 آیین مهرپرستی، ۱۵۲
 آیین مهری، ۱۵۲
 آیین میتراپرستی، ۱۸۹
 آیین میتراپی، ۸۸، ۱۸۹
 آیین ناهید، ۲۸۷
 آیین ناهیدپرستی، ۲۸۲، ۲۸۴
 آیین نیک مزدایی، ۱۴۶، ۳۲۳
 آیین ودایی، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۴۲
 آیین ودایی و ایرانی، ۱۲۶
 آیین و رسوم پارسیان، ۲۵۶
 آیین، ۳۳، ۵۲
 آیین های خُورَنه، ۳۲۶
- آیین های زروانی / میتراپی، ۱۶۴
 آیین های زروانی، میتراپی، مَزَدَیَسَنایی، ۱۳۴
 آیین های قربانی، ۳۸۳
 آیین هخامنشیان، ۲۶۲
 آیینه سازی، ۳۴
 آیین هند و اروپایی، ۸۵، ۹۴
 آیین هندوان، ۱۲۹
 آیین هوم و شیر و بَرَسَم، ۲۷۸
- "الف"**
- آیَشَمَه، ۷۵، ۱۴۱، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۴۳، ۳۶۵
 ۳۸۷، ۳۶۶
 آنیرِیَمَن ایشیه، ۳۰۶
 آنیرِیَمَه، ۳۹۲
 آنیرِیَم. خُورَنُو، ۳۲۵
 آنیرِیَم و بیجو، ۳۴۹
 آنیرِیَمَه، ۳۲۵
 آنیرِیَمَه. و بیجه، ۸۳، ۱۲۱
 آنیرِیَمَه، ۳۲۵
 آنیرِیَمَه (کشتی)، ۳۸۰، ۳۸۱
 ابر، ۱۵۶، ۱۷۴
 ابر توفان زا، ۱۵۵
 ابر و مه، ۱۵۹
 ابرها، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۰
 ابرهای باران زا، ۱۵۳
 ابزار جانورکُش (خُرَفَشَتَر)، ۳۸۰
 ابزار کشاورزی و پیشه‌وری، ۱۹۶
 ابی رادو، ۲۴۰
 آپ تیه، ۱۵۶

ازابه‌سازی، ۲۴۷	اُپرت، ۲۰۷
ازابه‌های جنگی، ۱۴۳	اُپم‌نِیات، ۲۶۸، ۲۵۶، ۲۵۵، ۱۶۱، ۱۵۹
ازابه جنگی، ۱۱۰، ۹۵	اُپم‌نِیاتِ تندتاز، ۳۲۹
اُژت، ۳۴۲	اُپه‌اوشه، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۸، ۱۵۷
اُژت نیک، ۱۷۴	اُپه‌اوشه دیوخشکی، ۱۵۴
اُژته، ۳۵۹، ۳۲۰، ۳۰۳، ۱۲۹	ایبان، ۳۰۰
اُژت یشت، ۳۲۱، ۳۰۳، ۱۶۵، ۱۴۳	اتحادیه هیتیان، ۸۲
اژت، ۱۲۲، ۱۱۹	اُتروشکیان، ۵۴، ۳۷
اُزجاسپ، ۲۸۲	اُتنه، ۱۶۹
ارجاسپ تورانی، ۳۲۳، ۱۴۶	اتیوبی، ۲۹۵
اُزجاسپ دُرونند، ۳۳۱	اُتویه، ۱۷۰
اُزداویراف، ۳۶۸، ۱۸۳	اجتماع و وضع طبقاتی، ۱۹۵
اُزداویراف‌نامه، ۱۸۳	اجرای آداب و رسوم دقیق تطهیر، ۳۷۹
اردشیر، ۲۶۹، ۲۶۷، ۲۵۴، ۲۴۳، ۲۳۶	احکام بستن پَنام، ۳۷۹
اردشیر اَوّل، ۲۶۶، ۲۶۵، ۲۴۲، ۲۳۷، ۲۲۷	احکام و قوانین درباره‌ی لاشه و مرده‌ی سگ و انسان، ۳۵۹، ۳۵۸
اردشیر دوم، ۲۶۳، ۲۵۵، ۲۵۴، ۲۳۵، ۲۲۸	اختراع چرخ، ۲۵
۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۱	اُختینه، ۲۸۰، ۲۷۵
اردشیر دوم و سوم، ۱۸۸	اخلاق جنسی، ۱۲۳
اردشیر سوم، ۲۳۷، ۲۳۵، ۲۲۸	اخلاق خدایان، ۱۲۹
اُردوی، ۶۴	ادبیات سنتی زرتشتیان، ۱۷
اُردویسور، ۲۸۰، ۲۶۸	ادبیات سنتی مزدایی زرتشتی، ۱۷
اُردویسور اَناهیت، ۲۸۲، ۲۸۰، ۲۷۸	ادبیات مزدایی زرتشتی، ۱۷
اُردویسور، اَناهیتا، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۷۹	ادبیات مَزَدَیْسَنان، ۹۱
۲۸۰، ۳۰۳	ادبیات و سرودهای مینوی، ۳۴۸
اُردوی سور. اَناهیتَه، ۱۴۱، ۲۶۸	ادعیه و افسون و اوراد، ۳۸۹
اردیبهشت، ۳۸۵، ۳۰۵	ادعیه‌ی شفابخش، ۳۸۹
اردیبهشت یشت، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۸۹	ادعیه‌ی مقدسه، ۳۵۷
۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲	ادویه‌جات، ۱۲۳
ارزن، ۳۴	ادیان سامی، ۲۷۴
اُرزوز، ۳۸۸	

- از دواج مادر و پسر، ۵۴
 از دواج مقدّس، ۲۹۱
 از دواج میان خواهران و برادران، ۵۴
 از دواج میان مزّذیسان و کافران یا جُد دینان
 حرام است، ۳۸۲
 از دواج و مسایل جنسی، ۱۱۸
 از ی د، ۲۹۲
 ازدها، ۱۵۵، ۱۵۶
 ازدهاک، ۲۰۹، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷
 ازدها نژادان، ۳۰۷
 ازدهای زهرآگین زردگون، ۳۲۸
 ازدهای زیانکار، ۱۵۶
 ازدهای سه سر و شش چشم، ۱۵۶
 ازدهای شاخ دار، ۱۷۱، ۳۲۸
 ازدی دهاک، ۳۲۹
 ازدی دهاک سه پوزه سه کله شش چشم، ۱۷۰،
 ۳۲۸، ۳۱۸
 ازدی دهاکه، ۳۳۱
 ازته، ۳۹۰
 ازه، ۸۸
 ازهُوه، ۳۹۰
 ازی، ۱۵۶، ۱۷۱
 ازی دهاک، ۱۵۶، ۱۵۷، ۲۵۶، ۲۷۲، ۲۷۸، ۳۸۵
 ازی زرد سهمیگین زهر ریز، ۱۷۴
 ازی واکه، ۳۹۰
 اساس آیین مغان، پادیابی و طهارت، ۳۶۲
 اساس ازدواج، ۱۱۹
 اساطیر ایران شرقی، ۳۸۳
 اساطیر ایرانی، ۵۴، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۴
 اساطیر بابلی، ۱۵۵
 اَرزوشمته، ۳۲۸
 اَرزهی، ۳۴۲
 ارستو، ۷۳
 اَرشتات، ۳۱۰، ۳۴۷
 اَرشته و یگه، ۲۰۹
 اَرَض موعود، ۲۹۱، ۲۹۲
 ارغوانی، ۱۹۳
 اَرْمَزْد، ۲۸۳
 ارمنستان، ۳۷، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴
 ارمنی، ۱۳۶، ۲۸۳، ۲۸۴
 اَرْتُوَاز، ۱۴۵، ۳۲۳
 ارواح، ۵۱، ۱۲۵، ۱۳۴
 ارواح پاک و طیبّه، ۳۰۸
 ارواح خبیث، ۱۶۳
 ارواح خبیثه، ۱۳۸
 ارواح درگذشتگان، ۵۱، ۳۰۸
 ارواح دُرُونْدان، ۵۱
 ارواح شرّ، ۱۲۶
 ارواح شریر، ۵۱
 ارواح مردگان "مانیس"، ۱۴۱
 ارواح نیک، ۵۱
 ارواح و خدایان، ۱۲۶
 ارواح و روان های خبیث، ۲۵۳
 اروپا، ۱۲، ۳۴، ۸۸، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۱،
 ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۳۵، ۱۵۲، ۱۸۹، ۱۹۴، ۲۴۶،
 ۲۴۷، ۲۶۴
 ازدواج، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۴، ۲۸۷
 ازدواج با محارم، ۴۹، ۵۳، ۵۴
 ازدواج خودی، ۳۸۲
 ازدواج قانونی، ۲۸۶

۴۳۸ □ دین و فرهنگ ایرانی

آستودان، ۷۸، ۳۵۴	اساطیر تیوتونیک، ۱۶۴
آشتو. ویداتو، ۱۴۱، ۳۵۲	اساطیر و افسانه‌های بابلی، ۱۶۹
آشته نیژیه، ۳۹۰	اساطیر هند و ایرانی، ۱۵۴، ۱۵۵
آستی، ۱۳۶	اساطیر هندی، ۱۵۶
استیاگس، ۲۵۶	اساطیر یونانی، ۱۳۳
اسرائیلی، ۸۹	آساگی لا، ۲۹۲
اسطوره ابر توفان‌زا، ۱۵۵	اسب، ۱۳، ۵۶، ۹۵، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۳۰
اسطوره پاورو، ۲۷۱	۱۷۷، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۴۸، ۲۵۸، ۳۶۳
اسکاندیناوی، ۱۰۹	اسبان مقدس ایزد خورشید، ۲۶۳
اسکاندیناویا، ۱۳۲، ۱۳۳	اسب بالدار، ۱۹۳
اسکله پی یوس، ۷۶	اسب زیبای سپیدگون، ۱۵۸
اسکندر، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۳، ۲۵۰، ۲۷۰	اسب سپید زیبا، ۳۱۵
اسکندر مقدونی، ۷۳	اسب سواری، ۶۵، ۱۳۵، ۲۶۰
اشکی لاکس، ۲۴۵	اسب گل و گَر، ۱۶۰، ۱۶۱
اسکیموها، ۴۷	اسب مقدس، ۱۳۰
اسلحه سازی، ۱۹۲	اسب نر، ۳۱۷
اسماعیل آباد، ۱۹	اسب و پرورش آن، ۹۵
آسوزه، ۱۸۱	اسبی سپید، ۱۶۰، ۱۶۱
آسوره. وارونه، ۱۲۷، ۱۸۱	اسپارت، ۲۲۷، ۲۲۸
اسیران جنگی، ۱۱۲، ۱۱۳	اسپانیا، ۲۰۲
آشا، ۳۰۶، ۳۰۷	اسپهان، ۱۷
آشنادیشت، ۳۲۵	استپ‌های میان آسیا و اروپا، ۱۰۵
آشتَر، ۳۴۵	استخر، ۱۷
آشتر، ۶۲، ۶۳	استخراج سنگ، ۲۴۷
اشتراک زندگی ارواح و مردمان، ۴۹	استخراج فلزات، ۱۹۹، ۲۴۷
آشتَرِی زرنشانِ مرصع، ۶۲	استخوان‌دان (آشتودانه)، ۷۸
آشته آنوزونث، ۱۴۶، ۳۲۳	استر، ۲۴۸، ۳۵۶
اشکال هندسی، ۱۹۳	استرابو، ۹۴، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۸۵، ۳۷۰
اشکانیان، ۲۵۱، ۲۸۳	استرالیا، ۴۷، ۲۸۶
اشک پانزدهم، ۲۷۰	آشتوت - اِرته، ۳۳۱، ۳۳۲

افسانه‌های باران، ۱۵۴	آشموغ، ۳۶۳، ۳۷۰
افعی، ۱۲۵	آشیم و هو، ۱۴۴، ۱۷۸، ۳۰۶، ۳۲۲
افلاتون، ۵۹	اشمیت، ۲۲
افیون، ۳۸۹	آشوز دنگه، ۲۸۰
اقتصاد فلاحتی، ۲۰۱	آشو-زرتشت، ۲۷۸، ۶۱
اقتصاد کشاورزی، ۲۰۰	آشو-زوشته، ۳۷۸
اقتصاد ملّی در عهد هخامنشی، ۲۴۸	آشه، ۱۲۹، ۳۲۰، ۳۲۶، ۳۳۲، ۳۵۹، ۳۶۳
اقتصاد هخامنشی، ۲۸۹	آشه / آژنه / ریتا، ۱۴۰
اقوام آریایی، ۱۰۸، ۱۱۹، ۱۲۷	آشیه متوغه، ۳۶۳، ۳۶۹
اقوام آسیایی، ۹۴، ۸۱	آشه وهیشته، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۲۸
اقوام آسیایی، ۸۱	آشی، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۸۶، ۳۲۰، ۳۲۳
اقوام ایرانی، ۱۸۵	آشی نیک، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۴
اقوام بومی آسیایی، ۹۲	آشی ونگوهی، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۳۲۰
اقوام بومی در شبه‌قاره، ۱۲۰	۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳
اقوام ترک و تاتار، ۱۱۰	اصلاحات زرتشت، ۱۲۷، ۱۳۴، ۱۶۷، ۲۶۷
اقوام غیرایرانی، ۳۳۰	۲۷۶
اقوام هند و اروپایی، ۸۱، ۸۷، ۱۹۳، ۱۹۴	اصلاحات زرتشتی، ۳۴۵
اقوام هندو ایرانی، ۲۶، ۱۶۶	اصناف، ۱۲۳
آکد، ۴۰	اصول آیین مزدیشنی، ۱۳۹
اکسید آهن، ۲۴، ۵۰	اصول زرتشتی، ۲۶۲، ۲۹۱، ۳۰۰
آکامینش، ۲۰۷	اعتقاد به روح، ۵۰
آگه تشه، ۳۸۷، ۳۶۵، ۷۵	اعدام گنومات، ۲۲۰
آگه منه، ۳۲۹، ۳۳۲	اعراب، ۲۵۶
اکلی‌لی‌زن، ۲۸۷	آغریزث، ۱۴۵
الاغ ماده شیرده، ۳۵۶	آغشی، ۳۹۰
الاهه خورشید، ۸۶، ۸۷	آغوئیری، ۳۹۰
الاهه مادر، یازمین، ۱۳۳	افراسیاب، ۱۴۵، ۲۷۳، ۲۷۳، ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۳۰
البرز، ۱۶	افراسیاب بدکار تورانی، ۱۷۸
البرز کوه، ۱۷، ۱۷۵، ۳۴۱	افراسیاب تورانی، ۲۷۸، ۳۲۹، ۳۳۱
آلمپوس، ۱۳۳، ۱۶۵	افریقا، ۴۷

انجمن کردن اهورمزد با ایردان، ۶۴	الواح تخت جمشید، ۲۴۶
انجیر، ۱۳، ۱۶	الیوت، ۱۳۰
اندیشه نیک، ۲۵۳	آماسیس، ۲۲۰، ۲۱۹
آنزانی، ۳۹	امپراتوری هیتی، ۸۸
آنزادانه، ۳۸۲	امراض داخلی، ۳۰۶
انسان مدیترانه‌یی، ۳۷	آمرتات، ۳۳۲
آنشَو، ۳۶۳	آفرت سوما، ۱۶۹
آنگزمتین یو، ۶۶، ۶۷، ۱۴۱	امریکا، ۴۷
آنگزمتین یو پُورو مَهزَکَه، ۳۸۷	آمشاسپند، ۳۰۴، ۲۶۸
آنگزمتین یو، ۷۵، ۷۶، ۲۸۸	امشاسپند آردیبهشت، ۳۰۶، ۳۰۷
آنگزمتینو، ۱۴۴، ۳۰۶، ۳۲۲، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۲	آمشاسپندان، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۱، ۱۷۹، ۲۵۳، ۲۶۴، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۲
انگشترها، ۵۲	۳۱۴، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۶، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴
انگشتری، ۱۹۱	۳۸۵، ۳۸۳، ۳۴۷
انگشت شست پا، ۳۶۱	امشاسپند خرداد، ۳۰۴
آن-لیل، ۱۵۵	امشاسپند شهریور، ۳۸۸
انواع ازدواج، ۱۱۹	امعاء و احشاء، ۹۰، ۲۱۶
انواع جنگ افزارها، ۱۰۹	املاک بزرگ، ۲۴۸
انواع سگ‌ها، ۳۷۳	آفه، ۳۱۵
آنه‌نیو یاشته، ۳۸۲	آفه نیک آفریده شده، ۳۱۸
آنیران، ۳۲۶	امیر علی شیرنواپی، ۱۲۳
اواکساتار، ۲۰۶	انار، ۱۶
اوپائیری سینه، ۱۷۵	آناهیت، ۲۷۷، ۲۸۱
اوپانیشادها، ۱۲۹	آناهیتا، ۱۵۰، ۱۸۷، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۲
اوپه‌مانه، ۳۶۹	۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۳
اودز، ۳۷۴	۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴
اودیوس، ۲۷۵	۳۰۳، ۲۸۵
اودیوس ایرانی، ۲۷۱	انبار غله ایران، ۱۴
اور، ۲۲، ۳۴، ۲۹۲	آئیداته (سیدره)، ۳۸۲
اوراژتو، ۱۰۳، ۲۱۰، ۲۱۷	انتشار پرستش آناهیتا، ۲۶۶
اورارتیان، ۳۷	

- اوراق بهادار، ۲۴۵
 اورانوس، ۱۴۷
 اورداد، ۳۰۴
 اورمزد، ۳۱۸، ۲۶۲، ۱۸۱
 اورمزد و آناهیتا و میثره، ۲۶۷
 اوژواخشیه، ۱۷۱
 اوژواشته، ۳۵۸
 اوژوتنت-نر، ۶۸، ۳۵۰
 اوژور-بیشتر، ۳۵۶
 اوزیریس، ۴۴
 اوستا، ۲۳، ۳۲، ۵۱، ۵۵، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۹،
 ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۳۹،
 ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۵،
 ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۸، ۲۶۸،
 ۲۷۳، ۲۸۹، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۴۵،
 ۳۴۸، ۳۶۲، ۳۷۹، ۳۸۱
 اوستا، کهن‌ترین گنجینهٔ مکتوب ایران باستان،
 ۱۶۵، ۱۶۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۳۰۸، ۳۱۵
 اوستای بزرگ زمان ساسانی، ۳۶۸
 اوستای زمان ساسانیان، ۳۴۸
 اوستای قدیم و اوستای جدید، ۲۸۹
 اوستای قدیم و جدید، ۲۸۸
 اوستای متأخر، ۳۶۸، ۳۸۵
 اوستای متأخر و نوین، ۳۶۷
 اوستای نوین، ۱۳۸، ۳۰۴، ۳۴۸، ۳۵۵، ۳۶۳
 اوشاز، ۱۲۶
 اوغز، ۳۹۰
 اوقیانوسیه، ۴۷
 اولمستد، ۲۵۳
 اون‌تاش-گال، ۹۵، ۹۶
 اون‌تاش-هوبان، ۹۵
 اون‌تاش گال، ۴۱
 اهدای صدقات به مغان، ۳۸۶
 اهدای قربانی، ۲۵۷
 اهدای نذور و نثارها برای اهریمن خدا،
 ۱۳۸، ۱۳۹
 اهدای هدایا و نذور و قربانی، ۹۰
 اهریمن، ۶۲، ۶۸، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۹۱، ۱۴۱،
 ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۷۰، ۲۷۸، ۲۸۸،
 ۳۰۷، ۳۲۸، ۳۴۳، ۳۴۹، ۳۶۴، ۳۷۱، ۳۷۶،
 ۳۸۴، ۳۸۸، ۳۸۹
 اهریمن ایزد، ۱۶۴
 اهریمن پُرمرگ، ۳۶۷، ۳۸۷، ۳۹۱، ۳۹۲
 اهمیت باران و تأمین آب، ۱۶
 اهواز، ۳۹
 آهور، ۱۸۵
 آهورا، ۱۶۲
 آهوراکیش، ۱۷۱
 آهورامزدا، ۵۱، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲،
 ۷۰، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸،
 ۱۵۰، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۶،
 ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۷،
 ۱۸۸، ۱۸۹، ۲۲۶، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۵۳، ۲۵۴،
 ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۷۱، ۲۷۲،
 ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۴،
 ۲۹۶، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰،
 ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۳،
 ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۴۳،
 ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۶۴، ۳۶۷،
 ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲

۳۳۸، ۳۳۷، ۲۷۳، ۲۶۷، ۲۴۱، ۲۲۵	۳۹۲، ۳۹۱، ۳۸۹، ۳۸۸، ۳۸۶، ۳۸۵، ۳۸۳
ایرانیان، ۱۴، ۳۶، ۴۹، ۵۴، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳،	آهورامزدا پدر، ۳۲۰
۱۳۹، ۱۳۷، ۱۳۳، ۱۳۰، ۱۲۸، ۱۱۸، ۱۰۴	آهورامزدا و تیغان دیگر، ۲۶۲
۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۸۰،	آهورامزدا و ناهید و مهر، ۲۶۷
۱۸۱، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۴، ۲۰۲، ۲۱۰،	آهورایی، ۱۳۸
۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۴۲، ۲۴۶، ۲۵۱، ۲۵۳،	آهورمزُد، ۶۱، ۶۶، ۶۷، ۶۸
۲۶۰، ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۳، ۲۸۸، ۲۸۹،	آهورمزُدا، ۲۶۴
۳۰۸، ۳۲۴، ۳۲۹، ۳۳۰	آهوره، ۱۴۸، ۱۴۹
ایرانیان باستان، ۱۲۴	آهونه و تیزنه، ۱۷۲، ۳۶۶، ۳۷۸، ۳۸۴، ۳۸۵
ایرانیان و هندوان، ۱۰۱	آهو [سرور]، ۶۸
ایرانی مزدایی، ۳۳۸	آهی، ۱۵۵
ایرانی ها، ۷۴، ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۱، ۲۰۶،	ایریان، ۳۷
۲۱۰	ایتالیا، ۳۴
ایرلند، ۱۰۹	ایذاء روح مرده، ۳۶۸
ایزد، ۳۰۶، ۳۳۷	ایران، ۱۱، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۶، ۳۰،
ایزد آب، ۲۶۸، ۲۶۹، ۳۲۹، ۳۸۳	۳۴، ۳۵، ۳۸، ۵۰، ۵۳، ۷۴، ۷۶، ۷۸، ۱۰۱،
ایزد آب در اوستا، ۲۶۶	۱۰۲، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۱،
ایزد آتش، ۳۸۱، ۳۸۳	۱۳۴، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۶،
ایزد آذر، ۲۶۸، ۳۳۷، ۳۴۶	۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۴، ۱۹۸، ۱۹۹،
ایزد آرت، ۳۴۲	۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۷،
ایزد آشی نیک، ۳۲۴	۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۵۱، ۲۷۳،
ایزد آمه نیک آفریده، ۳۱۵	۲۷۶، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۶،
ایزدان، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۵۹، ۱۶۱، ۲۷۴،	۲۹۸، ۳۶۹، ۳۷۹
۳۰۶، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۴۷،	ایران باستان، ۵۴، ۱۸۷، ۳۲۴
۳۷۹، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۹۱	ایران بزرگ، ۲۱۸
ایزدان اوستایی، ۱۲۵، ۱۲۶	ایران زمین، ۵۶، ۱۲۲، ۱۵۷
ایزدان جهان زنده، ۳۲۷	ایران عهد هخامنشی، ۲۴۵
ایزدان مزدیسنا، ۲۸۳	ایران و بیج، ۸۳، ۱۲۱، ۱۴۶، ۱۷۲، ۳۲۳
ایزدان مینوی، ۳۲۷	ایرانویج نامی، ۶۴
ایزدان نورانی، ۱۴۱، ۱۴۳	ایرانی، ۹۶، ۱۰۴، ۱۲۱، ۱۵۴، ۱۹۹، ۲۰۹،

- ایزدان یشت‌ها، ۳۸۳
 ایزدباد، ۳۳۸
 ایزد باران، ۱۵۸
 ایزدبانو آری‌نا، ۸۸
 ایزدبانو آرت، ۳۲۰
 ایزدبانو آرذویسوز، ۲۷۲
 ایزدبانو آرذویسوز آناهیتا، ۲۸۷، ۲۷۵، ۲۷۳
 ایزدبانو آشی، ۱۴۶
 ایزدبانو آشی نیک، ۱۴۶
 ایزدبانو آشی ونگوهی، ۳۲۴، ۱۴۶
 ایزدبانو آناهیتا، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۸
 ایزدبانوی آبها، ۲۵۵
 ایزدبانوی ایرانی، ۲۸۵
 ایزدبانوی بابلی، ۲۸۵
 ایزدبهرام، ۱۸۰
 ایزد پیروزی، ۱۵۶، ۳۴۲
 ایزد پیمان، ۳۱۸، ۳۴۲
 ایزد پیمان دوستی، ۲۶۵
 ایزد ترسالی، ۳۴۷
 ایزد تیشتر، ۱۵۹
 ایزد تیشتریه، ۳۴۱
 ایزد جنگ، ۳۴۲، ۳۴۴
 ایزد جنگ و پیروزی، ۳۳۸
 ایزد خورشید، ۳۳۸
 ایزد دادگری، ۳۱۸
 ایزد داور اعمال در روز واپسین، ۳۴۲
 ایزد راستی، ۳۳۹
 ایزد رام، ۲۶۸
 ایزد رشنو، ۳۴۴
 ایزد روز و روشنایی، ۳۴۳
 ایزد روشنایی، ۲۶۴، ۳۴۷
 ایزد روشنایی و پیمان، ۳۳۸
 ایزد روشنی، ۳۴۲
 ایزد سرآشَه (سروش)، ۳۴۴
 ایزد سرپرست زمین، ۶۲
 ایزد شب، ۳۴۷
 ایزد شفا و درمان، ۳۹۲
 ایزد کده آریایی باستان، ۳۲۰
 ایزد موکلی بر آب، ۲۶۸
 ایزدمهر، ۷۰، ۷۱، ۲۶۲، ۲۷۴، ۳۴۳، ۳۸۶
 ایزد میتر، ۳۴۱
 ایزد نگهبان و حافظ شب، ۳۴۳
 ایزد واته، ۳۳۸
 ایزدهوا، ۲۶۸
 ایزد هوم، ۳۸۳
 ایشثار، ۱۵۰، ۲۶۶، ۲۸۵
 ایشثار بابلی، ۲۸۵
 ایشکوزای، ۲۰۷
 ای شیره، ۳۹۰
 ایلام، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۶، ۴۷، ۴۸،
 ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۲۰۸، ۲۲۲، ۲۴۰
 ایلامی، ۹۴
 ایلامیان، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۵۴، ۸۳
 ایلامی‌ها، ۹۲
 ای‌لویان‌کا، ۹۱
 ایم هوتپ، ۷۶
 ای‌ناراش، ۹۱
 ایندَر، ۷۴، ۷۵، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۵۵،
 ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۵، ۲۷۳، ۳۸۷
 ایندرا و آگنی، ۱۲۸

بازرگانی در قلمرو مادیات، ۲۳۸	اینڈزہ، ۳۶۵، ۸۵
بازیگورات، ۳۸	این شوشی ناک، ۹۶، ۹۳، ۴۶، ۴۴، ۴۲، ۴۱
باس کان، ۳۷	آیہ تیہ، ۳۹۱
باکتریا، ۲۳۹، ۲۱۸، ۹۳، ۳۰	
بالکان، ۱۰۷، ۸۱	
بان تو، ۱۰۷	
بانک ها، ۲۴۵	بَیْسْتَرِیَہ، ۷۶
بانک های عُمرانی، ۲۴۵	بابل، ۱۳، ۳۸، ۴۰، ۴۳، ۴۷، ۸۲، ۸۸، ۹۰، ۹۲
بانک های عمومی، ۲۴۵	۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۱۲۰، ۱۲۱، ۲۰۱
بت، ۱۳۰	۲۰۸، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۶
بت پرستی، ۱۴۲	۲۳۸، ۲۴۵، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۵
بت خانه، ۱۳۰	۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۷۰
بخت، ۱۳۴	بایی، ۷۴، ۷۵، ۸۹، ۹۴، ۹۶، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۶۹
بخت النصر، ۹۷	۱۸۹، ۲۴۱، ۲۸۵
بختیاری، ۳۹	بابلیان، ۴۳، ۹۴، ۹۵، ۲۲۴
بخش جدید اوستا، ۱۸۵	بابلی ها، ۲۱، ۹۱، ۱۱۰، ۲۴۰، ۲۸۷
بخش "شونئیره"، ۲۰۶	باد، ۱۲۶، ۱۴۰، ۱۸۰، ۲۵۶
بدترین زمین ها، ۷۱	بادام وحشی، ۱۳
بدون سدره، ۳۸۲	باد، باران، ابر و تگرگ، ۲۸۲
برتانی، ۲۰۲	باد پیروزمند، ۱۴۱
برج بابل، ۴۳	باد تندوزانِ زیبایِ مزدا آفریده، ۳۱۵
برخاستن جَسدها و مردگان، ۱۴۲	بادِ شمالی، ۳۰۷
بردگان، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۹۷، ۱۹۸	بادها، ۱۳۸
۱۹۹	باران، ۱۶، ۱۲۶، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۷۴، ۱۸۰
بردگان و اسیران، ۱۱۹	۱۸۲، ۳۱۲، ۳۴۲، ۳۹۰، ۳۹۱
بردگی و برده داری، ۱۱۲	بارتولومه، ۱۵۰
بردیا، ۲۲۲، ۲۲۰	بارش باران، ۳۴۷
برزخ مادی، ۱۴	بازارهای خارجی برای فروش محصول،
برزیگران، ۲۰۶	۲۰۱
بَسْرَسْم، ۱۶۲، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۰	بازرگانی در زمینه معنویات، ۲۳۸

"ب"

بنّا و کارگر، ۱۹۶	۳۸۳، ۳۴۳، ۳۲۶
بند دین (کشتی)، ۳۸۱	بَرشُم، ۲۱۲، ۳۷۹
بندرعباس، ۱۵	بَرشمن، ۳۳۷
بَندهِش، ۴۸۸، ۴۸۹	بَرشَنوم، ۷۷، ۳۶۲
بنده زرخرید، ۱۱۲	برق، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۵۲، ۱۵۴
بِنِ ناخن، ۳۶۰	برق آسمانی، ۳۸۶
بنونیست، ۱۳۹	برنج، ۱۶، ۱۲۲
بنیاد ثنویت آریایی، ۱۵۲	بروسوس، ۲۶۶
بنی اسرائیل، ۲۸۶	بریده‌های مو، ۳۷۸
بوئی تی، ۷۵	بریده‌های ناخن، ۳۷۸
بوئیدی، ۳۶۶	بری فولت، ۱۳۰
بوئیدیژه، ۳۶۶	بز، ۲۴۸
بوجی، ۳۰۵	بز جنگی زیبا، ۳۱۷
بورسی‌پا، ۲۹۲	بزرگ‌ترین بغان، ۲۶۴
بوره‌آس، ۹۴	بز کوهی، ۱۹۳
بوریاش، ۹۴	بز و گوسپند، ۱۱۰
بوشیانشته، ۳۴۳	بسفر، ۸۱
بوش یَنشته، ۳۶۶	بَغْل، ۲۲۳
بوش یَنشته‌دَرغُوگُو، ۳۶۷	بَغ، ۲۵۴
بوغاز کوی، ۱۳۶	بُغاز کوی، ۸۶، ۸۷
بومیان ایرانی، ۱۸۴	بَغان، ۲۹۰
بومیان فلات، ۲۱، ۲۷، ۵۳	بَغان پرستی، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۲، ۲۹۷، ۳۰۰
بوی و بخور، ۲۹۹	بَغان دیگر، ۲۵۴، ۲۶۴، ۲۹۷
به دانی تی، ۶۴	بَغان گذشته، ۲۶۴
به‌دین مُرَدَیَنان، ۳۸۵	بَغ بزرگ، ۲۵۴، ۲۵۵
بهرام، ۱۴۰، ۱۵۶، ۱۸۶، ۳۰۳، ۳۱۵، ۳۱۸	بقای روح، ۵۰
۳۴۶، ۳۴۲، ۳۱۹	بکارت، ۱۱۸، ۲۸۵
بهرام اهورا آفریده، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸	بلخ، ۳۰، ۷۳، ۹۳، ۲۱۸، ۲۲۷، ۲۳۹
۳۲۰، ۳۱۹	بلوچستان، ۱۵، ۳۰
بهرام ایزد جنگ و پیروزی، ۳۱۴	بلوط، ۱۳

پَئیریکا، ۱۴۱، ۱۶۲، ۳۴۰	بهرام، مؤلفان و نویسندگان زرتشتی اوستا، ۳۱۴
پَئیریکا/پری، ۳۶۷	بهرام پُشت، ۳۱۵، ۳۱۴، ۳۰۳، ۱۵۶
پَئیریکاها، ۱۵۹، ۱۶۲	بهشت، ۳۸۱، ۳۸۰
پَئیری مَنی تی، ۳۰۷	بهشت برین، ۳۴۵
پاآویزها، ۵۲	بهشت سگان، ۳۷۳
پالوزو، ۲۷۳، ۲۷۴	بهشت و دوزخ، ۱۳۰
پالوزو - ویغز - نواز، ۲۷۹	بهمن، ۲۵۳
پات یاپ (پادیاب)، ۳۶۲	بیت المقدس، ۲۹۲
پاداش و کبیر، ۱۴۷	بی ترتیبی های جنسی، ۱۴۶
پاداش و مکافات، ۱۴۹	بیت - هیلانی، ۸۶
پادزهر، ۳۸۹	بیست ضربه تازیانه، ۳۴۵
پادشاهان فینیقیه، ۲۱۸	بیست و یک سنک اوستا، ۳۶۸
پادشاهان هند و اروپایی، ۱۲۳	بیشا فروته، ۳۶۵
پادشاهی میثانی، ۸۳، ۸۵	بی کشتی بودن، ۳۸۲
پادشاهی هیتی، ۸۱	بیل، ۳۳
پادیاب، ۳۵۹، ۳۶۲	بیماری آبه گده، ۳۹۱
پادیابی، ۳۶۳	بیماری گده، ۳۹۱
پادیابی یا تطهیر، ۳۵۲	بیماری ها، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۲
پارت، ۲۱۸، ۲۲۱	بین النهرین، ۱۳، ۱۶، ۲۲، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۳۶
پارجان یا، ۱۲۶	۳۸، ۳۹، ۵۳، ۷۴، ۸۳، ۹۳، ۹۵، ۱۲۳، ۱۹۹
پارس، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۴۰، ۲۴۸، ۲۹۰	۲۰۰
پارسوا، ۲۰۵	
پارسواش، ۲۰۵	
پارس ها، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹	
۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۹۰	
پارسی، ۱۲۷، ۲۰۷، ۲۲۴، ۲۹۲	پُئورو خُورننگهَو، ۳۸۴، ۳۸۵
پارسیان، ۱۴، ۲۰۵، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۵۶، ۲۵۹	پُئوروشسپ، ۱۷۱
۲۶۰، ۲۶۲	پَئی تیاپه، ۳۶۲
پارسی ها، ۲۲۲	پَئی تی دانه، ۳۷۹
پارندی، ۳۴۲	پَئی تیشه، ۷۵

پ

- پازند، ۱۴۸، ۳۶۴
 پاسارگاد، ۱۷، ۲۱۸، ۲۶۳
 پاسبان آفرینش نیک، ۳۷۱
 پاک دین، ۱۶۰
 پاکستان، ۷۸
 پاکب نطفه مردان و زنان، ۲۷۲
 پامیر، ۳۳
 پشپاره‌ها، ۳۰۷
 پشنه، ۳۲۸
 پخت نان، ۲۷
 پدر، ۱۸۱
 پدر آسمانی، ۱۳۳
 پدرسالاری، ۱۱۴
 پراجاپتی، ۱۲۹
 پراهوم، ۱۶۵، ۳۷۹
 پرتاب. چندر. روی، ۶۳
 پرتو خورشید، ۱۸۶
 پرتو.ویز، ۱۴۳، ۳۲۱
 پرستش آناهیتا، ۲۸۳
 پرستش خورنه، ۳۲۵
 پرستش گاه ایشتار، ۲۸۵
 پرستش مهر، ۱۸۶
 پرستش میترا، ۱۸۷
 پرستش و دیانت هیتیان، ۸۶
 پرسه پولیس، ۱۷
 پر عقاب، ۳۴۶، ۳۷۸
 پرندگان، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۳۴۴
 پرندگان آسیایی، ۲۴۷
 پرنه، ۳۶۶
 پروانه پزشکی، ۳۵۵
 پروشات، ۲۲۸
 پروکوپپوس، ۲۸۴
 برهای عقاب، ۳۴۴
 پری، ۱۳۱، ۳۶۷
 پریان، ۱۷۲، ۳۲۷
 پری تی وی، ۱۲۶
 پری خنانشی تی، ۳۸۵
 پری دوست، ۳۲۸
 پریکلس، ۳۲۷
 پری‌ها، ۱۴۱، ۳۲۰، ۳۴۰، ۳۵۶، ۳۸۹
 پزشکان، ۳۰۶، ۳۵۶
 پزشکی، ۷۶
 پزشکی عملی، ۶۸
 پزشکی و بیماری‌ها، ۳۸۸
 پزشکی و کهنات، ۶۸
 پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۲۵۱
 پژوهشی درباره دین‌های ایرانی، ۱۶۴، ۲۴۹
 پسته، ۱۳
 پسر آسمان، ۱۵۳
 پسران آدی تی، ۱۵۱
 پسران ویسه، ۲۷۹
 پشت کوز، ۶۵، ۶۷
 پشند، ۱۹
 پشنه، ۳۳۱
 پشوتنه، ۳۷۵
 پلاته‌آ، ۲۲۵
 پل چینوت، ۱۴۱، ۳۸۰، ۳۸۶، ۳۸۸
 پل چینود، ۳۷۲
 پل صراط، ۳۷۲، ۳۸۰
 پلنگ، ۲۸

- پلمان شکان، ۳۱۸، ۳۴۱، ۳۴۳، ۳۴۷
 پیمان شکنی، ۱۸۸، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۵۱، ۳۴۴
 بی‌نی‌کر، ۴۷
- "ن"**
- تتوبومپ، ۳۷۱
 نتورو، ۳۶۵
 نتوزوی، ۷۵
 نتوگونی، ۲۵۷
 نتیس بیس، ۲۰۷
 تابو، ۱۲۲
 نائزیه‌ونت، ۳۳۱
 تاریخ، ۱۳۹
 تاریخ آیین رازآمیز میتراپی، ۱۴۹، ۱۶۴، ۱۸۷، ۱۸۹، ۳۴۵، ۳۴۷
 تاریخ آیین رازآمیز میتراپی در شرق و غرب، ۸۸، ۱۳۹
 تاریخ ادیان، ۱۸۹، ۲۵۱
 تاریخ دین زرتشتی، ۲۵۱
 تاریخ رازآمیز آیین میتراپی، ۱۶۵
 تاریخ هخامنشی، ۲۴۹
 تاریکی، ۱۴۱، ۱۵۲، ۱۵۳
 تاریکی آفریده دیو و اهریمن، ۳۸۱
 تاریکی اهریمنی، ۳۴۷
 تاریکی بی‌پایان، ۳۶۴
 تازیان، ۲۹۴
 تالاربار، ۲۳۸
 تالار سد ستون، ۲۴۲
- پلوتارک، ۲۶۹، ۳۷۱، ۳۷۲
 پلینی، ۳۷۲
 پلی نیوس، ۲۷۰
 پنام/پندام، ۳۷۹
 پنبه، ۱۳، ۱۶
 پنج‌گناه بی‌توبه، ۳۷۵
 پن‌دی شیر، ۹۳
 پونی تی، ۳۹۰
 پوروششب، ۱۶۸، ۱۷۲
 پوزور این شوشی ناک، ۴۰
 پوست بوری، ۲۸۲
 پول، ۲۴۶
 پولیک راتس، ۲۱۹
 پهلوی، ۱۴۸، ۱۶۵، ۱۸۰، ۲۷۵، ۳۶۲، ۳۷۰
 پیامبران بنی اسرائیل، ۲۹۲
 پی‌ته‌آنه، ۳۲۸
 پیچیده گیسوی گرزدار، ۱۷۱
 پیراهن مقدس، ۳۸۲
 پیر مردان و پیر زنان و رنجوران، ۷۲
 پیسی، ۶۶، ۶۷
 پیشدادی، ۷۶
 پیش‌کوژ، ۶۵، ۶۷
 پیش‌گویی، ۸۹
 پیش‌گویی و تفأل، ۹۰
 پیشوایان، ۲۰۶
 پیشه‌وران فلات ایران، ۳۰
 پیکان، ۱۹۲، ۳۷۸
 پیک اهورامزدا، ۳۸۶
 پیکر کرساسپ، ۳۱۳
 پیمان شکن، ۳۳۹، ۳۴۴

۳۹۲	تالش، ۲۲
ترجمه پهلوی وندیداد، ۶۸	تاووس، ۲۴۷
ترجمه داستان توفان جمشید، ۵۵	تأمین آب، ۲۴۶
ترجمه و شرح وندیداد، ۵۵	تب، ۳۰۷، ۳۵۷، ۳۹۰
ترس از مردگان، ۴۹	تباهی و فریب و مرگ، ۳۸۴
ترسالی، ۱۶۱، ۱۶۲	تبت، ۱۲۴
ترکان تاتار، ۱۴	تبر، ۳۳
ترکستان روس، ۳۷	تبری، ۳۷۶
ترک کردن خانه‌ها "به هنگام مرگ"، ۳۶۷	تب لرز، ۳۹۰
ترکمانان، ۱۵	تپه حصار، ۱۹، ۲۲، ۳۰
ترکیه، ۸۸	تپه شیلک کاشان، ۱۹
تُرْمَنی تی، ۳۰۷	تپه حاجی فیروز، ۱۹
تریته، ۱۵۷	تپه حسنلو، ۱۹
تسخیر جن و پری و دیو، ۳۷۹	تپه خیسور، ۱۹
تسخیر دیو و جن زدگی، ۳۶۱	تپه شیلک، ۲۳
تسخیر دیو و جن و پری، ۱۳۱	تپه گیان نهاوند، ۱۹
تیش بو، ۸۷	تثرو شافروته، ۳۶۵
تُشت، ۳۸۵	تثلیث بزرگ هخامنشی، ۲۵۴
تِشْتَر، ۱۶، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۸، ۳۰۳	تجارت از راه‌های زمینی و دریایی، ۲۴۴
تُشتِ زَرین، ۱۷۶	تجارت و بازرگانی، ۲۰۱
تُشتِ سیمین، ۱۷۶	تجارت‌های خارجی، ۱۲۳
تضعیف حقوق زن، ۸۸	تجدید حیات میتراپرستی، ۲۶۲
تطهیر، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷	تخت جمشید، ۱۷، ۳۰، ۲۱۱، ۲۲۶، ۲۴۰
۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۶	۲۴۱
۳۸۲، ۳۸۶	تخمه زشت، ۳۳۲
تطهیر آتش، ۳۵۹	تدفین، ۱۹۱
تطهیر با شاش گاو، ۳۵۵	تربیت اسب، ۱۳۵
تطهیر خانه، ۳۶۹	تربیت زنبور عسل، ۲۴۸
تطهیر ظروف، ۳۵۷	ترجمه و شرح وندیداد، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۶۸، ۷۲
تعذر زوجات، ۲۶۰	۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۳۲، ۳۰۴، ۳۶۹، ۳۸۲

۴۵۰ □ دین و فرهنگ ایرانی

تعدّد نام زرتشت، ۲۵۰	تندیسه خالص طلا و پربهای ناهید، ۲۷۰
تعزیه، ۱۰۸	تنگ پیده، ۱۹
تفأل، ۲۱۶، ۹۰	تنگه خُشتر و سوک، ۲۷۹
تفأل و غیب‌گویی، ۸۶	تَنو. مائثر، ۳۸۱، ۳۳۹
تَقنو "تب"، ۳۹۰	توت، ۱۶
تفوق زنان، ۲۰	توت‌میس، ۱۳۰
تقدّس بسیار اسب، ۹۵	توحید زرتشت، ۲۹۷
تقدّس عناصر چهارگانه نزد ایرانیان، ۲۶۶	تورانی، ۳۱۱
تقدّس گاو و اسب، ۱۰۶	تورانی آلتایی، ۲۰۷
تقدّس و تأله ارواح، ۳۰۳	تورانیان، ۱۴۶، ۲۸۲، ۳۲۴، ۳۳۱
تقدیر و سرنوشت، ۱۳۱، ۸۵	تورانی‌ها، ۱۱۵
تقدیس آتش، ۳۷۹	تورو، ۸۸
تقدیس‌کننده هوم، ۳۱۹	توروس، ۸۷
تقسیم املاک، ۲۰۰	توس، ۲۷۹
تقسیم زمین، ۱۲۲	توفان، ۵۶، ۶۵، ۱۲۶، ۱۵۳، ۱۵۵
تقسیم طبقاتی مردم، ۱۹۸	توفان برف، ۵۸
تک همسری، ۱۱۹	توفان، کهنه‌ترین داستان بشری، ۵۵
تلّ العمازته، ۸۲	توفان و برف، ۶۴
تل چون سبد، ۴۰	تولید باران، ۱۵۷
تمدن آریایی‌ها، ۱۳۵	توین‌بی، ۲۹۶
تمدن شیپک، ۵۲	ته اوگونی‌یا، ۱۴۷
تمدن گاتایی، ۲۰۶	تهران، ۱۷، ۱۹، ۱۹۳
تمدن و فرهنگ دینی ایرانیان شرقی در قدیم‌ترین ازمنه اوستایی، ۲۵۱	ته شوب، ۸۵
تمدن‌های رودخانه‌یی، ۱۰۳	ته‌له‌پی‌نو، ۹۱
تموز، ۹۱	تهمورث، ۳۲۷
تناسخ، ۱۲۹	تیر، ۱۶
تنباکو، ۱۳، ۱۶	تیراندازی، ۲۶۰
تنبیه آب، ۲۶۸	تیردات پادشاه ارمنستان، ۲۸۳
تندیسه‌های آناهیتا، ۲۸۳	تیرداد، ۲۸۲
	تیرداد، پادشاه ارمنستان، ۲۸۴

- تیرداد ملحد، ۲۸۴
 تیر و کمان، ۱۱۱، ۲۱۲
 تیرهای پزان، ۳۴۴
 تیرنشت، ۱۵۷
 تیسافرن، ۲۲۸
 تیشتریه، ۱۶، ۱۴۱، ۱۵۷، ۳۰۳، ۳۴۷
 تیشتریه خدای باران، ۱۵۴
 تیگلات پیلستر سوم، ۲۰۵
- ث**
- ثُرئثوثونه، ۱۷۰، ۳۳۱
 ثُرئته، ۷۶، ۱۷۱، ۳۸۸
 ثُرئته نخستین پزشک، ۱۵۷
 ثُریشاقرونه، ۳۶۵
 ثنویت، ۱۳۸
 ثنویت محتوم، ۱۳۸
 ثنویت مطلق، ۲۹۱
 ثنویت و دوگانگی، ۱۸۲
 ثنویت و دوگانگی در طبیعت، ۱۵۲
 ثور، ۸۸
- ج**
- جادو، ۳۶۷، ۳۹۱
 جادوان، ۱۷۲، ۲۷۲، ۲۷۹، ۳۱۵، ۳۲۰، ۳۲۷، ۳۴۰
 جادوان و پری‌ها "پئیریکا"، ۱۶۰
 جادوگر، ۲۵۰
 جادوگرها، ۱۴۱
- جادوگری، ۹۰
 جادوها، ۷۵، ۳۸۹
 جادوی تقلیدی، ۲۹
 جادوی سیاه، ۳۷۶
 جاده‌سازی، ۲۴۵
 جاده‌های سنگی، ۲۴۵
 جاده ساخته زمان "زُزودانه"، ۳۸۶
 جاماسپ، ۲۸۰
 جامعه آریایی، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۲۲
 جامعه هیتی، ۸۸
 جانشینان و خلفای زرتشت، ۱۸۳
 جان‌گرایی، ۱۲۵، ۱۳۴
 جاودانگی روح، ۱۲۹، ۱۹۱
 جبر و تقدیر، ۱۳۴
 جَبَل لبنان، ۲۳۹
 جُدا تن، ۶۶، ۶۷
 جدایی هند و ایرانی‌ها، ۱۳۵
 جُددینان، ۳۷۰، ۳۸۲
 جدام، ۳۹۰
 جراح، ۳۵۵، ۳۵۶
 جراحی، ۳۰۶، ۳۵۶، ۳۸۹
 جزایر ساندویچ، ۷۳
 جزیره ایرلند، ۱۱۶
 جزیره دلوس، ۲۹۹
 جزیره قبرس، ۲۸۶
 جسد کرکس خورده، ۷۳
 جسد مردگان، ۳۵۲، ۳۵۴
 جشن تولد، ۲۵۸
 جشن مهرگان، ۲۷۳
 جعفرآباد، ۱۹

۴۵۲ □ دین و فرهنگ ایرانی

جغرافیای شرق ایران، ۳۴۹	جغیان و ارواح، ۱۳۴
جگر قربانی، ۹۰	جو، ۱۳
جسم، ۵۶، ۵۸، ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۱۷۰، ۳۲۷، ۳۲۸	جوامع و سازمان‌های مادرشاهی، ۵۴
جم خوب رمه، ۳۲۷	جوان پانزده ساله زیبا، ۳۱۶
جم دارنده رمه خوب، ۱۷۰	جواهرسازی، ۳۴، ۱۹۲
چفدت نسر، ۳۱	جواهرسازی و زرگری، ۱۹۰
جم زیبا، ۶۱	جودوسر، ۳۴
جم زیبا پسر و یونگهوت، ۶۶	جو و گندم، ۳۴
جم زیبای خوب رمه، ۶۱	جهان آشه، ۳۳۲
جم زیبای و یونگهان، ۶۲، ۶۳، ۶۴	جهان دروغ، ۳۳۲
جمشید، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۴	جهان شر و تاریکی، ۱۴۱
۸۳، ۱۴۵، ۱۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۸، ۳۲۳	جهی، ۳۰۷، ۳۹۱
۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۴۹، ۳۵۰	جهی جادو، ۳۹۱
جمشید خوب رمه، ۶۴، ۳۲۷	جهیزیه، ۱۱۸، ۲۸۷
جمشید و ساختن غار، ۵۵	جیحون، ۹۳، ۲۱۸
جن، ۱۳۱، ۳۰۵، ۳۹۱	
جن زدگی، ۳۹۲	
جن زده، ۳۰۵	
جنگ افزارهای آریایی ها، ۱۱۱	چار پایان، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۶
جنگ اقتصادی، ۱۹۹	چار پایان قربانی، ۳۱۹
جنگ با آتن، ۲۲۴	چاقو، ۳۳، ۵۲
جنگ ترویا، ۲۵۰	چای، ۱۶
جنگ‌های اسکندر، ۱۲۳	چراغ تپه، ۱۹
جنگ‌های دریایی، ۲۴۵	چراغعلی، ۱۹
جنوب روسیه، ۱۰۱	چرخ، ۲۴، ۲۷، ۱۹۲
جن و پری، ۶۰، ۱۳۴	چرخ و نخیش، ۱۱۱
جن ها، ۳۸۹	چشپش، ۲۰۷
جن یا پری، ۳۰۵	چشم، ۳۸۳
جغیان، ۳۹۲	چشم بد، ۳۹۰
	چشم روز، ۱۴۰

"ج"

- چشمه زاینده پاک، ۲۶۸
 چک، ۸۸
 چگونگی ساختن غار یا ورجمشید، ۵۹
 چگونگی ساختن کاخ شوش در تخت جمشید، ۲۳۷
 چند شوهری، ۱۲۴
 چند همسری، ۱۲۴
 چوب، ۲۴۷
 چوب بُری، ۲۴۷
 چوب سدر، ۲۳۹
 چوب و گیاه، ۳۵۸
 چوب‌ها و گیاهان خوشبو، ۳۵۸
 چوب‌های سدر و سرو، ۲۷۰
 چوب یاکا، ۲۳۹
 چوغازنبیل، ۴۰
 چهار اسب، ۲۸۲
 چهار اسب سپید، ۳۴۶، ۲۷۷، ۲۷۲
 چهار تاقی‌ها، ۲۶۳
 چهار میخ، ۳۶۳
 چیستان، ۲۷۵
 چین، ۲۰۲، ۲۲
- "خ"**
- خارپشت، ۳۷۲، ۳۷۱
 خاک، ۳۵۵، ۱۸۰، ۱۴۲
 خاکستری، ۱۹۳
 خاندان سام، ۳۸۸، ۱۷۱
 خاندان نوذر، ۲۷۴
 خاندان ویس، ۲۰۶
 خانواده، ۱۳۴
 خانواده‌های آریایی، ۱۱۸
 خانواده آریایی، ۱۱۴، ۱۳۳
 خانواده بزرگ، ۱۱۵
 خانه "دمانه"، ۲۰۶
- "ح"**
- حایض، ۳۷۷
 حبشه، ۲۹۵، ۲۴۰، ۲۳۶
 حبشی، ۳۹
 حرکت ستارگان، ۲۱۶
 حصیر، ۳۵۷
 حفر قنات‌های زیرزمینی، ۲۴۶

خانه‌سازی، ۲۴، ۱۱۴	خدایان اصلی میتانی و هوری، ۸۵
خانه‌های وُر، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸	خدایان اوستایی، ۱۸۵
خانهٔ آریایی‌ها، ۱۲۱	خدایان بابلی، ۲۹۲
خانهٔ ائیریمه، ۳۹۲	خدایان تاریکی، ۱۶۳
خانهٔ زادگاه زرتشت، ۳۸۵	خدایان حیوانی، ۱۳۴
خایدالو، ۳۹	خدایان دوران آریایی پیش از زرتشت، ۳۰۳
ختیان، ۳۷، ۸۲	خدایان سیلنی‌ها، ۱۳۳
خداوند آسمان، ۱۴۰، ۱۴۷	خدایان شر، ۵۱، ۷۴
خداوند توفان، ۱۲۸	خدایان عمدهٔ هند و ایرانی، ۱۷۹
خداوند جنگ و پیروزی، ۱۴۰	خدایان و ایزد بانوان یونانی، ۱۳۳
خداوند رعد و برق، ۱۸۰	خدایان و دایی، ۱۲۵، ۱۲۶
خداوند شراب، ۱۴۰	خدایان و دیوان، ۶۸
خداوند فلزات، ۷۶	خدایان هندی، ۱۳۶
خداوندگار خورشید، ۱۶۹	خدایان هیتی‌ها و میتانی، ۱۲۶
خداوندگار رعد و برق، ۸۵	خدایان یونانی، ۱۶۵
خداوندگار رعد و توفان، ۸۷، ۸۸	خدایان یونانی و مردم، ۱۶۴
خداوند مهر و عهد و پیمان و نور، ۱۴۰	خدای باد، ۱۲۶
خداوند میترا، ۱۴۲	خدای بادهای سخت و توفانی، ۱۲۶
خدای آتش، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۸۱	خدای باران، ۱۲۶، ۱۵۴
خدای آزمایش ایزدی، ۱۸۵	خدای بزرگ آریایی، ۱۵۰
خدای آسمان، ۱۳۱	خدای بزرگ آسمان، ۱۴۹، ۱۵۴
خدای آسمان پاک و بزرگ، ۱۴۷	خدای پدر، ۱۴۸
خدای آفتاب، ۲۹۹	خدای توفان، ۷۴
خدای آفریننده، ۱۴۷	خدای توفان و بیغ بانوی همسر، ۸۴
خدای اژدها، ۱۲۵	خدای جنگ، ۱۸۶
خدایان آریایی، ۸۴، ۸۵، ۲۶۲	خدای رعد، ۱۲۸
خدایان آریایی پیش از زرتشت، ۱۸۰	خدای سومنا، ۱۲۵
خدایان آریایی‌ها، ۱۳۳	خدای شهرها توشا، ۸۶
خدایان آسیانی، ۹۴	خدای فلزات، ۷۷
خدایان اسکاندیناویایی، ۱۳۳	خدای کهن آریایی‌ها، ۱۴۹

- خداى مرگ و بيو، ۳۵۲
 خداى ميمون، ۱۲۵
 خداى نور و روشنايى، ۱۸۱
 خداى نور و صنعت و پيش گويى، ۱۵۰
 خداى نيك، ۳۷۱
 خر، ۲۵۸، ۲۴۸
 خرداد، ۳۰۶، ۳۰۴
 خرداد پشت، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۸۹، ۳۹۲
 خرده اوستا، ۲۶۸
 خرده مالكى، ۲۴۸، ۲۰۰
 خرزهره، ۲۵۷
 خرفشتر، ۱۴۱، ۷۶، ۳۷۲، ۳۷۷
 خرفشتران، ۳۷۱، ۳۷۲
 خرفشتر غنه، ۳۸۰
 خرم آباد، ۳۹
 خرو، ۳۶۶
 خروس، ۲۴۷
 خروس، پرنده مقدس، ۳۷۸
 خزوى. ذرو، ۱۴۱
 خزويگنو، ۳۶۶
 خزه ايران، ۳۲۵
 خريد و فروش برده، ۱۱۲
 خريد و فروش زن، ۱۲۴
 خزانه معابد و درآمدهاى حاصله از آن، ۴۷
 خزرى، ۳۷
 خسانتوس، ۲۵۰
 خشايارشا، ۲۱۶، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷،
 ۲۳۷، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۶۸، ۲۹۵،
 ۳۰۰
 خشت، ۲۳، ۶۰
 خشتاوى ها، ۳۱۱
 خشترو وثيريه، ۳۸۸
 خشترو سوک، ۲۷۹
 خشتريته، ۲۰۸، ۲۱۶
 خشت زن، ۱۹۶
 خشت زنى، ۲۳، ۲۷
 خشته وثيريه، ۷۶، ۳۷۸
 خشخاش، ۱۳، ۳۴
 خشک سالى، ۱۶۱، ۱۶۲، ۲۶۵، ۳۴۷
 خشک کردن با تلاق ها، ۲۴۶
 خشكى، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۷
 خشم خونين سلاح، ۳۶۵
 خط ايلامى مقدم، ۳۱، ۹۶
 خط تصويرى، ۳۰
 خط سومرى، ۹۵
 خط و زبان ايلامى، ۴۰
 خليج عمان، ۱۵
 خليج فارس، ۱۲، ۳۹، ۹۶
 خمره ها، ۵۲
 خنجر، ۱۹۲
 خوئنت و دئه، ۵۴
 خواجه سرايان، ۲۲۶
 خوارزم، ۲۳۹
 خود، ۱۱۱، ۱۹۲، ۱۹۴
 خود آفريده، ۳۸۶
 خود وزره، ۱۱۱
 خوداته، ۳۶۴
 خور، ۶۷
 خورشيد، ۲۲، ۷۸، ۸۶، ۸۸، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۸،
 ۱۴۰، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۸۰، ۱۹۳، ۲۵۶، ۲۸۱

دائر - گنجه‌شام - آشتونوی تی نام، ۳۶۴	۳۹۱، ۳۶۵، ۳۵۶، ۳۴۳، ۳۴۱
دائمه، ۵۵	خورشید آسمان، ۸۶، ۸۸، ۱۲۹
داتیس، ۲۹۹	خورشیدپرستی بابلی و مصری، ۲۶۶
داتیک، ۳۴۸	خورشید چشم، ۱۷۰
دادار آهورامزدا، ۶۴	خورشید نگرشنی، ۷۸
دادار جهان آستومند، ۶۷	خورشید و ماه، ۱۴۰
دادار گیتی آستومند، ۶۸	خورشید و ماه و ستارگان، ۳۰۹
دادار گیتی مادی، ۳۶۴	خُورِنَه، ۱۴۰، ۱۶۱، ۱۸۶، ۳۰۳، ۳۳۲
داد یا قانون شرع و ضد دیو، ۳۰۴	خُورِنَه / خُورَه، ۳۲۴، ۳۲۵
دار مستتر، ۲۷۴	خُورِنَه و دارندگان آن، ۳۲۶
دارو و درمان، ۱۳۲	خُورَه، ۱۴۰
داریوش، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳	خوزستان، ۱۵، ۳۹
۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱	خوش بختی زمین، ۷۱
۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۴، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵	خون دشتانِ دختری چشم آبی، ۳۷۶
۲۶۷، ۲۶۹، ۲۸۹، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸	خونیرث، ۳۴۲
۳۰۰	خُویَه‌آه، ۳۳۱
داریوش اول، ۳۶	خیتوک دَس، ۳۵۸
داریوش بزرگ، ۲۳۶	خُیون، ۳۳۱
داریوش دوم، ۲۲۷، ۲۲۸	خیون‌ها، ۱۱۵
داریوش و اهورامزدا، ۲۵۲	
داژو، ۳۹۰	
داستان پیدایش هوم، ۱۶۳	
داستان جم، ۶۸	
داستان جمشید، ۲۴، ۵۵، ۳۴۹	
داستان ویشته اورو، ۲۷۱	
داستان یوایشته، ۲۷۱	
داشته بانی، ۳۲۸	
داغ، ۶۶، ۶۷	
دامپزشکان، ۳۵۶	
دامغان، ۱۷، ۱۹، ۲۲	
	"د"
	دَینا، ۳۱۳، ۳۲۰، ۳۳۱
	دَینای مَزْدَیَسْنَا، ۳۳۱، ۳۲۲
	دَینای نیک مَزْدَیَسْنَا، ۱۴۴
	دَینای نیکو، ۳۳۲
	دَیو، ۵۵، ۱۸۰
	دَیو دَاثَه، ۳۶۴
	دَیو‌ها، ۳۶۵
	دَییره "بدچشمی"، ۳۸۳

درمان و پزشکی، ۳۸۸	دامونیش اوپمته، ۳۴۶، ۳۴۲، ۳۳۸
درمان و طبابت، ۷۶	دانشنامه ایران باستان، ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۶۳، ۱۰۲،
دژنگیان، ۲۱۸	۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۲۴، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۸۳،
دروپادی، ۱۲۴	۳۰۸، ۳۱۵، ۳۲۶، ۳۳۸، ۳۶۶، ۳۷۲،
دروج، ۲۸۹	۳۸۴
دروج نسو، ۳۶۰	دانوها، ۳۱۱
دروخش نسوش، ۷۷	دانی، ۳۲۸
دزوس، ۱۹	داوود، ۲۹۸
دروغ، ۱۴۹، ۲۶۵، ۲۸۹، ۳۳۲، ۳۳۸	دختر پاکیزه آزمزد، ۲۸۴
دروغ پرستان ورنه، ۳۴۳	دخشته کشتان، ۳۷۵، ۳۸۲
دروغگویان، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۷	دخمه، ۳۵۴
دروغگویی، ۲۶۱، ۳۳۹	دخمه نهادن، ۲۵۷
دروگردن، ۲۷	دخمه ها، ۷۸
دروگ، ۲۸۸	دراز دست، ۳۴۳
دزّه دجله، ۹۶	دراز سران، ۳۷
دزّه سند، ۳۰، ۳۷، ۱۲۰	دراویدی، ۱۲۰، ۱۲۵
دزّه کردستان، ۵۴، ۸۳	دراویدی ها، ۱۲۱
دریاچه ارومیه، ۱۴، ۱۹۳، ۲۰۵، ۲۰۹	دریاره خوش بختی و شور بختی زمین، ۶۸
دریاچه بهناور چینه چشته، ۲۷۹	دریاره دین هخامنشیان، ۲۴۹
دریاچه پیشینه، ۲۷۸	دریگی، ۷۲
دریاچه کتسه آبه، ۳۳۰	درخت، ۱۶۶
دریاچه ونگ هرزدا، ۳۲۹	درخت بودی، ۱۲۵
دریاچه هامون، ۳۳۰، ۳۸۵	درخت گئوگیرنه، ۱۶۶
دریاسالار فینیقی، ۲۲۵	درخت همه تخم، ۱۶۶
دریانوردان یونانی فینیقی و عرب، ۲۴۵	درد زنان در زایمان، ۲۷۲
دریای پوئی تیکه، ۳۵۲	درغو گو، ۳۴۳
دریای خزر، ۱۲، ۱۴، ۸۲، ۹۴، ۱۲۱	درفش، ۵۲
دریای سیاه، ۷۲، ۸۱	درمان با ادعیه و کلام مقدس، ۳۸۹
دریای قراخکورت، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱	درمان با کارد، ۳۸۹
۱۶۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۲، ۳۸۹	درمان با گیاهان دارویی، ۳۸۹

دندان، ۷۶	دریای فَرَاخْکَرَت "وَنور و کَنَه"، ۲۷۲
دندان‌ها، ۷۵	دریای وَنور و کَنَه، ۳۱۳، ۳۲۹، ۳۸۹
ذَنَر، ۳۷۷	ذریوی، ۷۵
دِق، ۱۸۰	دری‌ویکه، ۳۶۷
دو جاودانی "هُوزَوَنات / آمِرِ تات"، ۳۴۴	دزدان، ۱۶۲، ۱۷۳
دوران آریایی مقدّم، ۳۲۶	دژ زیرزمینی افراسیاب، ۲۷۸
دوران باران، ۱۸	دست اورنجن‌ها، ۳۴، ۵۲
دوران خشکی و بی‌آبی، ۲۲	دست‌شو، ۳۸۱
دوران شبانی، ۱۹۷	دست‌مزد اجراکنندگان مراسم تطهیر، ۳۶۲
دوران نوسنگی، ۲۰	دستمزد پزشکان، ۳۵۶
دوزاوَشَه، ۱۶۷	دستمزدهای جنسی، ۲۴۶
دوراون تاشی، ۴۸	دست یاره، ۵۲، ۱۹۱
دوروکَه، ۳۹۰	دَشْتان، ۱۴۶، ۳۲۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۲
دوره تاریخی ایلام، ۳۸	دشت بین‌النهرین، ۳۵
دوره تاریخی یونان، ۱۱۲	دشت سوزیانا، ۱۵
دوزخ، ۳۲۸، ۳۶۸، ۳۸۸	دشت کویر، ۱۵
دوژ دَئِشَر، ۳۹۰	دشت لوت، ۱۵
دوژکَه، ۳۷۱	دشت‌های اوراسی، ۸۱
دوژو چَنگَه، ۳۷۲	دشت‌های فلات، ۳۲
دوستار پریان، پری دوست، ۳۲۸	دعای تطهیر، ۳۶۶
دو سگ که با سبان پل چینوت پل "پشو پانه"، ۳۷۳	دَعْدو، ۳۲۵
دو گوهر مینوی، ۱۷۶	دفترچه تقدیر، ۱۵۵
دولت ماد، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۱۷	دفن اموات، ۳۵۶
دولت مقدونی، ۲۲۸	دفن دسته‌جمعی مردگان، ۱۸
دومزیل، ۱۸۱	دفن کردن، ۱۴۲
دومینو، ۳۱۴	دفن مردگان، ۱۸، ۲۲، ۱۹۱، ۳۵۱
دَهاک، ۱۴۵، ۳۲۳	دفن موقت، ۳۵۸
ده‌اوس، ۱۸۰	دفن-نسا "لاشه، میت"، ۷۶
دهقانان، ۱۹۹، ۲۴۸	دماوند، ۱۳
	دَمَرگان، ۲۱

- دهقانان آزاد، ۲۴۸
 دهوا، ۱۸۰
 ده هزار چشم، ۳۳۸، ۳۳۷
 ذهبو، ۲۰۶
 دیاوس، ۱۲۶، ۱۴۷، ۲۵۶
 دیاوه، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۸۱
 دیاکو، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۶
 دیاکوس، ۲۰۶
 دیانت آریایی، ۱۸۲، ۱۸۴
 دیانت آریایی‌ها، ۱۳۸
 دیانت آریایی هندوان، ۱۳۱
 دیانت ایرانی، ۸۳، ۱۳۷
 دیانت ایرانی پیش از زرتشت، ۲۰۲
 دیانت در عصر هخامنشی، ۲۶۲
 دیانت زرتشت، ۲۵۱
 دیانت ناگاہا، ۱۲۵
 دیانت و پرستش هیتیان، ۸۶
 دیانت و دای ابتدایی، ۱۳۰
 دیانت و زندگانی بومیان قدیم فلات، ۴۹
 دیگر یغان، ۲۶۵
 دین اصیل زرتشتی، ۲۹۰
 دین اهورایی، ۵۶
 دین اهورایی زرتشتی، ۶۱، ۱۷۹، ۳۱۹
 دین ایرانی، ۵۱
 دین بهی، ۲۵۱، ۳۴۲
 دین زرتشت، ۵۵، ۱۸۷، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۶۲
 ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۷۶، ۲۸۳، ۲۸۹، ۳۳۱
 دین زرتشتی، ۱۲۷، ۱۳۸، ۱۶۶، ۱۸۵، ۲۵۰
 ۲۶۵، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۴۶، ۳۶۹، ۳۷۹
 دین زرتشتی شرق در ماد، ۲۹۰
- دین ساده و اؤلیه زرتشت، ۲۵۱
 دین قدیم آریایی، ۱۸۹
 دین قدیم آریایی‌ها، ۱۸۵
 دین قدیم ایرانی، ۲۵۱، ۳۰۳
 دین قدیم ایرانی پیش از زرتشت، ۳۰۳
 دینگرد، ۳۴۸، ۳۶۸
 دین مزدایی، ۲۸۲
 دین مزدتسنا، ۱۵۸، ۱۶۱
 دین مزدتسنی، ۶۸، ۳۱۷، ۳۲۰
 دین مسیح، ۲۸۳، ۲۸۴
 دین مغان، ۳۷۱
 دین نیک مزدتسنی، ۱۷۳
 دین نیکوی مزدپرستی مغان، ۳۵۷
 دیو، ۵۵، ۶۲، ۱۳۱، ۱۸۰، ۳۶۴، ۳۸۴، ۳۸۵
 دیوان، ۷۴، ۷۵، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۸۰،
 ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۲، ۲۷۹، ۲۸۸، ۳۲۳، ۳۴۳
 ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶
 ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۵
 ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۲
 دیوان آریایی، ۱۸۰
 دیوان پلید، ۷۴، ۷۶
 دیوان در اوستا گروه خدایان آریایی
 می‌باشند، ۱۷۹
 دیوان مازانی، ۳۷۸
 دیوان ورنه، ۳۴۲
 دیوان و شیاطین، ۷۵
 دیوانه، ۶۵، ۶۷
 دیوان یا خدایان متقدم آریایی، ۲۵۲
 دیو بادبد، ۳۶۵
 دیو بد، ۳۷۱

۴۶۰ □ دین و فرهنگ ایرانی

دیو لاشه مردگان، ۳۶۱، ۳۶۸	دیو بوئی تی، ۳۸۴، ۳۸۷
دیو لاشه مرده، ۳۶۳، ۳۶۶	دیو بوش نُنشته، ۳۸۱
دیو مرده، ۳۶۱، ۳۸۵	دیو پئی تیشه، ۳۸۷
دیو مرگ، ۳۵۲، ۳۶۴، ۳۸۷	دیو پرست، ۳۳۷
دیو موت، ۳۶۰	دیو پرستان، ۲۷۴، ۳۵۵
دیو میت، ۳۶۶	دیو پرستان دوزکّه، ۳۷۲
دیو ناوَنگ هَنیث یَه، ۳۸۷	دیو پرستی، ۱۷۱
دیو نر، ۳۸۱	دیو پلیدی و خشکی، ۱۵۷
دیو نَسو، ۳۵۴، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۴	دیو پیری، ۷۵
۳۶۸، ۳۷۰، ۳۸۵، ۳۸۶	دیو تَنوروی، ۳۸۷
دیو نیسوس، ۴۴، ۱۲۷	دیو تاریکی، ۲۶۵
دیو وَرَنیه، ۳۶۵	دیو خشکی، ۱۵۷، ۱۵۸
دیو ویرانی، ۷۵	دیو خشم، ۷۵، ۱۴۱، ۳۴۳، ۳۶۶، ۳۸۷
دیو ویزر شه، ۳۸۶	دیو خواب، ۳۴۳، ۳۸۱
دیوها، ۷۵، ۷۷، ۱۶۲، ۱۸۵، ۲۵۳، ۲۷۱، ۳۰۷	دیو خواب و خلسه، ۳۶۶
۳۱۲، ۳۳۱، ۳۵۶، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۷۷، ۳۸۲	دیو ذَنبوی، ۳۸۷
۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹	دیو دروج، ۳۷۷، ۳۸۰، ۳۸۴
دیوهای پلید، ۷۵	دیو دروغ، ۲۷۲
دیوهای پلیدی، ۷۷	دیو ذریوی، ۳۸۷
دیوهای گیلان و دیلم، ۳۶۵	دیو دیوان، ۳۸۷
دیو یَسنان، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۸	دیو دیوها، ۷۵
۲۸۹، ۳۳۱، ۳۴۰، ۳۴۶	دیو زئیریم یَنگور، ۳۷۲
دیو یَسنان تورانی، ۱۴۶، ۳۲۳	دیو زدایی، ۷۷
دیو یَسنی، ۳۱۹، ۳۲۰	دیو زدگی، ۳۶۱
ذبح اسب، ۱۳۰	دیو زده، ۳۶۰، ۳۸۰
ذوالفقار، ۳۴۶	دیو زمستان، ۷۵
ذوب مس و ریخته گری، ۳۲	دیوس، ۱۲۶
	دیو سَنورَو، ۳۸۷
	دیوکس، ۲۰۸
	دیو کَسوی، ۳۸۷
	دیو لاشه، ۳۵۵، ۳۶۱

و

راجه، ۱۲۱

- رادهاکریشنان، ۱۳۰
 راز و رمزهای آیین میتراپی، ۱۸۹، ۲۵۱
 راست‌گویی، ۲۶۰
 رامایانا، ۱۲۴، ۱۳۰
 رام‌نِشت، ۲۶۸
 راه‌اهورایی، ۵۶
 راهبه، ۲۷۰
 راه‌های دریایی، ۲۴۵
 راه‌هوز، ۶۲، ۶۳
 رباخواری، ۱۱۰
 رب‌النوع آسمان، ۱۸۱
 رب‌النوع تندر و توفان، ۸۸
 رب‌النوع توفان، ۱۵۵
 رب‌النوع خورشید، ۸۵
 رب‌النوع رعد و برق، ۸۵
 رب‌النوع عناصر طبیعی، ۸۵
 رب‌النوع مادر، ۲۹
 رب‌النوع نعمت و فراوانی، ۹۱
 رُنجح، ۲۱۸، ۲۴۰
 رذ، ۶۸، ۱۷۸
 رستاخیز، ۱۴۲
 رستاخیز زرتشت، ۲۷۲
 رستم، ۱۶۹
 رسم اختیار چند شوهر، ۱۱۹
 رسم بیرون گذاشتن مردگان، ۶۸
 رسم پارس‌ها و تدفین، ۲۵۵
 رسم دفن مردگان، ۵۰
 رسم قربانی، ۲۷۳، ۳۸۳
 رسم مغان و افکندن اجساد نزد درندگان، ۲۵۵
 رسم‌های مختلف در گورنهادن، ۴۹
 رسوم مغان درباره رفتار با مردگان، ۳۵۱
 رشک دیو آفریده، ۱۷۰
 زشن، ۳۱۸، ۳۰۳، ۱۸۵، ۳۴۴
 زشنو، ۱۴۰، ۱۸۵، ۳۴۰، ۳۴۷
 زشنوی بزرگوار، ۱۴۴، ۳۲۲
 زشن‌نِشت، ۳۰۳
 زج، ۲۹۶، ۲۹۹
 زعد، ۱۴۸
 زعد و برق، ۱۳۸، ۱۵۳
 رفتار با گناه‌کاران و پیران، ۶۸
 رقص، ۲۹
 رقصندگان، ۲۹
 رنگ، ۲۰۶
 رنگ‌شنجرف، ۲۳۹
 رنگ‌کردن جسد با اکسید آهن، ۵۱
 رنگ‌کردن مردگان، ۴۹
 رنگه، ۲۸۰
 رنگ‌ها، ۲۷، ۱۹۲
 روابط جنسی با پسران، ۲۶۰
 رواج سکه، ۲۴۵
 روان جانوران بزی، بحری، پرنندگان،
 چرندگان و خزندگان، ۳۱۳
 روان چهارپایان، ۳۱۳
 روان سگ پس از مرگ، ۳۷۳
 روان گناهکاران، ۳۸۶
 روایات پهلوی، ۱۸۳
 روایات داراب هرمزدیار، ۱۷، ۱۸۳، ۳۶۳،
 ۳۷۰، ۳۶۸
 روایت همیت [امید] آشاهیشنان، ۱۸۳

۴۶۲ □ دین و فرهنگ ایرانی

روح، ۴۴، ۵۱، ۵۲، ۷۸، ۱۳۴	روح دینی هخامنشیان، ۲۵۱
روحانیان مَزْدَیَسْنَا، ۲۹۰	روح زندگی اشتراکی، ۳۶
روحانیان و پیشوایان بدآموز، ۳۰۷	روح قربانی کردن پارس ها برای آب، ۲۶۹
روح ایرانی، ۲۴۳	روح گاو‌داری، ۱۰۶، ۱۰۸
روح زرتشتی‌گری، ۲۹۰	روح گله‌داری، ۱۰۷
روح نیکوکار، ۳۸۶	روح مذهبی هیتیان، ۸۹
رود آوژدان و ن، ۳۲۹	روح مصنوعی آب یاری، ۱۶
رود دانی تی، ۲۷۸	روشنایی، ۱۵۳، ۱۸۰، ۱۸۲
رود دانی ثیا، ۱۴۶، ۲۸۱، ۳۲۳	روشنی بی پایان، ۳۶۴
رود دَرَجَه، ۳۸۵	روشنی های خود آفریده، ۶۷
رودرا، ۱۲۶	روح های آب یاری، ۲۴۶
رود زَنگَه، ۲۸۰	روکسانا، ۲۱۹
رود فرات، ۸۳	روم، ۱۰۴، ۱۵۲، ۱۸۹، ۱۹۹، ۲۲۶، ۲۸۵، ۲۸۷
رود نیرومند پاک، ۲۶۸	روم باستان، ۱۲۸
رود نیل، ۱۰۳، ۲۷۵	رومی، ۱۵۰، ۱۶۴، ۲۶۴، ۲۷۰
رود ونگوهی، ۱۵۹	رومی های باستان، ۱۳۷
رود ویشنگوهنی تی، ۲۸۰	ری، ۱۷
رودهای فرات و دجله، ۱۰۳	زیتا، ۱۲۹، ۳۲۰
رود هیرمند، ۱۹۳، ۳۳۰	ریخته‌گری، ۳۲، ۳۳
روزه‌داری، ۱۸۳	ریست. آخیز، ۱۴۲
روزه و روزه‌داری، ۳۵۲	ریشه کهن گاوپرستی، ۸۷
روسا، ۲۲۱	ریگ‌ودا، ۵۴، ۱۲۳، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۹، ۱۴۷
روسپی، ۳۹۱	۱۴۹، ۱۵۰، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۸۰، ۲۶۷
روسیه، ۱۰۴	۲۶۸، ۳۱۴
روسیه جنوبی، ۱۴، ۸۱	
روش پدرشاهی، ۱۱۴	
روش تدفین، ۷۱	
روش تطهیر، ۳۸۶	
روش خانه‌سازی، ۲۵	
روش دینی ساکنان بومی فلات، ۲۵۵	
	"ز، ژ"
	زَنوَتَر، ۳۴۴، ۳۴۶
	زَنوَزوا، ۳۸۷
	زنوس، ۱۲۶، ۱۸۰، ۲۵۶

- زئیری، ۳۶۵، ۷۵
 زئیریه، ۳۸۷
 زئیزی میاکه، ۳۷۲
 زئی نی گوی دز گوئند، ۳۳۱
 زائر، ۳۶۹، ۳۴۴، ۳۴۳، ۳۳۷، ۳۲۶، ۳۲۷، ۲۷۳
 زاگروس، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۹۲، ۹۳، ۹۴
 زامبیکه "دختر قباد"، ۳۷۶
 زامیاد، ۳۰۳
 زامیادینشت، ۳۰۳، ۳۲۵
 زبان، ۳۸۳
 زبان ایرانی، ۲۱۲
 زبان ایلامیان، ۳۹
 زبان پهلوی، ۱۳۲
 زبان سانسکریت، ۱۲۸، ۱۵۰
 زبان سومری، ۳۹
 زبان مقدس مذهبی، ۲۹۰
 زبان و خط ایلامی مقدم، ۹۶
 زبان هند و اروپایی، ۱۰۷
 زبان هندی، ۱۸۰
 زبان یونانی، ۱۴۷
 زراشت نامه، ۲۵۱
 زرتشت، ۱۱، ۱۴، ۵۶، ۶۱، ۶۸، ۷۰، ۷۴، ۷۷، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۹۰، ۲۹۴، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۱
- زرتشت اسپنتمان، ۳۱۵
 زرتشت، بنابر متون شرقی، ۱۳۲
 زرتشت پاک، ۱۷۱، ۳۱۷، ۳۲۹، ۳۳۰
 زرتشت پیامبر ایران باستان، ۲۵۱
 زرتشت و آهورامزدا، ۳۹۱
 زرتشتوم، ۳۱۰
 زرتشت و مهر، ۲۶۲
 زرتشت و یکتاپرستی او، ۲۵۲
 زرتشتی، ۲۵۱، ۲۵۲، ۳۱۴، ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۴۵
 ۳۸۰، ۳۷۹، ۳۶۷
 زرتشتیان، ۲۷۳، ۳۰۶، ۳۸۰
 زرتشتیان مزدئینا، ۳۰۴
 زرتشتی پسین، ۱۳۸
 زرتشتی گری شرق و غرب فلات، ۲۸۹
 زرتوشتر، ۱۸۶
 زرگری، ۳۴، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۹۲
 زرنگ، ۲۱۸
 زروانی، ۱۳۸
 زروان یک معمای زرتشتی گری، ۳۷۶
 زروانی /میتراپی، ۱۳۸
 زروبابل، ۲۹۲، ۲۹۸
 زره، ۱۱۱
 زریر، ۲۸۱، ۲۸۲
 زَم، ۲۵۵، ۲۵۶
 زمان زرتشت، ۱۳۶، ۲۵۱
 زمان سوگواری، ۳۶۹
 زمان هخامنشیان، ۲۸۷، ۲۸۹
 زمین، ۵۶، ۵۸، ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۸۶

زن سالاری، ۸۸	۱۱۲، ۱۲۶، ۱۳۸، ۱۴۷، ۱۵۵، ۱۷۴، ۱۷۸
زن و مرد آشه، ۳۶۵	۱۸۰، ۲۳۹، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۸، ۲۸۱
زو، ۱۵۵	۳۰۹، ۳۴۳، ۳۵۲، ۳۶۵، ۳۷۴، ۳۸۳، ۳۸۸
زوت، ۳۴۴، ۳۴۶	۳۹۰، ۳۹۱
زُوز، ۱۵۹، ۱۶۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۸۰	زمین آهورا آفریده، ۱۵۹، ۳۲۹
۳۱۰، ۲۸۱	زمین خوش بخت، ۷۰
زُوز، با هوم به شیر آمیخته، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۰	زمین فراخ و گسترده آهورا آفریده، ۳۰۹
زُوز به شیر آمیخته، ۲۷۷	زمین و آسمان، ۱۲۶
زُوز و با هوم آمیخته به شیر و برسم، ۳۰۷	زن، ۲۰، ۵۴، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۵، ۲۸۶
زُوز و هوم به شیر آمیخته، ۳۲۶	زنان، ۲۰، ۳۳، ۳۴، ۵۳، ۷۲، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۴
زهدانِ زنان، ۲۷۷	۲۷۱، ۲۸۱، ۲۸۶، ۳۰۹، ۳۹۱
زیام - دژو دایم، ۳۸۷	زنان و دختران، ۳۳
زیربغل چپ، ۳۶۱	زنان هرزه، ۱۴۶، ۳۲۴
زیربغل راست، ۳۶۱	زنای با محارم، ۱۲۴
زیگورات، ۴۱، ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۴۸	زنای مقدس، ۲۸۵، ۲۸۶
زیگورات "چوغازنبیل"، ۴۴	زنای مقدس در بابل، ۲۸۲
زیگوراتها، ۴۳	زن بد، ۱۶۲، ۳۹۱
زیست مردگان با اشیاء سیمین و زرین و سنگ‌های گران بها، ۵۲	زن بدکار کُخوردَه، ۳۹۱
زیویه، ۱۹	زن بدکاره، ۳۹۱
زُرمین ها، ۲۱۱	زنیور عسل، ۹۱
زُوبیتر، ۴۳	زن حیاض، ۳۷۷
	زن دشتان، ۳۷۵، ۳۷۷
	زندگانی پسین، ۵۰
	زندگانی طبقاتی اجتماع، ۱۹۵
	زندگی پس از مرگ، ۴۳، ۵۰
	زندگی پس از مرگ، ۱۹۱
	زندگی چادر نشینی، ۳۵۷
	زندگی زرتشت، ۱۳۲
	زن ریایی، ۱۲۴
	زن روسپی، ۲۸۵

"س"

سَینی، ۳۰۵
 سَنوزو، ۳۶۵، ۷۵
 سَنومه، ۱۲۶، ۱۴۰، ۱۵۶
 سَنومه هندوان، ۱۶۳
 ساحره، ۳۶۷

- ساختمان زیگورات، ۳۸
 ساختمان غار، ۵۹
 ساختنِ آجر، ۲۳، ۲۳۹
 ساختنِ بناها و معابر، ۲۴۷
 سارد، ۲۳۹، ۲۴۰
 ساردس، ۲۲۸
 ساردی‌ها، ۲۴۰
 سارروز، ۱۹۳
 سارنشته، ۳۹۰
 سارگون، ۳۸، ۳۹، ۲۰۶
 سازنه، ۳۹۰
 سازمان خانوادگی، ۱۱۴، ۱۱۵
 سازمان‌های آریایی، ۱۲۱
 سازمان‌های پدرشاهی، ۲۰
 ساسانی، ۷۸، ۲۷۰، ۳۸۹
 ساسانیان، ۱۵، ۱۱۰، ۱۸۳، ۲۵۱، ۲۶۹، ۳۴۸
 ۳۷۶، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۴
 ساکنان بدوی بین‌النهرین، ۵۳
 سالامیس، ۲۲۵
 سالنامه‌های آشوری، ۲۰۵
 سالنامه‌های پادشاهان آشور، ۲۰۰
 سامتوری، ۲۹۶
 ساموس، ۲۱۹
 سامی، ۳۷، ۳۹، ۷۷، ۸۸، ۱۰۱، ۲۷۴
 سامی‌ها، ۱۰۹، ۱۹۹، ۲۸۷
 سانسکریت، ۱۲۱، ۱۲۷، ۳۲۰
 ساونگهی، ۱۷۹
 شبانه. ویژدز. اوزوی شرم، ۳۷۱
 سپاه خشایارشا از چهل و شش ملت
 مختلف، ۲۳۸
- سپر، ۱۱۱، ۱۹۲
 شپینا آزمتی‌تی، ۱۴۴، ۳۲۲
 شپیتامینو، ۳۱۱
 سپتیمان، ۱۷۰
 سپتیمان زرتشت، ۱۵۹
 شپینته‌مینو، ۳۲۸
 شپین جغز، ۷۵، ۳۸۶
 شپینداؤمت، ۶۲، ۶۳
 شپیندارمذ، ۵۷، ۵۸، ۲۶۸، ۳۸۵
 شپیندارمذ مادرِ آزته، ۳۲۰
 شپی تامه زرتشت، ۱۴۴، ۳۲۲
 شپی تمه زرتشت، ۶۸
 شپینه گئونه، ۱۷۵
 شپی تیوره، ۳۲۹
 سپیده‌دم دختر، ۱۸۲
 ستارگان، ۶۷، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۸۰، ۲۸۱، ۳۶۴
 ۳۶۵
 ستارگان و ماه و خورشید، ۳۱۲
 ستاره باران، ۱۴۱
 ستاره پئوئیریه‌ئی‌ئی‌ئی‌ئی، ۱۶۰
 ستاره تیشتر، ۱۴۱، ۱۵۹
 ستاره ستورئسه، ۳۱۲
 ستاره قلب‌الاسد، ۱۵۷
 ستاره مشتری، ۴۳
 ستاره وئنت، ۱۶۰
 ستاره هفتوزنگ، ۱۶۰، ۳۱۳
 شناسپه، ۲۴۵
 ستایش و پرستش خورشید، ۲۲
 ستوران، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۶
 شته. آته. پسنپه، ۳۴۵

سرشک، ۳۶۷	شته‌اژساز، ۱۷۵
سرمای "دیو داده"، ۳۸۷	شته‌وئسته، ۱۶۰، ۱۵۹
سرنوشت روح، ۳۸۶	ستیز زرتشت و اهریمن، ۳۸۴
سرنوشت‌گرایی آریایی، ۱۳۴	سحر و جادو، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۹۰، ۱۲۵، ۱۲۹
سرنوشت و تقدیر، ۹۰	۲۵۰، ۱۳۴
سرنوشت یا تقدیر، ۱۳۴	سخن ایزدی، ۳۱۷، ۳۱۵
سرود ستایش برای ارواح، ۵۱	سد در نثر، ۳۶۸، ۳۷۰
سرود ستایش زمین، ۳۲۵	سد در نثر و سد در بندهش، ۱۸۳
سرود گاهان، ۱۶۹	سیدره، ۳۸۲
سرودهای ریگ‌ودا، ۱۶۵	سدرهٔ چرمی، ۲۱۱
سرودهای زرتشت، ۱۰۶، ۱۰۶، ۳۶۴	سد گره و سد تیغه، ۳۴۳
سرودهای گانایی، ۳۸۶	سزائنه، ۱۴۰، ۳۴۰
سرودهای ودایی اوستایی، ۱۴۹	سزائنه و زشنو و میترا پسرانِ آهورامزدا، ۳۲۰
سرور دانا، ۱۴۰، ۱۸۱، ۲۹۷	سزائنه، ۱۸۵
سروش، ۱۴۰، ۱۴۹، ۱۸۵، ۳۲۰، ۳۴۴، ۳۸۰	سُرب، ۱۷، ۲۴
۳۸۱	سرب، ۳۶۱
سروش ایزد، ۳۸۱	سرپرست ور و آزمایش‌های ایزدی، ۱۷۱
سروش پاک، ۱۴۴، ۳۲۲، ۳۴۰، ۳۸۱، ۳۸۶	سر تراشیدن، ۳۷۷
سروش نیک، ۱۷۴	سرخ‌پوستان، ۴۷
سفال، ۲۶، ۴۶	سرخ تیره، ۱۹۳
سفال ساخت، ۲۴	سردرد، ۳۹۰
سفال‌سازی، ۲۷، ۳۳	سرزمین آریایی، ۱۶۰
سفال‌گری، ۳۱	سرزمین ایران، ۱۲، ۳۲۵
سفر پیدایش، ۳۸	سرزمین ماد، ۲۰۵
سَقَز، ۲۱۲	سرزمین‌های آریایی، ۲۷۸، ۲۷۹
سقط جنین، ۱۲۴، ۳۷۵	سرزمین‌های مادی، ۲۱۱
سقوط بابل، ۲۱۸	سر سکه، ۳۶۷
سکاه‌ها، ۷۳، ۱۹۲، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹	سزئش‌واتی، ۲۶۷
سکته، ۳۸۹، ۳۹۱	سرشار از فَر، ۳۸۴
سکوی قربانی، ۴۶	

- سکه، ۲۴۶
 سکه‌های مسین، ۱۲۳
 سکه مقدس، ۲۸۶
 سگ، ۶۹، ۱۱۳، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۵
 سگ آبستن، ۳۷۵
 سگ آبی، ۳۷۴
 سگان، ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۳۷۳
 سگ پاسبان خانه، ۳۷۳
 سگ پشوپانه، ۳۷۳
 سگ خاردار سر بهن، ۳۷۱
 سگ دارای روح، ۳۷۳
 سگ دست آموز، ۳۷۳
 سگ زرد چهار چشم، ۳۵۸
 سگ سفید زرد گوش، ۳۵۸
 سگ شکاری، ۳۷۳
 سگ گله، ۳۷۳، ۳۷۵
 سگ نامه، ۳۷۰
 سگ نگهبان خانه، ۳۷۵
 سگ ولگرد، ۳۷۳
 سگ‌ها، ۷۳، ۳۷۲، ۳۷۵
 سگ‌های آبستن، ۳۷۵
 سلاح‌های جنگی، ۱۹۰
 سلام کردن، ۲۵۹
 سلسله جبال البرز، ۱۳، ۱۴
 سلسله جبال زاگروس، ۱۳، ۹۶، ۱۰۳
 سلسله مراتب خدایان، ۴۶
 سیناخریب، ۲۰۶، ۲۰۷
 شناویذ که‌ی شاخدار، ۳۲۸
 سنجاق‌ها، ۱۹۱
 سندیان، ۱۳، ۲۳۹
 سنگ بلور، ۳۳
 سنگ پربهای لاجورد، ۲۳۹
 سنگ تراش، ۱۹۶
 سنگ تراشان، ۱۹۴
 سنگ سماق خاکستری، ۲۹۶
 سنگ فلاخن، ۳۷۸
 سنگ قیمتی فیروزه، ۲۳۹
 سنگ لاجورد، ۳۳
 سنگ نوشته‌های داریوش، ۲۵۶
 سنگ‌های آسمانی، ۱۵۹
 سنگی به بزرگی یک کتّه، ۳۸۵
 سونگرننگ، ۳۶۸
 سوریا، ۹۴، ۱۲۶
 سوریه، ۸۲، ۲۰۶، ۲۱۸
 سوزاندن مردگان، ۱۴۲، ۳۵۹
 سوزیانا، ۳۶، ۲۲۲
 سوسمار، ۱۶۶
 سوشیانت، ۳۲۶، ۳۸۵
 سوشیانت‌ها، ۱۴۳، ۳۲۱، ۳۲۷
 سوشیانت‌های زاده شده، ۳۲۷
 سوگواری، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹
 سوگواری و شیون، ۳۶۷
 سومما، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۴۰، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۶۹
 سوماترا، ۷۳
 سومای هندی، ۱۶۵
 سوم جاودان، ۱۶۹
 سومر، ۹۰، ۱۲۰
 سومری، ۱۷، ۳۸، ۴۵، ۷۴، ۷۵

- سومریان، ۳۸، ۴۳، ۷۴
 سومری‌ها، ۱۷، ۳۸، ۲۱۰
 سوؤرای زرین، ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۶۷
 سه نوع اسب نر، ۳۹۲
 سیاست خارجی، ۲۴۸
 سیاست خارجی هخامنشی، ۸۵
 سیاست خارجی هخامنشیان، ۲۳۷
 سیاست داریوش در مصر، ۲۹۷
 سیاست مذهبی، ۲۳۷
 سیاست مذهبی داریوش در مصر و یونان،
 ۲۹۹
 سیاست مذهبی کوروش و داریوش، ۲۹۱
 سیاست مذهبی هخامنشیان، ۲۴۸
 سیاست یهودیها در سقوط خشایارشا، ۲۲۶
 سیاوش، ۱۴۵، ۳۲۳، ۳۳۰
 سیاه، ۱۹۳
 سی‌تا، ۱۲۶
 سیحون، ۲۱۸
 سیردریا، ۲۱۸
 سیستان، ۲۴۷
 سی ضربه تازیانه، ۳۴۵
 سیلان، ۱۲۴
 شیَلک، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۳۰، ۵۲، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۶
 شیَلک کاشان، ۱۹۱، ۱۹۵
 سیم، ۲۴
 سیندو، ۱۲۷
 سینه چپ، ۳۶۱
 سینه راست، ۳۶۱
 سی‌نی‌والی، ۲۶۷
 سی و سه، ۱۵۱
- سی و سه پروردگار، ۱۵۱
 سی و سه خدا، ۱۵۱
- "ش"**
- شاپور، ۳۷۶
 شاخ گاو، ۱۶۶
 شاخه‌های هوم، ۳۱۹
 شاش گاو، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۷۷
 شاش گاو نر، ۳۶۰
 شاش گاو و خاکستر، ۳۵۳
 شاش گاو و گوسفند، ۳۵۸
 شانزده کشور، ۳۴۹
 شانه چپ، ۳۶۱
 شانه راست، ۳۶۱
 شاهان اولیه هخامنشی، ۲۹۹
 شاهان هخامنشی، ۲۵۵، ۲۹۸
 شاه اورارتو، ۲۲۱
 شاه بابل، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۹۱
 شاه بزرگ پارس‌ها، ۲۹۲
 شاهد بازی در ادبیات فارسی، ۱۲۴
 شاهزاده تاریکی، ۱۶۴
 شاه‌زن، ۱۱۹، ۲۲۶
 شاه‌مادها و پارس‌ها، ۲۲۴
 شاهنامه، ۲۷۴
 شاهنشاهان هخامنشی، ۸۴، ۲۵۱، ۲۵۲
 شاهنشاهی ایلام، ۹۶، ۹۷
 شاهنشاهی بزرگ ایلام، ۹۶
 شاهنشاهی بزرگ پارس، ۲۱۵
 شاهنشاهی بزرگ هخامنشی، ۲۴۰

- شکارورزی، ۲۳، ۶۹، ۷۰
 شکاروزان، ۷۰
 شکل زرتشتی دین در شاهنشاهی
 هخامنشی، ۲۵۲
 شیلمانتر سوم، ۲۰۵
 شمال، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۸، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۸۴
 شمال اروپا، ۱۱۸، ۱۳۴
 شمسی آداد پنجم، ۲۰۵
 شمش، ۹۴، ۱۶۹
 شمشیر، ۵۷، ۵۸، ۱۱۱، ۱۹۲
 شمیسا سیروس، ۱۲۴
 شوت روک ناهون ته، ۹۵
 شوت روک - ناهون ته اول، ۹۶
 شورش یهودیان، ۲۹۵
 شوریاش، ۹۴
 شورایشن، ۹۴
 شوش، ۱۶، ۳۰، ۳۱، ۳۶، ۳۹، ۴۰، ۴۸، ۹۶،
 ۹۷، ۲۲۲، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۶۳، ۲۶۷،
 ۲۷۰
 شوستر، ۱۹
 شهر آکی لی زن، ۲۸۴
 شهر "ایز"، ۲۸۳
 شهر مردگان، ۱۹۱
 شهر ناز، ۱۴۵، ۳۲۳
 شهر هاتوشا، ۸۸
 شهرهای یونانی، ۲۱۷
 شهر یور، ۳۸۵
 شهسواری، ۱۳۵
 شیر، ۸۶، ۲۷۳
 شیراز، ۱۷
 شاهنشاهی پارس، ۱۴
 شاهنشاهی ساسانیان، ۲۲۶، ۲۵۱
 شاهنشاهی ماد، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۶، ۲۹۰
 شاهنشاهی هخامنشی، ۲۲۳، ۲۳۷، ۲۵۰،
 ۲۹۳، ۲۶۴
 شاهین پرکش و تیز پر، ۳۱۶
 شایست ناشایست، ۳۸۳
 شبدر، ۲۵۷، ۳۸۳
 شبستان شاه، ۲۲۶
 شب سوم از درگذشت، ۳۸۶
 شپش، ۷۵، ۳۷۸
 شپیک "سدره، پیراهن شب"، ۳۸۲
 شتر، ۱۴۴، ۲۵۸، ۲۹۸، ۳۲۱، ۳۳۰، ۳۵۶، ۳۶۳
 شتر مرغ، ۲۸
 شتری نیرومند، ۳۱۶
 شخم زدن، ۱۲۱
 شخم کردن، ۲۷
 شراب، ۲۵۸
 شراب مسکر هوم، ۳۸۳
 شراب مقدس هوم، ۱۷۶
 شرایع ضد دیو، ۷۱، ۷۶، ۱۱۸
 شرایع مغان، ۲۶۹
 شربت مقدس، ۳۴۷
 شریعت زرتشتی، ۱۸۶
 شست و شو، ۳۴۵
 شست و شوی خشک با خاک، ۳۶۱
 شش نوع عهد و پیمان، ۳۵۱
 شکارگران، ۲۹
 شکار و دامداری، ۷۱
 شکارورز، ۲۹

۴۷۰ □ دین و فرهنگ ایرانی

صیغه، ۲۶۰	شیر و هوم، ۲۸۰
صیغه و مُتعه، ۱۱۹	شیره سوما، ۱۲۹
صیغه‌ها، ۱۱۹	شیره گیاه مقدس سوما، ۱۲۶
ضحاک، ۳۶، ۱۴۵، ۱۵۶، ۲۷۸، ۳۲۳، ۳۷۲	شیره گیاه هَنوَمَه، ۱۶۵
۳۸۵	شیره گیاه هوم هدیه خدایان و قهرمانان، ۱۶۳
ضحاکیان، ۳۶	شیره هوم، ۲۷۳، ۲۷۴، ۳۴۴، ۳۸۳
ضد آفرینش، ۳۴۹	شیره هوم به شیر آمیخته، ۲۷۴

"ط، ظ"

طباب، ۷۶	شیل‌هاک - این شوشی‌ناک، ۹۵، ۹۶
طبقات اجتماعی، ۱۱۴، ۱۹۵	شیون و زاری، ۳۶۷، ۳۶۹
طبقه اول اشراف و فرمانروایان، ۱۱۲	شیون و مویه، ۳۶۸
طبقه جادوان و ساحران، ۱۲۵	شیوه اشتراکی در زندگی اقتصادی، ۳۶
طبقه خواص و نجبا، ۱۹۶	
طبقه دوم عامه مردم، ۱۱۲	
طبقه عوام، ۱۹۶	
طبقه کارگر و کشاورز، ۲۵۸	
طبقه مغان، ۱۸۴، ۲۶۲	
طبیعت پرستی محض، ۱۳۷	
طبیعت‌گرایی، ۲۸	
طرز دفن، ۵۰	
طریق اهدای فدیه، ۳۴۴	
طریق نور خورشید، ۵۷، ۵۸	
طریقه دخمه کردن، ۳۵۴	
طلا، ۴۱، ۴۶، ۲۲۷	
طلاق، ۱۱۹	
طلا و نقره، ۲۴۷	
طلای ایران، ۲۲۸	
طلب باران، ۳۹۰	

"ص"

صاعقه، ۱۵۵، ۱۵۶
صحرای سیستان، ۱۹۳
صد دروازه، ۱۷
صدقات، ۳۸۶
صدقه، ۳۸۱، ۳۸۲
صد و یک نام خداوند، ۱۵۱
صراط "پل"، ۱۴۱، ۳۸۸
صُرْع و عَش، ۳۰۵
صعود به آسمان، ۴۵
صنایع فلزی، ۲۴۷
صنعت فلزکاری، ۱۰۹، ۱۱۱
صنعت کشتی‌سازی، ۲۴۷
صیدون، ۲۳۶

- ظرف: گِل ساخت، ۲۴
 ظرفی ویژه که از آهن یا سرب باشد، ۳۶۰
 ظروف سفالین، ۴۸
 ظروف شیلک، ۱۹۴
 ظروف گلی، ۱۹۴
 ظروف نقره‌یی و طلائی، ۴۸
- "ع، غ، خ"**
- عادات و رسوم پارس‌ها، ۲۵۵
 عالم شز، ۱۴۱
 عالم نور، ۱۴۱
 عبادت آتش، ۳۷۹
 عباسیان، ۳۴۸
 عدد هفت، ۱۵۱
 عربستان، ۱۲۳
 عروس دزدی، ۱۲۴
 عروسی، ۱۱۸، ۱۲۴
 غسل، ۲۴۸
 عصر آریاییِ مقدم، ۳۲۱، ۳۲۴
 عصر زرتشت، ۲۴۹
 عصر طلائی یونان، ۲۲۷
 عصر هخامنشی، ۲۵۳
 عصر هندو ایرانی، ۳۱۴
 عصبان و غائله گنومات مغ، ۲۲۰
 عطردان، ۵۲
 عطرها، ۱۲۳
 عظمت هنر ساختمانی زمان داریوش و خشایارشا، ۲۴۲
 عقاب، ۹۱، ۱۶۹
- عقاید ویژه مغان، ۳۶۴
 عقیق، ۱۷، ۳۳، ۲۳۹، ۲۴۷
 عقیق، ۶۵، ۶۷، ۱۴۶، ۳۲۴
 علام الغیوب، ۱۴۸
 علت سقوط ساسانیان، ۲۱۶
 علم پزشکی، ۳۰۶
 علوم خرافی، ۱۱
 عناصر چهارگانه، ۲۶۸
 عهد اوروک چهارم، ۳۱
 عهد خشک، ۱۸
 عهد مفرغ، ۲۰۰
 عهد و پیمان، ۱۵۰، ۱۸۹، ۳۳۷، ۳۵۱
 عهد هخامنشی، ۲۶۹
 عید قربان، ۲۷۳
 عیسوی، ۲۶۶
 غائله گنومات، ۲۲۰
 غار، ۵۹، ۶۰، ۱۵۶، ۳۵۰
 غارها، ۲۳
 غروی - مهدی، ۲۲
 غزه، ۲۱۹
 غسل، ۳۴۵، ۳۵۳، ۳۵۸، ۳۷۷
 غسلی درست با شاش گاو نر، ۳۸۶
 غسلی مرده کشان، ۳۵۸
 غسلی منس میت، ۷۷، ۳۵۷
 غسل منس میت با شاش گاو، ۳۵۸
 غسل و شست و شوی مهر آیینان، ۳۴۵
- "ف"**
- فارسی جدید، ۳۶۲، ۳۷۰

فَرَوَزَنی، ۱۴۱، ۳۰۳	فتح بابل، ۲۹۲
فَرَوَزَنیش، ۲۰۸، ۲۲۲	فتح لیدیه، ۲۱۷
فَروردین یَشت، ۵۱، ۳۰۸	فحشا و روسپی‌گری، ۱۲۴
فروش زمین، ۱۲۲	فَر، ۱۴۰، ۱۴۵، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹
فروش و یا مبادله زمین، ۱۲۲	۳۳۰
فَرَوَشی، ۱۴۱، ۳۰۳، ۳۰۸، ۳۱۰	فَر آشکارا به پیکر مرغ یا پرنده، ۳۲۷
فَرَوَشی آمشاسپندان، ۳۱۳	فَر اَشکَوَت، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۶، ۳۱۳
فَرَوَشیان، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۳۷، ۳۴۲	فراعنه، ۲۲
۳۴۴	فراعنه مقتدر مصر، ۸۳
فَرَوَشیان آشه، ۳۰۹	فرانسه، ۱۸۰
فَرَوَشیِ اهورامزدا، ۳۱۳	فرانک‌ها، ۲۱۱
فَرَوَشیِ پاکِ جم و یونگهنه، ۶۲	فَر اَوَرِس، ۲۰۸
فَرَوَشیِ سوشیانت‌ها، ۳۰۹، ۳۱۳	فَر ایرانی، ۳۲۵
فَرَوَشیِ ها، ۵۱، ۳۰۸، ۳۱۳	فَر نَوَرِس، ۳۴۹
فَرَوَشیِ هایِ پاک و توانایِ پارسایان، ۳۱۰	فَر دست‌نیافتنی، ۳۲۹
فَرَوَشیِ یَشت، ۵۱، ۳۰۳	فرشتگان، ۸۶، ۱۵۶، ۱۵۷، ۳۶۹، ۳۸۱
فَرَوَهَر، ۵۱	فرشته باران، ۱۵۸
فَرَوَهَرِ پاکِ زرتشت سَپَنتمان، ۱۷۷	فَر شَکَوَت، ۱۴۲
فَرَوَهَرها، ۱۴۱، ۳۱۳	فرعون، ۲۲، ۲۲۰، ۲۳۶، ۲۷۵
فَرَوَهَرهایِ پاکان، ۳۰۹، ۳۸۳	فرعون مصر، ۲۱۹
فَرَوَهَرهایِ پاک و نیرومند، ۳۱۴	فَر کِرِت، ۳۴۹
فَرَوَهَرهایِ سودبخش نیرومند پاکان، ۳۱۲	فَر کِرِنت، ۳۴۹
فَرَوَهَرهایِ نازرده نرنجیده توانایِ پاکان،	فَر کیانی، ۲۷۸، ۳۰۳، ۳۲۶، ۳۳۰، ۳۴۲
۳۱۲	فَر کیانیِ مزدا آفریده، ۳۲۶، ۳۲۷
فَرَوَهَرهایِ نخستین استادان دین، ۳۰۹	فَر کیانیِ نیرومند، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۱
فَرَوَهَرهایِ نیرومند پاکان، ۳۱۲، ۳۱۳	فَر کیانیِ نیرومند مزدا آفریده، ۳۳۱
فروید، ۱۲۴	فَر مزدا آفریده، ۳۴۲
فرهاد چهارم، ۲۷۰	فَر نیرومند مزدا آفریده، ۳۲۸، ۳۳۰
فرهنگ ایرانی، ۲۸۳	فَر نیکِ مزدا آفریده، ۳۱۵
فرهنگ نام‌های اوستا، ۲۷۹	فَر وِذگ و فَرَوَهَر، ۳۰۸

- فرهنگ و اساطیر یونانی، ۱۴۷
 قز یا خزر شاهی، ۳۲۵
 فریدون، ۳۶، ۱۴۵، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۸، ۳۲۷، ۳۲۵، ۳۲۳، ۳۱۸، ۲۷۹
 فریدونیان، ۳۶
 فریزر، جیمز، ۱۳۰
 فریفتار، ۶۷، ۶۵
 فشرده هوم، ۳۱۹
 فثوتنت، ۷۰
 فقه اللغة ایرانی، ۳۶۸
 فلات ایران، ۱۲، ۱۴، ۱۷، ۲۴، ۲۹، ۳۱، ۵۳، ۱۵۷، ۱۳۶
 فلزات، ۳۲، ۳۳، ۳۹، ۵۲، ۱۱۱، ۲۴۷، ۳۸۸
 فلزکاری، ۳۲، ۱۹۰، ۱۹۲
 فلزگداخته، ۳۲۲
 فلستین، ۸۲، ۲۴۷، ۲۹۲
 فلسفه فدیة و هدایا و قربانی، ۱۶۳
 فیروزه، ۱۷، ۳۳، ۳۴، ۲۴۷
 فیلیپ، ۲۳۶
- ق**
- قاجاریه، ۱۵
 قالب‌ریزی، ۲۹
 قالب‌گیری، ۲۹
 قانون ضد دیو، ۱۸۳، ۳۵۷، ۴۷۷، ۳۸۰
 قانون ضد زرتشتی، ۳۵۳
 قانون یا شریعت ضد دیو، ۵۵، ۳۴۸
 قباد، ۳۷۶
 قبایل آریایی، ۱۱۱
 قبایل ماد، ۲۱۶
 قبر، ۱۹۱
 قبرس، ۲۴۷، ۲۸۶
 قبرستان، ۳۵۶
 قبرها، ۳۵۶
 قبور، ۲۱، ۲۲
 قبور مصری، ۲۲
 قتل پدرومادر، ۲۶۱
 قدرت زیانکاری و تخریب دشتان، ۳۷۶
 قربان‌گاه، ۴۲، ۴۶، ۲۵۶
 قربانی، ۴۲، ۴۶، ۵۱، ۸۹، ۹۰، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۴۸، ۲۱۶، ۲۵۶، ۲۵۷، ۳۱۹، ۳۸۲
 قربانی حیواناتی مانند گاو، اسب، شتر، گوسفند، ۱۴۰
 قربانی کردن، ۳۷۹
 قربانی و قربان‌گاه‌ها، ۳۸
 قربانی و نثار، ۱۳۰
 قربانی و نذور، ۱۲۵
 قربانی و هدایا، ۸۴
 قربانی‌ها، ۸۵
 قربانی‌ها و هدایا، ۴۷
 قربانی‌های انسانی، ۱۳۰
 قربانی‌های خونین، ۱۴۲، ۲۷۳، ۳۰۰
 قرض دادن با بهره، ۱۱۰
 قرمز، ۱۹۳
 قرنطینه، ۳۶۲، ۳۷۷
 قزوین، ۱۷
 قصه‌های مذهبی یهودیان، ۲۷۴
 قصه مذهبی یهودیان، ۲۷۱، ۲۷۵

کارگران، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸	قفقاز، ۱۴، ۸۳
کارگران روزمزد، ۱۹۸	قفقازی، ۳۷
کاریان، ۳۷	قلع، ۱۷، ۲۴۷
کاسپی‌ها، ۷۲، ۳۷۰	قلعه آتن، ۲۲۴
کاسه‌گری، ۲۴	قلعه دیزان، ۳۷۶
کاسی، ۹۴	قم، ۱۷
کاسیان، ۱۳، ۳۷، ۸۳، ۹۳، ۹۵، ۱۲۱	قمار، ۱۲۳، ۱۳۵
کاسی‌ها، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵	قندهار، ۲۳۹
کاشان، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۱۹۰، ۱۹۳	قوانین راجع به سگ، ۳۷۱
کاشت جو، ۱۲۲	قوانین سومری، ۸۹
کاشت گندم، جو، مو و زیتون، ۲۴۸	قوانین و احکام مردگان، ۳۵۸
کاش شو، ۹۴	قوانین هیتی‌ها، ۸۹
کاشو، ۹۴	قوج، ۳۲۵
کاشی، ۹۴	قوج کوهی، ۲۸
کافر، ۳۷۰	قوم گوتی، ۵۴، ۸۳
کافران، ۳۷۰، ۳۸۲	قوم ماد، ۲۱۰
کافر، گمراه "آشموغ"، ۳۶۹	قوم هندو ایرانی، ۱۳۹
کاووس، ۳۲۵	قونیه، ۸۸
کاهنان مصری، ۲۵۷	
کیوتر، ۳۷۶	
کیوتر سفید، ۲۴۷	
کیشتی، ۳۶۷	
کتاب احکام و شرایع، ۷۸	
کتاب "سحر و جادو"، ۱۲۶	
کتاب شرایع ضد دیو، ۴۹	
کتاب شرایع مزدینسان، ۱۲۶	
کتاب شرایع مغان، ۳۷۷	
کتاب شرایع و احکام مزدینسان، ۳۰۴	
کتاب قوانین و شرایع ایرانی، ۸۹	
کتاب مردگان، ۴۵۸	
	کابل، ۹۳
	کابین یا مهر، ۱۱۸
	کاخ شوش، ۲۳۹
	کادوسیان، ۲۳۶
	کارتازیان، ۳۰۰
	کارد، ۳۰۶، ۳۷۸
	کارد پزشکی، ۳۵۵
	کارد پزشکی "جراحی"، ۳۸۸
	کارد جراحی "خششتر و تیریته"، ۱۷، ۳۸۸

"س"

- کتب مقدس هندوان، ۱۳۶، ۱۶۹
 کته، ۶۵، ۶۶
 کته‌سیاس، ۲۶۹
 کتیبه‌های آشوری، ۲۰۸
 کتیبه‌های اردشیر دوم و سوم، ۱۸۷
 کتیبه‌های داریوش، ۲۵۴
 کتیبه‌های هخامنشی، ۱۲۹، ۲۸۸، ۳۲۰، ۳۶۷
 کتیبه داریوش، ۲۳۷، ۲۵۴
 کتیبه شوش، ۲۶۷
 کتیبه کانال سوثر، ۲۹۹
 کج دندان، ۶۵، ۶۷
 کخوزی، ۳۹۱
 کز ماهی، ۱۶۶
 کزین، ۱۸۷
 کزین / کزپ، ۱۳۲
 کزین‌ها، ۱۷۲، ۲۷۹، ۳۱۵، ۳۲۰، ۳۲۷، ۳۷۹
 کزرت، ۳۰۶
 کزرتو-بیشتر، ۳۵۵، ۳۵۶
 کزرتیان، ۳۷
 کزرتیر، ۲۲۶، ۳۶۳
 کرج، ۱۹۳
 کردار نیک پارسان، ۳۸۶
 کردستان، ۱۹
 کرساسپ، ۱۷۱
 کرساسپه، ۱۷۱
 کرسانی، ۱۷۳
 کرسوزده، ۳۳۰
 کرسوس، ۲۱۷
 کزسیوز، ۳۳۰
 کرساسپ، ۲۷۸
 کرشاسپ نریمان، ۱۷۱
 کزوشترها، ۳۱۱
 کرکس، ۷۳، ۲۷۹
 کرکسان، ۲۷۳
 کرکس زرین رنگ، ۳۱۷
 کرکوک، ۹۶
 کرمان، ۲۳۹، ۲۴۷
 کرمانشاه، ۱۹، ۲۰۵
 کریستن سین، ۱۸۴، ۱۸۵، ۲۷۱
 کریشنا، ۱۲۸
 کش پی، ۳۷
 کشتیک، ۳۸۱
 کسئوفون، ۲۶۳
 کسوی، ۷۵
 کسویش، ۳۸۷
 کته‌آبه، ۳۸۵
 کشاورز، ۲۹
 کشاورزان، ۱۵۴
 کشاورزی، ۲۳، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۱۰۵، ۱۰۹،
 ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۴، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۶
 ۲۱۰، ۲۴۶، ۳۵۱
 کشتی، ۱۶۰، ۳۸۰، ۳۸۱
 کشتی‌سازی، ۲۴۵
 کشتی‌های تجارتنی، ۲۴۶
 کشنده ورتز، ۱۵۵
 کشور اهورایی، ۱۷۸
 کشورهای آریایی، ۳۱۹، ۳۳۸
 کشیش، ۲۸۳، ۲۸۴
 کفاره‌گناه، ۳۷۲
 کف پاها، ۳۶۱

کوره، ۲۷	کلام اهورایی، ۳۰۶
کوره‌ها، ۱۹۲	کلام ایزدی، ۱۷۳، ۳۵۶، ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۹۱
کوره‌های ذوب فلزات، ۳۲	کلام مقدّس، ۳۰۷، ۳۱۴، ۳۳۹
کوزه‌گر، ۲۹	کلام مقدّس ایزدی، ۳۹۲
کوزه‌گران، ۱۹۲، ۱۹۴	کلاه خود، ۱۹۴
کوزه‌گری، ۲۵، ۲۷، ۳۰، ۱۱۱، ۱۹۲، ۱۹۳	کلبه‌های چوبی، ۲۳
کوزه‌گری و نقاشی، ۱۹۰	کلبه‌های حصیری یا نمدی، ۲۳
کوسایوبی، ۹۴	کلدانی، ۲۶۶
کوشژبته، ۱۷۵	کلده، ۲۱۲
کوکنار، ۳۸۹	کُلیمشس آلکساندریوس، ۲۶۶
کوشن فرانتس، ۱۸۹، ۲۵۱	کلیسا، ۲۸۲، ۲۸۴
کونده، ۳۸۶	کلیساها، ۴۶
کونده-کوندی، ۳۶۶	کمان، ۳۷۸
کوندبزه، ۳۶۶	کمان و کمانکشی مهر، ۳۴۶
کوه، ۲۳۹، ۳۹۲	کعبوجیه، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۹۱، ۲۹۲
کوه آرزوزره، ۳۸۸	۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۶
کوه ایزبقیه، ۲۷۹	کعبوجیه و روش سیاست مذهبی او، ۲۹۵
کوهان، ۱۴۴	کَنگه، ۲۷۹
کوه اوشیدم، ۳۳۰	کنیزان الاهی عشق و باروری، ۲۸۶
کوه‌ها، ۲۳، ۱۷۴، ۲۷۸	کَوَیم. خَوَرَنُو، ۳۲۵، ۳۲۶
کوه‌های البرز، ۱۴	کوتاه قد، ۶۷، ۶۵
کوه هرا، ۱۴۵، ۲۷۲، ۲۷۸، ۳۲۳	کوتیر-ناهون‌ته، ۹۵، ۹۶
کوه هرا/البرز، ۳۳۸	کوروش بزرگ، ۱۹۴
کوه هَکَر، ۲۷۷	کوروش، ۸۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۱
کوی آپیوه، ۳۳۰	۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۴۳، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۹
کوی آژسن، ۳۳۰	۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۸
کوی اوسدن، ۳۳۰	کوروش اول، ۲۰۷
کوی بیزشن، ۳۳۰	کوروش کوچک، ۲۸۷
کوی پی‌سینه، ۳۳۰	کوروش یا موعود قوم یهود، ۲۹۱
کویت، ۱۵	کوروغه، ۳۹۰

گاهاها، ۱۷، ۱۵،	کویر، ۱۷، ۱۵،
۱۸۷، ۱۸۶، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۰۶، ۶۰،	کوی سیاوژشته، ۳۳۰
۱۸۹، ۲۰۶، ۲۵۶، ۲۶۴، ۲۷۳، ۳۰۶،	کوی. کواته، ۳۳۰
۳۶۲، ۳۶۴، ۳۸۴،	کوی ویشناسپ، ۳۳۲، ۳۳۱، ۳۲۳، ۱۴۶،
کاداتیس، ۲۸۹،	کوی هتوشزوه، ۳۳۰، ۲۷۹،
گاسانیک، ۳۴۸،	کوی ها، ۳۷۹، ۳۲۷، ۳۲۰، ۳۱۵، ۲۷۹، ۱۷۲،
گاو، ۸۶، ۸۷، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۵۵،	کهرکتاس، ۳۸۰،
۱۷۷، ۲۴۸، ۲۵۸، ۳۵۶، ۳۹۰،	کهکشان، ۳۸۶،
گاو آپیس، ۲۹۶، ۲۹۹،	کهن ترین خدای آریایی، ۱۴۷،
گاو آهن، ۳۶۳،	کهن ترین دوران آریایی، ۱۳۷،
گاو ان، ۶۵،	کهن روزگار، ۱۵۳،
گاو بالدار با سر انسانی، ۲۴۱،	کیاکسار، ۲۰۸،
گاو پرستی، ۸۶،	کیاکسارس، ۲۰۶،
گاو داری، ۱۰۷،	کیان پشت، ۳۲۵،
گاو دزد، ۱۵۴،	کی خسرو، ۳۳۱، ۳۲۵، ۳۲۳، ۲۷۹، ۱۴۵،
گاو دزدان، ۱۵۴،	کیش اهورایی، ۲۷۱،
گاو دزدی، ۱۱۸،	کیش بهی، ۲۸۸، ۲۰۲،
گاوستان، ۶۵،	کیفر قتل سگ و انسان، ۳۷۱،
گاو مقدس، ۲۹۵،	کیفر قتل سگ و مرد آشه، ۳۷۱،
گاو نر، ۸۷، ۱۲۸، ۳۶۳،	کی کاوس، ۳۱۸، ۲۷۹،
گاو نر ایزدی، ۱۲۵،	کی گشتاسپ، ۳۲۳، ۲۸۲، ۲۸۱، ۱۴۶،
گاو نر زیبا، ۳۱۵،	کیجری ها، ۲۰۷،
گاو واسب و هوم، ۱۷۷،	
گاو ها، ۱۵۵،	
گاو های نر بالدار با سر های انسانی، ۲۴۲،	
گاو ی با شاخ های زرین، ۱۶۰،	
گاه شماری و جشن های ایران باستان، ۳۰۸،	
گراز، ۳۴۶،	
گراز / وراز، ۳۴۲،	
گراز تیز دندان، ۳۱۶،	
گردن آویز ها، ۳۴،	
	گئوتمه، ۳۰۹،
	گئوش اوزون، ۳۱۹،
	گئو کیرنه، ۳۸۹، ۱۶۶،
	گئومات، ۲۹۱، ۲۶۳، ۲۲۱، ۲۲۰، ۳۶،
	گئومات مغ، ۲۱۶،

س

گشتاسپ، ۲۲۱	گردن‌بندها، ۵۲
گفت‌وگویی زرتشت و آهورامزدا، ۵۵، ۳۵۰	گردونه، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷
گیلِ آخرا، ۵۱	گردونه ایزدبانو آناهیتا، ۲۷۷
گلذنر، ۳۶۸	گردونه مهر، ۳۴۶
گله‌داران، ۱۵۴	گرز، ۳۳۲، ۳۴۶، ۳۴۷
گله‌داری، ۱۰۹، ۱۲۲	گرز ایزد مهر، ۳۴۶
گله‌داری چارپایان اهلی، ۱۰۹	گرز خون‌آلوده، ۱۴۱
گناهان بی‌توبه، ۳۷۴	گرز خونین، ۳۳۲
گناه بی‌توبه "مرگ ارزان"، ۳۷۷	گرز سد تیغه و سد گره، ۳۴۶
گناه پیمان‌شکنی، ۳۵۲	گرز شکننده ایستادگی، ۳۳۱
گنجینه اوستا، ۳۴۸	گرز زمان، ۳۲۸
گنذار، ۲۳۹	گرزها، ۱۴۳
گنذرروی زرتین پاشنه، ۲۷۳، ۲۷۸، ۳۲۸	گرشاسپ، ۳۲۸
گندزدایی، ۳۵۹	گرشاسپ نریمان، ۳۲۸
گندم، ۱۳، ۷۵، ۲۲۷	گرفتن ناخن "آداب و مراسم"، ۳۷۷
گوبی، ۱۵	گرگ، ۳۸۲
گوتی‌ها، ۴۰	گرگان، ۲۱۸، ۲۲۱
گور، ۵۰، ۱۹۳، ۱۹۵	گرگ نژادان، ۳۰۷
گورستان، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۶، ۳۵۶	گرگ‌ها، ۷۳
گورستان عمومی، ۱۹۰	گرزنامه، ۳۲۶، ۳۴۵
گور کردن مردگان، ۷۲	گروه مغان، ۷۸
گور مردگان، ۲۱	گره گوری، ۲۸۴
گورها، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۷۸، ۱۹۱، ۱۹۴	گره گوری ایلومیناتور، ۲۸۳
گورهای مردگان، ۲۱	گره گوری مبلغ مسیحی، ۲۸۲
گوسپند، ۲۴۸	گریستن مغان بر مرگ سیاوش، ۳۶۹
گوسپندداری، ۱۰۶	گریه و زاری، ۳۶۷
گوسپندی قربانی کنند به رنگ سپید یا هر	گریه و شیون و زاری، ۳۶۸
رنگ زیبایی دیگر برای ایزد بهرام، ۳۱۹	گزند مردگان، ۷۸
گوسپندی که یکسر یا سیاه باشد یا سپید،	گزیده‌های زانث‌سنیم، ۱۶۶
۱۶۲	گشتهم، ۲۷۴

- گوسفند، بز، ۴۶
 گوشت سگ، ۳۰۰
 گوش چپ، ۳۶۱
 گوشواره، ۲۱۲
 گوشواره‌ها، ۱۹۱، ۳۴
 گوشواره‌های چهارگوش زرین، ۲۸۲
 گوش یشت، ۱۶۵
 گومیز، ۳۵۳
 گه‌آ، ۱۴۷
 گیان، ۱۹۳
 گیاهان، ۳۱۴، ۳۱۲، ۳۰۹
 گیاهان دارویی، ۳۰۶، ۳۵۶، ۳۸۸، ۳۸۹
 گیاهان درمان‌بخش، ۳۹۱
 گیاهان و میوه‌های بومی ایران، ۲۴۶
 گیاه درمان‌بخش، ۳۸۹
 گیاه زاینده‌گی، ۱۶۹
 گیاه مقدس، ۳۸۳
 گیاه مقدس بزّسم، ۳۸۰
 گیاه مقدس سوما، ۱۲۷
 گیاه مقدس "هوم"، ۱۲۷، ۱۵۷
 گیاه و درخت، ۳۶۵، ۳۷۷
 گیاه ولادت، ۱۶۹
 گیرشمن، ۱۹۰
 گیلان، ۱۹، ۳۴۲
 گیمیرای، ۲۰۷
- لاجورد، ۱۷، ۳۴، ۲۰۰
 لاشهٔ سگ و مردآشه، ۳۷۱
 لاشهٔ مردگان، ۳۵۲
 لاشهٔ مرده، ۳۵۶
 لاک‌پشت، ۳۷۲، ۳۷۴
 لباس ایرانی، ۲۱۱
 لبنان، ۲۳۹
 لرستان، ۱۳، ۱۹، ۳۹، ۹۳، ۱۹۳، ۲۰۷
 لشکرکشی خشایارشا به یونان، ۲۵۰
 لک‌لک، ۲۸
 لواط، ۱۲۴، ۳۵۸
 لودیا، ۲۱۷
 لولویی، ۴۰
 لهجهٔ گاناها، ۲۹۰
 لهجهٔ اوستایی، ۲۹۰
 لهجهٔ یشت‌ها، ۲۹۰
 لیدی، ۲۸۶
 لیدیایی‌ها، ۲۸۷
 لیدی، ۲۱۲، ۲۱۷
 لی‌کی‌یان، ۳۷
 لی‌کی‌یه، ۵۴
 لیمو، ۱۶

"م"

- منوئیری - دانش‌کوشه، ۳۸۴
 ماد، ۱۷، ۳۹، ۱۸۶، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۱۸،
 ۲۲۲، ۲۲۸، ۲۹۰
 ماداکتو، ۳۹
 مادز زمین، ۶۳

"ن"

- نئوناردوولی، ۳۸
 لاتینی، ۱۸۰

مجازات قتل انواع سگ‌ها، ۳۷۰	مادرشاهی، ۸۸، ۲۰
مجوسان، ۲۲۰	مادها، ۱۱، ۱۴، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸،
مجوسیان، ۲۴۹	۲۱۰، ۲۱۲، ۲۲۴، ۲۶۰، ۳۷۰، ۳۷۱
مُخْتَلِم، ۳۸۱	ماده دیو دروج، ۳۸۱
محل اجتماع دیوها، ۲۱۰	مادی، ۱۸۶، ۲۰۵، ۲۶۹، ۲۹۹
مخترع خط، ۳۰	مادیان، ۲۰۵
مدت زمان سوگواری، ۳۶۹	مادی‌ها، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۲۱، ۲۴۰
مدخل دوزخ، ۳۸۸	مار، ۲۸، ۷۶، ۹۱، ۱۲۵، ۱۵۵، ۳۷۴، ۳۸۲، ۳۸۴
مدیترانه، ۳۷	مار بزرگ، ۹۱
مدینه فاضله، ۵۹	مارپرست، ۱۲۰
مذاهب پارس‌ها، ۱۳۹	ماردینوس، ۲۲۵
مذاهب قدیم ایران، ۱۳۹	ماروت، ۹۴
مذهب آریایی، ۱۳۹	ماروتاش، ۹۴
مذهب آریایی‌ها، ۱۳۲	مازوتاش، ۹۴
مذهب ایلامیان، ۳۸، ۴۶	مالکیت و زمین، ۱۱۴
مذهب ودایی، ۱۲۸	مالکیت‌های عمده، ۲۰۰
مراسم پادیابی تطهیر، برشنوم، ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۳	مالیات، ۱۹۸
مراسم پرراز و رمز تطهیر، ۳۵۶	مانثر شپته، ۳۹۱
مراسم تطهیر، ۳۵۴، ۳۶۱، ۳۶۲	مانثر-تیشتر، ۳۵۶
مراسم تطهیر "برشنوم"، ۳۶۰	مانثر شپته، ۳۹۲
مراسم ستایش و یزشن مهر، ۳۴۶	مانی، ۳۶۳
مراسم سرایش ادعیه دینی، ۳۴۵	مانیش توسو، ۳۹
مراسم سگدید، ۳۵۷، ۳۵۸	ماوراءالنهر، ۹۳
مراسم سوگند، ۱۷۱	ماه، ۶۷، ۱۴۱، ۱۸۰، ۲۵۵، ۲۵۶، ۳۶۵
مراسم شست‌وشو و غسل، ۳۴۵	ماهی "کر"، ۱۶۶، ۳۱۷، ۳۸۶، ۳۸۹
مراسم فدییه و میزدهوم، ۱۷۸	مأمون، ۳۴۸
مراسم قربانی، ۴۲، ۲۵۸، ۲۶۳، ۳۸۳	مبادله کالا، ۱۲۳
مراسم قربانی اسب، ۱۳۰	متخصص در امر تسخیر دیو، ۳۶۳
مراسم قربانی برای آب، ۲۶۹	متعه‌ها، ۱۱۹
	متون پهلوی، ۱۱۵، ۱۳۸

- مزدوک، ۹۶، ۹۷، ۱۵۵، ۲۹۳، ۲۹۴
 مرده کَش، ۳۵۸
 مرده بی دین و گمراه، ۳۷۰
 مرده سگ و انسان، ۳۵۹
 میرزی، ۳۸۶
 مَرُشُونَه، ۳۸۴، ۳۸۷
 مرغ، ۳۸۱
 مرغ بهمن، ۳۷۸
 مرغ پُرْدَزَش، ۳۸۰، ۳۸۱
 مرغ سَنَبَه، ۳۱۸
 مرغ شاهین، ۳۱۶
 مرغ کُوشِیپ تُو، ۶۸
 مرغ وارغنه، ۳۲۷، ۳۲۸
 مرگ ارزان، ۷۸، ۱۷۷
 مرگ بی هنگام، ۳۸۸
 مرگ گاو مقدس آپیس، ۲۹۶
 مرگ نابه هنگام "سکنه"، ۳۸۹، ۳۹۰
 مرمر، ۴۸
 مَرُو، ۳۰، ۲۱۸
 مرو دشت، ۲۰
 مَرُدا، ۱۴۳، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۸۶، ۳۱۱
 مزدانیان، ۳۴۴
 مَرُدا آفریده، ۱۶۶، ۳۲۶، ۳۶۵
 مَرُدا - آهورا، ۱۵۰، ۱۸۱، ۳۳۱
 مزداپرست، ۲۷۳، ۳۳۷، ۳۵۶
 مزداپرستان، ۷۴، ۷۶، ۹۱، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۳
 مزداپرست زرتشتی، ۱۷۹
 مزداپرستی، ۱۴۱، ۲۸۳
 مزداپرستی پیش از زرتشت، ۱۷۹
- مراسم قربانی و عبادت برای اهریمن ایزد، ۱۶۴
 مراسم کشتی بستن، ۳۸۲
 مراسم مذهبی ایلامی، ۴۲
 مراسم مذهبی و اهدای قربانی پارس ها، ۲۵۷
 مراسم نثار، ۱۳۲
 مراسم نیایش یا همخوانی ادعیه میتراپی "سَماع"، ۳۴۶
 مراسم و قواعد تطهیر، ۳۷۱
 مراسمی درباره آماده کردن گیاه هوم، ۱۶۸
 مراکز تجارتی در شهرها، ۲۰۱
 مرال، ۲۸
 مرتبه خدایگانی فَرُوشی ها، ۳۰۹
 مرتی به، ۲۲۲
 مرد آشه، ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۸۱
 مردان آشه، ۳۷۸
 مرد بد چشم، ۳۹۰
 مردگان، ۴۳، ۴۴، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۷۱، ۷۲، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۱۳۴، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۵۷، ۳۶۸، ۳۵۷
 مردگان غیرمغان، ۳۷۰
 مردگان مَع دینان "مجوس"، ۳۷۰
 مردگان و دفن ناکردن آنان، ۷۶
 مردمان، ۶۲، ۶۳، ۶۵
 مردمان پارس، ۲۶۷
 مردم بابل، ۲۳۹
 مردم بلزیان، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۸۰
 مردم بومی ایران زمین و آریایی های مقدم، ۳۴۹
 مرد ناهنجار، ۳۸۷

مصر بالا و پایین، ۲۹۶	مزداه، ۱۸۵، ۱۸۶
مصری، ۲۹۶، ۲۶۰، ۲۴۱، ۲۰۰	مزدذاته، ۳۶۴
مصریان، ۲۶۰، ۲۲۵، ۲۲۰، ۱۰۳، ۵۴، ۵۳، ۲۱	مزدکارگران و شیوه پرداخت، ۲۴۶
مصری‌ها، ۲۴۰، ۲۱۰، ۲۰۱	مزدتشنا، ۲۸۸، ۱۵۸، ۱۵۰، ۱۳۹، ۱۳۵
معابد آفرودیت، ۲۸۵	مزدتشنان، ۳۴۴، ۲۲۶، ۱۶۴، ۷۰
معابد ناهید، ۲۸۴، ۲۶۶	مزدتشنای ایرانی، ۱۳۷
معابد نثار، ۲۹۲	مزدتشنای زرتشتی، ۱۶۴، ۱۴۲
معادن آهن، ۲۰۲	مزدتشنای شرق و غرب، ۲۸۸
معاصی کبیره، ۳۷۵	مزدتشنای هخامنشی، ۲۸۸
معبد آناتی تیس، ۲۸۷	مزدتشنایی، ۱۳۸
معبد آزی‌دا، ۲۹۲	مزدتشنی، ۳۱۵، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۳۹
معبد آناهیتا، ۲۸۷، ۲۸۳، ۲۷۰	مزدتشنی ایرانیان، ۱۵۲
معبد بزرگ آپولون، ۲۹۹	مس، ۲۴۷، ۲۰۰، ۳۲، ۱۷
معبد بزرگ آساگی‌لا، ۲۹۲	مسأله آب، ۱۶
معبد شوش، ۲۸۳، ۲۶۶	مسلمانان، ۲۷۳
معبد مزدوک، ۲۹۱	مسن مغان، ۳۸۰
معبد مردوک در بابل، ۲۹۲	مسن میت، ۳۵۹، ۳۵۲
معبد ناهید، ۲۸۷، ۲۸۲، ۲۶۹	مس و روش ذوب، ۳۳
معبد نبو، ۲۹۲	مس و طرز استفاده از آن، ۳۲
معبد همدان، ۲۷۰	مسیحیان، ۲۷۰
معبد همدان و داستان آسپاسیا، ۲۶۶	مسیحیت، ۲۸۴، ۱۳۲
معتقدات بومی ایرانی، ۱۸۶	مسیحی شدن ارمنستان، ۲۸۲
معتقدات سکاها، ۱۳۹	مسینا، ۱۸۶
معماری، ۲۴	مشیانه، ۵۴
مغ، ۱۸۷، ۲۲۰، ۲۵۷، ۲۶۳، ۳۵۳، ۳۵۵، ۳۶۰	مشیمه زنان، ۲۷۲
مغان، ۲۵۲، ۲۵۱، ۲۱۷، ۲۱۶، ۱۸۶، ۱۸۳، ۷۶	مشیه، ۵۴
۳۴۸، ۳۰۷، ۳۰۰، ۲۹۱، ۲۹۰، ۲۷۶، ۲۵۷	مصر، ۲۰۱، ۱۹۹، ۱۲۳، ۸۸، ۸۳، ۸۲، ۷۶، ۳۴
۳۶۸، ۳۶۷، ۳۶۴، ۳۶۳، ۳۵۹، ۳۵۵، ۳۵۳	۲۲۶، ۲۲۳، ۲۲۱، ۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۱۲
۳۷۹، ۳۷۸، ۳۷۷، ۳۷۲، ۳۷۱، ۳۷۰، ۳۶۹	۲۹۳، ۲۹۲، ۲۷۶، ۲۴۰، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۲۷
	۲۹۹، ۲۹۸، ۲۹۶، ۲۹۵

شو، ۱۳	۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶
موتیذی، ۳۶۷	۳۸۹، ۳۹۲
موبدان، ۱۳۱، ۳۰۴، ۳۸۲، ۳۸۶	مغانِ پیش از زمانِ زرتشت، ۳۴۹
موبدان زرتشتی، ۳۰۳	مغان روحانیان آیین میتراپی، ۱۸۷
موبدان مزدیسنی، ۶۸	مغان مادی، ۱۸۷، ۲۲۶
موبدان وه‌دین، ۳۷۹	مغان مجوسی، ۱۸۷
موبدانِ هندو، ۱۳۱	مغان مَزَدَیْسَنی، ۳۷۹
موبدِ کاردانِ مراسمِ بَرِشَنوم، ۳۶۰	مغانِ مغ، ۲۲۶، ۳۸۰
مورچگان، ۲۵۸	مغان میتراپی، ۱۸۷
مورچه، ۷۶، ۳۸۴	مغولان، ۱۴، ۱۲۳
مورچه دانه کش، ۳۷۴	مَغّه، ۳۶۱، ۳۶۲
مورچه گزنده، ۳۷۴	مغ‌ها روحانیان مَزَدَیْسَنی، ۲۸۸
موردانه کش، ۳۷۷، ۳۸۴	مفرغ، ۴۶، ۴۸، ۱۹۱، ۱۹۲
موزه انگلستان، ۲۶۷	مقام زنان، ۱۱۴
موزه "لوور"، ۹۶	مقام سگ در اجتماع، ۱۱۳
موسا، ۲۷۵	مقبره و گور، ۴۳
موش آبی، ۳۷۱	مقبره داریوش، ۲۶۳
موش دریایی، ۳۷۲	مقبره زئوس، ۴۳
موش صحرائی، ۳۷۲	مقدونیّه، ۲۳۶
موضوعات کلاسیک هنر ایرانی، ۱۹۴	مکالمه زرتشت با آهورامزدا، ۳۸۵
موعود آخر زمان، ۳۸۵	مکران کوه، ۱۵
مومیایی، ۲۵۷	مکزیک، ۷۳
موها و ناخن‌ها، ۷۵	مگس، ۳۵۴، ۳۷۴
موهای زائد و ناخن "آداب و ادعیه اجرایی"، ۳۷۸	مگس کثیف، ۳۵۸
موی و ناخن "نِسا و ناپاک"، ۷۵	مگوش / مغ، ۲۶۳
مویه و شیون و سوگ، ۳۶۸	مَگّه، ۳۶۲
مهابهاراته، ۶۳	ملاقات جمشید و اهورامزدا، ۵۵
مهر، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۸۹	مملکت چهارگوشه ورنه، ۳۲۳
۲۵۶، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۳۱۸، ۳۲۱	میمنون، ۲۵۴
	مَنتر، ۳۰۵

میتانی‌ها، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۷	۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۵
میترا، ۸۵، ۱۲۶، ۱۳۶، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۸۰، ۱۸۱	۳۴۶، ۳۴۷
۱۸۵، ۱۸۸، ۱۸۹، ۲۵۵، ۲۵۶، ۳۰۳، ۳۴۵	مهر آیین‌ها، ۳۴۵
۳۴۶، ۳۴۷	مهرایزد، ۱۵۱
میتراپرستی، ۸۸، ۱۵۱، ۱۷۹، ۱۸۴، ۲۸۷	مهرایزد خورشید، ۲۶۶
میترا در ودا، ۱۴۹	مهرایزد روشنائی، ۱۴۹، ۲۶۵
میترا "میتزه"، ۱۴۸	مهرایزد روشنائی و فروغ و نور، ۱۵۰
میترا و آپولون، ۱۵۰	مهرپرستی، ۸۸، ۱۸۷، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۸۳، ۲۸۵
میترا-وارونه، ۱۵۰، ۱۵۱	مهرپرستی ایرانی، ۱۸۹
میترا و آناهیتا، ۲۵۲	مهر پیش از زرتشت، ۱۴۹
میترا و وارونه، ۱۵۱	مهر پیمان‌ها، ۳۳۷
میترا یا مهر، ۱۴۹	مهر خداوند راستی و پیمان، ۲۵۵
میترای گاووزن، ۸۸	مهر دارنده چراگاه‌های فراخ، ۳۲۷
میتربی، ۱۳۸	مهر دارنده دشت‌های فراخ، ۱۴۴، ۳۱۰
میتزه، ۸۵، ۱۸۵	۳۲۲، ۳۴۰
میتزه، ۱۴۹، ۳۰۳، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰	مهر در سانسکریت، ۱۴۹
۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۵۱	مهر ذروج، ۱۸۸، ۳۴۱، ۳۴۶
میتزه / آهور، ۱۴۹، ۳۴۴، ۳۴۷	مهر دروجی، ۳۳۹، ۳۵۱، ۳۵۲
میتزه ایزد جنگ، ۳۳۸	مهرکوه، ۳۸۷
میتزه، دارنده دشت‌های فراخ، ۳۴۴	مهرکوه، ۳۸۹
میتزه-دروج، ۳۴۶، ۳۵۱	مهر، "میترا"، ۱۴۰
میتزه / میترا، ۱۴۹	مهر و بهرام، ۲۸۳
میتزه وارونه، ۱۴۹	مهر و ناهید، ۲۵۴
میتزه، ۸۵، ۱۸۵، ۲۵۴، ۲۶۴، ۲۸۷، ۲۸۸	مهر و ناهیدپرستی، ۲۷۶
میتزه / میترا، ۲۶۷	مهرها، ۳۴
میتزه، ۱۷۶، ۱۷۷	مهرها، ۳۳
می‌سهنه، ۱۱۷	مهرنشست، ۱۶، ۱۵۰، ۱۸۸
می‌سی‌بان، ۳۷	مهمان‌نوازی، ۱۱۵
میش دشتی بسیار زیبا، ۳۱۷	میتانی، ۸۳، ۸۷، ۹۳
می‌لی‌تا، ۲۵۶، ۲۸۵، ۲۸۶	میتانیان، ۳۷، ۸۲، ۸۳

- میثوی ایزدان، ۳۱۵، ۶۴
 مینوی بد، ۳۱۴
 مینوی خرد، ۳۶۸
 مینوی زشت و زیانکار، ۱۴۱
 می‌یر، ۸۲
- "ن"**
- نَئیر یوسَنگَه، ۳۹۲، ۳۸۶، ۳۴۱
 نائیریکا، ۳۸۶
 ناپاکی دشتان، ۳۷۶
 ناپاکی و نجاست غیر مستقیم، ۳۶۶
 ناپاکی و نجاست مستقیم، ۳۶۶
 ناپلئون، ۲۹۴
 ناپی راسو، ۹۶
 ناتورالیزم، ۲۸
 ناخن، ۳۷۸
 ناخن گرفتن، ۷۵
 ناخن و مو، ۷۶
 نادعلی، ۱۹۳
 نارنج، ۱۶
 ناساتی/ناسئتی، ۱۳۶
 ناگاه‌ها، ۱۲۵، ۱۲۰
 نان‌دی، ۱۲۵
 ناوَنگه‌ایث‌یه، ۳۶۵، ۷۵
 ناهید، ۲۸۵، ۲۸۳
 ناهیدپرستی، ۲۶۶، ۲۷۱، ۲۸۳، ۲۸۴
 نیوکدنسار، ۹۷
 نیوکدنسار سوم، ۲۲۲
 نبونید، ۲۲۲، ۲۱۸
- نارهای روحانیان، ۱۴۲
 نجاستِ درونی، ۳۶۰
 نجاست مستقیم و غیر مستقیم، ۳۷۰
 نجبا، ۲۰۶
 نجبای میتانی، ۱۳۶
 نجس، ۳۷۰
 نجوم، ۱۱
 نخستین امپراتوری بزرگ آریایی، ۸۲
 نخستین پزشک، ۳۸۸، ۷۶
 نذور بهرام ایزد، ۳۱۹
 نردبان یعقوب، ۴۶
 نردیک، ۱۹۴
 نَرْم‌سین، ۴۰، ۳۸
 نریمان گرشاسپ، ۲۷۲
 نژاد اسکاندیناوی و بریتانیای شمالی، ۱۹۴
 نژاد مدیترانه‌یی، ۷۲
 نژاد هند و اروپایی، ۱۰۱
 نِسا، ۳۸۵، ۳۵۴
 نِساسالار، ۳۵۸
 نَسَب‌نامه خدایان، ۱۴۷، ۲۵۷
 نَشک، ۳۶۸، ۳۴۸
 نَسو، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۶۶، ۳۸۵، ۳۸۷
 نَسوش، ۷۷
 نشانه حیض، ۳۷۶
 نطفه زرتشت، ۳۱۳
 نطفه مردان، ۲۷۲، ۲۷۷
 نظام اساسی جهانی، ۱۲۹
 نظام اشتراکی، ۳۶
 نظر بد "دوژ دئیتَر"، ۳۹۰
 نظریه ثنوی، ۱۴۱

نور، ۱۳۸	نظم ستارگان، ۱۲۹
نور آسمانی، ۱۴۰	نظم کیهانی، ۱۲۹
نورانیان، ۱۳۱	نظم و ترتیب گیهانی، ۱۲۹
نور و روشنائی، ۱۵۱، ۶۰	نقاشان، ۲۸
نوشیدن هوم، ۱۴۰	نقاشی، ۲۹، ۳۰، ۱۹۳، ۱۹۴
نوشیدنی مقدّس، ۳۰۰	نقاشی حیوانات، ۲۴۱
نون ماخ، ۲۹۲	نقاشی ها، ۲۸
نُه خط و شیار، ۳۹۲	نقره، ۲۴، ۴۶، ۲۴۰، ۲۴۷
نُه شاخه گیاه ویژه، ۳۹۲	نقره و مس و آهن، ۲۴۷
نُه نوع گاو نر، ۳۹۲	نقره درخشان، ۴۱
نُه نوع گوسفند نر، ۳۹۲	نقش رستم، ۲۶۳
نیاگان پرستی، ۱۳۴، ۵۱، ۳۰۳	نقش فلاحت در اقتصاد، ۲۰۱
نیبرگ، ۱۸۴، ۱۸۵، ۳۸۷	نقش و تصویر انسان، ۱۹۴
نیت، ۲۹۹	نقش و نگار باگیل آخر ابر بدن مردگان، ۴۹
نی دین توبل، ۲۲۲	نقشه شورش مجوسان، ۲۲۱
نیرنگ، ۳۶۰	نقوش برجسته آشوری، ۲۱۱
نیرنگ کشتی بستن، ۳۶۴	نگاره ها، ۱۹۳
نیروی دریایی، ۲۴۶	نگاهداری مردگان در فصل زمستان، ۳۵۲
نیروی دریایی یونان، ۲۱۸	نماد خشکی، ۱۵۶
نیروی ده اسب، ۱۵۸، ۱۶۱	نماز اَنْبِیِّیْنِ اِیْشِیْه، ۳۰۶
نیروی ده روذآب قابل کشتی رانی، ۱۵۸	نماز اَشْه وَهَیْشْتَه، ۱۴۴، ۳۲۲
نیروی ده شتر، ۱۵۸	نماز اَهْوَنَه وَتِزْنَه، ۱۴۵، ۳۲۲، ۳۳۱
نیروی ده گاو، ۱۵۸	نمازهایی برای بارش باران، ۱۷
نیزه، ۱۱۱، ۱۹۴، ۳۷۸	نَمْتُو، ۳۵۸
نیزه انداز، ۲۰۹	نَمَد، ۳۵۷، ۳۵۸
نیشکر، ۱۶	نَنار، ۲۹۲
نیم رخ انسان، ۱۹۴	نود و نه هزار و نه سد و نود و نه بیماری، ۳۹۲
نین گال، ۲۹۲	
نینوا، ۲۰۸	نوذر، ۲۸۰
نی نورتا، ۹۴	نوذریان، ۱۴۶، ۳۲۴

وژنزه، ۱۵۵	نی نه بند، ۳۶۰
وژت زهن، ۱۵۵	نی نه گره، ۳۶۱
وژنژغه، ۱۴۰، ۱۵۶، ۱۸۰، ۱۸۶، ۳۰۳، ۳۱۴	نیویکه، ۳۲۸
۳۴۲، ۳۴۲، ۳۴۶	
وژنژغه / بهرام، ۳۱۵	
وژنژکژد، ۶۵	
وژشه وه، ۳۲۸	
وژنه، ۱۴۵، ۲۷۸	
وژنیه، ۳۶۵	
وژهرام، ۱۸۰	
وژهران، ۱۸۰	
وزع مرده، ۳۷۰	
وزغ، ۷۶، ۳۸۹	
وزغ آبی، ۳۷۴، ۳۸۲	
وژغان، ۳۸۵	
وزغ زمینی، ۳۸۴	
وژغنه، ۳۸۵	
وسایل نقلیه چرخ دار، ۲۴۵	
وضع اجتماعی و طبقاتی بردگان و اسیران، ۱۰۹	
وضع اجتماعی و هنری هخامنشی، ۲۳۷	
وضع دفن مردگان، ۴۹	
وضع طبقاتی در جامعه آریایی، ۱۱۵	
وضع گورسازی، ۱۹۰	
وضع مالکیت، ۱۱۵	
وضو دست شو، ۳۸۱	
وژدیرمتی نیش، ۲۸۲	
وندیداد، ۱۸، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۳۲، ۴۹، ۵۱، ۵۵، ۵۷، ۶۰، ۶۹، ۷۱، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷	
	و
	وژنیه "لواط، غلامبارگی"، ۳۵۸
	وژنور و کشته، ۱۵۸، ۳۲۹، ۳۵۲، ۳۸۹
	وژنور و گئوینوئی تی، ۳۳۷
	واته "ایزدبانو"، ۳۶۵
	واحدهای چهارگانه محلی، ۲۰۶
	وارونا، ۱۲۶، ۱۲۹
	وارونه، ۸۵، ۱۳۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰
	۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۵
	وارونه - میترا، ۱۵۰
	واشتزیه، ۷۰
	واشتزیه. فشوینت، ۷۰
	واسطه ازدواج، ۳۸۲
	والانی، ۱۴۶
	وام گرفتن، ۲۶۱
	واندالها، ۲۱۱
	وانیان، ۳۷
	وایو، ۱۲۶
	وای وژر، ۳۶۵
	وژجر، ۱۵۵
	وداء، ۱۴۰، ۱۵۰، ۱۵۱
	وداهای، ۱۰۹، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۶۷
	وداهای هند، ۱۳۷
	ودای برهمنان، ۱۵۰
	وز، ۵۹، ۶۵، ۱۸۵، ۳۵۰

هخامنش، ۲۰۷	هزار دریاچه و هزار رود، ۲۷۷، ۲۸۱
هخامنشی، ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۰۷، ۲۳۷، ۲۴۰	هزار شتر، ۳۹۲
۲۴۳، ۲۶۴، ۲۶۷، ۲۸۸	هزار کمان، ۳۴۶
هخامنشیان، ۱۱، ۱۶، ۳۶، ۲۰۱، ۲۱۶، ۲۱۷	هزار گاو، ۳۹۲
۲۲۱، ۲۲۶، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱	هزار گرز آهنین، ۳۴۶
۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۷۶، ۲۸۹، ۳۰۰	هزار گوش، ۳۳۷
هخامنشیان دارای دین زرتشتی بودند یا نه، ۲۴۹	هزاره سازی، ۳۸۵
هخامنشیان و سیاست مذهبی، ۲۹۱	هزاره ها، ۳۸۵
هخامنشی ها، ۲۴۶، ۲۶۳	هستی های زنده آئنه، ۳۳۲
هَذَا - نَبِيْتَه "بوی، چوب یا گیاهی مقدّس"، ۳۵۸	هسیودوس، ۵۳، ۱۴۷
هَزْتِي، ۲۷۲	هشت ایزد، ۳۴۰
هَزْتِي تِي بَرَز، ۳۴۱، ۳۴۳	هشت بلندی، ۳۴۱
هَزْتِيَوَه، ۳۶۷	هفت امشاسپند، ۳۲۶
هرات، ۱۷، ۱۲۳، ۳۶۷، ۳۶۸	هفت اورنگ، ۳۸۶
هرج و مرج و فحشای مذهبی، ۲۸۲	هفت خدا، ۱۵۱
هَزْمَزْد، ۱۴۸، ۲۸۴	هفت دروازه، ۴۳
هرمزديشت، ۳۶۴	هفت کشور، ۱۵۹، ۱۶۱، ۲۷۸، ۳۲۷، ۳۳۱
هرم های مصری، ۴۳	۳۳۸، ۳۴۲، ۳۴۶
هرمیوس، ۲۵۰	هفت نجیب زاده و دلاور پارسی، ۲۲۱
هرودوت، ۱۸، ۴۳، ۷۳، ۷۸، ۱۳۰، ۱۳۹، ۱۸۶	هفت نجیب زاده پارسی، ۲۲۰
۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۷، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶	هگمتانه، ۱۷، ۲۱۰
۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۸	هم جنس آمیزی، ۱۲۴
۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۱، ۲۹۵، ۲۹۹، ۳۷۰	همدان، ۱۷، ۱۹، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۲۲، ۲۶۷
۲۶۹، ۲۷۰، ۲۸۷	۲۶۹، ۲۷۰، ۲۸۷
هَزُوْنِي، ۸۵	هَمْش پَت مَيْدِيه، ۳۱۲
هَزُوْشَبْ آگَاه، ۱۴۸	همسرانِ آسُوْرَه - واروَنَه، ۱۵۴
هزار اسب، ۳۹۲	هند، ۳۴، ۸۸، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۲۰
هزار خدا، ۸۴	۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۵۹، ۱۶۱، ۲۰۲، ۲۴۰
هزار خنجر دودم، ۳۴۶	هند شرقی، ۳۴۴
	هند غربی، ۳۴۴

۴۹۰ □ دین و فرهنگ ایرانی

هنرمندان، ۱۹۴	هندو، ۷۸
هنرمندان ایرانی، ۲۴۲	هند و اروپایی، ۸۱، ۸۴، ۸۵، ۸۸، ۸۹، ۹۲
هنر میتانی، ۸۶	۹۳، ۹۴، ۹۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۳۷، ۱۳۹
هنر نقاشی، ۱۹۴	۱۹۴، ۲۷۳
هنر نگارگری، ۱۹۳	هند و اروپاییان، ۸۸، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۲
هنر و معماری، ۲۴۰	۱۸۱
هنر هخامنشی، ۲۳۷، ۲۴۰	هند و اروپایی‌ها، ۹۲
هنر یونانی، ۲۴۰، ۲۴۲	هندوان، ۶۳، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۵۱
هنگوهرته، ۳۸۳	۱۵۷، ۱۶۶
هوت‌ه‌اسا، ۱۴۶	هند و ایرانی، ۶۳، ۸۲، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۲۷، ۱۳۹
هوروس، ۲۹۶	۱۵۵، ۱۸۵، ۳۸۷
هوری، ۸۷	هند و ایرانیان، ۱۰۲، ۲۶۷
هوریان، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۷	هندوستان، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۲۰، ۱۲۲
هوشنگ پیشدادی، ۱۴۵، ۲۷۸، ۳۲۳، ۳۲۷	۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۹۹
هوکنیزیه، ۳۴۳	هندوکش، ۹۳، ۱۰۲
هوم، ۱۲۷، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸	هندی، ۱۸۰
۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۶	هندیان، ۱۰۲، ۱۲۸
۲۷۷، ۳۰۰، ۳۳۷، ۳۴۳، ۳۷۹، ۳۸۳، ۳۸۵	هندیان آریایی، ۱۲۸
هوم، ۱۲۷	هندی باستان، ۱۸۰
هوم ایرانی، ۱۶۵	هندی‌ها، ۱۳۶
هوم پارسا، ۱۴۵، ۱۶۵، ۳۲۳	هندی‌های آریایی، ۱۲۲
هوم پاک، ۱۷۴	هنر ایرانی، ۲۴۱، ۲۴۲
هوم پاک دورگرداننده مرگ "دور آشه"، ۱۷۲	هنر بابلی، مصری و آشوری، ۲۴۰
هوم پاک مرگ‌زدای، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۸	هنر پارسی، ۲۴۲
هوم پاک نیروبخش، ۱۷۸	هنر در خدمت قدرت، ۲۳۷
هوم پیش از زرتشت، ۱۶۳	هنر کوزه‌گری و نقاشی‌های آن، ۳۰
هوم درست آفریده شده، ۱۷۲	هنر مادی‌ها، ۲۱۲
هوم درمان بخش، ۱۷۴، ۱۷۵	هنر مصری و آژه، ۸۶
هوم دور دارنده مرگ، ۱۷۷	هنر معماری، خصایص هنر در زمان
هومر، ۱۲۳، ۱۹۸	هخامنشی، ۲۳۷

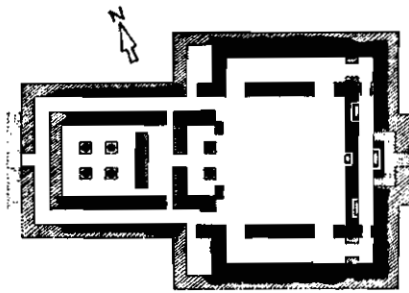
"س"

- هوم زرین، ۱۶۶
 هوم زرین بلند رُسته، ۱۷۷
 هوم سفید، ۳۸۹
 هوم، گیاه زرین، ۱۸۸
 هومل، ۸۲
 هوم مرگ‌زدا، ۱۶۸
 هوم مَرّدا داده، ۱۷۸، ۱۷۶
 هوم نیروبخش گیتی‌افزا، ۱۷۷
 هوم نیک آفریده شده، ۱۷۲
 هوم نیکِ مرّدا آفریده، ۱۷۸، ۱۷۶
 هوم و سوما، ۱۲۵
 هوم / هَنوَمَه، ۳۰۳، ۱۸۶
 هومروس "هومر"، ۱۲۳
 هوم یشت، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۹، ۳۰۳، ۳۸۳، ۳۸۸
 هوم‌نیک، ۲۸۲
 هُوَوُخْشَر، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۶۹
 هه‌پا، ۸۵، ۸۷
 هه‌پیت، ۸۵
 هیتاسپه زرین‌تاج، ۳۲۸
 هیتی، ۸۴، ۸۷، ۲۴۱
 هیتیان، ۳۷، ۸۲، ۸۳، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۳
 هیتی‌ها، ۸۱، ۸۳، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۳
 هیرکانی، ۲۱۸
 هیرمند، ۳۳۰
 هیزم خشک، ۳۸۳
 هیزو، ۳۸۳
 هیندو، ۱۲۷
 هَنوَمَه، ۱۵۶
- یاتو، ۳۹۱
 یافثی، ۳۷
 یاک‌شا، ۱۲۵
 یَتَاهُو، ۱۷۸، ۳۰۷
 یَتَاهُو و تیریو، ۳۲۲، ۳۶۶، ۳۸۵
 یزدان و اهریمن، ۳۸۹
 یَسَنکَه، ۳۸۹
 یَسَناه، ۱۷، ۱۵۰، ۱۶۹، ۲۵۴، ۲۶۸، ۳۰۶، ۳۰۴
 ۳۴۵، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۸۳
 یَسَنایِ نه وده و یازده، ۱۶۵
 یَسَنَت، ۱۶، ۱۷، ۱۴۳، ۱۴۶
 یَسَنَتِ شاهان، ۳۲۵
 یَسَنَتِ ها، ۱۶، ۱۱۵، ۱۲۸، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۶۵، ۱۸۵، ۱۸۹، ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۳
 ۲۷۷، ۲۹۰، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۴، ۳۲۳، ۳۳۲، ۳۳۷، ۳۴۳، ۳۴۹، ۳۶۷، ۳۸۳
 یَسَنَتِ های جدید، ۲۹۰، ۳۰۴، ۳۸۰
 یَسَنَتِ های قدیم، ۲۹۰، ۳۰۴، ۳۸۰
 یَسَنَتِ های کهن، ۲۷۹، ۳۸۳
 یَسَم سبز، ۳۳
 یک هزار شمشیر دولبه، ۳۴۶
 یَمَه، ۵۴
 یَمَه/بَمَک، ۵۴
 یَمی، ۵۴
 یوایشته، ۲۷۵
 یوایشته فریانه، ۲۸۰
 یوژدائترگر، ۳۶۰

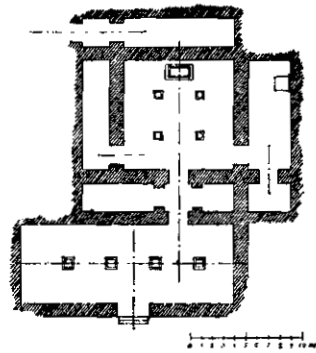
۴۹۲ □ دین و فرهنگ ایرانی

۲۹۰	یوستی، ۱۵۰
یهودی، ۷۴، ۲۲۶، ۲۷۴، ۲۹۲	یونان، ۴۴، ۷۶، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۲۸، ۱۹۴، ۱۹۹
یهودیان، ۱۱۰، ۱۲۴، ۲۸۷، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳	، ۲۰۱، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۳۶، ۲۴۵، ۲۷۰، ۲۷۶
۲۹۸	۳۷۰، ۲۸۷، ۲۸۴
یهودیه، ۲۲۳، ۲۲۸	یونانی، ۴۳، ۷۲، ۸۸، ۹۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۳
یَهُوَه، ۲۷۵، ۲۹۲	، ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۸۰، ۱۸۹
ییمه، ۵۴، ۸۳	، ۱۹۸، ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۳۶، ۲۴۱، ۲۵۰
ییمه / جمشید، ۵۵	۲۶۶، ۲۶۹، ۲۸۵، ۲۹۹
	یونانیان، ۱۴۷، ۲۲۵، ۲۳۶، ۲۴۲، ۲۵۶، ۲۶۰

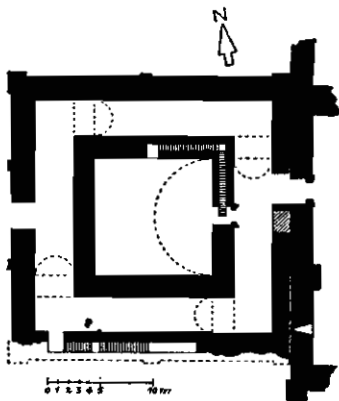
پلان‌های آتشکده‌ها که ملاحظه می‌شود، از کتاب دین‌های ایرانی، اثر ویدن‌گرن،
ص ۳۹۷-۳۹۶ چاپ پاریس ۱۹۶۸ برداشته شده است.
G.Widengren: *Les Religions de L'iran*



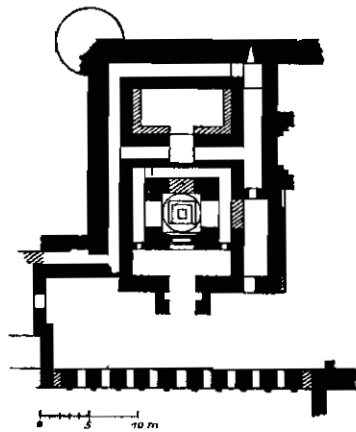
۱. آتشکده شوش - دوران ایلامی



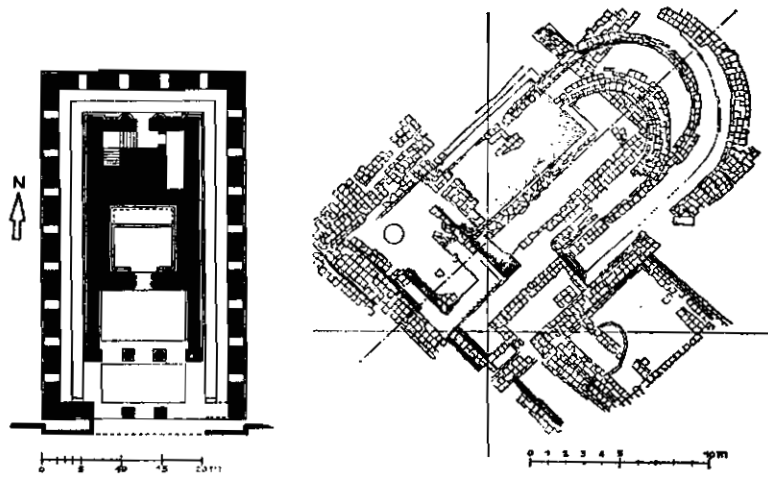
۲. آتشکده پرسپولیس - دوران هخامنشی



۳. آتشکده هتّرا - دوران پارسی

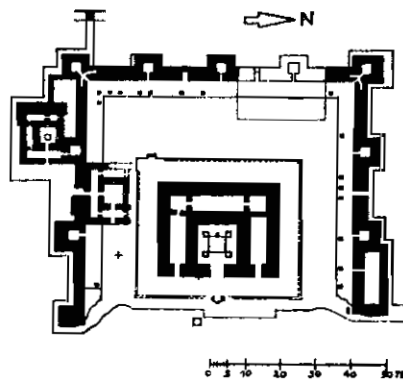


۴. آتشکده کوه خواجه "سیستان"



۵. عبادت‌گاه آتشکده جندیال

۶. مهربابه یا معبد زیرزمینی میترا در اورک. وژکه



۷. معبد سرخ گنتل در افغانستان

HÂSEM.E RAZI

*The Religion and Cultur
Of Ancient Iran*



publisher of

Entesharate Sokhan

Tel - Fax: 6465970-6460667

First Publication

TEHRÂN

2003 / 1382